اعمال السنة

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

۱۳۸۶/۳/۱۷

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: ادعیه ایام و شهور (منذیل به رساله تحیه ازلف)

مؤلف متن .... محشی ....

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر .... نوع خط نسخ .... تعداد سطر ۲۱

جزء کتب ادعیه زبان فارسی و عربی عدد اوراق ۳۲۷

طول ۲۵ عرض ۱۶ شماره عمومی ۲۳۴۱۵

وقفی اهدائی حجة الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی ... تاریخ ... وقف / خریداری ... ۷۱

ملاحظات ...

جهت یادگار قلمی شد

هزار رحمت کند کسی را که در چاپ

این کتاب اهتمام نماید محمود ...

۲۷/۹/۸

تکبیر واجب وبسه تکبیر افضل و بهفت تکبیر از همه افضلست ویکی از اینجمله بتعیین
واجب وباقی مستحب وبعداز تکبیر سیم بکوید اللهم انت الملک الحق المبین لا اله
الا انت سبحانک وبحمدک عملت سوءً وظلمت نفسی فاغفرلی انه لا یغفر
الذنوب الا انت و بعداز تکبیر پنجم بکوید لبیک وسعدیک والخیر فی یدیک
والشر لیس الیک والمهدی من هدیت عبدک وابن عبدیک ذلیل بین
یدیک لا ملجأ ولا منجا ولا مفر منک الا الیک تبارکت وتعالیت سبحانک
وحنانیک سبحانک ربنا ورب البیت ٥ وهرکه پیش از تکبیر احرام بکوید یا
محسن قد اتاک المسیئ وقد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیئ وانت المحسن
وانا المسیئ بحق محمد وآل محمد صل علی محمد وآل محمد وتجاوز عن قبیح ما
تعلم منی خدای تعالی بملایکه کوید کواه باشید که کناهانش را عفو فرمودم وهرکه
را پیش او حقی یا مظلمهٔ بود از او راضی نمودم پس اکر تکبیر هفتم را قصد تکبیر احرام
کند این دعا پیش از ان بخواند وبعداز تکبیر هفتم بخواند این دعا را وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم ودین محمد ومنهاج علی والائمة
الائمة من آل محمد صلی الله علیه وآله حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان
صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت
وانا من المسلمین اللهم اجعلنی من المسلمین ٥ ودرحال ایستادن ورکوع کردن
پایها را ازهم بکشاید بقدر سه انکشت تا یکوجب وزنان درهردو حال باهم نزدیک
کذارند تا فاصله نباشد پس از شیطان رجیم بخدا پناه برده بکوید اعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم وپس ازان حمد وسوره در دو رکعت اول هر نماز بخوانند
وافضل آنست که در رکعت اول نماز عصر ومغرب سورهای کوتاه بخوانند مثل
انا انزلناه وقل هو الله احد واذا جاء ودر نماز ظهر وخفتن سورهای متوسط مثل

والشمس وسبح اسم ودر نماز صبح ازین درازتر مثل عمّ وهل اتی ودر رکعتها
دوم قل هو الله زیرا که بعد ازان قنوت خوانده میشود ودعا بعد از خواندن قل هو الله
مستجابست ودر نماز شام وصبح وخفتن جمعه سورهٔ جمعه وقل هو الله ومرویست
اگر کسی برای فضل و ثواب سورهٔ خواهد بخواند وبعوض آن سوره انا انزلنا وقل هو الله
بخواند همان ثواب را داشته باشد با ثواب این دو سوره اما در نماز جمعه وظهر آن
سورهٔ جمعه ومنافقین باید خواند که افضل است وبعضی از اصحاب واجب دانس
واگر پنج نماز بگذارد که قل هو الله نخواند فرشته ندا کند که ای بندهٔ خدا تو از جمله نما
کنند کان نیستی ومردان باید که دو رکعت اول نماز شام وخفتن وصبح را بلند
نماید وهمچنین نماز جمعه ودو رکعت اول ظهر جمعه را اگرچه منفرد باشد وباقی رکع
را آهسته واگر عمدًا نماز جهری را اخفات یا اخفاتی را جهر کند باطل باشد وا
باید کرد وحدّ آهستگی آنست که خود بشنود واگر آهسته ازین باشد مجزی نبا
وحدّ بلندی آنست که بسیار بلند وآواز شدید نباشد بلکه حدِّ وسط باش
وچون نمازها جهری را بلند بخواند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از و دور ش
وبر صراط بگذرد ودر روز قیامت مسرور وخوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت ش
وبعد از اتمام الحمد وهمچنین بعد از سوره بقدر نفسی ساکت باشد وبعد از ق
قرائت ایستاده تکبیر گوید ورکوع کند ودستها را بر زانو گذارد وانگشتان را بگشاید
چنانچه زانو را بر مشت گیرد وزانو را بعقب میل دهد وپشت را آنقدر خم کند که ا
قطرهٔ آب بر پشتش ریخته شود قرار گیرد وبطرفی حرکت نکند وگردن را دراز کند
راست بگیرد وبالها از هم بگشاید واعضا بر یکدیگر تکیه نکند وزنان دستها را بالا
زانو بگذارند تا بسیار خم نشوند واعضای ایشان بهم جمعتر باشد وسه مرتبه ت
بگوید سُبحانَ ربّیَ العظیمِ وبحمدِه واگر این تسبیح رکوع وسجود را یکمرتبه گوید یکتا

کرده

کرده باشد واگر دو مرتبه دو ثلث واگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد وپنج مرتبه افضل است
وهفت مرتبه افضل ازان وهرچند بیشتر گوید افضل تر بود مرویست که هر که رکوع را تمام
کند از وحشت قبر ایمن باشد وچون سر از رکوع بردارد راست بایستد واگر بعد از
رکوع پشت راست نکند نماز نکرده باشد وایستاده بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه الحمد
لله ربّ العالمین اهلَ الجبروتِ والکبریاءِ والعظمةُ للهِ ربِّ العالمین پس همچنان
ایستاده تکبیر بگوید وسر از پی سجود رود وهر دو دست را باهم بیشتر از زانو بر زمین گذارد
چنانچه برابر رو وزانو باشد وانگشتان بهم چسبیده برابر قبله باشد وساعدها را از هم
بردارد وبالها بگشاید چنانچه هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند وزنان اول بنشینند
وزانو را پیشتر از دست بر زمین گذارند بعد ازان سجده کنند واعضا را مجتمع دارند
وساعدها بر زمین بخوابانند وسجده بهشت عضو باید کرد پیشانی ودو کف دست
ودو زانو ودو انگشت بزرگ پای وسر بینی وهفت اول واجب وآخر سنت مرویست
که هر که بینی را بر آنچه پیشانی میگذارد نگذارد نمازش مجزی نباشد ومستحب است کف
دستها را بر چیزی گذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد تا آنکه در روز قیامت غلّ بر آن
نگذارند ودر سجده سه مرتبه یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید سُبحانَ ربّیَ الاعلی وبحمدِه
وکسی که سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند وگوید وای او اطاعت کرد ومن معصیت
واو سجده کرد ومن سرکشی ومستحب است که سجده بر تربت امام حسین علیه السلام
کنند که در میان بنده وخدای تعالی حجابها بشکافد وتا زمین هفتم را نورانی کند وچون
سر از سجده بردارد وپشت راست کند وبر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب
راست بیرون آید وپشت پای راست بر کف پای چپ باشد ونشسته تکبیر بگوید
پس بگوید استغفر الله ربّی واتوب الیه پس همچنان نشسته تکبیر بگوید وسجدهٔ
دیگر همچنان دستور بکند وچون سر بردارد وتکبیر بگوید وبنشیند پس رکعت دیگر

برخیزد واز سجده راست بر پای نخیزد که آن بدعت جبابره است ودر وقت برخواستن
هر دو کف دست بر زمین گذارد وبگوید بحول الله تعالی وقوته اقوم واقعد واگر خواهد ١
واركع واسجد نیز زیاده کند وبعد از فراغ از رکعت دویم تکبیر گوید ودستها بر داشته
قنوت بخواند هر ذکر ودعای که خواهد مجزی باشد اقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله
بگوید وهرچند طول بیشتر دهد روز قیامت راحتش بیشتر باشد وافضل نمازها
آنست که قنوتش طویلتر باشد واز جمله ذکرهای قنوت کلمات فرج فضل بسیار دارد وبعد
از کلمات فرج صلوات فرستد وهر حاجت ومطلب دنیوی واخروی ورحمت ومغفرت
برای خود ودیگران خواهد بطلبد واز جمله دعاهای مأثوره که متضمن همه آنها باشد
اینست اللهم انی اسئلک لی ولوالدی ولولدی واهل بیتی واخوانی المؤمنین فیک
الیقین والعفو والمعافات والرحمة والمغفرة والعافیة فی الدنیا والاخرة
ودر نماز صبح این قنوت مستحب است اللهم من کان اصبح وله ثقة ورجاء غیرک
فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی
ومسکنتی وقلة حیلتی وامنن علی بالجنة وفک رقبتی من النار وعافنی
فی نفسی وفی جمیع اموری برحمتک یا ارحم الراحمین ودر نماز جمعه دو قنوت است
یکی در رکعت اول پیش از رکوع ویکی در رکعت دوم بعد از رکوع ودر قنوت اول کلمات
فرج را بگوید وبعد از آن بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد کما هدیتنا به اللهم صل
علی محمد وآل محمد کما اکرمتنا به اللهم اجعلنا ممن اخترته لدینک وخلقته
لجنتک اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ودر قنوت دوم این دعا را بخوان که اللهم تم نورک فهدیت فلک
الحمد ربنا وبسطت یدک فاعطیت فلک الحمد ربنا ووجهک اکرم الوجوه و
جهتک خیر الجهات وعطیتک افضل العطیات واهناها تطاع ربنا فتشکر و

تعطی ربنا فتغفر لمن شئت تجیب المضطر وتکشف الضر وتشفی السقیم وتنجی من
الکرب العظیم لا یجزی بآلائک احد ولا یحصی نعمائک قول قائل اللهم الیک
شخصت الابصار ونقلت الاقدام ومدت الاعناق ورفعت الایدی وانت دعیت
بالالسن والیک سرهم ونجویهم فی الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح
بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیک غیبة
نبینا وشدة الزمان علینا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وکثرت عدونا
وقلة عددنا فافرج ذلک یا رب بفتح منک تعجله ونصر منک تعزه وامام
عدل تظهره اله الحق رب العالمین واز حضرت امام همام علی بن موسی الرضا
علیه السلام مرویست که از کسی پرسید که در نماز جمعه چه قنوت میخوانی گفت آنچه
مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم اصلح عبدک وخلیفتک بما
اصلحت به انبیاءک ورسلک وحفه بملائکتک وایده بروح القدس من عندک
واسلکه من بین یدیه ومن خلفه رصدا یحفظونه من کل سوء وابدله من
بعد خوفه امنا یعبدک لا یشرک بک شیئا ولا تجعل لاحد من خلقک علی
ولیک سلطانا واذن له فی جهاد عدوک وعدوه واجعلنا من انصاره انک علی
کل شیء قدیر وبعضی از علما نقل کرده اند که در قنوت دستها را برابر روی بگیرد
چنانچه انگشتان برابر قبله بهم چسپیده باشد وچون از قنوت فارغ شود تکبیر رکوع
گوید وبعد از سجود بهیأتی که مذکور شد بنشیند وتشهد را باین طریق بخواند بسم الله
وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و
عة اشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی السا
اشهد انک نعم الرب وان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد
وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته وبعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید

جبران درین کار چیرست و درج بدیری ایدالزحرا حوا است با

ودر رکعت سیم وچهارم احادیث بسیار وارد شده که تسبیح یا الحمد هر دو مساویست

هرکدام راخواهد بخواند وتسبیح اینست سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ

اَکْبَرُ اَسْتَغْفِرُاللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ وچون سلام دهد چنین کوید اَلسَّلامُ

عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلیٰ اَنْبِیاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ ٥

اَلسَّلامُ عَلیٰ جِبْرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ وَالْمَلٰئِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ ٥ اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

اللهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ لا نَبِیَّ بَعْدَهُ ٥ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ الْهادِینَ الْمَهْدِیّینَ

اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَعَلیٰ عِبادِ اللهِ الصّالِحِینَ ٥ وسلامی که نماز دران تمام میشود

سلام آخراست خواه امام باشد وخواه ماموم وخواه منفرد وباین سلام پیغمبر صلی

وائمه علیهم السلام راقصد کند وسلامهای دیکر مستحب است وامام بعد از سلام نماز خطاب

بمومنین کند وبکوید اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وماموم بعد از سلام

دو سلام کوید یکی جواب امام واکر کسی در جانب راستش باشد باین سلام نیز قصد

کند ویکی بجانب چپ اکر کسی باشد واکر نباشد در کار نباشد ٥ بدانکه درین باب

اشاره باسرار مقدمات واعمال نماز وذکر تعقیبه وآداب وافعال ان از اهل البیت

علیهم السلام مرویست که بهترین جامها وزینت ترین لباسها برای مومنان لباس

تقوی وپرهیزکاریست از هرچه الله تعالی حرام کردانیده وآنرا مکروه داشته ولباس

ظاهری نعمتی است کرامت فرموده تا عورات بدن واعضا وعیوب وقبایح آن پوشیده

شود وتوبه وتقوی کرامتی است که احسان فرموده تا کناهان باطن وهوسهای فاسد

وآرزوهای باطل بآن پنهان کردد مخفی نماناد که الله تعالی آب را طهور کردانیده تا فضلات

ونجاسات بآن بشوئی واز کدورات احداث وکثافات تنزه یابی ودر جدول توبه

واستغفار جاری ساخته تا نجاسات ذنوب وسیئات بآن تطهیر دهی وتا از اله نجاسات

ظاهر نکنی ودست وروی در وضو نشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله نمازی کردانی

وباعضای

۴

وباعضای ظاهر داخل مسجد شوی وبر سجاده بنشینی وبازبان ودهان تسبیح ومناجات

نمائی پس ازاله نجاسات باطن نانموده وخاطر از محبت باطل نشسته وشوندادهٔ و

نیت را برای خدای تعالی خالص نکردانیده چکونه لایق آن باشی که روی دل بسوی خدا

کنی وبر بساط قرب وکرامت تکیه فرمائی ودر حضرت عزت حدیث اسرار سرائی نمائی

وچون بمسواک دندانها را از کثافت چرک وآثار طعام جلا دهی ودهانرا از کراهت بوی

آن صفا دهی چکونه جوارح را از نجاست عصیان واطاعت شیطان ومخالفت رحمن

پاک ودلرا بمحبت دنیا که سر هر خطیه است بندکی وتضرع وخشوع وانابت وخضوع

طهارت ندهی وچون متوجه قبله شوی وبر پای ایستی روی از جمیع چیزها بکردانی

وروی دل از وسوسه دنیا نکردانی وایستادن موقف عرض اعمال وظاهر شدن خفیات

اسرار یاد نکنی پس چون اذان نماز بشنوی از ندای روز قیامت یاد آر وچون روی

بقبله کنی روی دل از هرچه غیر خداست چنان پندار که نیست در خدمت خدا ایستاده

وبا حضرت او در مکالمه واو دانائیست که هر ظاهر وپنهانی را داند وتوانائیست که

هرچه بخاطر کذرانی تواند وپادشاهی است که آسمان وزمین در وسعت مملکت او

ذره ایست وهر دو جهان از بحار خزاین رحمت او قطره ایست در خدمت او چنان بایست

که ضعیفترین بنده در خدمت عظیمترین پادشاه اکر سرش خواهد بخوارد کاهل وخواب

آلود وسنکین بنماز مخیز که این از جمله صفات منافقین است وبا ریش ودست

بازی مکن وانکشتان در میان یکدیکر میار که اینها همه در نماز نقصان است ودستها

بسینه مکذار که این عمل وشیوه مجوسانست وخمیازه با دهن واعضا مکن که از جمله

اعمال شیطانست واکر کسی در نماز انکشت بشکند نصیبش در نماز همان باشد وچون

تکبیر کوئی بزرکی وعظمت خدا را بیاد آری وهرچه غیر اوست در نزد بزرکی او خوار

شماری واکر دل بدیکری داری ودیکری را بزرکتر شماری الله تعالی کوید ای دروغ کوی مرا

درایان خدا و حفظ او و تو یاری کرده شده و دشمنان تو مقهور ند اگر خدا خواسته باشد

میفرمی بزبان الله اکبر میکوئی و دل بدیکری میدهی بعزت وجلال خودم که از شیرینی
ذکر خویش محرومت سازم و از نزدیکی جناب خود دورت کردانم و از لذت مناجات
بی نصیب و محجور دارم و در نماز دستها ابروی ران بیندازد وانکشتان بهم چسبیده
باشد و سر و کردن و کمر راست بکیرد و بطرفی میل و بچیزی تکیه مکن و زنان دستها را
ببینه چسبانند تا بر پستان متصل شود و بلندی پستان ننماید و در اثنای نماز آب
دماغ میفکن که بجهت تعظیم الهی در نماز آنرا فرو برد خدای تعالی تا وقت ممات صحت
بدن با وکرامت فرماید و پایهارا برابر هم بکذارد که پیش و پس نباشد و بی ضرورت چیزی
بردهن نبرد که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجده بر ندارد و باطراف التفات نکند
که هر که در نماز باطراف نکاه کند خدای تعالی کوید ای بندهٔ من بکجا نکاه میکنی و کرا
میطلبی آیا خدای غیر من میخواهی وجوادی سوای من میجوئی منم اکرم الاکرمین و منم اجود
الاجودین منم بهترین معطین منم که آنقدر ثواب دهم ترا که هیچکس قدر آن نداند روی
بجانب من کن که من روی با تو دارم و ملائکه روی با تو دارند پس اکر روی بکردانی
و متوجه نماز شوی کناه آنچه کرده زایل شود و اکر باز التفات بطرفی نماید خدای
تعالی همان مکالمه فرماید و همچنین تا چهار مرتبه و مرتبهٔ چهارم خدای تعالی روی از وی
بکرداند و ملائکه روی بکردانند و فرماید ای بندهٔ من واکذاشتم ترا بآنچه میخواهی
نعوذ بالله و در روایت دیکر وارد شده که مرتبهٔ سیوم الله تعالی روی بکرداند و بعد از ان
هرکز باو نظر نکند العیاذ بالله و در نماز دل با خدای دار و خیال غیر نماز بخاطر میاور
که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هر که دو رکعت نماز کذارد و بداند که
چه میکوید میان او و خدا هیچ کناه نماند مکر آنکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که
دل با آن باشد حساب شود و هر چه غافل باشد برهم پیچند و بر روی صاحبش زنند
و در رکوع چشم را بپوش یا نظر درمیان هر دو پا بدار و دراز کردن کردن در رکوع

معنیش

5

معنیش اینست که کردن از بندکی خدا نکشم و سر از اطاعت او نه پیچم اکرچه کردنم بزنند
و هیچ بنده رکوعی بحقیقت نکرده که الله تعالی بنور بهای خویش مزین کردانیده و در سایهٔ
کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا برو پوشانیده و رکوع ادبست و اطاعت
و سجود قربت و عزت کسی که ادب ضایع کند اهلیت قرب نداشته باشد و سر
بسجده کذاشتن معنیش اینست که خدایا اصل من همین خاکست ذلیل که هرکسی پا بر وی کذارد
و چون سر بردارد یعنی مرا ازین خاک آفریدهٔ و از خاک برداشتهٔ و چون سجدهٔ دوم کند یعنی
مرا دیکر بمیرانی و با خاک یکسان کردانی و چون سر بردارد یعنی مرتبهٔ دیکر مرا زنده سازی
مرویست که والله زیان نکردهٔ کسی که سجودی بحقیقت کرده اکرچه تمام عمر خود یکمرتبه
باشد و سود ننموده کسی که حق آن ضایع نموده و مانند فریبنده کان غافل از رتبهٔ ساجدان
با خدا خلوت نموده و هرکز از خدا دور نشود کسی که بسجود بکلی دست از خود بردارد و خود را
یکبارکی بخدا سپارد و هرکز بخدا نزدیک نکردد کسی که حرمت سجود ضایع کند و در ان حال
دل بغیره دهد و عارفی کفته رکوع دعوی بندکیست و سجده بعد از آن شاهد آن و چون
قنوت بخوانی ادب آن رعایت نمائی و بدانی چه میکوئی و با که در ... بشنود هرچه بزبان
برانی و ببیند هرچه در دل کذرانی پس نیک احتیاط کن تا آنچه میطلبی خیر و نجات باشد و
زبان در دعا و دل با غیر خدا نباشد که دعای دل غافل مستجاب نکردد و چون تشهد خوانی اقرار
بپادشاهی و یکانکی خدا کنی و اعتراف برسالت و نبوت پیغمبر او نمائی و عهد بندکی و طاعت
خود تجدید سازی و چون صلوات بر پیغمبر و آلش فرستی ایشانرا شفیع خود کردانی چنانچه
بزبان اقرار میکنی دل از این با زبان موافق دار و آنچه میکوئی غافل مدار تا مانند فریبندکان
باطنت تکذیب ظاهر ننماید و درین مقام ذکر حدیث دیکر کنیم که مشتمل بر فضایل افعال
نماز با آداب و اسرار آن مرویست از امام همام حسن بن علی العسکری از آبای کرام خود از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود چون بندهٔ مؤمن متوجه مصلای خود شود

ودیگر خیر است و خیر نیکویی عاجل است

تا نماز کذارد خدای تعالی کوید ای ملائکهٔ من به بینید این بندهٔ مرا که از همهٔ خلایق بریده و
بامید رحمت و شفقت من روی نیاز بمن آورده کواه باشید که او را برحمت و کرامت
خویش مخصوص کردانم و چون دست بردارد و الله اکبر کوید فرماید به بینید تبرّا و
بیزاری مینماید از نسبت شریك و شبیه و نظیر برای من چنانچه اعدای من نسبت
میکنند و مرا از آن بزرك و منزّه میدارد کواه باشید که او را از آثار کناهان پاك سازم
و در مملکت و بزرکی خود بزرکش کردانم و از عذاب جهنّم نجات دهم و چون الحمد و سورهٔ
دیکر بخواند فرماید به بینید بندهٔ مرا چون از قرأت کلام من لذّت می یابد کواه باشید
که در روز قیامت باو بکویم که بخوان در بهشت کلام مرا و بالا رو و بر درجات جنان بیس
بعدد هر حرفی که خوانده درجهٔ از طلا و درجهٔ از نقره و درجهٔ از لؤلؤ و درجهٔ از کوهر و درجهٔ
از زبرجد سبز و درجهٔ از نور ربّ العزّة و درجهٔ از زمرّد سبز بالا رود و چون رکوع کند
فرماید به بینید که چون تواضع میکند در پیش جلال و عظمت من کواه باشید که او را در
دیار جلال و کبریای خود بزرك کردانم و چون سر از رکوع بردارد فرماید به بینید چون که
اعدای من ترفّع میکنند همچنانکه برای من تواضع میکند و در خدمت من راست می ایستد
کواه باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها کردانم و در بهشت خویش مأوای عطا فرمایم و
چون سجده نماید فرماید به بینید که چون تواضع میکند و میکوید اکرچه در دنیا کمین
و جلیلم امّا چون حق عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر و ذلیلم کواه باشید که او را
بحق بلند نمایم و باطل را باو دفع کردانم و چون سر از سجدهٔ اوّل بردارد فرماید به بینید
چون میکوید که همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم در حضرت خدمت تو برای بندکی و
طاعت بحقارت و ذلّت راست کشتم و در اینمقام ظاهرا عبارتی از نسخها این حدیث افتاده
باشد و کویا باین مضمون باشد که او را عزیز کردانم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون
سجدهٔ دویم کند فرماید به بینید بندهٔ مرا چون بتواضع معاودت نموده کواه باشید که رحمت خود را

باو

با او اعاده نمایم و چون برای رکعت دیکر از جای برخیزد فرماید ای ملایکه من به بینید چون
برخواست بنماز او را از منزلت برداریم و بعزّت بلند کردانم و هر رکعتی کذارد حق تعالی همچنان
فرماید تا آنکه به تشهّد نشیند الله تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من خدمت و عبادت مرا
بجای آورد اکنون نشسته و مرا ثنا میکوید و بر پیغمبر من صلوات میفرستد من نیز با ملکوت
سموات و ارض او را ثنا کویم و بر روح او در میان ارواح صلوات فرستم و چون بر امیر المؤمنین
در نماز صلوات فرستد فرماید که من بر تو صلوات فرستم همچنانکه تو بر و صلوات فرستادی و او را
شفیع تو کردانم همچنانکه تو او را شفیع خود ساختی و چون سلام نماز دهد خدای تعم و ملائکه
بر و سلام کنند و در روایت دیکر آمده که سلام بعد از نماز امانست یعنی هر کس فرمان خدا و سنّت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بخضوع و خشوع بجای آورد امانست او را از بلای دنیا و عذاب آخرت مخفی
نماناد که مراد از صلوات بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر صم
بر آل او فرستد زیرا که آل او امیر المؤمنین و فاطمه و یازده امام دیکراند صلوات الله علیهم اجمعین
و احادیث دیکر واقع و وارد شده که سلمان فارسی و سایر شیعیان نیز از جملهٔ آل آنحضرت‌اند
و در صلوات بر ایشان شیعیان را نیز باید قصد نمود **فصل هفتم** در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز
توان کرد مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السّلم که در اثنای نماز در هر مقام که باشد هر چه دعا
و مناجات با خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس در اثنای
هر فعل از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بکوید صلّی الله علی محمّد و آل محمّد آن فعل مضاعف نوشته
شود و اکر در نماز ذکر آن حضرت بکند و صلوات فرستد ده حسنه نوشته شود و هیجده فرشته موکل اند که
هر کس در اثنای نماز صلوات فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد ثبت کنند و هر حاجت که خواهد
برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان خواست خصوصا در سجده که بنده در سجده نزدیکتر است بخدای
تعالی از جمیع احوال و کریه کردن در نماز از ترس خدا و برای شوق جنّت و خوف نار و نور افضل اعمال
چشم مؤمن است امّا برای ذکر اموات نماز را قطع کند **فصل هشتم** در آداب جماعت و آن دو قسم است

یکی آدابیکه تعلق بامام دارد دوم آدابیکه تعلق بمأموم و چون امام بآداب خود اعرفست از اینکه در بین مجموعه
حاجت بتذکر آن باشد همین اکتفا بذکر آداب مأموم نموده کوئیم مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم که اگر کسی نماز بانفراد کرده باشد بعد از آن جماعتی دریابد افضل آنست که اعاده کند که خدای تعالی
هرکدام را دوستتر دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت بانفراد گذارده باشد
بنیت نافله کند و سلام دهد پس بجماعت بگذارد و اگر یک رکعت گذارده باشد بنیت نافله نموده
یک رکعت دیگر با آن ضم کند و سلام دهد و اگر مأموم یکمرد باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یک
زن باشد در پشت سر بایستد بجانب راست و اگر یکمرد باشد و زن خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی
راست و زنان در عقب بایستند و اگر زیاده از یکمرد باشد همه در عقب بایستند و اگر مأموم در پهلوی
امام ایستاده باشد و در اثنای نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود یا ماموم پس‌تر آید و اگر
مرد آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد نه امام و نه مأموم حرکت نکنند بلکه آنمرد در پشت
امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخاسته نماز خود را تمام کند و میان امام و صف اول
و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از آنکه بآن سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر
فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان امام نباشد و اهل هر صف دوش بدوش بایستند پیش
و پس نباشد و در میان فرجهٔ خالی نباشد تا که شیطان بر ایشان دست نیابد و اگر در صف
جای خالی بینند بروند تا آنموضع را بگیرند و اگرچه در اثنای نماز باشد مرویست که هیچگامی نزد الله
تعالی دوستتر از گامی نیست که برداری تا صف خالی را پر کنی اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت
مگر آنکه جا تنگی کند که در اینوقت پیش و پس و هر جا وسعتی که داشته باشد توان حرکت کرد و یک
کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جای خالی نباشد که در اینوقت تنها تواند ایستاد اما
چنان بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمینی پست بایستد و ماموم در موضع بلند مثل
بام یا سکوئی جایز بود اما عکس آن جایز نبود مگر آنکه یک زمین سرازیر باشد که بعضی موضعش بقدر یک
انگشت یا کمتر یا بیشتر پستتر باشد که در اینوقت جایز است که امام در موضع بلند بایستد و اگر میان
ماموم

7

مأموم و امام پرده یا دیواری فاصله باشد نماز ماموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر او باشد اما
ستونهای که در مساجد میان صفوف واقع میشود قصوری ندارد و چون امام قرأت کند مأموم را
جایز نباشد قراءت کردن مرویست که اگر کسی با امامی که با او راضی باشد اقتدا کند و خود قراءت کند
چون بمیرد بغیر فطرت اسلام محشور شود و در نماز اخفاتی مأموم برای خود ذکر کند و اگر جهری
باشد و صدای امام را بشنود اگرچه همهمه باشد و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری باشد و صدای
امام حتی همهمه هم نرسد افضل آنست که مأموم آهسته خود قراءت کند و اگر اکتفا بقراءت امام کند
مجزی است و سایر اذکار و افعال را خود بجای آورد در قیام و رکوع و سجود و همه افعال تابع امام باشد
پیشتر نکند و بیشتر سر بر ندارد مگر در تشهد که اگر امام طول تشهد دهد و ماموم را ضرورتی باشد
تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و باید که مأموم اذکار را آهسته گوید و صدای خود بامام
نرساند و چون امام از قرائت حمد فارغ شود و همچنین بعد از رکوع چون سمع الله لمن حمده گوید
مأموم گوید سمع الله لمن حمده والحمد لله رب العالمین و مأموم اگر در اثنای نماز بامام رسد در هر
جای نماز باشد تکبیر احرام گوید و داخل نماز شود و اگر رکوع را دریابد با امام آن رکعت را حساب کند و اگر
بعد از رکوع یا در سجود و یا در تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجای بیاورد و اگرچه بسجده آخر
یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را بآن دریابد اما آنرا بچیزی حساب نکند و آن زیادتی
بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد او سلام ندهد و برخیزد و نماز را بجای آورد و اگر
سهواً سلام دهد ضرر ندارد برخیزد و نماز را تمام کند و اگرچه بعد از سلام عمداً حرف زده باشد
و چون سلامش از روی سهو بوده ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند و اگر تکبیر رکوع را
از امام نشنیده باشد احتیاط اینست که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد
داخل شود و هرگاه امام تشهد را بخواند او نیز بخواند اگر موضع تشهد خودش نباشد که تشهد
برکت است اما باید که درست ننشینند و بر سر پا نشینند و چون موضع تشهد خودش
رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت دوم با امام برسد

به القليل عزّ في القيامة وراحة في البدن
قناعت كردن بقليلي از مال دنيا عزّت در عقبى و راحت بدن است

با امام قنوت بخواند و همين قنوت را از قنوت خودش حساب كند مجزيست و اكر سيوم و
چهارم امام اوّل و دوم ماموم باشد چون امام تسبيح كويد او خود حمد و سوره بخواند و اكر
امام ركوع كند و فرصت خواندن سوره نباشد همان الحمد مجزي بود و امّا در نماز اخفاتي چون
امام قرأت كند دروقتى كه صدا باو نرسد و اكر شخصى از دور رسد و ببيند كه امام در
ركوع است يا بركوع ميرود و نترسد كه تا بصف رسيدن امام سر بردارد در همان حال تكبير كفته
ركوع نمايد و اكر خواهد سجود نيز بكند و بعد از ان برخواسته بصف ملحق شود پس اكر ايستاده
باشد بايستد و اكر نشسته باشد بنشيند و اكر خواهد همچنين در ركوع برود تا ملحق شود
و اكر پيش از انكه امام سر از ركوع يا سجود بردارد ماموم سر بردارد باز سر بكذارد تا با امام
برخيزد و اكر كسى با امام ركوع كند و بسبب كثرت و ازدحام سجود نتواند كرد تا آنكه امام داخل
ركعت ديكر شود و در اين ركعت با امام ركوع نكند و به نيّت ركعت سابق سجود با امام كند
كه آن ركوع با اين سجود مجموع يكركعت شود و اكر سجده بر نيّت همين ركعت كرده باشد
با اين سجدهٔ بهيچ ركعت حساب نشود بلكه سجدهٔ ديكر به نيّت ركعت سابق كند تا آن تمام شود
و اكر بسبب ازدحام ركوع نيز ازو فوت شود تنها ركوع و سجود كند بعد از ان با امام ملحق
شود و اكر در نماز جمعه يكركعت را با امام دريابد چون امام سلام دهد يكركعت تنها
كذارد و اكر بعد از ركوع آخر با امام رسد چهار ركعت نماز ظهر را كذارد **باب چهارم در بيان فضيلت دعا** مقدّمه
و آداب و شرايط و اوقات اجابت دعا و غيره بدانكه در آيات و احاديث ترغيب بسيار بدعا
واقع شده و فضيلت و ثواب دعا از حيز حصر بيرونست چنانكه از حضرت امام محمّد باقر ع
پرسيدند كه كدام عبادت افضل است آنحضرت فرمود كه چيزى نزد خداى افضل نيست از
انكه ازو چيزى سوال كنند و حاجتى بخواهند و از امام جعفر عليه السّلام منقولست كه هر كه
از فضل خداى سوال نكند و طلب ننمايد او فقير و محتاج شود و حضرت رسول صلى الله عليه
و آله فرموده كه دعا سلاح مؤمن است و عماد دين و نور آسمانها و زمينها و حضرت
امام رضا

و نكند و در جهرى چون قرائت امام را نشنود خود قرائت كند م

امام رضا عليه السّلم اصحاب خود را امر مينمودند بېرداشتن سلاح پيغمبران كسى پرسيد كه
سلاح انبيا چيست آنحضرت فرمود كه دعا و در روايت ديكر هست كه نجات ميدهد از
دشمنان و دوران ميسازد روزى را و نيز هست كه دعا قضاى مبرم را رد ميسازد و بلاى نازل
را دفع ميكند و در بعضى روايات هست كه دعا در نماز افضل است از قرأت قرآن و احاديث
درين باب بسيار است **وامّا** شرايط و آداب دعا آنست كه داعى بطهارت باشد و دعا از روى اخلاص
با دل پاك از كدورات و صفات بد و با توجّه تمام باشد نه چنانكه بر زبان دعا كند و در دل غافل
باشد و در دعا مبالغه و الحاح بسيار كند و اكر در بر آمدن حاجت تاخير شود ترك دعا نكند
و نا اميد نشود و اعتقاد اين داشته باشد كه مصلحت او در تاخير حاجتست و آنچه خدا نسبت
به بندهٔ مؤمن ميكند محض لطف و عين مصلحت اوست و سزاوار آنست كه پيش از دعا چيزى تصدّق
كند و استعمال بوى خوش نمايد و بمسجد رود از روى خضوع و خشوع و كريه و زارى دعا كند در
خبر است كه در روز قيامت هر چشمى كريانست الّا سه چشم چشمى كه پوشيده شده از چيزهاى
حرام و چشمى كه بيدارى كشيده در راه خدا و چشمى كه در دل شب كريسته از ترس خدا و اكر
كريه ميسر نباشد خود را بكريه دارد و بصورت كريه كنندكان در آيد و سزاوار آنست كه
پيش از دعا و مدح حمد و ثناى خدا را بجا آورد و باسما و اوصاف شريفه او را بستايد و صلوات
بر پيغمبر و آل او بفرستد و زود از دعا ملول نشود و ترك آن نكند و پيش از دعا توبه از كناهان
كند بلكه كناهان خود را ذكر كند و استغفار نمايد و نعمتهاى خداى عزّ و جلّ را بشمارد و
اعتراف كند و از لقمهٔ حرام و شبهه دار اجتناب نمايد و سنّت است كه دست بدعا بر
دارد و اكر طلب روزى كند كف دستها را بجانب آسمان پهن سازد و اكر از مضرّتى پناه
بخدا برد كف دستها را بطرف قبله كند و اكر تضرّع كند انكشت سبّابه را حركت دهد
و مستحب است كه استعانت جويد بدعاى صالحان و مؤمنان و در وقت دعا جمعى را
با خود شريك سازد و از امام جعفر عليه السّلم منقولست كه جمع نشوند كروه چهل كس در دعا كردن

ني ول از دوستي دنياست وطلب ثمرة دنيا

جهت حاجتی مکر انکه دعای ایشان مستجاب شود واکر چهل کس نباشد چهار کس ده
نوبت دعا کنند واز الله تعالی طلب حاجت کنند مکر انکه دعای ایشان مستجاب شود
وسزاوار آنست که داعی را حسن ظن تمام باشد ودر وقت دعا اعتقاد او این باشد
که بزودی روا میشود وبعد از ان دعا از کناهان اجتناب کند تا حاجت او بر آید
وسزاوار آنست که خاتم فیروزه وعقیق در دست او باشد واختتام دعا بصلوات
بر رسول وآل او باشد وبعد از دعا بکوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ٥
اوقات استجابت دعا از امام جعفر علیه السلام منقولست که دعا را در چهار ساعت
طلب کنید نزد وزیدن بادها وکشتن سایها وآمدن بارانها واول قطره ریختن خون
مؤمن مقتول که درهای آسمان درین اوقات کشاده میشود واز انحضرت
منقولست که دعا در چهار وقت مستجاب میشود در نماز وتر وبعد از فجر وبعد از
ظهر وبعد از مغرب واز امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که در چهار وقت دعا را
غنیمت دانید نزد قرائت قرآن ونزد اذان ونزد آمدن باران ونزد رسیدن دو صف به
یکدیکر ودر بعضی روایات هست که در وقت رقت قلب دعا کنید که آن علامت اخلاص است
واز اوقات استجابت دعا وقت سحر است تا طلوع آفتاب که در ان وقت درهای
آسمان کشاده میشود وروزی قسمت میکردد وحاجات روا میکردد واز احوال اجابت
حال سجود است ما بین اذان واقامت ودر روز جمعه دو ساعت است که دعا مستجاب
میکردد یکی وقتی که خطیب از خطبه جمعه فارغ شود تا وقتی که صفها راست کردد دوم
ساعت آخر روز تا غروب آفتاب واز اوقات اجابت روز جمعه است وشب جمعه و اوقات
رمضان المبارک خصوصا شب نوزدهم وبیست ویکم وسیم وشب عید فطر وروز عید فطر
واضحی وروز عید غدیر ومباهله وشب نیمهٔ شعبان وروز استفتاح واما مکان استجابت
دعا مسجد الحرام ومسجد مدینه ومسجد کوفه وبیت المقدس وروضهٔ حضرت امام

میشود بدر

حسین ...

حسین علیه السلام وسایر روضات ائمه علیهم السلام ومساجد شریفه ومزارات شهدا
کوه عرفات ومشعر الحرام وصفا ومروه وکسانی که دعای ایشان مستجابست صایم وحاج و
معتمر وجهاد کننده در راه خدا وپادشاه عادل ودعا جهت برادر مؤمن غایبانه ودعای
مظلوم در حق ظالم ودعای مریض خصوصا در حق کسی که بعیادت او آمده باشد ودعای
فرزند صالح در حق مادر وپدر ودعای والدین در حق فرزند خود قبل از نزول بلا وجمعی که
دعا ونفرین ایشان مستجابست پنجاه نفر اند انبیا واوصیا ومؤمنین وکسی که تحمید وتمجید
الهی نماید وکسی که صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وآل او فرستد وکسی که استغفار از
کناهان کرده حاجت طلب نماید وکسی که ده نوبت یا الله ویا شش مرتبه یا رباه ویا هفت
مرتبه یا سیداه ویا هشت مرتبه یا رب وهفت مرتبه یا ارحم الراحمین کفته دعا کند وکسی
که در سجده شصت وشش نوبت یا الله کوید وکسی که هر یک از اسمای که ده نوبت باید کفت
چندان بکوید که نفسش قطع شود وبعد از ان دعا کند وکسی که سه نوبت بکوید یا من یفعل
ما یشاء ولا یفعل ما یشاء احد غیره وکسی که صد نوبت بکوید یا رب صل علی محمد وآل
محمد بر آورده میشود برای او صد حاجت که سی حاجت از ان برای دنیا باشد وکسی که
حسن ظن بالله تعالی داشته باشد وکسی که از صمیم قلب مأیوس باشد از جمیع مردم ونباشد
از برای او امیدی مکر از الله تعالی وکسی که اعتصام بخالق کند نه بمخلوق وکسی که الله تعالی را
ضار ونافع داند وچهل مؤمن که بر یک مطلبی دعا کنند وچهار مؤمن که بر یک مطلب که
هر یک ده نوبت دعا کنند ویک مؤمن بر یک مطلب چهل نوبت دعا کنند کسی که از دل پاک دعا
کند وکسی که مجتنب باشد از لقمهٔ حرام وکسی که سوال نماید چیزیرا که رضای الله تعالی در و باشد
بیرون نمی برد او را الله تعالی از دنیا تا انکه بدهد آن مطلب را وکسی که دعا کرده باشد بیشتر از
نزول بلا ومؤمنی که دعا کند برای برادر مؤمن که مواساة کند او را بولایت معصومین
وکسی که جمعی از مؤمنین را بخانهٔ خود برده اطعام نموده طلب دعا نماید وایشان دعا کنند

از برای او مستجاب میشود و مؤمنی که غایبانه دعا کند مؤمنی را مستجاب میشود بجهة
داعی و مدعو له و مؤمنی که نفرین کند بر برادر مؤمن که مضطر شده باشد بسوی او
آن مواساة کند او را با وجود قدرت و غزا کننده در راه خدا خصوصًا که دعا کند
برای کسانی که خوب غمخواری کنند با زماندکان او را و عمره کذارنده و حج کننده بشرح غازی
تا وقتی که بخانهٔ خود برکردد و کسی که باستقبال ایشان رود و مریض خصوصًا برای عاید
و مریض نفرین کند برکسی که او را بخشم آورد و ملتنک کند و سایل چون دعا کند برای معطی چون
وقتی که عطا کرده باشد او را و والد چون دعا کند بر فرزند خصوصًا وقتی که بوالدین نکو
کار باشد سیما که والد صالح باشد و والد چون نفرین کند بر فرزند که عاق باشد و فرزند
صالح برای والدین و روزه دار تا وقت افطار و صایم نزد افطار و متنعم بنعمتهای
حلال بعد از انکه شکر آن نموده باشد و مظلوم چون نفرین کند بر ظلم کننده اکر
چه بعد از مدتی باشد و مظلوم چون دعا کند برای کسی که انتقام کشیده باشد از ظلم او
وکسی که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه کرفته نماز حاجت کذارد و حاجت
طلب کند و کسی که در ثلث آخر شب جمعه پانزده مرتبه سورهٔ قدر بخواند و دعا کند و کسی که صد آیه
از قرآن خوانده هفت نوبت یا الله کفته بعد از ان دعا کند و کسی که بکوید لا اله الا الله ربنا
لا اشرك به شيئا و کسی که در وقت تلاوت قرآن در آیات رحمت تمنی و در آیات عذاب استعاذه
نماید و کسی که بکوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَالْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حَاجَتِی فَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا قَضَیْتَهَا لِی و حاجت طلب کند و کسی که پیش از وقت در مصلای
خود نشسته انتظار وقت نماز کشد اما کسانی که دعا و نفرین ایشان مستجاب نمیشود بیست و دو
کس اند کسی که الله تعالی را نشناسد و کسی که اعتصام کند بمخلوق نه بخالق و کسی که در قضای حاجت
غیر الله تعالی را شریک داند و کسی که بزبان دعا کند و دلش غافل و لاهی باشد و نیکان که نفرین کنند
بر اشرار در وقتی که امر بمعروف و نهی از منکر نکنند و اشرار بر ایشان مسلط شوند و کسی که لحن

یعنی اخراج حروف از غیر مخرج کند

در دعا کند و کسی که عمدًا حرام خورده باشد تا چهل روز و کسی که پیش از نزول بلا دعا نکرده
باشد و بعد از ان دعا کند و کسی که بی آداب و شرایط خصوصًا بی ثنا و نعت دعا کند
و کسی که ظاهر خود را خوب نماید و باطنش بد باشد و کسی که سوال محال نماید و کسی که سوال
غیر حلال کند و کدایان دربارهٔ خودشان جهت انکه دروغ میکویند و نفرین بد دوست
بد دوست و کسی که قرض دهد و نوشته و شاهد نکیرد و کسی که همه مال خود را صرف کند
هرچند به نیکوئی و تقوی باشد و باز روزی طلبد و کسی که در خانه نشیند و از الله تعالی
روزی طلبد و سعی در راههای که فرموده اند ننماید و کسی که نفرین کند بهمسایه با وجود امکان
فروختن خانهٔ خود و کسی که نفرین کند بر ذی رحم خود و کسی که نفرین کند بر زن خود با وجود
قدرت بر طلاق و کسی که بندهٔ او سه نوبت کریخته و نفروخته باشد و کسی که از زیر عمارت
شکسته زود نکذرد بدانکه در رغبه و رهبه و تضرع و تبتل و ابتهال و بصبصه و استعاذه
در اخبار مختلفه در کیفیت آنها وارد شده لهذا بترتیب بیان مینماید رغبه یک قسم است
یعنی پهن کند دستها را در وقت سوال بقسمی که باطن آنها بجانب آسمان باشد رهبه یعنی
پشت دستها را بجانب آسمان کند تضرع پنج قسم است ۱ حرکت سبابهٔ راست است بجانب دست
و چپ ۲ برداشتن دستهاست ۳ حرکت انکشتان است ۴ کذاشتن دستها است بدوشها
و بعد از ان پهن کردن ۵ حرکت انکشت سبابه است بجانب روی خود و آن دعای وقت
ترس است تبتل نیز بر پنج قسم است ۱ حرکت دادن سبابهٔ چپ است بطرف آسمان
بتأنی و فرود آوردن ۲ دستها را پاین رو و بآن رو کردانیدن ۳ دعا کند بیک انکشت و
اشاره کند بآن ۴ ایما کند بانکشت شهادت ۵ بلند کند انکشتان را یکنوبت و فرو کذارد
ابتهال بر سه قسم است ۱ پهن کردن هر دو دست است با ذراع بجانب آسمان ۲ دستها را
بلند کردن بقدری که از سر بکذرد ۳ کشیدن دستها است برابر رو و بطرف قبله و
ابتهال وقتی خوبست که دیده باشد در خود اسباب کریه را یا وقتی که جاری شود اشک
بصبصه نیز بر سه قسم است ۱ بلند کردن دو انکشتان سبابه است بسوی آسمان و

بجانب

الأمر خیر وسعادة لا تحزن ولا تقعد
به کار خیر و برکت است اندوهناک مباش منشین

وحرکت دادن آنها است در حال دعا ۲ بلند کردن انگشتان است ۳ خواندن الله تعالی است
بد وانگشت استعاذه شکم دستها را بطرف قبله کند وائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند
که می باید بنده وقتی که دست برداشته باشد بدرگاه الهی دستها را بسر و روی و سینه
خود بمالد در آخر دعا که الله تعالی فیض و رحمت خود را بدست او میگذارد فصل اول در بیان
ادعیهٔ مطلقه و اوراد صبح و شام وغیره اما اوراد صبح که از طلوع صبح است تا طلوع
آفتاب بدانکه احادیث بسیار از ائمه علیهم السلام در فضیلت اینوقت وارد شده و
اینوقت را ساعت غفلت گویند چنانچه از فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن شفق را هم ساعت
غفلت مینامند و سنتست که آدمی درین وقت بیدار باشد زیرا که خواب درین وقت
شوم است و محمد بن بابویه در من لا یحضره الفقیه نقل نموده که حضرت امام محمد باقر ع
فرموده که خواب صباح شوم است و روزی را میرماند و رنگ و روی را زرد میکند و
متغیر میسازد و آنخواب نیز شوم است و بتحقیق که الله تعالی قسمت میکند روزیهای بنی آدم
را در وقتی که میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب پس حذر کنید ازین خواب و باز
فقیه نقل نموده که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام در تفسیر آیهٔ فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا
فرموده که مراد فرشتگانند که قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را در میان طلوع صبح
تا طلوع آفتاب پس کسی که خواب کند درینوقت خوابیده است از روزی خود پس سزاوار
آنست که درین وقت مشغول باشد بذکر و دعا و دعاهای که درینوقت فرموده اند و از
جهت هریک فضیلتی بیان فرموده اند به تفصیل بیان می نمائیم در کافی از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که بعد از فریضه دوازده مرتبه سورهٔ توحید بخوان و بعد از آن بخوان این
دعا را و در اخبار مبالغهٔ بسیار در خواندن سورهٔ بعد از فریضه نیز شده ۵ اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰى يَا فَاكَّ الرِّقَابِ
مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَنْ

توحید

تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي اَوَّلَهُ فَلَاحًا
وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۵ و بخوان آیة الکرسی را تا
وهم فیها خالدون آیه آیة الکرسی اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ
الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقٰى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ
الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ
اِلَى الظُّلُمَاتِ اُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۵ و بخوان آیه شهد الله
را شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ
اُوتُوا الْكِتَابَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ
اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ و بخوان آیه ملک را قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ
تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ
تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ
تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۵ و بخوان آیه سخره را اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ
تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۵ اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ
مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وبخوان آیه آخر سورهٔ کهف را قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي
وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ
فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا ۝
وبخوان اوّل والصّافّات را بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ
زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
وَرَبُّ الْمَشَارِقِ اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ
مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ
عَذَابٌ وَاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝ وبخوان آخر
آیهٔ والصّافّات را سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ و سه آیه از سورهٔ الرحمن را يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا
بِسُلْطَانٍ ۝ فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ
وچهار آیه در آخر سورهٔ حشر را لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ
اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى
يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ و آیه آخر سورهٔ البقره را
آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَ
كُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ

رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ
عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰينَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ منقولست که این دعا را
بجزئیّت که بخواند کفایت میشود يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا نُورَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ يَا
اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بجهت برآمدن مهمّات کلّی هفتاد و یکبار
بخواند که مجرّبست انشاء الله تعالی يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَلِيمُ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا
بَنُونَ اِلَّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَاُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ در میان روز
یا در میان شب هر که گوید در میان خلق برگزیده شود اَلرَّافِعُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ
عَمَدٍ وهرکه بعد از هر نمازی یکمرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ از سوختن و غرق شدن و خرابه ماندن و خوردن جانوران درنده
و مردن بوجه بد و بلیّه که دران روز نازل شود ایمن باشد وهرکه بعد از نماز صبح و
شام پیش از انکه حرف زند و پا از وضعی که نشسته است تغییر دهد صد مرتبه
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صد نوع بلا
از و رفع شود که سهلترین آن برص و جذام و شیطان و سلطان باشد و اگر هفت مرتبه
بگوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهلترین آن جذام و جنون و برص باشد و اگر شقی
باشد از دیوان اشقیا محو کرده و در زمرهٔ سعدا ثبت شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه
بگوید باسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدی و اسم اعظم دران داخل باشد
در کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام مرویست کسی که خواهد از بلاها ایمن
باشد اوّل صبح پیش از انکه احدی را دیده باشد انگشتر عقیق در دست کرده نگین او را

بطرف دست کرده دست را بر دارد و سورهٔ انا انزلناه را بخواند و نظر بآن عقیق
نموده بخوان این دعا را تا انشاء الله تعالی از همه بلاها ایمن باشی دعا اینست آمَنْتُ
بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلانِيَتِهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ وبخوان این دعا را که در
کفعمی از صادق علیه السلام منقولست اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَ
سُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً وَالْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَثِيراً لا شَرِيكَ لَهُ وَصَلَّى
اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بجهت عزت یافتن بسیار گوید و بجهت افزونی رزق و حاجت
يا كَرِيمُ الْكَرِيمُ الْوَهّابُ ذِي الطَّوْلِ هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید حق تعالی
می نویسد بعدد هر مؤمنی که گذشته است و باقی است اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْ
مِناتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِماتِ تا روز قیامت حسنه و محو میکند از آنکس سیئه و رفع
میکند برای او درجات الْحَمْدُ لِلهِ كَما هُوَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ هر که بگوید مشغول میسازد
نویسندگان آسمان را و حق تعالی فرماید که بنویسید همچنانکه گفت و ثواب آن با من است و شما
ندانید يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماءِ وَسَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ
الْأَسْماءِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذا وَكَذا وَارْزُقْنِي كَذا وَكَذا وَعافِنِي مِنْ كَذا
وَكَذا هر که بخواند سه چیز باو رسد دوری از آتش دوزخ و تزویج حور العین و دخول
بهشت يا غَفُورُ يا وَدُودُ يا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ فَعّالٌ لِما يُرِيدُ يا نُورَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ
يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ هر روز بعد از نماز صبح بخواند که از وی کور فرو نشود
تا اثرها بیند انشاء الله تعالی اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صِحَّةً وَتَقْوىً وَطُولَ عُمْرٍ فِي حُسْنِ
عَمَلٍ وَرِزْقاً واسِعاً لا تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ این دعا بجهت طول عمر است بخواند البته و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که بعد از نماز صبح پیش از آفتاب بگوید ده مرتبه
و پیش از غروب ده مرتبه ملاقات نمیکند با خدای تعالی هیچ بنده بعملی افضل از عمل او

مگر کسی که آورده باشد مثل عمل او و بعد از نماز مغرب نیز بهمین عدد کفارهٔ گناهان او است
بخواند پیش از طلوع و غروب لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
ده مرتبه ومنقولست از حضرت صادق علیه السلام که تسبیح فاطمه علیها السلام
در هر روزی در عقب هر نمازی دوستر است نزد حق تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که هیچ بنده عبادت نکرد خدا را بچیزی از
تمجید که افضل باشد از تسبیح فاطمه علیها السلام و اگر چیزی افضل از آن میبود آنرا هدیه میکرد
رسول صلی الله علیه و آله بفاطمه و باید نشستن بجهت تعقیب متصل باشد بنماز و بقبله
و بعد از سلام سه تکبیر بگوی و بخوان بلا فاصله این دعا را که در علل شرایع و غیره منقولست لا إِلٰهَ
إِلّا اللهُ إِلٰهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ لا نَعْبُدُ إِلّا إِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ
وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بگو بعد از این تسبیح فاطمه
زهرا علیها السلام را و بلا فاصله بخوان این دعا را که در مکارم و اکثر کتب ادعیه از حضرت صادق
مرویست که بعد از نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند و پای را بگرداند این دعا بخواند الله تعالی
صد حاجت او را بر آورد هفتاد در دنیا و سی در آخرت و در این دعا فضل و نفع بسیار فرموده اند
لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ إِنَّ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ
مُحَمَّدٍ وَعَلى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ
مِنّا لَهُمْ وَالْإِيتِمامَ بِهِمْ وَالتَّصْدِيقَ لَهُمْ رَبَّنا آمَنّا بِكَ وَصَدَّقْنا رَسُولَكَ وَسَلَّمْنا تَسْلِيماً
رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ اللّٰهُمَّ صُبَّ الرِّزْقَ عَلَيْنا صَبّاً

در اکمال الدین

علی

صبّاً بلاغاً للآخرة والدنيا من غير كدّ ولا نكد ولا منّ من احد من خلقك الا سعة من رزقك وطيباً من وسعك من يدك الملآء عفاً فالامن ايدي لئام خلقك انك على كل شيء قدير محمد بن ابي عمير اشتكى من وجع عيني فشكوت ذلك الى ابي عبد الله عليه السلام قال اعلمك دعاء تكفى لدنياك وآخرتك وتكفى به المها وغمها وتامن به من شر الاوبصار الظالمين ومكر الماكرين وعناد الحاسدين وجور الفاسقين ومن شر فسقة العرب والعجم وطوارق الليل والنهار وتكفى به وجع عينيك قلت بلى بابي انت وامي يا ابن رسول الله قال فقل في دبر الفجر والمغرب هذا الدعاء اللهم اجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي وذكرك بالليل والنهار على لساني والشكر لك ابداً ما ابقيتني اللهم لا تجعلني حيث نهيتني وبارك لي فيما اعطيتني وارحمني اذا توفيتني انك على كل شيء قدير وسه نوبت اين قسم استغفار كند كه حضرت صادق عليه السلام فرموده باعث مغفرت گناهانست استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام واتوب اليه وبخوان اين دعارا كه در اكثر كتب ادعيه سيما در كفعمي از حضرت هادي عليه السلام مرويست كه از وجوب حق ماست بر شيعه ما خواندن اين دعا در عقب هر فريضه كه اللهم بربك القديم ورأفتك ببريتك اللطيفة وشفقتك بصنعتك المحكمة وقدرتك بسرك الجميل صل على محمد وآل محمد واحى قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة وعيوبنا مستورة وفرايضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة وعقولنا على توحيدك مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة وجوارحنا على خدمتك مقهورة واسمائنا في خواصك مشهورة وحوائجنا لديك ميسورة وارزاقنا من خزائنك مدرورة انت الله الذي لا اله الا انت لقد فاز من والاك وسعد من ناجاك وعز من ناداك وظفر من رجاك وغنم من قصدك وربح من تاجرك وانت على كل

شيء

امام رضا

شيء قدير اللهم وصل على محمد وآل محمد واسمع دعائي كما تعلم فقري اليك انك على كل شيء قدير وبخوان اين تهليل را كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام ثواب بسيار فرموده ده نوبت پيش از حرف زدن اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الهاً واحداً احداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً وبخوان اين دعارا كه در اكمال الدين امام محمد باقر عليه السلام فرموده اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى بيده الخير وهو على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سبحان ذي الملك والملكوت سبحان ذي العزة والجبروت سبحان ذي الكبرياء والعظمة سبحان الحي الذي لا يموت سبحان ربي الاعلى سبحان ربي العظيم سبحان الله وبحمده كل هذا قليل يا رب وعدد خلقك وملاء عرشك ورضا نفسك يا رب ومبلغ مشيتك وعدد ما احصى كتابك وزنة ما احصى كتابك ومثل ذلك اضعافاً فالا تحصى وعدد خلقك وملاء خلقك وزنة خلقك ومثل ذلك اضعافاً فالا تحصى وعدد بريتك ومثل بريتك وملاء بريتك وزنة بريتك ومثل ذلك اضعافاً فالا تحصى وعدد ما تعلم وملاء ما تعلم وزنة ما تعلم ومثل ذلك اضعافاً مضاعفة لا تحصى من التحميد والتعظيم والتقديس والثناء والشكر والخير والمدح والصلوة على النبي واهل بيته صلى الله عليه وعليهم مثل ذلك واضعاف ذلك وعدد ما خلقت وذرأت وبرأت وعدد ما انت خالقه من شيء وملاء ذلك كله واضعاف ذلك كله اضعافاً فالو خلقتهم فنطقوا بذلك منذ قط الى الابد لا انقطاع له يقولون كذلك لا يسامون ولا يفترون اسرع من لحظ البصر وكما ينبغي لك وكما انت له اهل واضعاف ما ذكرت وعدد ما ذكرت ~~وزنة ما ذكرت~~ ومثل جميع ذلك كل هذا قليل يا الهي تباركت وتقدست وتعاليت علواً كبيراً يا ذا الجلال والاكرام اسئلك على اكثر هذا

فضل وثواب بسيار بياد هم

وزنة ما ذكرت صح

الدعاء باسمائك الحسنى وامثالك العليا وكلماتك التامات ان تعافينى فى الدنيا
والآخرة واگر پیش از دخول بنماز خوانده باشد دعای اللهم انی اتوجه الیك بمحمد
وال محمد تا آخر و بعد از نماز بگوید این دعا را که در کافی نقل شده تا بوده باشد با
پیغمبر صلى الله عليه وآله اللهم اجعلنى مع محمد وال محمد فى كل عافية وبلاء و
اجعلنى مع محمد وآل محمد فى كل مثوى ومنقلب اللهم اجعل محياى محياهم
ومماتى مماتهم واجعلنى معهم فى المواطن كلها ولا تفرق بينى وبينهم انك
على كل شىء قدير و بخواند این دعا را که در مصباح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که از حق ما است بر دوستداران و شیعیان ما اینکه منصرف نشوند مردی از ایشان از
نماز تا اینکه بخواند این دعا را و بعد از آن کند آنچه خواهد اللهم انى اسئلك باسمك
العظيم وبجلالك العظيم ان تصلى على محمد وآل محمد الطاهرين وان تصلى عليهم صلوة
تامة دائمة وان تدخل على محمد وال محمد ومحبيهم واوليائهم حيث كانوا واين
كانوا فى سهل اوجبل اوبر اوبحر من بركة دعائى ما تقر به عيونهم احفظ يا
مولاى الغائبين منهم واردهم الى اهاليهم سالمين ونفس عن المهمومين وفرج
عن المكروبين واكس العارين واشبع الجائعين وارو الظامئين واقض دين
الغارمين وزوج العازبين واشف مرضى المسلمين وادخل على الاموات ما
تقر به عيونهم وانصر المظلومين من اولياء آل محمد عليهم السلام واطفئ نائرة
المخالفين اللهم وضاعف لعنتك وباسك ونكالك وعذابك على الذين
كفروا نعمتك وخونا رسولك واتهما نبيك وبايناه وحلا عقده فى وصيته
ونبذا عهده فى خليفته من بعده وادعيا مقامه وغيرا احكامه وبدلا سنته
وقلبا دينه وصغرا قدر حججك وبدا بظلمهم وطرقا طريق الغدر عليهم والخلاف
عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب عليهم ومنعا خليفتك من سد الثلم وتقويم

العوج

العوج وتثقيف الاود وامضاء الاحكام واظهار دين الاسلام واقامة حدود
القرآن اللهم العنهما وابنتيهما وكل من مال ميلهم وحذا حذوهم وسلك طريقهم
وتصدر ببدعتهم لعنا لا يخطر على بال ويستعيذ منه اهل النار اللهم العن
من دان بقولهم واتبع امرهم ودعا الى ولايتهم وشك فى كفرهم من الاولين
والآخرين و در کافی و اکثر کتب ادعیه مرفوعا منقول است که دست برداشته این
دعا بخواند اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لى مغفرة عزما جزما لا تغادر لى ذنبا
ولا اكتسب بعدها ابدا محرما وعافنى معافاة لا تبتلينى بعدها ابدا واهدنى هدى
لا اضل بعده ابدا وعلمنى ما ينفعنى وانفعنى بما علمتنى واجعله حجة لى لا على
وارزقنى من فضلك صبا صبا كفافا ورضنى به يا رباه وتب على يا الله يا رحمن
يا رحيم يا رحيم يا رحيم صل على محمد واله وارحمنى واجرنى من النار ذات السعير
وابسط لى فى سعة رزقك على واهدنى بهداك واغننى بغناك وارضنى
بقضائك واجعلنى من اوليائك المخلصين صل على محمد واله امين وابلغ محمدا
صلى الله عليه وآله تحية كثيرة وسلاما واهدنى لما اختلف فيه من الحق باذنك
انك تهدى من تشاء الى صراط مستقيم واعصمنى من المعاصى كلها ومن الشيطان
الرجيم امين رب العالمين و بخواند این دعا را که در مصباح کبیر و اکثر کتب ادعیه
منقول است و فضل این دعا بسیار نقل شده یا شارعا لملائكته الدين القيم دينا
راضيا به منهم لنفسه ويا خالقا من سوى الملائكة من خلقه للابتلاء بدينه
ويا مستخصا من خلقه لدينه رسلا بدينه الى من دونهم ويا مجازى اهل الدين
بما عملوا فى الدين اجعلنى بحق اسمك الذى كل شىء من الخيرات منسوب اليه من
اهل دينك المؤثر به بالزامكهم حقه وتعريفك قلوبهم للرغبة فى اداء
حقك وتعريفك قلوبهم فيه اليك لا تجعل بحق اسمك الذى فيه تفصيل الامور

اللهم (margin)
ارتكب (margin) لا ابلوی (margin)
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن (margin)
يوردونه (margin)

كلها شيئا سوى دينك عندي ابين فضلا ولا الى اشد تحببا ولا بى لا صقا ولا انا اليه
منقطعا واغلب بالى وهواى وسريرتى وعلانيتى واشفع بناصيتى الى كل ما تراه
لك منى رضا من طاعتك فى الدين   وبخوان اين دعا را كه در كافى و اكثر كتب دعا
منقولست كه هركه بعد از نماز بخواند اين دعا را الله تعالى خير دنيا و آخرت را براى
او جمع نمايد و اگر الحمد لله و شهد الله و آية الكرسى و آيه قل اللهم بخواند الله تعالى
فرمايد بعزت و جلال خودم كه هر روز بچشم پنهان خود هفتاد مرتبه برو نظر كنم و
هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآورم با هر قدر گناه كه دارد قبول نمايم   اعوذ بوجهك
الكريم وعزتك التى لا ترام وقدرتك التى لا يمتنع منها شئ من شر الدنيا و
الآخرة ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم و اين
دعا را براى حافظه در اكثر كتب ادعيه خصوصا در كفعمى از حضرت رسول
صلى الله عليه و آله منقولست   سبحان من لا يعتدى على اهل مملكته سبحان
من لا يواخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحيم اللهم اجعل
لى فى قلبى نورا وفى بصرى نورا انك على كل شئ قدير   و اين دعا در تهذيب
از حضرت صادق عليه السلام منقولست بخوان   اللهم اهدنى من عندك
وافض على من فضلك وانشر على من رحمتك وانزل على من بركاتك
اين دعا در كافى از حضرت صادق عليه السلام مرويست ترك مكن اين دعا را كه
فضل بسيار دارد و از همه مكاره ايمن شود انشاء الله تعالى   اللهم انى اصبحت
استغفرك فى هذا الصباح وفى هذا اليوم لاهل رحمتك وابرأ من اهل   اليك
لعنتك اللهم انى اصبحت ابرأ اليك فى هذا اليوم وفى هذا الصباح ممن
نحن بين ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون انهم كانوا قوم
سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى الارض فى هذا الصباح
وفى

١٧

وفى هذا اليوم بركة على اوليائك وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك وعاد
من عاداك اللهم اختم لى بالامن والايمان كلما طلعت شمس او غربت اللهم
اغفر لى ولوالدى وارحمهما كما ربيانى صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك تعلم منقلبهم ومثويهم اللهم
احفظ امام المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا
واجعل له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم العن فلانا وفلانا وفلانا و
الفرق المختلفة على رسولك وولاة الامر بعد رسولك والائمة من بعده وشيعتهم
واسئلك الزيادة من فضلك والاقرار بما جاء به من عندك والتسليم لامرك و
المحافظة على ما امرت به لا ابتغى به بدلا ولا اشترى به ثمنا قليلا اللهم اهدنى
فيمن هديت وقنى شر ما قضيت انك تقضى ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت تباركت
وتعاليت سبحانك رب البيت تقبل منى دعائى وما تقربت به اليك من خير فضاعفه
لى اضعافا كثيرة وآتنا من لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتنى واعظم ما
آتيتنى واطول ما عافيتنى واكثر ما سترت على فلك الحمد يا الهى كثيرا طيبا مباركا
عليه ملأ السموات وملأ الارض وملأ ما شاء ربى كما يحب ربى ويرضى وكما
ينبغى لوجه ربى ذى الجلال والاكرام   وبخوان اين دعا را كه در محاسن برقى از پيغمبر
صلى الله عليه و آله مرويست كه برطرف كننده اسقام و فقر است لا حول ولا قوة الا
بالله العلى العظيم توكلت على الحى الذى لا يموت والحمد لله الذى تا آخر آيه
در روضه الكافى ع العليم
اسرى است در كافى امام جعفر عليه السلام فرموده بگو الله الله ربى الرحمن الرحيم لا
اشرك به شيئا   و حاجت طلب كند كه بر مى آيد و بخوان اين دعا را كه يا من اظهر
الجميل وستر القبيح يا من لم يواخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى

ویا منتهی کل شکوی یا قاضی کل حاجة یا مفرج کل کربة یا مقیل العثرات یا
کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها یا رباه یا الله یا سیداه
یا مولاه یا غیاثاه یا غایة رغبتاه اسئلک یا رب بک وبمحمد وعلی وفاطمة
والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی
بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی و
القائم المهدی الائمة الهادیة علیهم السلام ان تصلی علی محمد وال
محمد واسئلک یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار وان تفعل بی ما انت
اهله وتذکر ما ترید واسئلک ان لا تجعلنی فی النار و این دعا را دعای اهل بیت
و انجه خواهی بیاد اور وبگو
می نامند بجهت بر امدن هر حاجت در کافی و اکثر کتب از صادق علیه السلام منقولست و
خواندن این دعا در پیشین بعد از نماز فضل بسیار نقل شده و در تعقیب پیشین اظهار
باین دعا شده و بخوان این دعا را جهت توسعه رزق مسما است بدعای یوسف علیه السلام
اللهم اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب
و بخوان این دعا را که منقولست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله در کفعمی و
اکثر کتب ادعیه با فضل بسیار اللهم ان مغفرتک ارجی من عملی وان
رحمتک اوسع من ذنبی اللهم ان کان ذنبی عندک عظیما فعفوک اعظم
من ذنبی اللهم ان لم اکن اهلا ان ابلغ رحمتک فرحمتک اهل ان تبلغنی لانها
وسعت کل شیء برحمتک یا ارحم الراحمین و بخوان این دعا را که در کفعمی
و اکثر کتب ادعیه از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام با فضل بسیار نقل شده و فرموده اند
که دعای خضر علیه السلام است یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یغلطه
السائلون یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک ومغفرتک وحلاوة
رحمتک و بخوان این دعا را سه مرتبه بجهت عافیت که از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه

علیه واله مرویست اللهم انی اسئلک العفو والعافیة والمعافاة فی الدنیا و
الاخرة در تهذیب از صادق علیه السلام منقولست که هر که در عقب هر فریضه بگوید
این را کامل کند خدای تعالی ایمان او را رضیت بالله ربا وبمحمد نبیا وبالاسلام دینا
وبالقران کتابا وبالکعبة قبلة وبعلی ولیا و اماما وبالحسن والحسین وعلی ومحمد
وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والخلف الحجة الصالح ائمة صلوات
الله علیهم اللهم رضیت بهم ائمة فارضنی بهم انک علی کل شیء قدیر در کافی
مرفوعا منقولست که هر که بعد از نماز بگوید در حالتی که ریش خود را گرفته باشد بدست
راست یا ذا الجلال والاکرام ارحمنی من النار سه مرتبه در حالتی که شکم دست
چپ را باسمان بر داشته باشد پس بگوید اجرنی من العذاب الالیم پس شکم هر دو
دست را باسمان کند و بگوید این دعا را یا عزیز یا حلیم یا کریم یا رحمن یا رحیم
و بر گرداند پشت هر دو دست را باسمان در نوبت دوم بعد از ان بگوید این دعا را
سه نوبت که اجرنی من العذاب الالیم و بعد از ان بگوید صل علی محمد وال
محمد والملائکة والروح وفقهنی فی الدین وحببنی الی المسلمین واجعل لی
لسان صدق فی الاخرین وارزقنی هیبة المتقین یا الله یا الله یا الله اسئلک
بحق من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تستعملنی بما
عرفتنی من حقک وان تبسط علی ما قدرت من رزقک و بخوان یک مرتبه
یا دو مرتبه این دعا را که حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر یک از ایشان
شنیده طلب اجابت میکنند اللهم صل علی محمد وال محمد اللهم اعتقنی
من النار وادخلنی الجنة وزوجنی من الحور العین در کافی و اکثر کتب ادعیه
منقولست که جهت ایمن بودن نفس و اولاد و خانه و مال استعاذه نماید باین قسم
اعیذ و بروایتی اجیر و حضرت صادق علیه السلام فرموده که این کلمات را نزد هر

نماز واجبی بگوکه محفوظ میماند نفس ومنزل ومال واولاد اُجِیرُ نَفْسِی وَمَالِی وَ
وَلَدِی وَاَهْلِی وَدَارِی وَکُلَّمَا هُوَ مِنِّی بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ تا آخر وَاُجِیرُ نَفْسِی وَ
مَالِی وَوَلَدِی وَکُلَّمَا هُوَ مِنِّی بِرَبِّ الْفَلَقِ تا آخر وبربّ النَّاسِ تا آخر وَبِاللّٰهِ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ تا آخر هرکه بگوید درعقب هر فریضه یَا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ
وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ سه مرتبه آنگاه سوال کند که میدهد حق تعالی آنچه
سوال کرده وسی یا چهل مرتبه این تسبیحات اربع را بگوید از نبی صلی الله علیه وآله
نفع وثواب بسیار نقل شده وبعد از ان حاجت طلب کند مستجاب شود سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وسه نوبت
بگوید این صلوات را که از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام منقولست در ثواب الاعمال که
سه یا هفت یا ده نوبت بسم اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وحولقه را بخواند که ائمه علیهم السلام
فرموده اند که ایمن میشوند از امراض کثیره شدیده ببرکت این دعا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَوَّلِینَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْاٰخِرِینَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَاءِ
الْاَعْلٰی وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِیلَةَ وَالشَّرَفَ وَ
الْفَضِیلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْکَبِیرَةَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَلَمْ اَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِی
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ رُؤْیَتَهُ وَارْزُقْنِی صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِی عَلٰی مِلَّتِهِ وَاسْقِنِی مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا
رَوِیًّا سَائِغًا هَنِیئًا لَا اَظْمَاُ بَعْدَهُ اَبَدًا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ کَمَا اٰمَنْتُ
بِمُحَمَّدٍ وَلَمْ اَرَهُ فَعَرِّفْنِی فِی الْجِنَانِ وَجْهَهُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّی تَحِیَّةً کَثِیرَةً
وَسَلَامًا در کفعمی واکثر کتب ادعیه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخوان
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَذْهَبَ اللَّیْلَ بِقُدْرَتِهِ وَجَآءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِیدًا
وَنَحْنُ فِی عَافِیَةٍ مِنْهُ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَکَرَمِهِ مَرْحَبًا بِالْحَافِظِینَ والتفات کند
بطرف راست وبگوید حَیَّاکُمَا اللّٰهُ مِنْ کَاتِبَیْنِ والتفات بطرف چپ کند وبگوید اکتبا

۱۸

رَحِمَکُمَا اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
صَلَّی اللّٰهُ علیه وَاٰلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ السَّاعَةَ اٰتِیَةٌ لَا رَیْبَ فِیهَا وَاَنَّ اللّٰهَ
یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ عَلٰی ذٰلِکَ اَحْیَا وَعَلَیْهِ اَمُوتُ وَعَلَیْهِ اُبْعَثُ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اِقْرَاْ
مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ مِنِّی السَّلَامَ در امالی منقولست سه مرتبه بلند بخوان در
تعقیب نماز صبح تاسیا برسول الله صلی الله علیه وآله اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِی دِینِیَ الَّذِی جَعَلْتَهُ
لِی عِصْمَةً سه نوبت اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِی دُنْیَایَ الَّتِی جَعَلْتَ فِیهَا مَعَاشِی سه نوبت اَللّٰهُمَّ
اَصْلِحْ لِی اٰخِرَتِیَ الَّتِی جَعَلْتَ اِلَیْهَا مَرْجِعِی سه نوبت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِرِضَاکَ مِنْ
سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ نَقِمَتِکَ سه نوبت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لَا مَانِعَ لِمَا
اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ وعنوان این دعا که امام موسی
علیه السلام بعلقام تعلیم کرده ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب باید خواند سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَ
بِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ هرکه
در عقب هر نماز صبح بخواند طلب نمیکند هیچ حاجتی مگر آنکه میسر میگرداند حق تعالی
بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ
فَوَقٰیهُ اللّٰهُ سَیِّئَاتِ مَا مَکَرُوا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ حَسْبُنَا اللّٰهُ رَبِّی وَنِعْمَ
الْوَکِیلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا مَا شَآءَ النَّاسُ مَا شَآءَ اللّٰهُ وَاِنْ کَرِهَ
النَّاسُ حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِینَ حَسْبِیَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ حَسْبِیَ الرَّازِقُ مِنَ
الْمَرْزُوقِینَ حَسْبِیَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ حَسْبِی مَنْ هُوَ حَسْبِی حَسْبِی مَنْ کَانَ مُنْذُ کُنْتُ
حَسْبِی حَسْبِی مَنْ لَمْ یَزَلْ حَسْبِی حَسْبِیَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وهفتاد نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ویکمرتبه یا ده یا صد نوبت بگوید ابزرا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه سُبْحانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ با حولقه بگو
آداب سجدهٔ شکر در طرفی از ادعیه سجدهٔ شکر میباید بعد از هر فریضه و بعد از تمام
تعقیبات باید که سجده را چنان نماید که سینهٔ خود را بزمین چسباند و دعا و شکر کند و
بطن شود بزمین و بهترین وقت اجابت دعا سجده است علی الخصوص در حالتی که گریه کند
آن علامت استجابت است و ادنی آنچه مجزیست در سجدهٔ شکر شُکْراً لِلّٰهِ است سی نوبت
اگر صد نوبت بگوید افضل است و این ادعیه را امام زین العابدین علیه السلم در سجدهٔ
شکر میفرمود اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ مَلٰئِكَتَكَ وَاَنْبِيٰائَكَ وَرُسُلَكَ وَ
جَمِيعَ خَلْقِكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ رَبِّي وَالْاِسْلامُ دِينِي وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَعَلِيٌّ وَلِيِّي
وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ
جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْخَلَفُ
الصّالِحُ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَئِمَّتِي بِهِمْ اَتَوَلّٰى وَمِنْ عَدُوِّهِمْ اَتَبَرَّءُ وهر یک
از این ادعیه را که نوشته شد سه مرتبه در سجدهٔ شکر بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ
دَمَ الْمَظْلُومِ سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ بِاِيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِاَوْلِيائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ
عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ
مُحَمَّدٍ سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اَنْشُدُكَ بِاِيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِاَعْدائِهِمْ لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْزِيَنَّهُمْ
بِاَيْدِيهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ
مُحَمَّدٍ سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ و بعد از آن بگذار گونهٔ راست
را بر زمین و بگو سه مرتبه يا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِما رَحُبَتْ
وَيا بارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ
آلِ مُحَمَّدٍ و بعد از آن بگذار گونهٔ چپ را بر زمین و بگو این دعا را يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ وَ
يا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي فَفَرِّجْ عَنِّي و بگو بعد از آن يا حَنّانُ

یا منان

إلّا الله عبوديّةً ورقّا لا إله إلّا الله إيمانا وتصديقا سجدت لك يا ربّ تعبّدا و
رقّا در كلينى اين دعا بجهت سرعت اجابت دعا از امام جعفر صادق عليه السلام كه
شخصى نزد حضرت امير المؤمنين عليه السلام آمد وشكايت كرد كه دعايم مستجاب نمى‌شود
آنحضرت اين دعا را تعليم او كرد كه بجهت اجابت دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اللّهمّ
إنّي أسألك باسمك العظيم الأعظم الأجلّ الأكرم المخزون المكنون النّور الحقّ
البرهان المبين الّذي هو نورٌ مع نورٍ ونورٌ من نورٍ ونورٌ في نورٍ ونورٌ على نورٍ
ونورٌ فوق كلّ نورٍ ونورٌ تضيء به كلّ ظلمةٍ وتكسر به كلّ شدّةٍ وكلّ شيطانٍ
مريدٍ وكلّ جبّارٍ عنيدٍ لا تقرّ به أرضٌ ولا تقوم به سماءٌ ويأمن به كلّ خائفٍ و
يبطل به سحر كلّ ساحرٍ وبغي كلّ باغٍ وحسد كلّ حاسدٍ ويتصدّع لعظمته البرّ
والبحر ويستقلّ به الفلك حين يتكلّم به الملك فلا يكون للموج عليه سبيلٌ و
هو اسمك الأعظم الأعظم الأجلّ الأجلّ النّور الأكبر الّذي سمّيت به نفسك و
استويت به على عرشك وأتوجّه إليك بمحمّدٍ وأهل بيته أسألك بك وبهم
أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وأن تفعل بي كذا وكذا يعنى مطلب را بگويد وبخواند
اين دعا را كه مخصوص است بتعقيب نماز صبح اللّهمّ إنّي أصبحت أشهدك وكفى بك
شهيدا وأشهد ملائكتك وحملة عرشك وسكّان سمواتك وأرضك وأنبياءك
ورسلك والصّالحين من عبادك وجميع خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا
أنّي أشهد أنّك أنت الله وحدك لا شريك لك وأنّ محمّدا صلّى الله عليه
وآله عبدك ورسولك وأنّ كلّ معبودٍ ممّا دون عرشك إلى قرار أرضك
السّابعة السّفلى باطلٌ مضمحلٌّ ما عدا وجهك الكريم فإنّه أعزّ وأكرم وأجلّ
وأعظم من أن يصف الواصفون كنه جلاله أو تهتدي القلوب إلى كنه
عظمته يا من فاق مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف الواصفين

ما آنز حمده وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شانه صل على محمد وآل محمد وافعل
بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل المغفرة مرویست که در آسمان فرشته ایست که
هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار زبان و با هر زبانی هزار هزار لغت خدا را تسبیح میکند
وقتی از جناب الهی سؤال نمود که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل من عبادت کند از آنجناب
خطاب رسید که در زمین مرا بنده ایست که تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیمتر آن
فرشته رخصت دیدن آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود زیاده ازین عبادتی از و
ندید که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب
الله ان يسبح وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد
الله شيء وكما يحب الله ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله و
لا اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم
وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اكبر على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى
يوم القيمة اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك خير ما ارجو
وخير ما لا ارجوا واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر در کفعمی بعد از نماز
صبح باید خواند اللهم اني احمدك على كل نعمة واسئلك من كل خير واستغفرك من
كل ذنب واستعيذ بك من كل بلاء ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم در اکثر
کتب ادعیه منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که این دعا را جهت حفظ هر
کس در هر صبح بخواند در امان خدا باشد او و فرزند او و مال او و رعیت او و زراعت او تا
شب و هر که در شب بخواند همچنین تا صبح و این دعا را فضل و خواص بسیار فرموده اند بخوان
دعا را بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء

بعد هر فریضه

هر روز صبح

بسم الله

بسم الله الذي لا يضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت
بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي بسم الله على اهلي ومالي
بسم الله على ما اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا
في السماء وهو السميع العليم الله الله ربي حقا لا اشرك به شيئا في الارض ولا
في السماء الله اكبر الله اكبر الله اكبر اعز واجل مما اخاف واحذر عز
جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك اللهم اني اعوذ بك
من شر نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل جبار
عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انك على
صراط مستقيم وانت على كل شيء حفيظ ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى
الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على خير خلقه محمد واله الطاهرين پس بخواند این دعا را که مخصوص
به تعقیب نماز صبح است و فضیلت بسیار دارد اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك
واصبحت ذنوبي مستجيرة بمغفرتك واصبح خوفي مستجيرا بامانك واصبح فقري
مستجيرا بغناك واصبح ذلي مستجيرا بعزك واصبح ضعفي مستجيرا بقوتك
واصبح وجهي الفاني مستجيرا بوجهك الدائم الباقي يا كائنا قبل كل شيء و ...
كائنا بعد كل شيء ويا مكون كل شيء صل على محمد وال محمد و ...
فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث ...
را بر پیش گیرد و کف دست چپ را بسوی آ...
دعا یا رب محمد وال محمد صل على ...
بهمان قسم هفت مرتبه ...

بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي

بسم الله لا اشرك به شيئا

الله

بالحق

تعقيب

مِنَ النّارِ بعد از ان بگوی یکمرتبه یا اللهُ یا رَحمٰنُ یا رَحیمُ یا حَیُّ یا قَیّومُ بِرَحمَتِكَ
اَستَغیثُ اَللّٰهُمَّ اَنتَ ثِقَتی فی كُلِّ كُربَةٍ وَاَنتَ رَجائی فی كُلِّ شِدَّةٍ وَاَنتَ لی
فی كُلِّ اَمرٍ نَزَلَ بی ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فاغفِر لی ذُنوبی كُلَّها وَاكشِف هَمّی وَفَرِّج غَمّی
اَللّٰهُمَّ اَغنِنی بِحَلالِكَ عَن حَرامِكَ وَبِفَضلِكَ عَمَّن سِواكَ ودر اخبار واقع
شده که می باید آخر تعقیبات تو بوده باشد اینده‌عا و بگوی بعد از ان یکمرتبه این دعا را
که در فلاح السائل مرویست که واجبست انکه بوده باشد این دعا آخر آنچه دعا کرده میشود
بآن بعد از نماز اَللّٰهُمَّ اِنّی وَجَّهتُ وَجهِیَ اِلَیكَ وَاَقبَلتُ بِدُعائی عَلَیكَ راجِیًا اِجابَتَكَ
طامِعًا فی مَغفِرَتِكَ طالِبًا ما اَوَیتَ بِهِ عَلیٰ نَفسِكَ مُستَنجِزًا وَعدَكَ اِذ تَقولُ اُدعونی
اَستَجِب لَكُم فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَقبِل اِلَیَّ بِوَجهِكَ وَاغفِر لی وَارحَمنی وَاستَجِب
دُعائی یا اِلٰهَ العالَمینَ در بلد الامین و در اکثر کتب ادعیه مذکور است که الله سبحانه
و تعالی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که حایلی نمی ماند میان من و میان داعی که بر
آورده میشود حاجت او بسبب این دعا که یا اللهُ المانِعُ بِقُدرَتِهِ خَلقَهُ وَالمالِكُ بِها
سُلطانَهُ وَالمُتَسَلِّطُ بِما فی یَدَیهِ كُلُّ مَرجُوٍّ دونَكَ یَخیبُ رَجاءُ راجیهِ وَراجیكَ
مَسرورٌ لا یَخیبُ وَاَسئَلُكَ بِكُلِّ رِضیً لَكَ مِن كُلِّ شَیءٍ اَنتَ فیهِ وَبِكُلِّ شَیءٍ تُحِبُّ اَن تُذكَرَ
بِهِ وَبِكَ یا اللهُ فَلَیسَ یَعدِلُكَ شَیءٌ اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَحوطَنی وَوالِدَیَّ
وَوَلَدی وَقَرابَتی اِخوانی وَاَخَواتی وَمالی بِحِفظِكَ وَاَن تَقضِیَ حاجَتی بجهت اروزی
ق این دعا واقعست بسم الله الرحمن الرحیم یا رازِقَ المُقِلّینَ یا راحِمَ المَساكینَ
[illegible] یا ذَا القُوَّةِ المَتینِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ اِرحَمنی وَارزُقنی یا كافِیَ
[illegible] مُحَمَّدٍ لِلاَحزابِ یا مَن لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَومٌ یا حَیُّ یا قَیّومُ
[illegible] مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بجهت بر آمدن مهمات کلی بخواند این دعا را
[illegible] بِسَرائِرِنا فَاَصلِحها وَاَنتَ عالِمٌ

بحوائجنا

بِحَوائِجِنا فَاقضِها وَاَنتَ عالِمٌ بِذُنوبِنا فَاغفِرها وَاَنتَ عالِمٌ بِاَعدائِنا فَاَهلِكها وَ
اَنتَ عالِمٌ بِاَمراضِنا فَاشفِها وَاَنتَ عالِمٌ بِمُهِمّاتِنا فَاكفِها یا قاضِیَ الحاجاتِ وَ
یا كافِیَ المُهِمّاتِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجمَعینَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ دعای صحیفه کامله است
بخوان این دعا را در روز شنبه بسم الله الرحمن الرحیم یا رازِقَ المُقِلّینَ بِسمِ اللهِ
كَلِمَةِ المُعتَصِمینَ وَمَقالَةِ المُتَحَرِّزینَ وَاَعوذُ بِاللهِ تَعالیٰ مِن جَورِ الجائِرینَ وَكَیدِ
الحاسِدینَ وَبَغیِ الظّالِمینَ وَاَحمَدُهُ فَوقَ حَمدِ الحامِدینَ اَللّٰهُمَّ اَنتَ الواحِدُ بِلا
شَریكٍ وَالمَلِكُ بِلا تَملیكٍ لا تُضادُّ فی حُكمِكَ وَلا تُنازَعُ فی مُلكِكَ اَسئَلُكَ اَن
تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَرَسولِكَ وَاَن تُوزِعَنی مِن شُكرِ نُعماكَ ما تَبلُغُنی
فی غایَةِ رِضاكَ وَاَن تُعینَنی عَلیٰ طاعَتِكَ وَلُزومِ عِبادَتِكَ وَاستِحقاقِ مَثوبَتِكَ
بِلُطفِ عِنایَتِكَ وَتَرحَمَنی بِصَدّی عَن مَعاصیكَ ما اَحیَیتَنی وَتُوَفِّقَنی لِما یَنفَعُنی
ما اَبقَیتَنی وَاَن تَشرَحَ بِكِتابِكَ صَدری وَتَحُطَّ بِتِلاوَتِهِ وِزری وَتَمنَحَنِی السَّلامَةَ
فی دینی وَنَفسی وَلا تُوحِشَ بی اَهلَ اُنسی وَتُتِمَّ اِحسانَكَ اِلَیَّ فیما بَقِیَ مِن عُمری
كَما اَحسَنتَ فیما مَضیٰ مِنهُ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ الطیبین
دعای هفته امیر المؤمنین علی علیه السلام که باین مواظبت میفرموده در کتاب نزهة
الزاهد که از کتب ادعیه مرویه بطریق حقه امامیه است آورده اند که در هر روزی از هفته آن
حضرت علی علیه السلام را وردی بوده که همه روزه بآن مواظبت مینموده و با صحاب خود فرموده
که هر که این اوراد را بترتیب بخواند و بآن مواظبت نماید عمرش دراز شود و نعمتش همیشه بماند
و دشمن بر وی ظفر نیابد و دایم تندرست باشد و روز قیامت که محشور گردد جبرئیل
بر سر وی ایستاده باشد با براقی از نور و آن براقها از در و یاقوت باشند که او را بر آن
نشاند و بیحساب به بهشت رساند و حضرت سید و مولا و امام و مقتداء
الرضا علیه السلام نیز میفرماید که هر که این دعا را هر روز بترتیب بخواند

بربالین او وجبرئیل علیه السلام ایستاده با براقی از نور او را بران نشاند و بیحساب
و بی ترس از هول قیامت ببهشت رساند و هرکه در عمر خود یکبار آنرا بخواند از شر
جن وانس ایمن باشد و هرکه در سالی یکبار بخواند الله تعالی ویرا بر دشمنان مظفر
کرداند و هرکه در ماهی یکبار بخواند نعمتش همیشه باند و عزتش زیاده شود والله تعالی
بندکان خود را دوست او کرداند و دعای او را بشرف اجابت رساند دعای یوم
اللهم لا اله الا انت رب السموات السبع ورب العرش العظيم اول كل شيء و
اخره وخالق الخلق ورازقهم فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا
اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع وانت على كل شيء قدير اللهم صل على محمد
وال محمد عبدك ورسولك امام الدين وقائد الخير ونبي الرحمة اللهم صل
على محمد وال محمد واجز عني والدي بما كان منهما من رحمتهما اياي وحرصهما
على هداي افضل ما جزيت الوالدين عن ولدهما اللهم اني اعوذ بك من الفقر
وتشتت الامر ومن شر ما يحدث بالليل والنهار وان حدث قبل دعائي ولم
يصبني بعد فادفعه عني واجعلني من طلقائك من النار اللهم بنورك اهتدينا
وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا اجمع على الهدى امرنا واجعل
التقوى زادنا والجنة مابنا وهب لنا رضاك عنا والمعافات في الدنيا والاخرة
اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك والعمل بطاعتك ٥
اللهم اني اسئلك الغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم والفوز بالجنة
والنجاة من النار اللهم لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا
... الا اديته ولا حاجة الا قضيتها اللهم ما كان من خير انت قاسمه
... اقك او معطيه احدا من عبادك فاني اسئلك وارغب اليك فيه
... اللهم اغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اعلنت وما

اسررت

اسررت وما انت اعلم به مني فانك انت المقدم وانت المؤخر وانت على كل شيء
قدير اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك و
اسمك الاعظم العظيم وذكرك الاعلى وكلماتك التامات ان تنظر الي
نظرة رحيمة من فوق عرشك العظيم وبوجهك الكريم الحسن الجميل
تغفر بها ذنوبي وتجعلني من عتقائك وطلقائك من النار يا ارحم الراحمين
دعای هفته حضرت صادق علیه السلام ثواب وفضل ونفع بسیار واقع شده
و باید که بخواند این دعاها را هریک بعد از بسم الله الرحمن الرحیم در هر روز دعای روز
شنبه است بسم الله الرحمن الرحيم يا من عظم عزه وطلب ذكره و
نفذ امره رب انت بسطت يدك بالرحمة وشرحت قلوب المخصوصين
بمعرفتك والزمتهم بطاعتك اجعلنا منهم واحشرنا في زمرتهم يا ذا الجلال
والاكرام يا ارحم الراحمين دعای یوم الاحد در صحیفهٔ کامله منقولست ٥
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الذي لا ارجوا الا فضله ولا اخشى
الا عدله ولا اعتمد الا قوله ولا استمسك الا بحبله بك استجير يا ذا
العفو والرضوان من الظلم والعدوان ومن غير الزمان وتواتر الاحزان
ومن انقضاء المدة قبل التاهب والعدة واياك استرشد لما فيه
الصلاح والاصلاح وبك استعين فيما يقترن به النجاح والانجاح
واياك ارغب في لباس العافية وتمامها وشمول السلامة ودوامها
واعوذ بك يا رب من همزات الشياطين واحترز بسلطانك من جور
السلاطين فتقبل ما كان من صلاتي وصومي واجعل غدي وما بعده
افضل من ساعتي ويومي واعزني في عشيرتي وقومي واحفظني في يقظتي و
نومي فانت الله خير حافظا وهو ارحم الراحمين اللهم اني ابرء اليك

فی یومی هذا و فیما بعده من الالحاد و من الشرک و الالحاد و اخلص لک دعآئی تعرضا
للاجابة و اقیم نفسی علی طاعتک رجاء للانابة فصل علی محمد خیر خلقک الداعی
الی حقک و اعزنی بعزک الذی لا یرام و احفظنی بعینک التی لا تنام و اختم بالا
نقطاع الیک امری و بالمغفرة عمری انک انت الغفور الرحیم دعاء یوم الاحد
حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام ۵ سبحانک اللهم و بحمدک جل ثناؤک و
تقدست اسمائک و حسن بلاؤک و عظم شانک و لا اله غیرک لک الحمد قدر عظمتک
و سعة حلمک و منتهی علمک و رضا نفسک انت اهل الحمد و احق بالحمد و اولی
به لیس للحمد دونک مقضی و لا الی غیرک منتهی و لک الحمد علی نعمائک کلها
ما مضی منها و ما بقی و ما ارای منها و ما اخفی و ما شکر منها و ما کفر و لک الحمد
فی اللیل اذا یغشی و فی النهار اذا تجلی و لک الحمد فی الاخرة و الاولی سبحان
الذی فی السماء عرشه سبحان الذی فی الارض قدرته سبحان الذی فی البر
و البحر سبیله اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تشمت بی اعدآئی و لا تمکنهم
منی و اقبض ایدیهم عنی و احفظنی و احفظ علی دینی اللهم انی ظلمت کثیرا من
عبادک فعوضهم من مظالمهم برضاهم ثم اغفر لی انک انت الغفور الرحیم
اللهم صل علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی
ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم انی اسئلک الهدی و التقی و
العفة و الغنی و العمل بما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی دیننا الذی فیه
عصمتنا و فی دنیانا التی فیها بلاغنا و فی اخرتنا التی الیها مصیرنا و اجعل حیوتنا
زیادة لنا فی کل خیر و نجنا من النار و من کل سوء اللهم ارزقنا طیبا و
استعملنا صالحا و توفنا مسلمین اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و من
تحویل عافیتک و من فجاة نقمتک و اعوذ بک من درک الشقآء و من سوء

القضاء

القضاء و من شر ما سبق به الکتاب اللهم ارحمنا بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنا و
احرسنا من تکلف ما لا یعنینا و اعطنا قوة و نشاطا فی سبیلک فنسالک
ان توسع علینا من رزقک ما نسد به فاقتنا و نستر به عورتنا و نصل به
ارحامنا و نکف به جوارحنا عن الحرام اللهم اجعل النور فی بصری و البصیرة
فی قلبی و الصحة فی جسمی و الاخلاص فی عملی و السعة فی رزقی و ذکرک علی
لسانی و الشکر لک باللیل و النهار ابدا ما ابقیتنی من شانی انک ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله الاخیار دعای یوم الاحد حضرت سجاد
علیه السلام است یا سامع الدعاء و یا سابغ النعماء و جزیل العطآء و عظیم الثناء
احاط بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا عنت الوجوه و خضعت له الرقاب و
سبح کل شیء بامره لا یعزب عنک شیء و لا تخفی علیک خافیة اللهم اغفر لنا
بفضلک یا عفو یا غفور دعاء یوم الاثنین از صحیفه کامله است بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لم یشهد احدا حین فطر السموات و الارض و لا
اتخذ معینا حین برء النسمات لم یشارک فی الالهیة و لم یظاهر فی الو
حدانیة
کلت الالسن عن غایة صفته و العقول عن کنه معرفته و تواضعت الجبابرة
لهیبته و عنت الوجوه لخشیته و انقاد کل عظیم لعظمته فلک الحمد متواترا
متسقا و متوالیا مستوسقا و صلوته علی رسوله ابدا و سلامه دائما
سرمدا اللهم اجعل اول یومی هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و اخره
نجاحا و اعوذ بک من یوم اوله فزع و اوسطه جزع و اخره وجع اللهم
انی استغفرک لکل نذر نذرته و لکل وعد وعدته و لکل عهد عاهدته
ثم لم اف لک به و اسئلک فی مظالم عبادک عندی فایما عبد من عبیدک او
امة من امائک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی نفسه او فی عرضه

دعای ایام هفته

او في ماله او في اهله وولده او غيبة اغتبته بها او تحامل عليه بميل او هوى
او انفة او حمية او رياء او عصبية غائبا كان او شاهدا وحيا كان
او ميتا فقصرت يدي وضاق وسعي عن ردها اليه والتحلل منه فاسئلك
يا من يملك الحاجات وهي مستجيبة لمشيته ومسرعة الى ارادته ان
تصلي على محمد وال محمد وان ترضيه عني بما شئت وتهب لي من عندك
رحمة انه لا تنقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة يا ارحم الراحمين اللهم
اولني في كل يوم اثنين نعمتين منك ثنتين سعادة في اوله بطاعتك
ونعمة في اخره بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر الذنوب سواه ۵

دعای یوم الاثنین حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام الحمد لله الذي
افتخر بعلوه وعلى بفخره واعتز بعزته وقهر عباده واكتفى في ملكه و
انار في الظلمة بنوره وعلم السر والعلانية ربنا لك الحمد والنعماء
والعزة والعظمة والكبرياء والقدرة والمجد والغنى بديع السموات
والارض ذو البطش الشديد والقوة المتين الدائب الباعث الوارث المنعم
المفضل المتفضل النافع الرافع الرؤف الرحيم احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا رب
الارباب وسيد السادات واله الالهة وجبار الجبابرة ومالك الملوك
لا اله الا هو الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في
السموات والارض وهو العزيز الحكيم اللهم صل على محمد واله في الاولين
وصل على محمد واله في الاخرين واته كرامته وتقبل شفاعته في امته و
عظم برهانه وشرف بنيانه وثقل ميزانه واوردنا حوضه واسقنا بكاسه
انك على كل شيء قدير اللهم اقبض عني ايدي الخونة ومكر الماكرين و
جور الجائرين فاني اصبحت معترضا بك لا املك خير ما ارجو ولا استطيع دفع

ما احاذر اصبحت مرتهنا بعملي واصبح الامر بيد غيري يا فارج الهموم ويا كاشف الغموم
ويا مجيب دعوة المضطرين لا تعذبني بكثرة ذنوبي واعف عما تعلم مني فانك تعلم
مني ذنوبا كثيرة فان تعذبني فبذنوبي وان تغفر لي فانت ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وال محمد واختم لي اجلي بخير واجعل خير عمري اخره وبارك لي
في القضاء وارزقني التوبة قبل الحسرة ولا تذرني في غفلة ولا تاخذني على غرة
ولا تجعل عاقبة امري خسرا وارزقني قول التوابين واعمالهم وتوبة الانبياء
وصدقهم ونجاة المجاهدين وثوابهم وشكر المصطفين ونصحهم وعمل الذاكرين و
يقينهم وارزقني من خشيتك ما يحجزني عن معاصيك ومن طاعتك ما
يبلغني مرضاتك يا ذا الجلال والاكرام ولا تكلنا الى انفسنا طرفة عين ولا
تشمت بنا عدوا ولا حاسدا ابدا ما ابقيتنا ولا تنزع عنا صالح ما اعطيتنا
انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد واله وسلم دعای یوم الاثنین حضرت صادق
علیه السلام است اللهم لا اله الا انت سبحانك ما اعظم شانك واشد
جبروتك انت القادر الحليم اللطيف الخبير اسئلك النجاة بعفوك من عقابك يا غفور
يا رحيم دعای یوم الثلثا در صحیفهٔ کامله است بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله
والحمد حقه كما يستحقه حمدا كثيرا واعوذ به من شر نفسي ان النفس لامارة
بالسوء الا ما رحم ربي واعوذ به من شر الشيطان الذي يزيدني ذنبا الى ذنبي
واحترز به من كل جبار فاجر وسلطان جائر وعدو قاهر اللهم اجعلني
من جندك فان جندك هم الغالبون واجعلني من حزبك فان حزبك هم
المفلحون واجعلني من اوليائك فان اوليائك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون
اللهم اصلح لي ديني فانه عصمة امري واصلح لي اخرتي فانها دار مقري
واليها من مجاورة اللئام مفري واجعل الحيوة زيادة لي في كل خير والوفاة

راحةً لي من كل شر اللهم صل على محمد خاتم النبيين وتمام عدة المرسلين
وعلى آله الطيبين الطاهرين واصحابه المنتجبين وهب لي في الثلثاء ثلاثاً لا
تدع لي ذنباً الا غفرته ولا غماً الا اذهبته ولا عدواً الا دفعته بسم الله خير
الاسماء بسم الله رب الارض والسماء استدفع كل مكروه اوله سخطه
واستجلب كل محبوب اوله رضاه فاختم لي منك بالغفران يا ولي الاحسان ٥
دعای یوم الثلثاء حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام الحمد لله رب العالمين
حمداً كثيراً طيباً مباركاً كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله الذي لا تصفه الالسن ولا
تهتدي القلوب لكنه عظمته ولا تبلغ الاوهام شكره الذي خلق الخلق بعلمه وقدر
الامور بقدرته واستعبد الارباب بعزته وساد العظماء بجوده وعلا السادة
بمجده واصطفى الكبرياء والنور والجلال والضياء والمجد والعلو والكرم لنفسه
الحمد لله الذي خضعت الالسنة لمجده وخشعت الاصوات لهيبته وعنت الوجوه
لجلالته ووجلت القلوب من مخافته الحمد لله الذي يعلم وهم الانفس و
وسواس الصدور ونيات القلوب وخائنة الاعين وما تخفي الصدور اللهم
انك اذنت لي في الدعاء ووعدتني الاجابة فنجني من كل كرب انت غياث كل
مكروب رب اكشف عني الضر وفرج عني الحزن فقد وسعت كل شيء رحمة وعلماً
اللهم صل على محمد وال محمد واجز عني والدي بما كان من رحمتهما اياي
وحرصهما على هداي وجازهما افضل ما جزيت والدين عن ولدهما واجزهما
بالاحسان احساناً وبالسيئات غفراناً اللهم صل على محمد وال محمد وتقبل
توبتي واغفر حوبتي واستر عورتي واجبر فاقتي وبارك لي فيما آتيتني واجعل
الانبياء شفعائي اللهم لقني في قبري ثبات المنطق وقرة الاعين والسعة
والرحمة في الموت وفيما بعده اللهم اني اشهدك وحملة عرشك وملائكتك و

العيني ر

وسلم [illegible]

٢٥

دعای ایام هفته

وادعوك بانك انت الله لا اله الا انت الحي القيوم اللهم اجعل اول يومي هذا
صلاحاً واوسطه نجاحاً وآخره فلاحاً اللهم لا تذرني في غفلة ولا تاخذني على
غرة ولا تجعلني من الغافلين ولا تكلني الى نفسي طرفة عين اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل خير عمري آخره واختم بعملي باحسنه واجعل خير ايامي
يوم لقائك يا ارحم الراحمين دعای یوم الثلثاء حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
اللهم انت قضيت على عبادك الموت وانت تتوفى الانفس عند موتها لا اله
الا انت تباركت وتعاليت عما يقول الظالمون علواً كبيراً دعای یوم الاربعاء
در صحیفه کامله بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل الليل لباساً
والنوم سباتاً وجعل النهار نشوراً لك الحمد ان بعثتني من مرقدي ولو
شئت جعلته سرمداً حمداً دائماً لا ينقطع ابداً ولا يحصي له الخلائق عدداً
اللهم لك الحمد ان خلقت فسويت وقدرت وقضيت وامت واحييت
وامرضت وشفيت وعافيت وابليت وعلى العرش استويت وعلى الملك احتويت
ادعوك دعاء من ضعفت وسيلته وانقطعت حيلته واقترب اجله وتدانى
في الدنيا امله واشتدت الى رحمتك فاقته وعظمت لتفريطه حسرته
وكثرت زلته وعثرته وخلصت لوجهك توبته فصل على محمد خاتم
النبيين وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين وارزقني شفاعة محمد
صلى الله عليه واله ولا تحرمني صحبته انك انت ارحم الراحمين ٥ اللهم اقض
لي في الاربعاء اربعاً اجعل قوتي في طاعتك ونشاطي في عبادتك ورغبتي في
ثوابك وزهدي فيما يوجب لي اليم عقابك انك لطيف لما تشاء دعای یوم
الاربعاء حضرت علی علیه السلم الحمد لله الذي اصطنع عندنا ان نحمده و
نشكره وان نعبده حمداً كثيراً دائماً دائباً واصلاً متتابعاً نامياً زائداً صاعداً

لا ينقطع أوله ولا يفنى آخره ولا يبيده شيء ولا ينقطع منه شيء حمداً كثيراً
كما هو أهله اللهم استرني في العورات واصرف عني المكروهات وفرج
عني الكربات يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك
لي في الموت إذا جاء واجعل الموت خير غائب ننتظره واجعل ما بعد الموت
خيراً لنا مما قبله اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا فائزين
بالجنة معافين من النار برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم استجب دعائي
واعطني سؤلي وارحم تضرعي واقبل شكواي وارزقني الذي رغبت فيه
من الجنة واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني في هذه الغداة
من عتقائك وطلقائك ومحرريك من النار يا ارحم الراحمين يا قدوس يا قدوس
يا اول الاولين ويا آخر الآخرين يا رحمن يا رحيم اغفر لي الذنوب التي
تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم والذنوب التي تحبس القسم
والذنوب التي تورث الندم والذنوب التي تهتك العصم والذنوب التي
تنزل البلاء والذنوب التي تمنع الدعاء والذنوب التي تقطع الرجاء و
الذنوب التي تمنع غيث السماء والذنوب التي تظلم الهواء والذنوب التي
تكشف الغطاء الحمد لله الذي جللنا عافيته وجاء بالشمس من مطلعها
ولم يطلعها من المغرب ولم تسجد لها الشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير
العزيز العليم دعاء يوم [illegible] عن الصادق عليه السلام الله اكبر رفيع الدرجات
عظيم البركات مجيب الدعوات معطي المسؤلات اسئلك باسمائك الحسنى
ان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين دعاء يوم الخميس در صحيفه كامله
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي اذهب الليل مظلماً بقدرته وجاء
بالنهار مبصراً برحمته وكساني ضياءه وآتاني نعمته اللهم فكما ابقيتني له فابقني

لامثاله

لامثاله وصل على النبي محمد وآله ولا تفجعني فيه وفي غيره من الليالي والايام
بارتكاب المحارم واكتساب المآثم وارزقني خيره وخير ما فيه وخير ما
بعده واصرف عني شره وشر ما فيه وشر ما بعده اللهم اني بذمة الاسلام
اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبمحمد المصطفى صلى الله عليه وآله
استشفع لديك فاعرف اللهم ذمتي التي رجوت بها قضاء حاجتي يا ارحم
الراحمين اللهم اقض لي في الخميس خمساً لا يتسع لها الا كرمك ولا يطيقها الا
نعمك سلامة اقوى بها على طاعتك وعبادة استحق بها جزيل مثوبتك و
سعة في الحال من الرزق الحلال وان تؤمنني في مواقف الخوف بامنك وتجعلني من
طوارق الهموم والغموم في حصنك اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل توسلي به
شافعاً يوم القيامة نافعاً انك انت ارحم الراحمين دعاء [illegible]
المؤمنين عليه السلام اللهم لك الحمد ربنا كله ولك الخلق كله وبيدك الخير
كله واليك يرجع الامر كله علانيته وسره سبحان ذي الملك والملكوت
سبحان ذي العزة والجبروت سبحان الحي الذي لا يموت سبحان الباعث الوارث
سبحان العظيم الاعظم تبارك الله احسن الخالقين اللهم اني اعوذ بك من
الكسل والجهل والقول وسوء العمل واعوذ بك من فقر يذلني ومن مسكنة
تشينني ومن فاقة تضرني ومن غنى يطغيني ومن حرص يغويني ومن هوى يرديني
ومن سقم يلهيني ومن حيوة تشقيني اللهم اني اعوذ بك من الكفر بعد الايمان
ومن الضلالة بعد الهدى ومن الهوان بعد الكرامة ومن الذل بعد العز ومن
الخلاف بعد الالفة اللهم انت الاول فلا شيء قبلك وانت الآخر فلا شيء
بعدك وانت الظاهر فلا شيء فوقك وانت الباطن فلا شيء دونك وانت
القائم فوق عبادك والباقي بعد خلقك سبحانك وتعاليت علواً كبيراً اللهم

صلّ على محمدٍ وآله عبدك ورسولك ونبيّك وصفيّك وخليلك ونجيّك ٥
كافضل ما صلّيت على احدٍ من خلقك واجمع بيننا وبينهم في دار السّلام واغفر
لي ولوالديّ ومعارفي وجميع امّة محمّدٍ صلى الله عليه وآله واسئلك خير
المسئلة وخير الدّعاء وخير الدّنيا والآخرة اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ
الطيّبين الطّاهرين وبارك لنا في انفسنا واعمالنا ومعايشنا وارزاقنا و
اسماعنا وابصارنا واجسادنا واعضائنا واركاننا اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل
محمّدٍ ولا تدع لنا ذنبًا الّا غفرته ولا سوءً الّا صرفته ولا عيبًا الّا اصلحته
ولا كربًا الّا نفّسته ولا دينًا الّا اديته ولا عورةً الّا سترتها ولا حاجةً الّا
قضيتها برحمتك يا ارحم الرّاحمين اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وخلّصنا
من شرّ الدّنيا والآخرة ومن شرّ الاعداء فانّه لا حول ولا قوّة الّا بك ولا يستطيع
احدٌ يخلّصني غيرك فاغفر لي بجودك وكرمك وعظمتك وسلطانك يا ارحم
الرّاحمين الحمد لله الّذي لم يتّخذ ولدًا ولم يكن له شريكٌ في الملك ولم
يكن له وليٌّ من الذّلّ وكبّره تكبيرًا وصلّى الله على محمّدٍ وآله الطّيّبين
الطّاهرين الاخيار ولا حول ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم
[illegible] عليه السلام اللّهمّ انّي اسئلك تؤتي الملك من تشاء و
تعزّ من تشاء وتذلّ من تشاء بيدك الخير انّك على كلّ شيءٍ قديرٌ تولج
اللّيل في النّهار وتولج النّهار في النّهار وتخرج الحيّ من الميّت وتخرج الميّت اللّيل م
من الحيّ وترزق من تشاء بغير حساب اللّهمّ اغفر لي ولوالديّ ولجميع
المؤمنين يوم يقوم الحساب برحمتك يا ارحم الرّاحمين دعاء يوم الجمعه
از صحیفه کامله است بسم الله الرّحمن الرّحيم الحمد لله الاوّل قبل الانشاء
والاحياء والآخر بعد فناء الاشياء العليم الّذي لا ينسى من ذكره ولا ينقص
من

من شكره ولا يخيّب من دعاه ولا يقطع رجاء من رجاه اللّهمّ انّي اشهدك وكفى
بك شهيدًا واشهد جميع ملائكتك ورسلك وسكّان سمواتك وحملة عرشك و
من بعثت من انبيائك ورسلك وانشأت من اصناف خلقك انّي اشهد انّك
انت الله لا اله الّا انت وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا خلف لقولك ولا تبديل
وانّ محمّدًا صلّى الله عليه وآله عبدك ورسولك ادّى ما حمّلته الى العباد وجاهد
في الله عزّ وجلّ حقّ الجهاد وانّه بشّر بما هو حقٌّ من الثّواب وانذر بما هو صدقٌ
من العقاب اللّهمّ ثبّتني على دينك ما احييتني ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب
لي من لدنك رحمةً انّك انت الوهّاب صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني من اشياعه
وشيعته واحشرني في زمرته ووفّقني لاداء فرض الجمعات وما اوجبت عليّ
فيها من الطّاعات وقسمت لاهلها من العطاء في يوم الجزاء انّك انت العزيز
الحكيم دعای یوم الجمعه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام الله اكبر
اهل الكبرياء والعظمة ومنتهى الجبروت والعزّة ووليّ الغيث والرّحمة
مالك الدّنيا والآخرة ربّ الارباب واله الآلهة وجبّار الجبابرة ومبدي
الخفيّات ومعلن السّرائر عظيم الملكوت شديد الجبروت لطيفًا لما يشاء
الله اكبر اوّل كلّ شيءٍ وآخره بديع كلّ شيءٍ ومنتهاه لا اله الّا هو خشعت له
الاصوات وحارت دونه الابصار وفاضت اليه القلوب لا يقضي في
الامور الّا هو ولا يدبّر مقاديرها غيره ولا يتمّ شيئًا دونه القادر الحليم ٥
اللّطيف الجليل سبحانه جلّ وعلا ما اعظم شانه واشدّ جبروته ويسبّح
الخلق كلّهم له ويشفقون منه ويتضرّعون اليه احاط بكلّ شيءٍ علمًا واحصى
نور م كلّ شيءٍ عددًا الحمد لله النّور النّور ومدبّر الامور العظيم شاننا العليّ مكانًا
العزيز سلطانًا المنير برهانًا وهو يجير ولا يجار عليه الّذي لا معقّب لحكمه

وَلَا رَادَّ لِقَضَائِهِ اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ
حَمْداً يَكُونُ ارْضَى الْحَمْدِ لَكَ وَاحَبَّ الْحَمْدِ حَمْداً بِمِلاَءِ مَا خَلَقْتَ وَيَبْلُغُ حَيْثُ اَرَدْتَ
اِلَيْكَ وَاَقْرَبَهُ مِنْكَ وَلَنَا الْحَمْدُ عَدَدَ الْقَطْرِ وَالْمَطَرِ وَوَرَقِ الشَّجَرِ وَاَنْفَاسِ الْخَلْقِ
خَشَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِاسْمِكَ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِكَ وَلَا تَهْتَدِي الْقُلُوبُ لِصِفَتِكَ قَدْ ضَلَّتِ
الْاَوْهَامُ فِيكَ وَكَلَّتِ الْاَلْسُنُ عَنْكَ وَانْسَمَتِ الْعُقُولُ دُونَكَ تَعَالَيْتَ بِقُدْرَتِكَ
وَعَلَوْتَ بِسُلْطَانِكَ وَقَهَرْتَ فَوْقَ عِبَادِكَ لَا يَنْقُصُ مِنْ سُلْطَانِكَ مَنْ عَصَاكَ وَلَا يَزِيدُ
فِي مُلْكِكَ مَنْ اَطَاعَكَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ يَوْمَ يَقُومُ
الْحِسَابُ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ حَلَاوَةَ
الْعَمَلِ وَحَلَاوَةَ الْاِيمَانِ بِكَ وَلَذَاذَةَ الشَّوْقِ اِلَيْكَ وَالرَّاحَةَ فِي اَمْرِكَ وَشَرَفَ الشَّهَادَةِ
وَالسَّعَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَاَنْ تَجْعَلَ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ
اَصْلِحْ لِي عُيُوبِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَحَصِّنْ لِي فَرْجِي وَاحْفَظْ لِي اَمَانَتِي اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَاخْتِمْ لِي عَمَلِي بِاَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ خَيْرَ اَيَّامِي
يَوْمَ اَلْقَاكَ وَاخْتِمْ يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دعاء يوم الجمعة حضرت صادق عليه السلام
اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً دَائِماً نَامِياً اَبَداً سَرْمَداً كَمَا تُحِبُّ اَنْ تُحْمَدَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ
عَلَى جَمِيعِ آلَائِكَ كُلِّهَا اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ اَقَامَ الصَّلَوةَ بِحُدُودِهَا وَآتَى الصَّدَقَاتِ
بِحُقُوقِهَا وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْكَ الْحُسْنَى بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
[illegible] وكان من دعاء على بن الحسين عليه السلام اذا عرضت
له نهمة او نزلت به ملمة وعند الكربه يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ يَا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ
حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ اِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْاَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى [margin: اِرَادَتِكَ الْاَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ]

دُونَ

دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَبِاِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ اَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَاَنْتَ الْمَفْزَعُ
فِي الْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا اِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا اِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ
مَا قَدْ تَكَاَّدَنِي ثِقْلُهُ وَاَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ اَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ
وَجَّهْتَهُ اِلَيَّ فَلَا مُصْدِرَ لِمَا اَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ لِمَا اَغْلَقْتَ وَلَا
مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ
لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَاَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا
شَكَوْتُ وَاَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَاَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِيئاً
وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْاِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ
وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعاً وَامْتَلَاْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ
هَمّاً وَاَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ
وَاِنْ لَمْ اَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وكان من دعائه عليه السلام في الصحيفة
اذا سال الله العافية وشكرها اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ
جَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَحَصِّنِّي بِعَافِيَتِكَ وَاَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ وَاَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ وَتَصَدَّقْ
عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَاَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ وَلَا تُفَرِّقْ
بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنِي
عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً تُوَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْاَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي وَ
الْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي وَالنَّفَاذِ فِي اُمُورِي وَالْخَشْيَةِ لَكَ وَالْخَوْفِ مِنْكَ وَالْقُوَّةِ عَلَى
مَا اَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْاِجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ اَللَّهُمَّ
وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَبَداً مَا اَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

وَاجْعَلْ ذٰلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَذْخُورًا عِنْدَكَ وَانْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ
وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي وَاشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي
وَاَعِذْنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَالْعَامَّةِ
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتْرَفٍ حَفِيدٍ
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتْرَفٍ حَفِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ
وَوَضِيعٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِاَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ
اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
وَمَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ وَرُدَّ
كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتّٰى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ وَتُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي
سَمْعَهُ وَتُقْفِلَ دُونَ اِخْطَارِي قَلْبَهُ وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْمَعَ رَاْسَهُ وَ
تُذِلَّ عِزَّهُ وَتَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ وَتَفْسَخَ كِبْرَهُ وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ
ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمْزِهِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَ
مَصَائِدِهِ وَرَجِلِهِ وَخَيْلِهِ اِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ ثم دعائه عليه السلام في
الاستعاذة من المكاره وسوء الاخلاق ومذام الافعال اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ وَسَوْرَةِ الْغَضَبِ وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ الصَّبْرِ وَ
قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَشَكَاسَةِ الْخُلُقِ وَاِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَمُتَابَعَةِ
الْهَوٰى وَمُخَالَفَةِ الْهُدٰى وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ وَتَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَاِيثَارِ الْبَاطِلِ
عَلَى الْحَقِّ وَالْاِصْرَارِ عَلَى الْمَاْثَمِ وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَاسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ
وَمُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِينَ وَالْاِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّينَ وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ اَيْدِينَا
وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنِ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا اَوْ اَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا اَوْ نَخْذُلَ
مَلْهُوفًا

مَلْهُوفًا اَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ اَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَنَعُوذُ بِكَ اَنْ
نَنْطَوِيَ عَلٰى غِشِّ اَحَدٍ وَاَنْ نُعْجَبَ بِاَعْمَالِنَا وَنَمُدَّ فِي اٰمَالِنَا وَنَعُوذُ بِكَ
مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ وَاَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ اَوْ
يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ اَوْ يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْاِسْرَافِ
وَمِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَمِنَ الْفَقْرِ اِلَى الْاَكْفَاءِ
وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَمِيتَةٍ عَلٰى غَيْرِ عُدَّةٍ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمٰى
وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرٰى وَاَشْقَى الشَّقَاءِ وَسُوءِ الْمَاٰبِ وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ وَحُلُولِ
الْعِقَابِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَعِذْنِي مِنْ كُلِّ ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ
جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ شرح دعاء معراج از حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در شب معراج چون باسمان رفتم احتجاب بعد از احتجاب دیگر قطع میکردم تا
آنکه هفتاد هزار حجاب قطع کردم که میانه هر دو حجاب هفتاد هزار برابر ما بین مشرق
و مغرب بود تا رسیدم بحجاب قدرت این دعا را دیدم در انجا بنور نوشته کسی
گفت جبرئیل که یا محمد تعلیم مکن این دعا را مگر بمؤمنان امت خود هر که بخواند این دعا را
گشاده میشود جهت او درهای آسمان و خدا نظر رحمت بسوی او میکند و رفع میکند
غم و هم و حزن او را و ادا میکند دین او را و می بخشد گناه او را و میدهد باو مثل
آنچه داده به پیغمبران و صدیقان و بنا میکند بجهت او در بهشت هزار قصر از در
و یاقوت و خدای عز و جل بجانب او در روزی سیصد و شصت نظر لطف میکند
و ندا میکند بسوی او فرشته از آسمان که کار خود از سر گیر که خدای تعالی مغفور
ساخت ترا و پدر و مادر ترا و همسایگان ترا و بدل ساخت خدای تعالی گناهان ترا
بحسنات و داد بتو ثواب عبادت هفتاد هزار سال و جمع کرد بجهت تو خیر دنیا و آخرت

وهرکه بنویسد این دعا را بمشك و زعفران و بیماری بخورد شفا یابد وهرکه بنویسد و با خود
دارد ایمن شود از حاکم ظالم و شیطان و دزدان و از رفتار ماندن نشود و همه حاجتها مشروعه
او بر آید و هرکه این دعا را بر طفل کوچك بیاویزد ایمن شود آن طفل از مار و عقرب و جمیع بدیها
وهرکه بنویسد و بیاشامد ایمن شود از جمیع دردها و چیزی فراموش نکند وهرکه این دعا را بخواند
در حالتی که اراده مطلبی داشته باشد آسان کرداند الله تعالی حاجت او آن کار را و اگر این دعا را
در منزل خود بگذارد فراخ کرداند الله تعالی بر روزی او را و ایمن کرداند منزل او را از هر بدی قسم
بکسی که ترا براستی بخلق فرستاده که اگر جمع شوند جن و انس و فرشتکان و مثل ایشان هزار برابر
از از زمانی که الله تعالی دنیا را آفریده تا روز قیامت نتوانند شمرد ثواب این دعا را و این دو ترین
دعاها است نزد الله تعالی پس بکردان او را وسیلهٔ خود بسوی الله تعالی و بیاموز و تعلیم کن او را
بخوبان امت خود که این کنجیست از کنجهای بهشت و از جهت گرامی بودن تو نزد خدای تعالی و مخصوص
کردانیده ترا باین دعا تا دعا کنند بآن امت تو و دعای ایشان مستجاب شود و بخشیده شود
کناهان ایشان وهرکه قدرت بر خواندن این دعا نداشته باشد این دعا را برابر خود بگذارد
و بکوید اللهم بحق هذا الدعاء و بحق من انزله و بحق من نزل به و بحق من نزل علیه الا
صلیت علی محمد و آل محمد قضیت حاجتی یعنی خدایا بحق این دعا و بحق هرکه نازل ساخت
این دعا را و بحق هرکه نزول آمد این دعا بر و که رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بر آور حاجت مرا
پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حمد مر خدایرا که انعام کرد بر من این دعا را
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ یا مَنْ اَقَرَّ لَهُ بِالْعُبُودِیَّةِ كُلُّ مَعْبُودٍ یا مَنْ یَحْمَدُهُ كُلُّ مَحْمُودٍ یا مَنْ
یُطْلَبُ عِنْدَهُ كُلُّ مَفْقُودٍ یا مَنْ سائِلُهُ غَیْرُ مَرْدُودٍ یا مَنْ بابُهُ عَنْ سُؤّالِهِ غَیْرُ مَسْدُودٍ
یا مَنْ هُوَ غَیْرُ مَوْصُوفٍ وَلا مَحْدُودٍ یا مَنْ عَطاؤُهُ غَیْرُ مَمْنُوعٍ وَلا مَنْكُودٍ یا مَنْ لَیْسَ
بِبَعِیدٍ وَهُوَ نِعْمَ الْمَقْصُودُ یا مَنْ رَجاءُ عِبادِهِ بِحَبْلِهِ مَشْدُودٌ یا مَنْ شِبْهُهُ وَمِثْلُهُ
غَیْرُ مَوْجُودٍ یا مَنْ لَیْسَ بِوالِدٍ وَلا مَوْلُودٍ یا مَنْ كَرَمُهُ وَفَضْلُهُ لَیْسَ بِمَعْدُودٍ یا مَنْ حَوْضُ

بوده

بِرِّهِ لِلْاَنامِ مَوْرُودٌ یا مَنْ لا یُوصَفُ بِقِیامٍ وَلا قُعُودٍ یا مَنْ لا تَجْری عَلَیْهِ حَرَكَةٌ وَلا
جُمُودٌ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحِیمُ یا وَدُودُ یا راحِمَ الشَّیْخِ الْكَبِیرِ یَعْقُوبَ یا غافِرَ ذَنْبِ
داوُدَ یا مَنْ لا یُخْلِفُ الْوَعْدَ وَیَعْفُو عَنِ الْمَوْعُودِ یا مَنْ رِزْقُهُ وَسِتْرُهُ لِلْعاصِینَ
مَمْدُودٌ یا مَنْ هُوَ مَلْجَأُ كُلِّ مُقْصٍ مَطْرُودٍ یا مَنْ دانَ لَهُ جَمِیعُ خَلْقِهِ بِالسُّجُودِ
یا مَنْ لَیْسَ عَنْ نَیْلِهِ وَجُودِهِ اَحَدٌ مَصْدُودٌ یا مَنْ لا یَحِیفُ فی حُكْمِهِ وَیَحْلُمُ عَنِ الظّالِمِ
الْعَنُودِ اِرْحَمْ عُبَیْداً خاطِئاً لَمْ یُوفِ بِالْعُهُودِ اِنَّكَ فَعّالٌ لِما تُرِیدُ یا بارِئُ یا وَدُودُ
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ خَیْرِ مَبْعُوثٍ دَعا اِلی خَیْرِ مَعْبُودٍ وَعَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ مِنْ اَهْلِ الْكَرَمِ
وَالْجُودِ وَافْعَلْ بِنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ [illegible]
و دعای سمات و فضیلت آن و سنت است در روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها صد مرتبه صلوات
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستند و هرکه هر شب جمعه سورهٔ بنی اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب
الامر علیه السلام کردد و هرکه شب جمعه بروایتی در روز جمعه بعد از عصر سورهٔ کهف بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ
باشد و اگر در هر شب جمعه بخواند در جزو شهدا باید و در زمرهٔ ایشان محشور کردد و کفارهٔ کناهانش
باشد از جمعهٔ سابق تا این جمعه و در شب جمعه و عیدین بکوید و اگرچه سند این بنظر این قاصر نرسید
اما در کتب اکثر مشاهیر منقول است بی سند اللّٰهُمَّ یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّةِ یا باسِطَ
الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّةِ یا صاحِبَ الْمَواهِبِ السَّنِیَّةِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَیْرِ الْوَری سَجِیَّةً
وَاغْفِرْ لَنا یا ذَا الْعُلی فی هٰذِهِ الْعَشِیَّةِ هزار هزار حسنه برای او ثبت شود و هزار هزار
سیئه محو و هزار هزار درجه را بلند کرداند مرویست از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام این دعا را بخوان که از واجبی روز جمعه است و در جمال الاسبوع منقول است
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْیَوْمُ الْجَدِیدُ الْمُبارَكُ الَّذی جَعَلَهُ اللهُ عِیداً لِاَوْلِیائِهِ الْمُطَهَّرِینَ
مِنَ الْاَدْنَسِ الْخارِجِینَ مِنَ الْبَلْوَی الْمَكْرُورِینَ مَعَ اَوْلِیائِهِ الْمُصْطَفَیْنَ مِنَ الْعَكَرِ
الْباذِلِینَ اَنْفُسَهُمْ فی مَحَبَّةِ اَوْلِیاءِ الرَّحْمٰنِ تَسْلِیماً اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ سَلاماً دائِماً اَبَداً

بسم الله الرحمن الرحیم
توکلت علی الحی الذی لا یموت
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
ولم یکن له شریك فی الملك ولم
یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا
یا قاهر العدو یا والی الولی
یا کاشف الحقائق

والتفات کن بسوی آفتاب و بخوان این دعا را السَّلامُ عَلَيْكَ اَيَّتُهَا الشَّمْسُ الطَّالِعُ
وَالنُّورُ الْفَاضِلُ الْبَهِيُّ اُشْهِدُكَ بِتَوْحِيدِي اللهَ لِتَكُونَ شَاهِدِي اِذَا ظَهَرَ الرَّبُّ لِفَصْلِ
الْقَضَاءِ وَفِي عَالَمِ الْجَدِيدِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُشَوِّهَ خَلْقِي
وَاَنْ تُرَدِّدَ رُوحِي فِي الْعَذَابِ بِنُورِكَ الْمَحْجُوبِ عَنْ كُلِّ نَاظِرٍ نَوِّرْ قَلْبِي فَاِنِّي اَنَا عَبْدُكَ وَ
فِي قَبْضَتِكَ وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَاِلَى [نبيك صلى...] بِبَدَنٍ
خَاشِعٍ وَاِلَى الْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِفُؤَادٍ مُتَوَاضِعٍ وَاِلَى النُّقَبَاءِ الْكِرَامِ وَالنُّجَبَاءِ الْاَعِزَّةِ
بِالذُّلِّ وَاُرْغِمُ اَنْفِي لِمَنْ وَحَّدَكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ وَلَا خَالِقَ سِوَاكَ وَاُصَعِّرُ خَدِّي لِاَوْلِيَائِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَاَنْفِي عَنْكَ كُلَّ ضِدٍّ وَنِدٍّ فَاِنِّي اَنَا عَبْدُكَ الذَّلِيلُ الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي وَ
اَسْئَلُكَ يَا سَيِّدِي حَطَّهَا عَنِّي وَتُخَلِّصَنِي مِنَ الْاَدْنَاسِ وَالْاَرْجَاسِ اِلٰهِي وَسَيِّدِي قَدْ
انْقَطَعْتُ عَنْ ذَوِي الْقُرْبَى وَاسْتَغْنَيْتُ بِكَ عَنْ اَهْلِ الدُّنْيَا مُتَعَرِّضًا لِمَعْرُوفِكَ اَعْطِنِي
مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفًا تُغْنِينِي بِهِ عَمَّنْ سِوَاكَ و بعد از ظهر جمعه پیش از حرکت از هیئت
تشهد بخوان حمد و توحید و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را هفت مرتبه
و آیة الکرسی و آیه سخره و آخر سوره توبه و آخر سوره حشر هر یک را این آیات یک مرتبه و بعد از آن
بگوی این دعا را اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشْوُهَا الْبَرَكَةُ وَعُمَّارُهَا الْمَلَائِكَةُ
مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَبِينَا اِبْرَاهِيمَ تا بسبب این قرآن محفوظ میماند تا هفته دیگر
و بسبب دعا می باشد با محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام و در روز جمعه هفتاد مرتبه
استغفار کند و صد نوبت بگوید این دعا را که در اکثر کتب منقولست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَجَمِيعِ خَلْقِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعد از نماز عصر این صلوات
را که چند بن حدیث صحیح در کافی و غیره وارد شده هفت بار بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ

والسلام
٣٢

هذا دعاء سمات

وَالسَّلَامُ عَلَى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و در روز جمعه دو ساعت است
که دعا بر آن البته مستجاب میگردد یکی وقت زوال و دوم آخر روز تا آنکه آفتاب غروب
کند و مستحب است در ساعت آخر این روز خواندن دعای سمات مرویست از امام محمد
بن علی الباقر علیه السلام که این دعا از علوم مکنون و مخزون علم است پس برای حاجات و هلاک دشمنان
ما بخوانید و با طفال و سفها و ظالمان و منافقان اظهار آن نکنید و اگر قسم یاد کنم اسم اعظم
درین دعا است راست گفته باشم **دعای سمات** اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ
الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي اِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ اَبْوَابِ الْاَرْضِ [معالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعيت به]
لِلْفَرَجِ بِالرَّحْمَةِ انْفَرَجَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ
عَلَى الْاَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَاْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ
وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ
خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ
بِقُوَّتِكَ الَّتِي تُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَ [بها]
الْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَ
جَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ
النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَجَعَلْتَ بِهَا [خلقت بها]
الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ [بيح]
وَزِينَةً وَرُجُومًا وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَ
جَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَاَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَ
صَوَّرْتَهَا فَاَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَاَحْصَيْتَهَا بِاَسْمَائِكَ اِحْصَاءً فَسَمَّيْتَهَا اَسْمَاءً
بِحِكْمَتِكَ وَدَبَّرْتَهَا تَدْبِيرًا فَاَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ

وعرفت بها

النهار والساعات وعدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس
مرئيا واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك موسى ابن
عمران ع في المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت
الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث وفي الواد المقدس
في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع
آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها
العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني
اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض
ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه في
اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت
به لموسى كليمك ع في طور سيناء ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد
الخيف ولاسحاق صفيك عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام
في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك
وليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك
فاجبت وبمجدك الذي تجليت لمهر لموسى ابن عمران عليه السلام على قبة
الرمان وبآياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات
عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة وبكلماتك
التي تفضلت بها على اهل السموات والارض واهل الدنيا والآخرة وبرحمتك
التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها على العالمين
وبنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض في مناكبها واستسلمت لها الخلائق

ولخفضت لها السموات
وانزجر لها العمق الاكبر
وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت
لها الارض بمناكبها

جرت لها

كلها

٣٢

كلها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك
الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات والارضين وبكلمتك
كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم عليه السلام وذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك
التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى
صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى ابن عمران
عليه السلام وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران وبربوات المقدسين
وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وبركاتك التي باركت
فيها على ابراهيم خليلك عليه السلام في امة محمد صلى الله عليه وآله وباركت
لاسحق عليه السلام صفيك في امة عيسى عليه السلام وباركت ليعقوب ع اسرائيلك
في امة موسى عليه السلام وباركت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله في عترته و — حبيبك ع
ذريته عليهم السلام وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وامنا به
ولم نره صدقا وعدلا نسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك على محمد
وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على
ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير
وبخوان اللهم بحق هذه الاسماء التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم باطنها غيرك صل — بحق هذا الدعاء وص
على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وانتقم لي من اعداء آل محمد واغفر
لي ذنوبي ما تقدم وما تأخر ووسع علي من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان
سوء انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين رب العالمين وبخوان سبحانك — وجار سوء وسلطان سوء
لا اله الا انت يا الله يا حنان يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال
والاكرام ودر وقت غروب آفتاب هر دو نيكم تبه يا سه مرتبه بخواند اينها را كه در
كفعمی از حضرت صادق علیه السلام مرویست يا من ختم النبوة بمحمد صلى الله عليه — وآله

اِخْتِمْ لِي يَوْمِي هٰذَا بِخَيْرٍ وَشَهْرِي بِخَيْرٍ وَسَنَتِي بِخَيْرٍ وَعُمْرِي بِخَيْرٍ ۵ وآنچه از زوال
آفتاب وادعیهٔ پیشین وغیره ونوافل آن باید بجای آورد فقیه نقل نموده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که هرگاه زایل شد آفتاب کشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و مستجاب میشود دعا و فرموده که خوشا حال کسی که بالا برده شود برای او عمل
صالحی و باز فقیه نقل نموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که بتحقیق آفتاب را نزد
زوال حلقه‌ایست که دران داخل میشود پس هرگاه داخل شود دران زوال شمس میشود
پس تسبیح میکند هر چیزی که پایین عرش است برای حمد پروردگار من و آن ساعتی است که
صلوات میفرستد بر من دران ساعت پروردگار من عز وجل و واجب کرده بر من و بر
امت من درانساعت نماز را و فرموده أَقِمِ الصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ
وآنساعتی است که می آرند دران جهنم را روز قیامت پس نباشد مؤمنی که اتفاق افتد
درین ساعت آنکه او ساجد یا راکع یا در نماز ایستاده باشد مگر آنکه حرام کند خدای تعالی
جسد او را بر دوزخ وکسی که اهتمام بیافتن فضیلت اول وقت وبجای آوردن سنتها
داشته باشد باید که در خانهٔ خود یا بر پشت بام چوبی راست را بر زمین فرو برد و آن
چوب را بهفت قسم کرده باشد پس هرگاه سایه بغایت نقصان رسد یا شروع کند
در حادث شدن پس شروع کند در نافلهٔ زوال اگر موفق باشد بسعادت سنتی کردن
و یا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت اگر محروم باشد ازان سعادت و باید که
ملاحظه نماید در فیٔ پس چون بقدر دو سبع شاخص یا مثل شاخص شود وقت
نافلهٔ ظهر بیرون می رود پس اگر نافلهٔ ظهر یکرکعت تمام نکرده باشد نافله را ترک کند
و مشغول شود بنماز واجبی و اگر از نافله یکرکعت تمام کرده باشد و این بفارغ شدن
از ذکر سجدهٔ دوم از رکعت اول متحقق میشود و اگر سر از سجده بر نداشته باشد نافله
را تمام کند بعد ازان مشغول شود بفرض و اظهر آنست که در این صورت شش رکعت

دیگر

دیگر هم اداست زیرا که این هشت رکعت در حکم یک نماز است و بعد ازان نماز ظهر را بگذارد و بعد ازان
ملاحظهٔ فیٔ نماید اگر چهار سبع شاخص یا دو برابر شاخص نشده باشد شروع کند
در نافلهٔ عصر و اگر شده باشد وقت نافله بیرون رفته و حکم این هم مثل نافلهٔ ظهر است در
اتمام و ترک اما در روز جمعه زیاده کند بر نافلهٔ ظهر و عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست
رکعت باشد و بنحوی که سابقا در آداب روز جمعه نقل شده بجای آورد و نافله روز جمعه را
تاکیدا نقل مینمائیم بنحویست که شش رکعت آن در وقت پهن شدن آفتاب و شش رکعت
دیگر در وقت بلند شدن آفتاب است و شش رکعت دیگر در وقتی که راست ایستد آفتاب
و دو رکعت بعد از زوال و در روایتست از حضرت صادق علیه السلام که فضل اول وقت
بر آخر وقت همچو فضل آخرتست بر دنیا و اول زوال شروع سایه است در زیادتی بعد
ازانکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن سایه بعد از بر طرف شدن
زیرا که هر چند آفتاب بلندتر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت کوتاهی رسد تا بر طرف
شود و این وقتی است که آفتاب بدایرهٔ نصف النهار رسد و معلوم است که آفتاب
در اینوقت نسبت بساکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است گاه در جانب جنوب
سمت الرأس بعض اقالیم است و گاه در شمال آن و گاه بر سمت الرأس ایشان پس در قسم
اول و دوم سایهٔ نصف النهار بر طرف نمیشود بلکه در اینوقت در نهایت کوتاهی است
در جانب شمال یا جنوب و در این دو وقت چون شروع در زیادتی کند اول وقت
زوالست و در قسم سیوم که آفتاب در نصف النهار است بر سمت ایشان باشد
بالکلیه بر طرف میشود و بعد ازان ظاهر میگردد و اول ظهور آنوقت زوالست و سایهٔ
شاخص را پیش از زوال ظل میگویند و بعد از زوال فیٔ مشتق است از فاء بمعنی
رجع زیرا که رجوع میکند کم کم بآنچه پیش ازان بوده وقت فضیلت ظهر تا آنکه فیٔ یعنی
سایه که بعد از زوال بهم رسیده مساوی شاخص شود و وقت فضیلت عصر تا آنکه فیٔ

دو برابر شاخص شود وسنت است تاخیر هر یک ازین دو نماز اول وقت بمقدار اداء نافله
آن نماز و کسی که نافله نکند تاخیر سنت نیست و نافلهٔ ظهر را صلوة اوابین مینامند
و وقت او از زوالست تا آنکه فیء دو قدم شود یعنی مقدار دو سبع شاخص زیرا که
قامت غلب مردم هفت قدم او است و نافلهٔ عصر را سبحه می نامند و وقت آن
از فارغ شدن نماز ظهر است تا آنکه فیء چهار قدم شود و بعضی علما را اعتقاد بودن وقت
این نافلها است بامتداد وقت این نمازها پس وقت نافلهٔ ظهر ممتد است تا آنکه فیء مثل
شاخص شود و نافلهٔ عصر تا آنکه دو برابر شود و این دو دلیل نیست و در اخبار معتبره دلالت
برین هست بلکه در بعضی روایات دلالت بر زیادتی وسعت وقت نافله میکند و در تهذیب
بسند صحیح امام جعفر علیه السلام فرموده که نماز تطوع بمنزلهٔ هدیه است هر گاه که بجای
آورده شود مقبولست پس مقدم دار آنچه خواهی و موخر دار آنچه خواهی اما ظن
آنست که هیچیک از علمای ما عمل باطلاق این حدیث از وسعت در تقدیم و تاخیر
نکرده و شاید که مراد بتقدیم ادا باشد و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور میانهٔ علما
آنست که جایز نیست اعتماد بر ظن دخول وقت مگر عدم قدرت بر تحصیل علم بس بنا
برین جایز نباشد اعتماد بر قول یک عادل و نه بر اذان شهر اگر چه موذن عادل باشد
مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد بر اذان یک عادلست اما خبر
دادن دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان پس ظاهر جواز اعتماد است بر آن اگر چه قدرت
داشته باشد بر علم بآن زیرا که علم شرعی بآن حاصلست و چون زوال متحقق شود بگو آنچه فقیه
روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام تعلیم نموده محمد بن مسلم را و با و گفته که محافظت
و مداومت کن برین چنانکه محافظت میکنی چشمهای خود را بگوی در وقت زوال این دعا را ۵
سُبْحَانَ اللهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْ
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا وشروع کن بوضو و نماز نافله و در رکعت اول

بعد از حمد قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله و بعد از سلام سه تکبیر
بگو و تسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام و بخوان این دعا را بعد از هر دو رکعت از نافلهٔ ظهر اَللّٰهُمَّ
اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْاِيمَانَ مُنْتَهَى رِضَائِي
وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي اَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لِي وُدًّا وَسُرُورًا
لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ بعد از آن دو رکعت دیگر بگذار و در آخر هر رکعت همان دعا را بخوان
تا شش رکعت و بعد از آن اذان برای نماز ظهر بگوی و بعد از آن دو رکعت دیگر نافله را بگذار
و بعد از آن اقامه بگوی و بخوان بعد از اقامه این دعا را اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ
وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَ
الْفَضِيلَةَ بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
و بعد از آن مشغول شود بنماز ظهر و بسم الله را بلند بگوی و ما بقی را آهسته و در دو رکعت
ثانی یا حمد تنها یا سه مرتبه و یک مرتبه نیز واقع شده این دعا را بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ اَسْتَغْفِرُ اللهَ در تعقیب نماز مخصوصه بظهر اما ظهر در کمال
الدین از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که بعد از نماز ظهر ده بار بگوید بِاللهِ اعْتَصَمْتُ
وَبِاللهِ اَثِقُ وَعَلَيْهِ اَتَوَكَّلُ و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِي فَاَنْتَ اَعْظَمُ وَاِنْ
كَبُرَ تَفْرِيطِي فَاَنْتَ اَكْبَرُ وَاِنْ دَامَ بُخْلِي فَاَنْتَ اَجْوَدُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي
بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَكَبِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ وَاقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ اَللّٰهُمَّ
مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ و یکبار یا ده بار
بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که بعد از نماز ظهر و فجر این صلوات را بگوید نمیرد تا آنکه به بیند قائم ع
را و فضیلت بسیار نقل شده در باب خواندن این دعا بعد از نماز ظهر تعقیب نماز ظهر است

تعقیب نماز ظهر

یا سامع کل صوت یا جامع کل فوت یا بارئ النفوس بعد الموت یا باعث یا وارث یا
اله الالهة یا جبار الجبابرة یا ملک الدنیا والاخرة یا رب الارباب یا مالک الملوک
یا بطاش ذا البطش الشدید یا مبدئ یا معید یا فعالا لما یرید یا محصی عدد الانفاس و
نقل الاقدام یا من السر عنده علانیة اسئلک بحق خیرتک من خلقک وبحقهم الذی
اوجبت لهم علی نفسک ان تصلی علی محمد وال محمد واهل بیته وان تمن علی الساعة
بفکاک رقبتی من النار وان تنجز لولیک وابن نبیک الداعی الیک باذنک وامینک
فی ارضک وعینک وعبادک وحجتک علی خلقک علیه صلواتک وبرکاتک اللهم
ایده بنصرک وقو اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنک سلطانا نصیرا و
عجل فرجه ومکنه من اعدائک واعداء رسولک یا ارحم الراحمین ه در تعقیب نماز
ظهر که مخصوص باوست این دعا است اللهم رب السموات السبع ورب الارضین تعقیب ظهر
السبع وما فیهن وما بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم ورب جبرئیل
ومیکائیل واسرافیل ورب السبع المثانی والقران العظیم ورب محمد خاتم النبیین
صل علی محمد واله واسئلک باسمک الاعظم الذی به تقوم السموات والارض
وبه تحیی الموتی وترزق الاحیاء وتفرق بین المجتمع وتجمع بین المتفرق وبه
احصیت عدد الاجال ووزن الجبال وکیل البحار اسئلک یا من هو کذلک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل بی کذا وکذا پس حاجت خود طلب
کن وسجدهٔ شکر کن وبعد از فراغ از متعلقات نماز ظهر برخیز بنافلهٔ عصر ودر
هفت تکبیر سنت نیست مکر در چهار نماز اول نافلهٔ پیشین واول نافلهٔ مغرب ودر
نماز وتیره ودر یک رکعت وتر وآنچه خواهی بخوان از سورها در نافلهٔ عصر بعد از حمد
واز امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که مداومت کند بر خواندن سورهٔ ق
والقران المجید در نمازهای واجبی وسنتی وسیع کرداند الله تعالی بر وروزی او را وعطا کند
کتاب

کتاب او را بدست راستش وحساب کند او را اندکی وبعد از فراغ از دو رکعت اول بخواند
این دعا را که فضیلت بسیار دارد اللهم انه لا اله الا انت الحی القیوم العلی
العظیم الکریم الخالق الرازق المحیی الممیت البدئ البدیع لک الحمد ولک
المن ولک الکرم ولک الجود ولک الامر وحدک لا شریک لک یا
واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ولم
یتخذ صاحبة ولا ولدا صل علی محمد وآله وافعل بی کذا وکذا پس
دو رکعت دیکر بکذار وبکوی دعای اللهم رب السموات السبع تا آخر ودو رکعت
دیکر بکذار وبخوان دعای یا من اظهر الجمیل را تا آخر ودو رکعت دیکر بکذار وپس
اذان بکوی از برای نماز عصر وفاصله کن میان اذان واقامت بسجده ودعا ومشغول
شو بنماز عصر در تعقیب نماز عصر بخوان این دعا را که فضیلت بسیار دارد ونقل شده تعقیب عصر
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذا الجلال والاکرام و
اساله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر
لا یملک لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حیوة ولا نشورا اللهم انی اعوذ
بک من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع ومن علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع
ومن دعاء لا یسمع ومن قلب لا یخشع ومن علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع اللهم
اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر والفرج بعد الکرب والرخا بعد الشدة
اللهم ما بنا من نعمة فمنک وحدک لا شریک لک لا اله الا انت استغفرک واتوب
الیک وسنت است هفتاد وسه مرتبه استغفار بعد از نماز عصر وده مرتبه سورهٔ انا
انزلناه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که بعد از نماز عصر استغفار کند بیامرزد
الله تعالی هفتصد کناه او را وحضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود کسی که بعد از نماز عصر انا
انزلناه ده مرتبه بخواند بکذرد آن خواننده بر ومثل اعمال خلایق یعنی ثواب اعمال نیک خلایق باشد

دران روز بعد ازان دو سجدهٔ شکر کن و وقت اوّل نماز مغرب بنا بر قول مشهور بر طرف
شدن سرخی مشرق است و میکشد فضیلتش تا بر طرف شدن شفق مغرب و وقت اداء آن
میکشد تا آنکه از نصف اول شب مقدار گذاردن نماز خفتن بماند پس چون وقت شام
محقق شود برخیز بنماز فریضهٔ شام که کلینی بسند صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت نموده که فرمود بدرستی که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله برای هر
نمازی بدو وقت غیر نماز مغرب که وقت آن یکی است و وقت آن سقوط آفتابست و فقیه
در امالی نقل نموده از ابی اسامه که گفت شنیدم از امام جعفر علیه السلام که میگفت کسی که
تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستاره ها مشتبک شوند یعنی ظاهر شوند پس من ازو بیزارم
و باید که ترک اذان و اقامت نماز مغرب نکند زیرا که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی
قدس سره و ابن عقیل و ابن جنید قایل اند بوجوب اذان و اقامت در نماز مغرب بلکه بعضی قایلند
بآنکه نماز مغرب باطل است اگر کسی عمدًا ترک فصل اذان و اقامت کند بسکتهٔ یا نشستنی
روایت است از امام جعفر علیه السلام که فرمود کسی که بنشیند میان اذان و اقامت مغرب
باشد مثل کسی که در خون خود غلطیده در راه خدا و اما فصل بگام نهادن در کتب فروع
مذکور است و شیخ شهید قدس سره در ذکری فرموده که حدیثی بران نیافتم و چون اداء نماز مغرب
کردی بعد از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام سه مرتبه بگو آنچه فقیه از حضرت امام جعفر علیه السلام
نقل میکند که الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ و بعد از تعقیب برخیز
بجهت نافلهٔ مغرب روایت از امام جعفر علیه السلام که فرمود بحارث بن مغیره که بگذار
چهار رکعت نماز بعد از مغرب در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروهست سخن گفتن
میان مغرب و نافله اش و فقیه روایت کرده از امام جعفر علیه السلام که فرمود کسی که بگذارد
مغرب را و بعد ازان تعقیب بخواند و سخن نکند تا آنکه بگذارد دو رکعت نماز آن دو رکعت
نوشته شود در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته از برای او حجی مقبول و مخفی نیست

که اول وقت این چهار رکعت فارغ شدن از مغربست و آخرش بر مذهب مشهور بر طرف شدن
شفق است و مزاحمت نمیرساند بآن نماز عشا خواه شروع دران کرده خواه نکرده و بعضی را
مذهب آنست و گفته شده که ممتد است وقتش تا آنکه باقی ماند بعد از مغرب و پیش از
نصف شب مقدار اداء آن و میل کرده باین شیخ شهید قدس سره در ذکری اما علامه در
منتهی دلالت میکند بر اتفاق علما ما بر آنکه آخر وقتش غایب شدن شفق است پس نباید عدول
کردن از مشهور و اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد مثل سنتهای راتبه و امام جعفر علیه السلام
فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که الله تعالی مباهات میکند بر بنده که قضا کند
نماز شب را بروز میفرماید ای فرشتهای من نظر کنید به بندهٔ من که قضا میکند چیزی را که
من بر او در شب واجب نکرده ام گواه میگیرم شما را که بدرستی که من او را آمرزیدم مرویست از ابی
عبد الله علیه السلام که هرگاه گذاردی نماز مغرب را پس بمال دست خود را بر پیشانی خود
و بخوان این دعا را سه مرتبه هذا الدعاء مروی فی فروع الکلینی فی باب الدعاء بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِی لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ
وَالْغَمَّ وَالْحَزَنَ در تعقیب نماز عشائین بخوان این دعا را که مرویست از ائمه علیهم السلام
مروی فی الکلینی عن احمد بن خالد اللّٰهُمَّ بِیَدِکَ مَقَادِیرُ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَقَادِیرُ
الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَمَقَادِیرُ الْمَوْتِ وَالْحَیٰوةِ وَمَقَادِیرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَمَقَادِیرُ النَّصْرِ
وَالْخِذْلَانِ وَمَقَادِیرُ الْغِنیٰ وَالْفَقْرِ اللّٰهُمَّ بَارِکْ لِی فِی دِینِی وَدُنْیَایَ وَفِی جَسَدِی
وَأَهْلِی وَوَلَدِی اللّٰهُمَّ ادْرَءْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ
اجْعَلْ مُنْقَلَبِی إِلیٰ خَیْرٍ دَائِمٍ وَنَعِیمٍ لَا یَزُولُ تعقیب مخصوص مغرب اللّٰهُمَّ إِنِّی
أَسْئَلُکَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِکَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَالسَّلَامَةَ مِنْ کُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِیمَةَ
مِنْ کُلِّ بِرٍّ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالرِّضْوَانَ فِی دَارِ السَّلَامِ
وَجِوَارِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْکَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

استغفرك واتوب اليك الحمد لله لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح الحمد
لله الذي ذهب بالليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته ونحن في عافية
وبعد از فراغ هر دو رکعت اول از نافلهٔ مغرب بخوان این دعا را اللهم انك ترى
ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى وان لك الممات والمحيى
وان لنا الاخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزى وان نأتي ما عنه تنهى
اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك الجنة برحمتك واستعيذ
بك من النار بقدرتك واسئلك من الحور العين بعزتك وان تجعل اوسع رزقي
عندي في كبر سني واحسن عملي عند اقتراب اجلي واطل في طاعتك وما يقرب
منك ويحظى عندك ويزلف لديك عمري واحسن في جميع احوالي واموري و
معرفتي ولا تكلني الى احد من خلقك وتطول علي بقضاء جميع حوائجي
للدنيا والاخرة وابدأ بوالدي وولدي وجميع اخواني المؤمنين في جميع ما سألتك
لنفسي برحمتك يا ارحم الراحمين و بعد از فراغ از دو رکعت اول نافلهٔ مغرب
شروع کن در دو رکعت آخرش بخوان در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ حدید را
بسم الله الرحمن الرحيم سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
له ملك السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير هو الاول
والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق السموات و
الارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون
بصير له ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور يولج الليل في
النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور و در رکعت دوم آخر
سورهٔ حشر را که لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من

من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله
الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم و در سجدهٔ آخر رکعت دوم
هفت بار بگوی اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم واسمك العظيم وملكك القديم
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنبي العظيم انه لا يغفر العظيم الا
العظيم وبخوان از تعقیبات آنچه در صباح و شام مذکور شده و بعد از آن بگوی
این دعا را اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد وان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص
في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما
ابقيتني و بعد از آن دو سجدهٔ شکر کن و اقل آنچه کافی است که در سجده بگویی
که در هر یك سه بار بگوئی شکرا لله و در بعضی روایات سجدهای شکر بعد از نافلهٔ
مغربست و در بعضی پیش و بعد از آن ساعت غفلت است که بجای آورد در آن ساعت دو
رکعت نماز که آنرا غفیله گویند و بخوان در رکعت اول بعد از حمد آیه وذا النون اذ
ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي
المؤمنين و در رکعت دوم بعد از حمد وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو و
يعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض
ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين و بخوان در قنوت اللهم اني اسئلك
بمفاتح الغيب التي لا يعلمها الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي

كذا وكذا وبعد از ان بگوی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَالْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حَاجَتِی
فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِی و حاجت خود را
طلب کن و در روایت کرده هشام بن سالم از امام جعفر علیه السلام که هر که این دو رکعت را
بگذارد میان شام و خفتن و دعا کند باین دعا و طلب کند حاجتش را از خدا عطا کند
الله تعالی آنچه سوال کند و روایت کرده فقیه که امام محمد باقر علیه السلم فرموده که ابلیس متفرق
میسازد لشکر شب خود را از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق و متفرق میسازد لشکر
روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع آفتاب فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
میفرموده که بسیار کنید ذکر الله تعالی را درین دو ساعت و پناه برید بالله تعالی از شر ابلیس و جنود
او بدرستی که این دو ساعت ساعتهای غفلتند و روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب که
امام جعفر علیه السلام فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بجای آورید نافله در
ساعت غفلت را اگرچه دو رکعت خفیف باشد که آنها باعث در آوردن کرامتند که بهشت است گفته
شد یا رسول الله چه چیز است ساعت غفلت فرمود میان مغرب و عشا مخفی نماناد که اینجا
مراد میان وقت مغربست و وقت عشا که میان غروب آفتاب و برطرف شدن شفق است
چنانچه مرشد است بان حدیث گذشته نه ما بین الصلوتین و در احادیث صحیحه مذکور است
که اول وقت خفتن غایب شدن شفق است و ازین مفهوم میشود که وقت ادای نماز
غفلت میان غروب و ذهاب شفق است پس چون این وقت بیرون رود قضا میشود و
سنت است در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت بطریقی دیگر در رکعت اول بعد از
حمد سیزده بار سورهٔ زلزال و در دوم بعد از حمد پانزده بار سورهٔ توحید از پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست که نداند ثواب این را مگر خدا و شیخ طوسی از جعفر صادق علیه السلام
نقل نموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده کسی که بگذارد این نماز را در هر شب مزاحمت کند با من
در بهشت و اول وقت نماز خفتن فارغ شدن از نماز شام است بر مذهب مشهور و

و میکند

و میکنند و وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت ادایش تا چهار رکعت نماند بنصف شب و بعضی
که تفحص شفق مغربی نمائی پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز خفتن مکن تا شفق زایل شود
که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی است که داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از غایب شدن شفق
و فقیه از امام جعفر علیه السلام نقل نموده که اول وقت نماز عشا برطرف شدن سرخی است
و این محمولست بر آنکه سنت است تاخیر نماز مغرب تا برطرف شدن شفق و بعد از اتمام نماز
شروع کن بتعقیب و طول ده که وقت وسیع است تعقیب کن بعد از نماز بآنچه مشترک است
میان پنج نماز و بآنچه مخصوص است باین نماز و بخوان این دعا را در تعقیب عشا که
مخصوص است اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ
وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا ذِكْرَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ
وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ مِنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا
عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ
لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و بعد از ان بخوان هر یک از فاتحه و توحید
و معوذتین را ده بار ده بار بعد از ان بخوان این دعا را ده مرتبه که ثواب بسیار دارد
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و ده بار بگوی اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس بگوی اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاَسْبِغْ عَلَیَّ مِنْ
حَلَالِ رِزْقِكَ وَمَتِّعْنِی بِالْعَافِيَةِ مَا اَبْقَيْتَنِی فِی سَمْعِی وَبَصَرِی وَجَمِيعِ جَوَارِحِی
اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ پس بگوی این دعا را که از دعاهای طلب رزق است دعای طلب رزق
اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَيْسَ لِی عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِی وَاَنَا اَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلٰی قَلْبِی فَاَجُولُ
فِی طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ وَاَنَا فِيمَا اَطْلُبُ كَالْحَيْرَانِ لَا اَدْرِی اَفِی سَهْلٍ هُوَ اَمْ فِی اَرْضٍ حَزْنٍ

اَمْ فِی سَمَآءٍ اَمْ فِی بَرٍّ اَمْ فِی بَحْرٍ وَعَلٰی یَدَیْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ
عِلْمَهُ عِنْدَکَ وَاَسْبَابَهُ بِیَدِکَ وَاَنْتَ الَّذِی تَقْسِمُهُ بِلُطْفِکَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِکَ
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ یَارَبِّ رِزْقَکَ لِی وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ
سَهْلًا وَمَأْخَذَهُ قَرِیبًا وَلَا تُعَنِّنِی بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِی فِیهِ رِزْقًا فَاِنَّکَ غَنِیٌّ
عَنْ عَذَابِی وَاَنَا فَقِیرٌ اِلٰی رَحْمَتِکَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلٰی عَبْدِکَ
بِفَضْلِکَ اِنَّکَ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ دعای که خوانند آن بجهت دفع سختیها است
بخوان این دعا را که بسیار نافع است یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا بَارِئَ النَّسَمِ
یَا مُجَلِّیَ الْهِمَمِ یَا مُغْشِیَ الظُّلَمِ یَا کَاشِفَ الضُّرِّ وَالْاَلَمِ یَا ذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ یَا سَامِعَ
کُلِّ صَوْتٍ یَا مُدْرِکَ کُلِّ فَوْتٍ یَا مُحْیِیَ الْعِظَامِ وَهِیَ رَمِیمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی فَرَجًا وَمَخْرَجًا یَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِکْرَامِ دعای که مخصوص به تعقیب عشا است در بطب الائمه از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که هر که این عوذهٔ حسین علیه السلام را بخواند در وقت خواب
من ضامنم که نکشد او را کشنده در آن شب اُعِیذُ نَفْسِی وَذُرِّیَّتِی وَاَهْلَ بَیْتِی وَمَالِی
بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ
و بعد از آن دو رکعت نماز وتر گذارد ایستاده یا نشسته و بعد از سلام کونه
راست را بر زمین گذاشته بخواند این دعا را که در فلاح السائل از حضرت صادق
علیه السلام مرویست بجهت دفع بلیه یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ کُلِّ ذَلِیلٍ
قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ بِی مَجْهُودِی [illegible] وَعِزَّتِکَ زز
دعا و آداب و ادعیه نماز شب و غیره فصل اول در آداب خواب هرگاه اراده خواب
نمائی پس سنت آنست که بخوابی بر جانب راست در حدیث صحیح احمد بن اسحق رحمه الله
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل نموده که بدرستی خواب پیغمبران بر
برقفا

٣٠
بر قفاهای ایشانست و خواب مؤمنان بر جانبهای راست ایشان و خواب منافقین بر جانب
چپ و خواب شیاطین بر رویهای ایشان پس سزاوار آنست که تکیه نمائی تو بر جانب
راست و دست راست که امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بر زیر روی راست
گذاشته بگو این دعا را که شیخ صدوق بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت نموده بِسْمِ اللّٰهِ وَفِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ
آلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْلَمْتُ نَفْسِی اِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْکَ
وَاَلْجَأْتُ ظَهْرِی اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَرَغْبَةً اِلَیْکَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا
مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ اٰمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِی اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِکَ الَّذِی اَرْسَلْتَ
و ترک مکن و بگو بعد از این دعا اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اَحْیٰی وَبِاسْمِکَ اَمُوتُ پس بگو
این دعا را اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَکَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی فِی مَنَامِی وَفِی
یَقَظَتِی و بعد از آن بگو اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ
وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیرٌ وَاَعُوذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ
وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ صَغِیرَةٍ اَوْ کَبِیرَةٍ بِلَیْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ
الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ و بگو این دعا را و ترک مکن البته
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
مَلَکَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُحْیِی الْمَوْتٰی وَیُمِیتُ الْاَحْیَاءَ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیرٌ و بگو این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِ احْتَبَسْتَ نَفْسِی عِنْدَکَ فَاحْبِسْهَا فِی
مَحَلِّ رِضْوَانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ وَاِنْ اَرْدَدْتَهَا فَارْدُدْهَا مُؤْمِنَةً بِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ
بامانه

حَتّی تتوفّاها علی ذلک تُثمَّر . وتسبیح کن بعد از آن بتسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام
وبخوان قل هو الله احد را ده بار وایتی صدیقه و عن النبی صلی الله علیه وآله من
قراء ذلک ثلاثیاً عند نومه کان یکون کالابنیاله و خرج من ذنوبهم کیوم ولدته امّه
وعن الصادق علیه السلام لمن من قرأها حین ینام احد عشر مرّة خلق الله
له نوراً اسعته بحجب النور فوق العرش فی کل درجةٍ منه الف ملك لکل ملكٍ
الف لسان بکل لسان ثم یضع الله ذلک النور فی جسده فله ربها الی یوم القیمة
وبروایت دیگر یازده مرتبه اتا انزلناه وسه مرتبه قل هو الله احد ومعوذتین
وبخوان آیة الکرسی سه مرتبه آیهٔ شهد الله وآیهٔ سخره وسوره قل یا ایها الکافرون
پس استغفار کن خدا را صد مرتبه وبروایتی سه مرتبه نیز هست باین قسم
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحیّ القیوم واتوب الیه . و بگوی سه مرتبه
یفعل الله ما یشاء بقدرته ویحکم ما یرید بعزّته . وعن النبی صلی الله علیه
وآله کسی که بخواند نزد خواب الهیکم التکاثر را نگاه داشته شود از فتنهٔ
قبر . و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هرگاه کسی بترسد از فرود
آمدن خانه بر سرش باید که بخواند این آیه را تا ایمن باشد . انّ الله یمسك
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احدٍ
من بعده انه کان حلیماً غفوراً . وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
هرگاه در آمدی بفراش خواب گفتی باسمك اللهم احیا وباسمك اموت
وکسی که بترسد از دزد پس بخواند در وقت خواب این آیه را تا ایمن باشد از
دزد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایّا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بین ذلك سبیلاً ۵ وکسی
که بترسد از آنکه محتلم شود باید که بگوید در وقت خواب این دعا را اللهم انّی

اعوذ

اعوذ بك من الاحتلام ومن شرّ الاحلام ومن ان یتلاعب الشیطان فی
الیقظة والمنام . وکسی که خواهد در خواب ببیند چیزی که بخواهد خاطرش باید
باید که بخوابد بر طرف راست وبخواند سورهٔ والشمس و واللیل و جحد و اخلاص و معوذتین
واین دعا را در یک شب والا اگر آن شب نبیند بخواند تا سه شب و چون گذرانه تا هفت
شب است پس بدرستی که می بیند انشاء الله تعالی چیزی که اراده کرده وهذه الروایة
بخط الشهید رحمه الله و بیرون آورده ام این را از کفعمی اللهم ارنی فی منامی
کذا واجعل لی من امری فرجاً ومخرجاً . ودر بعضی کتب واقع شده کسی که
خواهد بیبیند یکی از انبیا یا ائمه علیهم السلام یا والدین یا شخصی را در خواب بخواند
والشمس و واللیل و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین پس بخواند اخلاص را صد مرتبه
وصلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله صد مرتبه و بخوابد بر طرف راست با وضو پس
بدرستی ببیند کسی را که اراده کرده انشاء الله تعالی و حرف میزند با ایشان با آنچه اراده
کرده از سؤال و جواب و بکند این را تا هفت شب و بخواند این دعا را اللهم انت
الحیّ الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منك بدت الاشیاء والیك
تعود ما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له
ملجأ ولا منجأ منك الا الیك فاسئلك بلا اله الا انت واسئلك ببسم
الله الرحمن الرحیم وبحق حبیبك محمّد صلی الله علیه وآله سیّد
النبیین وبحق علی علیه السلام خیر الوصیین وبحق فاطمة سیّدة
نساء العالمین وبحق الحسن والحسین جعلتهما سیّدی شباب اهل الجنة
علیه وعلیهم اجمعین السلام ان تصلی علی محمّد وآل محمّد وان تریني
میّتي فی الحال التی هو فیها ۵ ودر کافی بسند حسن که حضرت امام جعفر
علیه السلام فرموده که هرگاه ببیند شخصی در خواب چیزی را که کاره آن باشد پس باید

که بگردد از اینجای که بران خوابیده بود باید که بگوید اِنَّمَا النَّجْوَی مِنَ الشَّیْطَانِ لِیَحْزُنَ
الَّذِینَ آمَنُوا وَلَیْسَ بِضَارِّهِمْ شَیْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ پس بخوان این دعا را که در
کافی از حضرت صادق علیه السلام منقولست عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَةُ
اللّٰهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ
مِنْ شَرِّ مَا رَاَیْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ پس سجده کن بعد از بیدار شدن
از آن خواب بی فاصله و ثنا کن خدا را آنچه توانی و صلوات فرست بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله و تضرع کن و سؤال کن کفایت آن خواب را و سلامتی و عافیت آن خواب را ابدی
که بخواهی دید اثری بفضل خدا و رحمت او و حضرت امام محمد باقر علیه السلم
فرموده هر که بخواند این کلمات را من ضامنم که نرسد باو عقربی و نه گزنده تا صباح
اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ
مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی
عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ فصل دویم در بیان ادعیه بجهة برخاستن از — فصل دویم دربیان
خواب و آداب و اعمال و ادعیه نماز شب و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که هیچ بنده نیست که بخواند این آیه را در وقت خواب
مگر آنکه بیدار شود در آن ساعت که خواهد در آن شب و این از مجربات است
قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحَی اِلَیَّ اَنَّمَا اِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ کَانَ یَرْجُو
لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا یُشْرِکْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا پس
هر گاه بیدار شوی از خواب بگوی این دعا را اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ
رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ بر خیز پس بگو این دعا را که کلینی بسند حسن از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اَللّٰهُمَّ اَعِنِّی عَلَی هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ
وَسِّعْ عَلَیَّ ضِیقَ الْمَضْجَعِ وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِی مَا بَعْدَ الْمَوْتِ

پس

پس نظر کن بسوی آفاق آسمان و بخوان این دعا را که وارد شده اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا یُوَارِی
عَنْکَ لَیْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ وَلَا اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْ
بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّیٌّ تُدْلِجُ بَیْنَ یَدَیِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِکَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ
الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُیُونُ وَاَنْتَ الْحَیُّ الَّذِی — القیوم صح
لَا تَاْخُذُکَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ الی قوله
اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ پس هر گاه بشنوی آواز خروس را بگو این دعا را سُبُّوحٌ
قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ
لَا شَرِیکَ لَکَ سُبْحَانَکَ وَبِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی
اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ پس مسواک کن و وضو بساز باین قسم چون بگذاری
دست خود را در ظرف بگوی این دعا را بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ
التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ پس هر گاه فارغ شوی از وضو پس بگوی که
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس هر گاه برخیزی بسوی نماز خود پس بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
وَاِلَی اللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ
زُوَّارِکَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِکَ وَافْتَحْ لِی بَابَ تَوْبَتِکَ وَاَغْلِقْ عَنِّی بَابَ مَعْصِیَتِکَ
وَکُلِّ مَعْصِیَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِمَّنْ یُنَاجِیهِ اَللّٰهُمَّ اَقْبِلْ عَلَیَّ بِوَجْهِکَ
جَلَّ ثَنَاؤُکَ پس بدانکه روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که فرموده شرف مؤمن برخاستن اوست در شب و عزت او
استغنای اوست از مردم و روایت کرده بسند حسن از عبد الله بن سنان گفت
شنیدم از امام جعفر علیه السلام که میفرمود سه چیز است که آنها فخر مؤمن است
و زینتش در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و مأیوس بودنش از آنچه در دست مردم است

وه وقت داشتی او را امامی و از آل محمد صلی الله علیه و آله و در کافی روایت کرده از آنحضرت علیه السلام بسند حسن در تفسیر قول الله تعالی کَانُوا قَلِیلًا مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ فرمود آنجماعت را کم شبی فوت میشد که بر نمیخواستند و در کافی روایت است که شخصی آمد نزد امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت محروم شده ام از نماز شب پس آنحضرت فرمود که گناهان ترا مقید ساخته در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در بیان آیه اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْئًا وَاَقْوَمُ قِیلًا فرمود مراد برخواستن او است از فراش که اراده نکند بآن جز خدا را و هم در تهذیب روایت کرده شیخ طوسی بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود که هیچ بنده نیست که بیدار کرده میشود در هر شبی یکبار یا دو بار اگر برخواست شیطان بول میکند در گوشش آیا نمی بینید که یکی از شما که چون بیدار شود و بر نخیزد و چون برخیزد از خواب ثقیل و کاهل شده باز بسند صحیح از عمر بن یزید روایت کرده که او شنیده از امام جعفر علیه السلام که میفرمود در شب ساعتی است که موافق نکرد در آنساعت را بنده مسلم که نماز گذارد و دعا طلب کند از خدای تعالی در آنساعت مگر که خدای تعالی مستجاب کند برای او در هر شب گفتم اصلحک الله پس چه ساعتی است از شب فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث باقی و روایت کرده در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان که او سوال کرد از حضرت امام جعفر علیه السلام از قول الله تعالی که سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ آنحضرت فرمود مراد بیداریست در شب و در روایات از اصحاب عصمت سلام الله علیهم در ترغیب و ثواب و اثر او بجهت دنیا و آخرت در نماز شب بسیار واقع شده و در روایات بیشمار پس خود را گران مساز و بوسوسه شیطان اعتماد مکن رضای الهی و سعادت جاودانی و منافع دنیوی و اخروی را بنظر آر و برخیز نکو ملکی است ملک صبحگاهی در آن حضرت بیابی هرچه خواهی ... و فقیه ذکر نموده از وصایای حضرت رسول صلی الله

علیه

مکرر

علیه و آله بعلی علیه السلام یکی این بود که فرمود علیک بصلوة اللیل سه مرتبه و حضرت صادق علیه السلام فرمود در قول حق تعالی اِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئَاتِ فرمود نماز مومن است بشب که میبرد چیزی که کرده از گناه در روز و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی که بسیار است نماز او در شب نیکو میشود روی او در روز پس ابتدا کن پیش از نماز شب باین دعا پس بگوی اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَرَبَّ جَبْرَئِیلَ وَمِیکَائِیلَ وَاِسْرَافِیلَ وَرَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِالَّذِی تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الْاَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَیْنَ الْمُجْتَمِعِ وَتَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تَرْزُقُ الْاَحْیَاءَ وَبِهِ اَحْصَیْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبُحُورِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ اللّٰهُمَّ قَوْلَ التَّوَّابِینَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْاَنْبِیَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِینَ وَثَوَابَهُمْ وَشُکْرَ الْمُصْطَفَیْنَ وَنَصِیحَتَهُمْ وَعَمَلَ الذَّاکِرِینَ وَیَقِینَهُمْ وَاِیمَانَ الْعُلَمَاءِ وَفِقْهَهُمْ وَتَعَبُّدَ الْخَاشِعِینَ وَتَوَاضُعَهُمْ وَحُکْمَ الْفُقَهَاءِ وَسِیرَتَهُمْ وَخَشْیَةَ الْمُتَّقِینَ وَرَغْبَتَهُمْ وَتَصْدِیقَ الْمُؤْمِنِینَ وَتَوَکُّلَهُمْ وَرَجَاءَ الْمُحْسِنِینَ وَبِرَّهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ ثَوَابَ الشَّاکِرِینَ وَمَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبِینَ وَمُرَافَقَةَ النَّبِیِّینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَوْفَ الْعَامِلِینَ وَعَمَلَ الْخَائِفِینَ مِنْکَ وَخُشُوعَ الْعَابِدِینَ لَکَ وَیَقِینَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ وَتَوَکُّلَ الْمُؤْمِنِینَ بِکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ بِحَاجَتِی عَالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ وَاَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَیْرُ مُتَکَلِّفٍ وَاَنْتَ الَّذِی لَا یُحْفِیکَ سَائِلٌ وَلَا یَنْقُصُکَ نَائِلٌ وَلَا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قَائِلٍ اَنْتَ کَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی فَرَجًا قَرِیبًا وَاَجْرًا عَظِیمًا وَسِتْرًا جَمِیلًا اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ اَنِّی عَلٰی ظُلْمِی لِنَفْسِی وَاِسْرَافِی

عليها لم اتخذ لك ضدا ولا ندا ولا صاحبة ولا ولدا يا من لا تغلطه المسائل
يا من لا يشغله شيء عن شيء ولا سمع عن سمع ولا بصر عن بصر ولا يبرمه
الحاح الملحين اسئلك ان تفرج عني في ساعتي هذه من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب انك تحيي العظام وهي رميم وانك على كل شيء قدير يا
من قل شكري فلم يحرمني وعظمت خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم
يجبهني وخلقني للذي خلقني له فصنعت غير الذي خلقني له فنعم المولى انت يا سيدي
وبئس العبد انا وجدتني ونعم الطالب انت ربي وبئس المطلوب الفيتني عبدك ابن
عبدك ابن امتك بين يديك ما شئت صنعت بي اللهم هدأت الاصوات و
سكنت الحركات وخلا كل حبيب بحبيبه وخلوت بك انت المحبوب الي فاجعل
خلوتي منك الليلة العتق من النار يا من ليست لعالم فوقه صفة يا من
ليست لمخلوق دونه منعة يا اول قبل كل شيء ويا آخر بعد كل شيء ويا من
ليس له عنصر ويا من ليس لآخره فناء ويا اكمل منعوت ويا اسمح المعطين
ويا من يفقه بكل لغة يدعى بها ويا من عفوه قديم وبطشه
شديد وملكه مستقيم اسئلك باسمك الذي شافهت به موسى يا الله يا
رحمن يا رحيم يا لا اله الا انت اللهم انت الصمد اسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تدخلني الجنة برحمتك وبخوان اين دعا را كه در كفعمي
و در مصباح كبير و اكثر كتب ادعيه مذكور است و حضرت امام زين العابدين
عليه السلام در دل شب ميخوانده اين دعا را الهي غارت نجوم سمائك ونامت
عيون انامك وهدأت اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها
ابوابها وطاف عليها حراسها واحتجبوا عمن يسألهم حاجة او
ينتجع منهم فائدة وانت الهي حي قيوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا

يشغلك

يشغلك شيء عن شيء ابواب سمائك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقات
وابواب رحمتك غير محجوبات وفوائدك لمن سألكها غير محظورات بل هي مبذولات
انت الهي الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين سألك ولا تحتجب عن احد منهم اراد ك
لا وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم دونك ولا يقضيها احد غيرك اللهم وقد
ترى وقوفي وذل مقامي بين يديك تعلم سريرتي وتطلع على ما في قلبي وما
تصلح به امر آخرتي ودنياي اللهم اني ذكرت الموت وهول المطلع والوقوف بين
يديك نغصني مطعمي ومشربي واغصني بريقي واقلقني عن وسادي ومنعني رقادي
كيف ينام من يخاف بيات ملك الموت في طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف
ينام العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا بالنهار ويطلب قبض روحي
بالبيات او في آناء الساعات پس بر خيز بجهت نماز و بخوان در ركعت اول بعد
از حمد سوره توحيد و در ثاني بعد از حمد سوره جحد و حضرت امام زين العابدين عليه السلام
اين دو ركعت را پيش از نماز شب ميكرد و دست بر ميداشت بتكبير و دعا ميكرد پس
بر ميخواست بنماز شب و پيش از آن سجده ميكرد و روی مبارك بر خاك ميچسبانيد و ميگفت
اسئلك الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين القاك وابو الدرداء روايت
كرده كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام در دل شب ميخوانده اين دعا را و ابن بابويه
در امالي نقل نموده الهي كم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم من
جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك الهي ان طال في عصيانك عمري وعظم في
الصحف ذنبي فما انا مؤمل غير غفرانك ولا انا براج غير رضوانك الهي افكر في
عفوك فتهون علي خطيئتي ثم اذكر العظيم من اخذك فتعظم علي بليتي
آه ان انا قرأت في الصحف سيئة انا ناسيها وانت محصيها فتقول خذوه
فيا له من مأخوذ لا تنجيه عشيرته ولا تنفعه قبيلته آه من نار تنضج

الاكبار والحلى آه من نار نزاعة للشوى آه من غمرة من لهبات لظى ووقت
نماز شب اجماع علماست که از نصف آخر شب است تا طلوع فجر صادق و هرچند بصبح
نزدیکتر فضیلتش بیشتر و اگر آنکه چهار رکعت از نماز شب کرده باشی صبح شود نماز
شب را تمام کن بحمد تنها و بعد از و نماز صبح کن و اگر آنکه کسی را عذری باشد پیش از
نصف شب بجا آرد و قضا افضل است از تقدیم و بگو این دعا را در هنگام شروع بنماز شب
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و آله و اقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی
بهم وجیها فی الدنیا والاخرة ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم و لا
تعذبنی بهم و اهدنی بهم و لا تضلنی بهم وارزقنی بهم و لا تحرمنی بهم
واقض لی حوائج الدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر و بکل شیء علیم وبخبر
بجهت نماز شب ورد در رکعت اول امام زین العابدین علیه السلام بعد از حمد سی
مرتبه توحید میخوانده در کفعمی نقل شده و اگر خواهی در رکعت اول بعد از حمد توحید
و در ثانی جحد بطریق روایت رئیس الفقهاء ابن بابویه پس قنوت کن و باید که
باشد در قنوت تو این دعا و بگو اللهم اوسع علی فی رزقی و امدد لی فی
عمری واغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک و لا تستبدل بی غیری
و بدانکه جایز داشته اند در نماز سنتی بقنوت و سوره را از روی قرآن و
نوشته خواندن در نماز واجبی جایز نیست و باطل است و قنوت دیگر الهی کیف
ادعوک و قد عصیتک و کیف لا ادعوک و قد عرفت حبک فی قلبی و ان کنت
عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوة و عینا بالرجاء ممدودة مولای
انت عظیم العظماء و انا اسیر الاسراء انا الاسیر بذنبی المرتهن بجرمی الهی
لئن طالبتنی بذنبی لاطالبنک بکرمک و لئن طالبتنی بجریرتی لاطالبنک
بعفوک و لئن امرت بی الی النار لاخبرن اهلها انی کنت اقول لا اله الا الله

محمد

٤٧

محمد رسول الله اللهم ان الطاعة تسرک والمعصیة لا تضرک فهب لی ما
یسرک واغفر لی ما لا یضرک یا ارحم الراحمین پس چون فارغ شوی از سلام
نماز بگو این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک واعوذ
بک من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک فی اموری کلها واعوذ
بک من خزی الدنیا وعذاب الاخرة پس نماز کن دو رکعت دیگر و بخوان در
رکعت اول بعد از حمد توحید و در رکعت ثانی بعد از حمد انا انزلناه و باید که باشد
در قنوت تو این دعا و آنچه دعای دیگر که خواهی بخوان اللهم من علی بالتوکل علیک
والتفویض الیک والرضا بقدرک والتسلیم لامرک حتی لا احب تعجیل ما اخرت
ولا تاخیر ما عجلت یا رب العالمین پس بگوی بعد از سلام از رکعت چهارم این دعا را
و بخوان انت الله لا اله الا انت رب العالمین انت الله لا اله الا انت الرحمن
الرحیم انت الله لا اله الا انت العلی الکبیر انت الله لا اله الا انت ملک یوم
الدین انت الله لا اله الا انت الغفور الرحیم انت الله لا اله الا انت العزیز
الحکیم انت الله لا اله الا انت بدء کل شیء والیک یعود انت الله لا اله الا انت
لم تزل ولا تزال انت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار انت الله لا اله الا
انت الاحد الصمد لم تلد ولم تولد ولم یکن لک کفوا احد انت الله لا اله الا
انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان
الله عما یشرکون انت الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له
ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم انت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال
والکبریاء رداؤک پس بگذار دو رکعت دیگر را چنانچه گذشت و بخوان بعد
از حمد هر سوره که خواهی و چون قنوت خوانی باید که باشد در قنوت تو این دعا
اللهم انی اسئلک الامن والایمان بک والتصدیق بنبیک والعافیة من جمیع

منک بدء الخلق
انت الله لا اله الا انت خالق
الخیر والشر

البلاء والشكر على العافية والغنى عن شرار الناس پس میگذاری دو رکعت دیگر را
و در قنوت تو اینِ دعا باشد اللهم ارحمني بترك معاصيك ابدا ما ابقيتني و
ارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني والزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني واجعلني
اتلوه على النحو الذي يرضيك عني اللهم نور بكتابك بصري واشرح به صدري
وافرح به قلبي واطلق به لساني واستعمل به بدني وقوني على ذلك فانه لا
حول ولا قوة الا بك پس هر گاه سلام نماز بگوئی پس بخوان این دعا را وهو دعاء
الجامع میگوئی بعد از حمد خدا وثنای بر او میخوانی این دعا را اللهم انت الله
لا اله الا انت الحليم الكريم وانت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم وانت الله
لا اله الا انت الواحد القهار وانت الله لا اله الا انت الملك الجبار وانت الله
لا اله الا انت الرحيم الغفار وانت الله لا اله الا انت الشديد المحال وانت الله
لا اله الا انت الكبير المتعال وانت الله لا اله الا انت السميع البصير وانت الله
لا اله الا انت المنيع القدير وانت الله لا اله الا انت الغفور الشكور وانت الله
لا اله الا انت الحميد المجيد وانت الله لا اله الا انت الغفور الودود وانت الله
لا اله الا انت الحنان المنان وانت الله لا اله الا انت الحليم الديان وانت الله
لا اله الا انت الجواد الماجد وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد وانت الله
لا اله الا انت الغائب الشاهد وانت الله لا اله الا انت الظاهر الباطن وانت الله
لا اله الا انت بكل شيء عليم تم نورك اللهم فهديت وبسطت يدك فاعطيت
ربنا وجهك اكرم الوجوه وجهتك خير الجهات وعطيتك افضل العطايا
واهناها تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطرين
وتكشف السوء وتقبل التوبة وتعفوا عن الذنب لا تجازى اياديك ولا تحصى
نعمك ولا يبلغ مدحتك قول قائل اللهم صل على محمد وال محمد وعجل

فرجهم

فرجهم ودوحهم وراحتهم وسرورهم واذقني طعم فرجهم واهلك اعداءهم من الجن
والانس واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار واجعلنا
من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون واجعلني من الذين صبروا وعلى ربهم
يتوكلون وثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة وبارك لي في المحيا
والممات والموقف والنشور والحساب والميزان واهوال يوم القيمة وسلمني
على الصراط واجزني عليه وارزقني علما نافعا ويقينا صادقا وتقى وبرا وورعا
وخوفا منك وفرقا يبلغني منك زلفا ولا يباعدني عنك واحببني ولا
تبغضني وتولني ولا تخذلني واعطني من جميع خير الدنيا والاخرة ما علمت منه
وما لم اعلم و در کفعمی و مفتاح نقل شده که سنت است انکه بعد از هر رکعت از
هشت رکعت نماز شب بخواند این دعا را اللهم اني اسئلك ولم يسئل مثلك انت
موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك ولم يدع مثلك و
ارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت مجيب دعوة المضطرين وارحم الرا
اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها يا الله يا رحمن وباسمائك الحسنى و
امثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك و
اقربها منك وسيلة واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها
في الامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي
تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك فاستجبت له دعاءه وحق عليك ان لا
تحرم سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور
والقران العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك و
انبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وال
محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل خزي اعدائه پس مطلب

خود وحاجت طلب نماید پس تسبیح زهرا علیها السلام کند وسجدهٔ شکر نماید ودعا
کند بچیزی که خواهد پس بگذارد دو رکعت نماز شفع را وبخوان درین دو رکعت بعد از
حمد قل هو الله احد ودر قنوت بخوان این دعا را اللّهمّ یا مَن اظهر الجمیل وستر
القبیح ویا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك الستر عنّی یا کریم العفو یا حسن التجاوز
یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کلّ نجوی ویا منتهی کلّ شکوی
یا کریم الصفح یا عظیم المنّ یا مبتدئ کلّ نعمة قبل استحقاقها یا ربّاه یا سیّداه
یا مولاه یا غیاثاه صلّ علی محمّد وآل محمّد واسئلك ان لا تجعلنی فی النار وبعد از
سلام بخوان این دعا را که در کفعمی ذکر نموده الهی تعرّض لك فی هذا اللیل المتعرّضون
وقصدك فیه القاصدون وامّل فضلك ومعروفك الطالبون ولك فی هذا اللیل
نفحات وجوائز وعطایا ومواهب تمنّ بها علی من تشاء من عبادك وتمنعها من لم
تسبق له العنایة منك وها انا ذا عبیدك الفقیر الیك المؤمّل فضلك ومعروفك
فان کنت یا مولای تفضّلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقك وعدت علیه
بعائدة من عطفك فصلّ علی محمّد وآل محمّد الطیّبین الطاهرین الخیّرین الفا
ضلین وجد علیّ بطولك ومعروفك یا ربّ العالمین وصلّی الله علی محمّد خاتم
النبیّین وآله الطاهرین وسلّم تسلیما انّ الله حمید مجید اللّهمّ انّی ادعوك
کما امرت فاستجب لی کما وعدت انّك لا تخلف المیعاد وبخوان آن دعای که
در اول وادصبح ذکر شده که اللّهمّ انّی اسئلك باسمك العظیم الاعظم الاجلّ الاکرم
المخزون تا آخر وبگو بعد از این دعا که ثواب بسیار ونفع بیشمار دارد بخوان
اللّهمّ املأ قلبی حبّا لك وخشیة منك وتصدیقا وایمانا بك وفرقا منك
وشوقا الیك یا ذا الجلال والاکرام اللّهمّ حبّب الیك لقاءك واجعل الی صر
لی فی لقائك خیر الرحمة والبرکة والحقنی بالصالحین ولا تؤخّرنی مع الاشرار

والحقنی

٤٧

والحقنی بصالح من مضی واجعلنی مع صالح من بقی وخذ بی سبیل الصالحین واعنّی علی
نفسی بما تعین به الصالحین علی انفسهم ولا تردّنی فی شرّ استنقذتنی منه یا ربّ
العالمین اسئلك ایمانا لا اجل له دون لقائك تحیینی وتمیتنی علیه وتبعثنی علیه
اذ بعثتنی وابرأ قلبی من الریاء والسمعة والشكّ فی دینك اللّهمّ اعطنی نصرا
فی دینك وقوّة فی عبادتك وفهما فی خلقك وکفلین من رحمتك وبیّض وجهی
بنورك واجعل رغبتی فیما عندك وتوفّنی فی سبیلك علی ملّتك وملّة رسولك
اللّهمّ انّی اعوذ بك من الکسل والهرم والجبن والبخل والغفلة والقسوة و
الفترة والمسکنة واعوذ بك یا ربّ من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع ومن دعاء
لا یسمع ومن صلوة لا تنفع واعیذ بك نفسی واهلی وذرّیّتی من الشیطان
الرجیم اللّهمّ انّه لا یجیرنی منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تخذلنی
ولا تردّنی فی هلکة ولا تردّنی بعذاب اسئلك الثبات علی دینك والتصدیق بکتابك
واتّباع رسولك اللّهمّ اذکرنی برحمتك ولا تذکرنی بخطیئتی وتقبّل منّی وزدنی
من فضلك انّی الیك راغب اللّهمّ اجعل ثواب منطقی وثواب مجلسی رضاك عنّی
واجعل عملی ودعائی خالصا لك واجعل ثوابی الجنّة برحمتك واجمع لی جمیع ما سأ لتك
وزدنی من فضلك انّی الیك راغب اللّهمّ غارت النجوم ونامت العیون
وانت الحیّ القیّوم لا یواری منك لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات
مهاد ولا بحر لجّیّ ولا ظلمات بعضها فوق بعض تدلج الرحمة علی من تشاء
من خلقك تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور اشهد بما شهدت علی نفسك
وشهدت ملائکتك واولوا العلم فاکتب شهادتی مکان شهادتهم اللّهمّ
انت السلام ومنك السلام اسئلك یا ذا الجلال والاکرام ان تفكّ رقبتی
من النار پس از آن برخیز بجهت مفردهٔ وتر وابتدا کن بتکبیرات سبع با دعاها وبعد

از حمد بخوان توحید را سه مرتبه و معوذتین را یکمرتبه در کفعمی باین قسم نقل شده و
علمای ما رضوان الله علیهم بعضی اکتفا بقل هو الله احد یکمرتبه نیز نقل نموده اند و
قرآن در سوی را جایز نمیدانند و این خالی از ضعف نیست بعد از حمد و چون فارغ شوی
از سوره همان در رکعت اول قنوت کن و بخوان در قنوت این دعا را و بگوی
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم اللهم
انت الله نور السموات والارض وانت الله زین السموات والارض وانت الله
عماد السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین وانت الله غیاث ٥
المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت الله المروح عن المغمومین
وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله اله العالمین وانت الله الرحمن
الرحیم وانت الله کاشف السوء وانت الله بک تنزل کل حاجة یا الله لیس
یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی من عقابک الا رحمتک ولا ینجی منک الا التضرع
الیک فهب لی من لدنک یا الهی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة
التی بها احییت جمیع ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما
حتی تغفر لی وترحمنی وتعرفنی الاستجابة فی دعائی وارزقنی العافیة الی
منتهی اجلی واقلنی عثرتی ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم
ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی وان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان
اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک وبینی او یتعرض لک فی شیء من امری وقد
علمت انه لیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة وانما یعجل من یخاف الفوت
وانما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء
عرضا ولا لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی واقلنی عثرتی ولا تتبعنی ببلاء علی

اثر

اثر بلاء فقد تری ضعفی وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر بک من
النار فاجرنی واسئلک الجنة فلا تحرمنی و اگر وقت بسیار باشد این دعا را بخواند
اللهم تم نورک فهدیت فلک الحمد ربنا وبسطت یدک فاعطیت فلک الحمد
ربنا وعظم حلمک فعفوت فلک الحمد ربنا وجهک اکرم الوجوه وجهتک
خیر الجهات وعطیتک افضل العطایا واهناها تطاع ربنا فتشکر وتعصی ربنا
فتغفر لمن شئت تجیب المضطر وتکشف الضر وتشفی السقیم وتنجی من الکرب العظیم
لا یجزی بآلائک احد ولا یحصی نعمائک قول قائل اللهم الیک رفعت الابصار
ونقلت الاقدام ومدت الاعناق ورفعت الایدی ودعیت بالالسن وتحوکم
الیک بالاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بیننا وبین خلقک بالحق و
انت خیر الفاتحین اللهم الیک نشکو غیبة نبینا وشدة الزمان علینا و
وقوع الفتن وتظاهر الاعداء وکثرة عدونا وقلة عددنا فافرج ذلک یا رب
بفتح منک تعجله ونصر تعزه وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمین پس
بگو این دعا را در قنوت وتر اللهم صل علی محمد وآل محمد بافضل صلواتک
وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیهم وعلی ارواحهم واجسادهم ورحمة
الله وبرکاته اللهم صل کذلک علی امیر المؤمنین ووصی رسول الله رب
العالمین اللهم وصل کذلک علی الصدیقة الطاهرة فاطمة سیدة نساء
العالمین وصل کذلک علی سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسین
سیدی شباب اهل الجنة وصل کذلک علی ائمة المسلمین علی ابن الحسین و
محمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن
علی وعلی بن محمد والحسن بن علی حججک علی عبادک وامنائک فی بلادک
اللهم وصل علی ولی امرک الحجة بن الحسن القائم المؤمل والعدل المنتظر

حجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة
باذنك وشاهدك على عبادك الهادي المهتدي الطاهر التقي النقي الرضي الزكي
الذي استخلصته لنفسك واصطفيته على غيبك وعصمته من الذنوب وبرأته
من العيوب وطهرته من الرجس وسلمته من الدنس اللهم اجعله في وديعتك
التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك وعزك الذي لا يقهر اللهم انصره
بنصرك العزيز وايده بجندك الغالب وقوه بقوتك واردفه بملائكتك اللهم اشعب
به الصدع وارتق به الفتق وامت به الجور واظهر به العدل وزين بطول بقائه
الارض وايده بالنصر وانصره بالرعب وقو ناصريه واخذل خاذليه ودمدم
على من نصب له ودمر من غشه واقتل به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه واقصم
به رؤس الضلالة وشارعة البدع ومميتة السنة ومقوية الباطل وذلل به
الجبارين وابر به الكافرين وجميع الملحدين في مشارق الارض ومغاربها
حتى لا تدع منهم ديارا ولا تبقي لهم آثارا واجمع له ملك الملكات كلها حتى
تجري حكمه على كل حكم وتغلب بحقه على كل باطل اللهم اسلك بنا على يديه
منهاج الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى وقونا على طاعته و
ثبتنا على متابعته وامنن علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه القوامين بامره
الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة في انصاره
واعوانه ومقوية سلطانه وحتى تجعلنا محله وتجعلنا في الجنة معه يا ارحم
الراحمين وسنت است بلند خواندن قنوت اگرچه در نمازهای سنتی دوری باشد
وهمچنین سنت است طول دادن قنوت خصوصا در نماز شب اگر وقت وسیع باشد
روایت کرده فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله گران شما هر که را قنوتش درازتر
باشد در دنیا بیشتر است راحت او در روز قیامت روایت کرده در کتاب امالی که

حضرت

حضرت امام زین العابدین علیه السلام میخوانده در قنوت وتر سیدی سیدی
هذه يداي قد مددتهما اليك بالذنوب مملوة وعيناي بالرجاء ممدودة و
حق لمن دعاك بالندم تذللا ان تجيبه بالكرم تفضلا سيدي امن اهل
الشقاء خلقتني فاطيل بكائي ام من اهل السعادة خلقتني فابشر رجائي
سيدي لضرب المقامع خلقت اعضائي ام لشرب الحميم خلقت امعائي سيدي
لو ان عبدا استطاع الهرب من مولاه لكنت اول الهاربين منك لكني اعلم
اني لا افوتك سيدي لو ان عذابي مما يزيد في ملكك لسألتك الصبر عليه
غير اني اعلم انه لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العا صين
سيدي ما انا وما خطري هبني بفضلك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم
وجهك الهي وسيدي ارحمني مصروعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وارحمني
مطروحا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد تناول الاقرباء
اطراف جنازتي وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي واگر
وقت تنگ باشد بخوان این دعا را اللهم ان كثرة الذنوب تكف ايدينا عن
انبساطها اليك بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهال
والرجاء تحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فان لم يعطف السيد على عبده
فمن يبتغي النوال فلا ترد اكفنا المتضرعة اليك الا ببلوغ الامال وصلى الله على
اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين وهمان قسم که دست
بر داشته برای قنوت بگو بعد از قنوت دعا بجهت جهل مومن باین طریق اللهم
اغفر لسلمان الفارسي وابي ذر الغفاري والمقداد بن الاسود الكندي والبراء بن
معرور الانصاري اللهم اغفر لمحمد بن ابي بكر ولاويس القرني ولعمار بن
ياسر وخزيمة بن ثابت ولمالك الاشتر اللهم اغفر للعباس ابن علي عليه السلام

ولمسلم ابن عقيل ولزهير ابن القين ولحبيب بن مظاهر اللهم اغفر لمعروف بن
خربوذ القرشى ولابان ابن تغلب الجويرى ولابى حمزة الثمالى ولحمران ابن اعين
اللهم اغفر لزرارة ابن اعين ولبريد ابن معاوية العجلى ولمحمد بن مسلم ولابى
بصير المرادى ولفضيل ابن يسار النهدى ولمحمد ابن النعمان البجلى ولبكير بن
اعين اللهم اغفر لاسمعيل ابن الفضل الهاشمى ولاسمعيل ابن عبد الخالق ولزياد بن
ابى عبيدة الحذاء للحارث ابن المغيرة النصرى ولزيد بن موسى الشحام ولمحمد ابن على
الحلبى ولعبدالله ابن سنان ولعبدالله بن ابى يعفور ولمعوية ابن عمار اللهم اغفر
لجميل ابن دراج ولحماد ابن عثمان وللعلا ابن رزين ولعمر ابن اذينة وطريز ابن عبدالله
اللهم اغفر لمحمد بن ابى عمير ولصفوان ابن يحيى پس بگو اين دعارا اللهم اغفر
لمشايخنا واسلافنا ورؤسائنا وفقهائنا واستاديـنا ومجتهدى ملتنا وعلما
ئنا من الاولين والاخرين الى يوم الدين اللهم اغفر لاولنا واخرنا وشاهدنا
وغائبنا وحرنا وعبدنا وذكرنا وانثانا ومن كان منا او يكون الى يوم القيمة
اللهم زد فى احسان محسننا وتجاوز عن اساءة مسيئنا وشفع محسننا
فى مسيئنا حتى تجمع بيننا جميعا فى مستقر رحمتك وتحت لواء نبيك وفى
ثقل اهل بيته على جميعهم السلام اللهم لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا همّا الا فرّجته
ولا كربا الا كشفته ولا خوفا الا امنته ولا سقما الا شفيته ولا غمّا
الا اذهبته ولا حزنا الا سكنته ولا دينا الا قضيته ولا دعوة الا اجبتها
ولا مسئلة الا اعطيتها ولا امانة الا اديتها ولا فتنة الا صرفتها اللهم
ان لك علينا حقوقا فتصدق بها علينا وللناس قبلنا تبعات فتحملها عنا و
قد اوجبت لكل ضيف قرا ونحن الضعفاء واهل الحاجة والمسكنة و
المضطرون اليك فاجعل قرانا الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة

وبعد ازآنكه

وبعد ازآنكه خواندى اين دعارا پس بگوى هفت مرتبه استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى
القيوم لجميع ظلمى وجرمى واسرافى على نفسى واتوب اليه پس استغفار ميكنى خدايرا
هفتاد مرتبه وبروايتى صد مرتبه باين قسم استغفر الله ربى واتوب اليه بدست راست
ميشمارى ودست چپ را بلند نگه دار وسيصد مرتبه بگوى العفو العفو پس بعد از ان
بخوان اين دعارا يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا اخر الاخرين يا رحمن يا رحيم
اغفر لنا الذنوب التى تغير النعم واغفر لنا الذنوب التى تحل النقم واغفر لنا الذنوب
التى يهتك العصم واغفر لنا الذنوب التى تنزل البلاء واغفر لنا الذنوب التى تديل
الاعداء واغفر لنا الذنوب التى تعجل الفناء واغفر لنا الذنوب التى تظلم الهواء
واغفر لنا الذنوب التى تقطع الرجاء واغفر لنا الذنوب التى تكشف الغطاء واغفر
لنا الذنوب التى ترد الدعاء واغفر لنا الذنوب التى تحبس غيث السماء واغفر لنا
الذنوب التى تورث الندم يا ارحم الراحمين پس دعا كن آنچه دوست دارى وبگو
سه مرتبه استجير بالله من النار ودر ركوع كن وچون سر از ركوع بردارى بگو اين دعارا
هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره
قليل الهى طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت الا
عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فاليك الرجاء واليك الملتجا يا
اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسى يا ملجا الهاربين باثقال
الذنوب احملها على ظهرى وما اجد لى اليك سوى معرفتى بانك اقرب
من رجاه الطالبون ولها اليه المضطرون وامل ما لديه الراغبون يا
من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به على
عباده كفاء لتادية حقه صل على محمد واله فلا تجعل للهموم على عقلى
سبيلا وللباطل على عملى دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين پس چون سلام

کوئی بگو سبحان ربی القدوس العزیز الحکیم سه مرتبه و بگو الحمد لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح سه مرتبه پس بخوان دعای حریز را که در اکثر کتب ادعیه و در کفعمی نقل شده انا جیک یا موجود فی کل مکان لعلک تسمع ندائی فقد عظم جرمی وقل حیائی مولای یا مولای ای الاهوال اتذکر وایها انسی ولو لم یکن الا الموت لکفی کیف وما بعد الموت اعظم وادهی مولای یا مولای حتی متی والی متی اقول لک العتبی مرة بعد اخری ثم لا تجد عندی صدقا ولا وفاء فیا غوثاه ثم واغوثاه بک یا الله من هوی قد غلبنی ومن عدو قد استکلب علی ومن دنیا قد تزینت لی ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربی مولای یا مولای ان کنت رحمت مثلی فارحمنی وان کنت قبلت مثلی فاقبلنی یا قابل السحرة اقبلنی یا من لم ازل اتعرف منه الحسنی یا من یغذینی بالنعم صباحا ومساء ارحمنی یوم اتیتک فردا شاخصا الیک بصری مقلدا عملی قد تبرأ جمیع الخلق منی نعم وابی وامی ومن کان له کدی وسعی فان لم ترحمنی فمن یرحمنی ومن یونس فی القبر وحشتی ومن ینطق لسانی اذا خلوت بعملی وسألتنی عما انت اعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب من عدلک وان قلت لم افعل قلت الم اکن الشاهد علیک فعفوک عفوک یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق یا ارحم الراحمین وخیر الغافرین پس سجده کن و بگوی اللهم صل علی محمد وآله وارحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک ووحشتی فی الناس وانسی بک یا کریم یا کائنا قبل کل شیء یا مکون کل شیء یا کائنا بعد کل شیء لا تفضحنی فانک بی عالم ولا تعذبنی فانک علی قادر اللهم انی اعوذ بک من کرب الموت ومن سوء المرجع فی القبور ومن الندامة یوم القیامة اسئلک عیشة هنیئة ومیتة

سویّة

سویة ومنقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم ان مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی عندی من عملی فصل علی محمد وآل محمد واغفر لی یا حیا لا یموت وسنت است انکه دو سجده کند و بگوید در سجده اول سبوح قدوس رب الملائکة والروح پس بنشیند و بخواند آیة الکرسی را پس بخواند در سجده دویم بدستور اول میباشد از برای او اجر عظیم و اگر وقت باقی باشد بخوان این دعای جامع را بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله امنت بالله وبجمیع رسله وبجمیع ما انزل به علی جمیع الرسل وان وعد الله حق ولقاءه حق وصدق الله وبلغ المرسلون والحمد لله رب العالمین وسبحان الله کلما سبح الله شیء وکما یحب الله ان یسبح والحمد لله کلما حمد الله شیء وکما یحب الله ان یحمد ولا اله الا الله کلما هلل الله شیء وکما یحب الله ان یهلل والله اکبر کلما کبر الله شیء وکما یحب الله ان یکبر اللهم انی اسئلک مفاتیح الخیر وخواتیمه وسوابغه وفوائده وبرکاته وما بلغ علمه علمی وما قصر عن احصائه حفظی اللهم انهج لی اسباب معرفته وافتح لی ابوابه وغشنی برکات رحمتک ومن علی بعصمة عن الازالة عن دینک وطهر قلبی من الشک ولا تشغل قلبی بدنیای وعاجل معاشی عن آجل ثواب آخرتی واشغل قلبی بدنیای وعاجل معاشی عن آجل ثواب آخرتی واشغل قلبی بحفظ ما لا تقبل منی جهله وذلل لکل خیر لسانی وطهر قلبی من الریاء ولا تجره فی مفاصلی واجعل عملی خالصا لک اللهم انی اعوذ بک من الشر وانواع الفواحش کلها ظاهرها وباطنها وغفلاتها وجمیع ما یریدنی به الشیطان الرجیم وما یریدنی به السلطان العنید

مِمَّا احطتَ بعلمِهِ وَانتَ القادِرُ على صرفِهِ عنّي اللّهمّ اِنّي اعوذُ بِكَ مِنْ
طوارِقِ الجِنِّ وَالانسِ وزوابعِهِم وبوائقِهِم ومكائِدِهِم ومشاهِدِ
الفسقةِ مِنَ الجِنِّ والانسِ وَاَنِ استزلَّ عن دينِي فتفسدَ عليَّ آخرتي
وَاَن يكونَ ذلكَ منهُم ضرارًا علىَّ في معاشي ويعرضَ بلاءٌ يصيبُني منهُم
لا قوَّةَ لي عليهِ ولا صبرَ لي على احتمالِهِ فلا تبتليني يا الٰهي بمقاساتِهِ فيمنعني
ذلكَ عن ذكرِكَ ويشغلني عن عبادتِكَ انتَ العاصِمُ المانِعُ الدافِعُ الواقي مِنْ
ذلكَ كلِّهِ اسألُكَ اللّهمّ الرَّفاهيةَ في معيشتي ما ابقيتَني معيشةً اقوى
بها على طاعتِكَ وابلغُ بها رضوانَكَ واصيرُ بها الى دارِ الحيوانِ غدًا ولا
ترزقني رزقًا يطغيني ولا تبتليني بفقرٍ اشقى بهِ مضيّقًا عليَّ اعطني حظًّا
وافرًا في آخرتي ومعاشًا واسعًا هنيئًا مريئًا في دنيايَ ولا تجعلِ الدُّنيا عليَّ
سجنًا ولا تجعل فراقَها عليَّ حزنًا اجرني مِن فتنتِها واجعل عملي فيها مقبولًا
وسعيي فيها مشكورًا اللّهمّ ومَن ارادني بسوءٍ فارِدْهُ بمثلِهِ ومَن كادني فيها فكِدْهُ
واصرِفْ عنّي همَّ مَن ادخلَ عليَّ همَّهُ وامكُرْ بمَن مكرَني فانَّكَ خيرُ الماكرين
وافقأْ عنّي عيونَ الكفرةِ الظَّلمةِ والطُّغاةِ الحسدةِ اللّهمّ وانزِلْ عليَّ منكَ
سكينةً والبسني درعَكَ الحصينةَ واحفظني بسترِكَ الواقي وجلِّلني عافيتَكَ
النّافعةَ وصدِّقْ قولي وفعالي وبارِكْ لي في ولدي واهلي ومالي اللّهمّ ما قدَّمتُ
وما اخَّرتُ وما اغفلتُ وما تعمَّدتُ وما توانيتُ وما اعلنتُ وما اسررتُ فا
غفرهُ لي يا ارحمَ الرّاحمين اللّهمّ كانت حاجتُهُ هاهنا وهيهنا فانَّ حاجتي
اليكَ وحدَكَ لا شريكَ لكَ و بگوی تسبیح زهرا علیها السلام پس بعد از ان برخیز بجهة
دو رکعت نماز نافلهٔ صبح و بخوان در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ جحد و در ثانی بعد
از حمد توحید و قنوت کن و باید که باشد در قنوت تو این دعا اللّهمّ اردُدْ الی جميع

خلقك من

خلقِكَ مظالمَهُم الّتي قِبَلي صغيرَها وكبيرَها في يُسرٍ منكَ وعافيةٍ وما لم تبلغْهُ
قوّتي ولم تسعْهُ ذاتُ يدي ولم يقوَ عليهِ بدني ويقيني ونفسي فادِّهِ عنّي من جزيلِ
ما عندَكَ مِن فضلِكَ لا تخلِفْ عليَّ منهُ شيئًا تقضيهِ مِن حسناتي يا ارحمَ الرّاحمين
اشهدُ ان لا الٰهَ الّا اللهُ وحدَهُ لا شريكَ لهُ واشهدُ انَّ محمّدًا عبدُهُ ورسولُهُ وانَّ
الدّينَ كما شرعَ وانَّ الاسلامَ كما وصفَ وانَّ الكتابَ كما انزلَ والقولَ كما حدَّثَ و
انَّ اللهَ هوَ الحقُّ المبينُ ذكرَ اللهُ محمّدًا واهلَ بيتِهِ بخيرٍ وحيّا اللهُ محمّدًا واهلَ
بيتِهِ بالسّلامِ و چون سلام گوئی اگر صبح بهمن و ظاهر شده باشد اذان بگو و بعد ازان
بگو این دعا را که فرموده حضرت صادق علیه السلام است بخوان اللّهمّ انّي اسألُكَ
باقبالِ نهارِكَ وادبارِ ليلِكَ وحضورِ صلواتِكَ واصواتِ دعائِكَ وتسبيحِ
ملائكتِكَ ان تصلّيَ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وان تتوبَ عليَّ انَّكَ انتَ التَّوّابُ
الرَّحيمُ پس هرگاه بشنوی آواز موذن را پس بگو بعد از شهادتین در حالتی که تصدیق
کننده باشی و طلب اجر کننده باشی این دعا لبیک احتمال مصدقا و محتسبا و بعد ازان
بگو وانا اشهدُ ان لا الٰهَ الّا اللهُ وانَّ محمّدًا رسولُ اللهِ اكتفي بها عمَّن ابى و
جحدَ واعينُ بها مَن اقرَّ وشهدَ و سنت است حکایت اذان نزد شنیدن آن و اگر
صبح طالع نشده باشد و باقی باشد شب اگر خواهی بخواب و بهتر آنست که سجده کنی و دعا
بخوانی تا طلوع صبح یا بخوابی بطرف راست بدل سجود و بگوئی این دعا را انَّ في
خلقِ السّمواتِ الی قوله لا تخلفُ الميعادَ استمسكتُ بعروةِ اللهِ الوثقى الّتي لا انفصامَ
لها واعتصمتُ بحبلِ اللهِ المتينِ واعوذُ باللهِ من شرِّ فسقةِ العجمِ آمنتُ باللهِ
توكّلتُ على اللهِ الجأتُ ظهري الى اللهِ فوّضتُ امري الى اللهِ ومَن يتوكّل على اللهِ
فهوَ حسبُهُ انَّ اللهَ بالغُ امرِهِ قد جعلَ اللهُ لكلِّ شيءٍ قدرًا حسبيَ اللهُ ونعمَ الوكيلُ
اللّهمّ مَن اصبحتْ حاجتُهُ الى مخلوقٍ فانَّ حاجتي ورغبتي اليكَ الحمدُ لربِّ الصّباحِ

وَالْحَمْدُ لِفَالِقِ الْاِصْبَاحِ پس بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْمَسَاءِ
وَالصَّبَاحِ اَللّٰهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسُرُوْرٍ وَقُرَّةِ عَيْنٍ وَصَبِّحْنِي وَ
اَهْلَ بَيْتِي بِبَرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسُرُوْرٍ وَقُرَّةِ عَيْنٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُنْزِلُ بِاللَّيْلِ وَ
النَّهَارِ مَا تَشَاءُ فَاَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَةِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ رِزْقًا
حَلَالًا طَيِّبًا وَاسِعًا تُغْنِيْنِي بِهٖ عَنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ فصل سیم در بیان فضیلت شب
جمعه و ادعیه و افعال آن در فقیه نقل شده که روایت نموده ابو بصیر از ابی عبدالله علیه السلام
بدرستی که گفت آنحضرت آنکه حق تعالی امر میکند بملک که ندا کند هر شب جمعه از فوق عرش از
اول شب تا آخر شب که آیا نیست بندهٔ مومنی که توبه کند بسوی خدای تعالی از گناهان
خود پیش از طلوع فجر پس قبول کنیم برای او آیا نیست بندهٔ مؤمنی که تنگ شده بر و
رزق او و سوال از خدا کند زیادتی دادن رزق پیش از طلوع فجر پس زیاد کنیم برای او
و وسعت دهیم برو آیا نیست بندهٔ مؤمنی که محبوس و مغموم بیمار باشد سوال کند
آنکه شفا بدهیم پیش از طلوع فجر پس عافیت دهیم آیا نیست بندهٔ مؤمنی که محبوس و
مغموم باشد و سوال کند تا آنکه برهانیم او را از گرفتاری او پس بگشائیم راه او را
آیا نیست بندهٔ مؤمنی مظلوم که سوال کند خدا را آنکه بگیریم از برای او بظلمی که شده برو
پیش از طلوع فجر پس انتقام کشیم برای او و بگیریم از برای او بظلمی که کرده شده برو
فرمود آنحضرت پس همیشه منادی میکند باین کلام تا طلوع کند فجر و باز فقیه نقل نموده
که روایت کرده اصبغ ابن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود بدرستی شب جمعه شب
سفیداست و روز او روز روشن کسی که فوت شود در شب جمعه می نویسند خدای
تعالی از برای او براتی از فشار قبر و کسی که فوت شود در روز جمعه نوشته میشود از
برای او براة از جهنم روایت کرده هشام بن الحکم از ابی عبدالله علیه السلام در مردی که
اراده کند آنکه عمل کند چیزی از خیر مثل صدقه و صوم و مثل اینها فرمود آنحضرت سزاست

این عمل آنکه بوده باشد در روز جمعه پس بدرستی که عمل در روز جمعه مضاعف میشود و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله عافل داخل سازید باهل خودتان هر روز جمعه چیزی از میوه و
گوشت تا فرحناک شوند بجمعه و روایت کرده ابراهیم بن ابی العلا از زراره از ابی عبدالله علیه السلام
فرمود کسی که بخواند کسی که بخواند شعری در روز جمعه پس همانست نصیب او از این روز
و باز فقیه نقل نموده که حضرت امیر علیه السلام فرموده که در جمعه ساعتی است مبارک
سوال نمیکند خدا را بندهٔ مؤمنی در آن ساعت چیزی را مگر آنکه داده میشود و بدانکه
فضیلت شب و روز جمعه در احادیث بطریق عامه و خاصه بسیار واقع شده شمه
از آن بیان نمودیم در فقیه روایت کرده عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام
فرمود کسی که بگوید در آخر سجده از نافلهٔ مغرب شب جمعه این دعا را هفت مرتبه فارغ میشود
از و حال آنکه بتحقیق آمرزیده میشود از برای او گناهان او اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ
الْكَرِيْمِ وَاِسْمِكَ الْعَظِيْمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِيْ ذَنْبِيَ الْعَظِيْمَ
و اگر بگوید این دعا را هر شب پس او افضل است و روایت کرده اویس القرنی رحمه الله
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود آنحضرت هر که از خدا باین دعا چیزی
خواهد مستجاب کند و بر آورد جمیع حاجات او را و از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
فرموده که بحق آن خدای که مرا بحق بر پیغمبری فرستاد که هر کس گرسنگی و تشنگی رسد چون این
دعا بخواند حق تعالی او را آب و طعام مهیا سازد و اگر کسی دعا کند بصدق تمام بر دیوار آن
این دعا را بجود آید و اگر بر زنی آبستنی که دشوار زاید بخوانند بر و آسان شود و نیز
[illegible] و آله فرمود بآن خدای که مرا بحق بر پیغمبری فرستاد که هر کس چهل شب
جمعه این دعا را بخواند خدای تعالی بیامرزد همه گناهان او را که میان او و خدا باشد و
اگر نزد حاکمی بزرگ رود و بخواند از بدی او ایمن باشد و اگر در محل خواب بخواند بهر حرفی
از آن حضرت عزت برانگیزد هفتاد هزار فرشتهٔ روحانی که رویهای ایشان هفتاد هزار بار بهتر

باشد از آفتاب وجهت خواننده آمرزش خواهند ودعا کنند او را وبنویسند برای او
نیکیها وهر کس بخواند اگرچه گناهان کبیره داشته باشد خدای تعالی تمام گناهان او را
بیامرزد واگر در آن شب که این دعا را خوانده باشد بمیرد شهید مرده باشد وحق تعالی
بیامرزد او را واهل بیت او را وپیشنمان ومؤذن مسجد او را انشاء الله تعالی
یا سلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الطاهر المطهر القاهر القادر المقتدر
یا من ینادی من کل فج عمیق بالسنة شتی ولغات مختلفة وحوائج اخری یا من لا
یشغله شان عن شان انت الذی لا تغیرک الازمنة ولا تحیط بک الامکنة ولا یاخذک
نوم ولا سنة یسر لی من امری ما اخاف عسره وفرج لی من امری ما اخاف حزنه
سبحانک لا اله الا انت انی کنت من الظالمین عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی
انه لا یغفر الذنوب الا انت والحمد لله رب العالمین ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی نبیه وآله باز اویس قرنی رحمه الله روایت کرده که
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله میفرموده که هر که
این دعا را بخوا... ب کردد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بسیار سوگند یاد فرمود
که اگر کسی این دعا را بخواند بر آب روان بسته گردد واگر گرسنگی وتشنگی بر کسی رسد بخواند
این دعا را حق تعالی او را آب وطعام رساند واگر بر کوه خواند از جای خود بجنبد واگر
بر زن آبستن بخواند که دشوار باشد بر وزاییدن آسان شود واگر کسی بخواند در شهری و
بآن شهر آتش افتاده باشد ومنزل او در میان آن شهر باشد آتش باو ومنزل او نرسد و
نجات یابد واگر چهل شب جمعه بخواند حق تعالی همه گناهان او را بیامرزد وهر گرانی
باشد بخواند خلاص شود از آن غم واگر از حاکمی جابری ترسد بخواند ایمن دارد ومستجاب سازد
خدای تعالی ودر باب فضیلت وثواب این دعا روایت بسیار است بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک ولا اسئل غیرک وارغب الیک ولا ارغب الی غیرک اسئلک یا امان

الخائفین

الخائفین وجار المستجیرین انت الفتاح ذو الخیرات مقیل العثرات ماحی
السیئات کاتب الحسنات رافع الدرجات اسئلک بافضل المسائل کلها وانجحها
التی لا ینبغی للعباد ان یسئلوک الا بها یا الله یا رحمن وباسمائک الحسنی وامثالک
العلیا ونعمک التی لا تحصی وباکرم اسمائک علیک واحبها الیک واشرفها
عندک منزلة واقربها منک وسیلة واجزلها مبلغا واسرعها منک اجابة
وباسمک المخزون الجلیل الاجل العظیم الذی تحبه وترضاه وترضی عمن دعاک به
فاستجبت دعائه وحق علیک ان لا تحرم سائلک وبکل اسم هو لک فی التوریة
والانجیل والزبور والفرقان وبکل اسم هو لک علمته احدا من خلقک او لم تعلمه
احدا وبکل اسم هو لک دعاک به حملة عرشک وملائکتک واصفیائک من خلقک
وبحق السائلین لک والراغبین والمتعوذین بک والمتضرعین لدیک وبحق کل عبد
متعبد لک فی بر او بحر او سهل او جبل ادعوک دعاء من قد اشتدت فاقته و
عظم جرمه واشرف علی الهلکة وضعفت قوته ومن لا یثق بشیء من عمله ولا
لذنبه غافرا ولا لعیبه سواک هربت منک الیک غیر مستنکف ولا مستکبر عن
عبادتک یا انس کل فقیر مستجیر اسئلک بانک انت الله لا اله الا انت الحنان المنان
بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انت
الرب وانا العبد وانت المالک وانا المملوک وانت العزیز وانا الذلیل وانت الغنی
وانا الفقیر وانت الحی وانا المیت وانت الباقی وانا الفانی وانت المحسن وانا المسیء
وانت الغفور وانا المذنب وانت الرحیم وانا الخاطی وانت الخالق وانا المخلوق
وانت القوی وانا الضعیف وانت المعطی وانا السائل وانت الامین وانا الخائف
وانت الرازق وانا المرزوق وانت احق من شکوت الیه واستغثت به ورجوته
لانک کم من مذنب قد غفرت له وکم من مسیء قد تجاوزت عنه فاغفر لی وتجاوز

عنّی وَارْحَمْنی وَعافِنی مِمّا نَزَلَ بی وَلا تَفْضَحْنی بِما جَنَیْتُهُ عَلی نَفْسی وَخُذْ بِیَدی
وَبِیَدِ والِدَیَّ وَوَلَدی وَارْحَمْنا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ در کافی بسند موثق
نقل نموده از ابراهیم کرخی که گفت تعلیم نمود ما را حضرت امام جعفر علیه السلام این دعا را
و امر فرمود ما را که دعا کنیم باین دعا در روز جمعه اَللّٰهُمَّ اِنّی تَعَمَّدْتُ اِلَیْکَ بِحاجَتی وَ
اَنْزَلْتُ بِکَ الْیَوْمَ فَقْری وَمَسْکَنَتی فَاَنَا لِمَغْفِرَتِکَ اَرْجی مِنّی لِعَمَلی وَلَمَغْفِرَتُکَ
وَرَحْمَتُکَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبی فَتَوَلَّ قَضاءَ کُلِّ حاجَةٍ هِیَ لی بِقُدْرَتِکَ عَلَیْها وَتَیْسیرِ
ذٰلِکَ عَلَیْکَ وَلِفَقْری اِلَیْکَ فَاِنّی لَمْ اُصِبْ خَیْراً قَطُّ اِلّا مِنْکَ وَلَمْ یَصْرِفْ عَنّی اَحَدٌ
شَرّاً قَطُّ غَیْرُکَ وَلَیْسَ اَرْجُو لِآخِرَتی وَدُنْیایَ سِواکَ وَلا لِیَوْمِ فَقْری وَیَوْمِ تُفْرِدُنی
النّاسُ فی حُفْرَتی وَاُفْضی اِلَیْکَ یا رَبِّ بِفَقْری و در نسخهٔ دیگر بجای یا ربّ بفقری
بِذَنْبی سِواکَ است و باید که بخوانی در شب جمعه این دعا را اَللّٰهُمَّ اَنْ تُفْهِمَ صِدْقَ
الْحَدیثِ وَاَداءَ الْاَمانَةِ وَالْمُحافَظَةَ عَلَی الصَّلَواتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمْ اَحَقُّ خَلْقِکَ اَنْ
تَفْعَلَهُ بِهِمْ اَللّٰهُمَّ افْعَلْهُ بِهِمْ و بخوان در شب جمعه سورهٔ بنی اسرائیل و سورهٔ اذا وقعت
و در روز جمعه سورهٔ کهف و در روز جمعه غسل کن که اکثر علماء متقدمین و متأخرین
بر وجوب آن رفته اند و نفع بسیار در دنیا و آخرت مترتب باو میشود در فقیه پیش از
غسل وضو باید ساخت و در وقت غسل بخوان این دعا را اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ می باشد پاک از جمعه تا جمعهٔ آینده
و در فقیه نقل نموده از حضرت صادق علیه السلام کسی که بگیرد ناخن خود را روز پنجشنبه
و بگذارد یک ناخن را از برای جمعه بر میدارد حق تعالی ازو فقر را و باز فقیه نقل نموده از
عبد الله بن ابی یعفور که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که بگردم
فدای تو میگویند مردمان طلب نزول رزق کرده نمیشود بچیزی که برابری کند با تعقیب نماز صبح

ار... ارها

از طلوع صبح تا طلوع آفتاب آنحضرت فرمود بلی امّا خبر دهم ترا به بهتر از وی پس فرمود که
او گرفتن شارب و گرفتن ناخن است در روز جمعه و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
کسی که ناخن بگیرد روز شنبه و روز پنجشنبه و بگیرد از شارب خود معاف است از
درد دندان و درد چشم و در گرفتن ناخن چنانچه فقیه نقل نموده از ابی عبد الله علیه السلام
در روز جمعه امانست از جذام و جنون و برص و کوری و اگر محتاج نباشی بگرفتن ناخن
حک کن پس برسان و بمال بران ناخن کارد یا مقراض را از ابی جعفر علیه السلام در فقیه
نقل کرده کسی که بگیرد از ناخن و شارب خود هر جمعه و بگوید در وقت گرفتن این دعا را
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلی سُنَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ
اَجْمَعینَ ساقط نمیشود ازو ریزهٔ ناخنی و ریزهٔ موئی مگر آنکه مینویسد الله تعالی از
برای او بعوض این ریزها ثواب آزادی بنده و صاحب مرض نمیشود مگر مرضی که در آن مرض
رسیده باشد اجل او و کسی که ناخن بگیرد روز جمعه ابتدا کند با نگشت کوچک دست چپ
و ختم کند با نگشت کوچک دست راست و در فقیه از حضرت صادق علیه السلام نقل
نموده که سنّت است دفن کردن ناخن و موی و در خبر دیگر خون نیز داخل است و در فقیه
فرمود صادق علیه السلام شانه کردن سر بر طرف میکند وبا را و شانه کردن ریش سخت
میکند دندانها را و فرمود ابو الحسن موسی ابن جعفر علیه السلام هرگاه شانه کنی ریش
خود را و سر خود را پس برسان شانه را بر سینهٔ خود پس بدرستی که این قسم میبرد هم
و وبا را و حضرت صادق علیه السلام فرموده در فقیه کسی که شانه کند ریش خود را هفتاد
مرتبه و بشمارد یک یک نزدیک نمیشود باو شیطان چهل روز و همچنین فرموده موسی ابن
جعفر علیه السلام شانه کنید بعاج که بدرستی که میبرد وبا را و حضرت صادق علیه السلام
فرموده که وبا تب است و باز در فقیه روایت نموده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که فرمود بجهت علی علیه السلام یا علی یکدرهم در خضاب بهتر است از هزار درهم در غیر او در راه خدا

ودر خضاب چهارده خصلت است بیرون میکند بادها را از گوشها و روشن
میکند چشم را و نرم میکند پردهٔ بینی را و خوشبو میکند بوی دهن و سخت میکند
گوشتهای دندانها را و برطرف میکند لاغری را و کم میکند وسوسهٔ شیطانرا و خوشحال
میشود باو ملائکه و خوشحال میشود باو مؤمن و خشمناک میشود کافر و این زینت است
و بوی خوش است و حیا میکند از و منکر و نکیر و این براتست از برای در قبر و باز در
فقیه فرموده صادق علیه السلام باید که زینت کند احد از شما روز جمعه و غسل کند
و بکار برد بوی خوش و شانه کند و بپوشد پاکیزه ترین جامهٔ خود را و مهیا شود
از برای جمعه و باید که باشد در ین روز سکینه و وقار و نیکو کند عبادت پروردگار
خود را و باید که بجای آورد صدقه بقدر استطاعت پس بدرستی که الله تعالی نظر میکند بسوی
زمین بجهت تضاعف حسنات فقیه روایت نموده از حضرت امام رضا علیه السلام
که فرمود آنحضرت که سزاوار است از برای مرد آنکه ترک نکند ما لیدن چیزی از بوی خوش را
در هر روز پس اگر قادر نباشد یکروز بمالد و یکروز فاصله کند و اگر قادر باین نیز نباشد پس
در هر جمعه بمالد بوی خوش را و وانگذارد این را و بود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر گاه میشد
روز جمعه و نمی یافتند بوی خوش را میطلبیدند جامهٔ که رنگ شده بود بزعفران و
میپاشیدند بر و آب پس میمالیدند آنرا بروی خود و از ائمه علیهم السلام منقولست که
کسی که مسح کند روی خود را بگلاب نرسد باو در آنروز بلای و فقری و باید که مسح
کند روی دستهارا و صلوات فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و در کافی نقل نموده
در حدیث معراج از ابی عبدالله علیه السلام در نمازی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
نمود در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت ثانی بعد از حمد انا انزلناه
و فقیه نقل نموده که در شب جمعه در نماز خفتن در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ جمعه
و در ثانی بعد از حمد سبح اسم و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه بعد از حمد سورهٔ جمعه و منافقین

حمد باید بخوانی غیر این دو سوره را پس بیادت آید پس برگرد بسوی سورهٔ جمعه و منافقین
مادامی که نخوانده باشی نصف سوره را پس هر گاه خوانده باشی نصف سوره را پس تمام کن سوره را
و بگردان آن دو رکعت را نافله و سلام ده در آن دو رکعت و اعاده کن نماز خود را بسورهٔ منافقین
و جمعه و باکی نیست آنکه نماز کنی نماز خفتن و صبح و عصر را بغیر سورهٔ جمعه و منافقین مگر آنکه
نماز کنی نماز خفتن و صبح و عصر را بغیر سورهٔ جمعه و منافقین بدرستی که فضیلت در آنکه نماز کنی
با اینها بسورهٔ جمعه و منافقین علی بن یقطین روایت میکند از ابا الحسن علیه السلام در نماز جمعه در سفر چه
چیز بخوانم فرمود آنحضرت بخوان در آن قل هو الله احد فقیه نقل نموده از ابی عبدالله علیه السلام
که میفرمود آنحضرت باکی نیست آنکه بخوانی در نماز جمعه بغیر سورهٔ جمعه و منافقین
هر گاه بوده باشی تو مستعجل و اما فقیه نقل نموده که روایتی شده در خواندن غیر سورهٔ
جمعه و منافقین که رخصت داده اند و گفته که عمل باین نمیکنم و فتوی نمیدهم مگر در سفر
و حال مرض و ترسیدن از فوت حاجت و باز فقیه ذکر نموده بلند بخوانند قراءة حمد و
سوره را در نماز ظهر و عصر پس بدرستی کسی که بلند بخواند در ظهر و عصر یا آهسته بخواند
در نماز شام و خفتن و صبح عمداً پس بر واست اعادهٔ آن نماز پس اگر بکند این را از روی سهو
پس نیست برو چیزی مگر در روز جمعه در نماز ظهر که بدرستی بلند بخواند قرأت را سنت است
و اکثر علما بر این اند که و بعضی آهسته خواندن را بهتر میدانند و در روز جمعه بیست و
دو رکعت نافلهٔ جمعه واقع شده و در وقت اداء آن در میان علما خلافست و روایات
نیز مختلف است و هر یک از این روایات معتبره عمل نمودن جایز است و آنچه در بیشتر
روایات صحیحه است آنست که شش رکعت را در وقت بلند شدن آفتاب کند و
شش رکعت دیگر را قبل از نصف النهار و دو رکعت بعد از زوال پیش از نماز جمعه
و شش رکعت بعد از جمعه و در روایت صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که شش رکعت میکنی بکرةً و شش رکعت دیگر را بعد از آن و دو رکعت بعد از

زوال و دو رکعت بعد از عصر و بجب این روایت بیست و دو رکعت میشود ۵

باب ششم در بیان آداب نماز باران و نماز آیات و طریق نماز جعفر طیار

فصل اول در آداب نماز باران و ادعیهٔ آن روایت کرده فقیه و هرگاه دوست
داری تو آنکه بکنی نماز طلب باران را پس باید که باشد روزی که نماز میکنی در روز
دوشنبه پس بیرون می آئی همچنانکه بیرون می آئی در روز عید بجهت نماز عید و پیش
افتند موذنان تا برسند بمصلی پس نماز کن با مردمان دو رکعت بدون اذان و
اقامه پس بالای منبر برو و خطبه بخوان و برگردان رداء خود را آنچه که بود بر طرف
راست تو بر طرف چپ و آنچه که بود بر طرف چپ تو بر طرف راست پس رو بقبله کن
و صد مرتبه تکبیر کن خدا را با آواز بلند پس التفات کن بسوی راست خود و صد مرتبه
تسبیح کن خدا را با آواز بلند پس التفات کن بطرف چپ پس صد مرتبه تهلیل کن خدا را
با آواز بلند پس بگردان روی خود را بمردمان و صد مرتبه حمد کن خدا را با آواز بلند پس بلند
کن دستهای خود را و دعا کن و دعا کنند مردمان و بلند کنند صداها را مردمان پس بدرستی
که الله تعالی نا امید نمیکند ایشان را انشاء الله تعالی و بود پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه
طلب باران میکرد میخواند این دعا را و بلند میخواند قراءت نماز استسقا را اَللّٰهُمَّ اَسْقِ
عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ وَاَحْيِ بِلَادَكَ الْمَيْتَةَ و مکرر میخواند این دعا را
تا سه مرتبه و باز فقیه نقل کرده که آمدند جماعتی از اهل کوفه بخدمت علی ابن ابی طالب
علیه السلام پس گفتند یا امیر المؤمنین دعا کن از برای ما بدعاها در طلب باران
پس طلب فرمود آنحضرت علیه السلام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را پس فرمود
یا حسن دعا کن پس گفت امام حسن علیه السلام این دعا را اَللّٰهُمَّ هَيِّجْ لَنَا
السَّحَابَ بِفَتْحِ الْاَبْوَابِ بِمَاءٍ عُبَابٍ وَرُبَابٍ بِانْصِبَابٍ وَانْسِكَابٍ يَا وَهَّابُ
وَاسْقِنَا مُطْبِقَةً مُغْدِقَةً مُونِقَةً بِفَتْحِ اَغْلَاقِهَا وَسَهِّلْ اِطْلَاقَهَا وَعَجِّلْ سِيَاقَهَا

بِالْاَنْدِيَةِ فِي الْاَوْدِيَةِ يَا وَهَّابُ بِصَوْبِ الْمَاءِ يَا فَعَّالُ اَسْقِنَا مَطَرًا قَطْرًا طَلًّا
مُطِلًّا طَبَقًا مُطْبِقًا عَامًّا مُعِمًّا رَهْمًا بَهِيمًا رَحِيمًا رَشًّا مُرِشًّا وَاسِعًا كَافِيًا
عَاجِلًا طَيِّبًا مُبَارَكًا سَلَاطِحَ بَلَاطِحَ يُبَاطِحُ الْاَبَاطِحَ مُغْدَوْدِقًا مُطْبُوبِقًا مُغْرَوْرِقًا
وَاسْقِ سَهْلَنَا وَجَبَلَنَا وَبَدْوَنَا وَحَضَرَنَا حَتّٰى تُرَخِّصَ بِهِ اَسْعَارَنَا وَتُبَارِكَ لَنَا
بِهِ فِي ضِيَاعِنَا وَمُدُنِنَا اَرِنَا الرِّزْقَ مَوْجُودًا وَالْغَلَاءَ مَفْقُودًا اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
پس فرمود بحسین علیه السلام دعا کن پس خواند امام حسین علیه السلام این دعا را
اَللّٰهُمَّ مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ مَظَانِّهَا وَمُنْزِلَ الرَّحَمَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُجْرِيَ
الْبَرَكَاتِ عَلٰى اَهْلِهَا مِنْكَ الْغَيْثُ الْمُغِيثُ وَاَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَغَاثُ وَنَحْنُ
الْخَاطِئُونَ وَاَهْلُ الذُّنُوبِ وَاَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْغَفَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اَرْسِلِ
السَّمَاءَ عَلَيْنَا دِيمَةً مِدْرَارًا وَاسْقِنَا الْغَيْثَ وَاكِفًا مِغْزَارًا غَيْثًا مُغِيثًا وَاسِعًا
مُسْبِغًا مُهْطِلًا مَرِيًّا مُرِيعًا غَدَقًا مُغْدِقًا عُبَابًا مُجَلْجِلًا صَحًّا صَحْصَاحًا بَسًّا بَسًّا
بَسَّاسًا مُسْبِلًا عَامًّا وَدْقًا مِطْفَاحًا يَدْفَعُ الْوَدْقَ بِالْوَدْقِ دِفَاعًا وَيُطْلِعُ الْقَطْرَ
مِنْهُ غَيْرَ خُلَّبِ الْبَرْقِ وَلَا مُكَذَّبِ الرَّعْدِ تَنْعَشُ بِهِ الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُحْيِي بِهِ
الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ وَتَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا مِنَنَكَ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ پس تمام نکرده بود
کلام خود را که ریزانید الله تعالی آب را ریزانیدنی **فصل دویم در بیان نماز آیات**
بدانکه واجبست نماز آیات که او کسوف و خسوف و زلزله و وزیدن بادهای
تاریک مخوفست که در وقوع هریک از اینها واجبست گذاردن دو رکعت نماز باین قسم
که تکبیر احرام گوید پس بخواند حمد را و سوره که خواهد پس رکوع کن و سر بردار و حمد و سوره
را بخواند و برکوع رود و همین طریق تا پنج رکوع و بعد از آن بسجده رود و سجده بجای آورد
پس برخیزد و یکرکعت دیگر را بدین قسم بجا آورد که در رکعت اول بجا آورده و میتواند
بود که بعد از حمد سوره را تبعیض نماید تا پنج رکوع بیک سوره تمام شود و در این قسم

یکحمد که در اول خوانده کافی است و در رکعت ثانی نیز یکحمد در اول بخواند و با بعضی از سوره در رکوع
رود و سر بر دارد و بخواند بعضی از آن سوره را تا پنج رکوع رود و در سر برداشتن از رکوع سمع الله
را نگوید مکر در رکوع آخر که بسجده میرود و در هر دو رکوع قنوت کند و اگر نکند قنوت را
مکر در رکوع پنجم و دهم او نیز جایز است و اگر پنج رکوع تمام نشده سوره تمام شود باید که باز
حمد را بخواند از وی وجوب و نماز آیات همکی باین قسم است و اول وقت کسوف و خسوف ابتدای
کرفتن است و آخر وقت ابتدای انجلا است و بقول جمعی از علما تمام شدن انجلا است و وقت
زلزله تمام عمر است و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور
میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را مطلقا و برخی کفته اند بر ناسی قضا لازم نیست
مادام که تمام قرص نکرفته باشد و احتیاط آنست که قضا بجا آورد و اگر مطلع نشود و بعد از آن
خروج وقت مطلع شود مشهور میان علما آنست که قضا کسوفین واجب نیست مگر آنکه
قرص بالتمام محترق شده باشد و بعضی قضا را مطلقا واجب میدانند و اقوی و مشهور
قول اول است و سنت است تجدید نماز تا منجلی شدن قرص و فقیه نقل نموده که هرگاه بوده
باشی در نماز کسوف و داخل شود وقت فریضه پس قطع کن آن نماز را و نماز فریضه بجای
آر و بعد از آن بجا آر نماز کسوف را و بنی کذار بر آنجای که کذاشته فقیه ذکر کرده که سوال
کرد سلیمان دیلمی از ابا عبدالله علیه السلام از زلزله که چراست فرمود آنحضرت آیتیست کفت چه
چیزاست سبب او فرمود بدرستی که حق تعالی موکل فرموده بر رکهای زمین پس هرگاه اراده کند
الله تعالی آنکه زلزله کند زمین را وحی میکند بسوی آن ملک آنکه حرکت ده رک چنان
وچنان را پس حرکت میدهد آن ملک رک آن زمین را که امر فرموده است الله تعالی پس حرکت
می آید با اهلش راوی کوید کفتم پس هرگاه بوده باشد این زلزله پس چه کنیم فرمود آنحضرت
نماز کن نماز کسوف را بعد از فراغ بیفت برو از برای خدا در حالتی که سجده کنی و بکو در سجده
خود این آیه را الآیه یا من یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان

امسکهما

امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض
الا باذنه امسک عنا السوء انک علی کل شیء قدیر و فقیه ذکر کرده که فرمود حضرت
صادق علیه السلام بدرستی که برق میرسد بمؤمن و کافر و نمیرسد بذکر کننده خدا و
باز فقیه نقل نموده که روایت کرده شیخ از کامل که کفت بودم من با امام محمد باقر علیه السلام
در عریض که قریه ایست از قرای مدینه پس وزید باد تندی پس شروع کرد آنحضرت بتکبیر پس فرمود
بدرستی که تکبیر رد میکند باد را و فرمود آنحضرت که نفرستاده الله تعالی باد را از رحمت یا عذاب پس هرگاه
به بینید باد را پس بخوانید این دعا را اللهم انا نسألک خیرها وخیر ما ارسلت له ونعوذ
بک من شرها وشر ما ارسلت له و تکبیر بکویید و بلند کنید صداهای خود را و
بکویید تکبیر پس بدرستی که تکبیر میشکند باد را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله دشنام
مدهید باد را پس بدرستی که او مامور است و نه کوهها را و نه ساعات را و نه روزها را و نه
شبها را پس کناه کار میشوید که بر میکردد این دشنام بشما **فصل سیم در بیان نماز** طریق ص
جعفر و نماز علی بن الحسین و نماز فاطمه زهرا علیهم السلام فقیه ذکر نموده از امام محمد باقر علیه السلام
که کفت فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله بجعفر بن ابی طالب علیه السلام که یا جعفر آیا
عطا نکنم ترا آیا بخشش نکنم ترا آیا نه بخشم ترا آیا تعلیم نکنم ترا نمازی هرگاه بجای آوری آن
نماز را و اگر بوده باشی تو کریخته از جنگ و بوده باشد بر تو مثل ریگ بیابان و کف دریا
کناه بخشیده میشود از برای تو کفت بلی یا رسول الله فرمود نماز کن چهار رکعت هرگاه خواهی
اگر خواهی هر شب و اگر خواهی هر روز و اگر خواهی پس از جمعه تا جمعه و اگر خواهی پس از ماهی
تا ماهی و اگر خواهی از سالی تا سالی افتتاح کن نماز را پس تکبیر بکو پانزده مرتبه باین قسم
الله اکبر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بخوان سوره حمد و سوره
و رکوع کن پس بکو در رکوع همان تکبیر مشتمل بر تسبیح را ده مرتبه پس سر بردار و بکو همان
تکبیر مشتمل بر تسبیح را ده مرتبه پس بیفت بسجده پس بکو همانرا که کفتی ده مرتبه و باز سجده کن
سر بردار و بکو همان تسبیح

و بار بگو تکبیر را ده مرتبه

و در سجده بگو ده مرتبه بدستور سجدهٔ اول پس بر خیز بجهت رکعت ثانی پس بگو همان تکبیر
مشتمل بر تسبیح را پانزده مرتبه پس بخوان حمد و سوره پس رکوع کن و سجود کن بهمان عدد
و بهمان طریق که در رکعت اول کردی و بگو آنچه کفتی در آن و پس تشهد کن و سلام ده و بر
خیز بجهت دو رکعت دیگر و آن دو رکعت را باین طریق بجا آور پس سلام ده فرمود ابو جعفر
پس این تکبیر هفتاد و پنج مرتبه است در هر رکعت سیصد تسبیح است می باشد سیصد مرتبه
در چهار رکعت هزار و دویست تسبیح و مضاعف میکند الله تعالی و می نویسد حق تعالی
از برای تو بسبب آنها دوازده هزار حسنه و هر حسنه از آنها برابر کوه احد و بزرکتر و
بتحقیق روایت شده بدرستی تسبیح در نماز جعفر بعد از خواندن حمد و سوره است و بدرستی
ترتیب این تسبیح باین قسم است ٥ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ
پس بجهت این حدیثین بکند مصلی پس او مصیب است و جایز است از برای او و قنوت
در هر دو رکعت از آنها است پیش از رکوع و قراءت در رکعت اول حمد و اذا زلزلت و در ثانی حمد
و والعادیات و در رکعت سیوم الحمد و اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم الحمد و قل
هو الله احد و اکر خواهی بکن این همه نمازها را با حمد و قل هو الله احد و در روایت عبد الله بن مغیره
از حضرت صادق علیه السلام که کفته بخوان در نماز جعفر بقل هو الله و قل یا ایها الکافرون
و روایت کرده ابو بصیر از ابی عبد الله علیه السلام که کفت نماز کن نماز جعفر را هر وقت که خواهی
از شب یا از روز و اکر خواهی حساب کن این نماز را از نوافل شب و اکر خواهی حساب کن این
نماز را از نوافل روز که حساب کرده میشود از برای تو از نوافل تو و حساب کرده میشود از
برای تو از نماز جعفر و باز روایت کرده ابو بصیر از ابی عبد الله علیه السلام که کفت هر کاه بوده
باشی تو مستعجل پس نماز کن نماز جعفر را مجرّد یعنی بدون تسبیحات پس از آن قضا کن
تسبیح را و در روایت حسن ابن محبوب که کفت بکو در آخر سجده از نماز جعفر بن ابی طالب ع
این دعا را و در کافی و در اکثر کتب دعا از ابی عبد الله علیه السلام مرویست سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ

العزّة

الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا
لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ
الْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ٥ نماز دیکر از برای حاجت بود علی ابن الحسین علیه السلام
هر کاه محزون و دلکیر میکرد آنحضرت را امری می پوشید از کهنه ترین جامهٔ خود را و درشت ترین
آنها را پس نماز میکرد در آخر شب دو رکعت تا آنکه هر کاه می بود در آخر سجده از سجود خود
تسبیح میکرد خدا را صد تسبیح و حمد میکرد خدا را صد مرتبه و تهلیل میکرد خدا را صد مرتبه
و تکبیر میکرد خدا را صد مرتبه پس اعتراف میکرد بکناهان خود همه را آنچه میدانست از آنها
و اقرار میکرد بخدای تعالی با آنها در سجود خود آنچه بیادش بود از آنها اعتراف میکرد با آنها همه را
پس دعا میکرد خدا را و برهنه میکرد زانو های خود را و میرسانید بزمین روایت کرده زیاد
قندی از عبد الرحیم القصیر کفت داخل شدم بر ابی عبد الله علیه السلام پس کفتم از برای آنحضرت
بکردم من فدای تو بدرستی اختراع کردم از خود دعائی را پس کفت آنحضرت واکذار اختراع
خود را پس هر کاه نازل شود بتو امری پس جزع کن به پیغمبر صلی الله علیه و آله و نماز کن
دو رکعت و هدیه کن آن نماز را به پیغمبر صلی الله علیه و آله کفتم چکونه چه کنم فرمود غسل کن
و نماز کن دو رکعت و ابتدا کن مثل ابتدا کردن بنماز واجبی و تشهد کن مثل تشهد نماز
واجبی پس هر کاه فارغ شدی از تشهد و سلام دادی تو بکو این دعا را که مذکور است در فقیه
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلٰى رَسُولِكَ فَاَثِبْنِي عَلَيْهِمَا
مَا اَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ مِنْكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ پس بیفت بسجده و بکو

این دعا را یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیًّا لا یَمُوتُ یا حَیُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ
یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ در حالتی که در سجده باشی چهل مرتبه پس میگذاری گونه راست
را بر زمین پس میگوئی آن دعا را چهل مرتبه پس میگذاری گونه چپ را پس میگوئی آن
دعا را چهل مرتبه پس بر میداری سر خود را و بر میداری دستهای خود را بلند پس میگوئی
همان دعا را چهل مرتبه پس بر میگردانی دست خود را بسوی گردن خود و اشاره میکنی
با انگشت سبابه خود و میگوئی همان دعا را چهل مرتبه پس میگیری ریش خود را بدست چپ
پس گریه میکنی یا بگریه در می آوری خود را مثل گریه کنندگان و میگوئی یا محمد یا رسول الله
شکوه میکنم بسوی اهل بیت راشدین حاجت خود را و بشما است روی من بسوی خدا
در حاجت من پس سجده کن و بگوی یا اَللهُ یا اَللهُ تا قطع شود نفس تو صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی کَذا وَکَذا طریق نماز فاطمه علیها السلام و می نامند این
نماز را اوابین فقیه ذکر کرده از ابی عبدالله علیه السلام بسند صحیح که آنحضرت گفت کسی که
وضو سازد و کامل سازد وضو را و افتتاح کند نماز را پس چهار رکعت نماز کند و فاصله کند
میان این چهار رکعت بسلام و بخواند در هر رکعتی بعد از حمد قل هو الله احد را پنجاه
بار بر میگردد از آن نماز در آن هنگام بر گشتن نمیباشد میانه او و میانه خدای عز و جل
گناهی مگر آنکه آمرزیده میشود از برای او و باز روایت کرده فقیه از ابی عبدالله علیه السلام
گفت کسی که نماز کند چهار رکعت پس قرائت کند در هر رکعت بر پنجاه مرتبه قل هو الله
احد می باشد این نماز فاطمه علیها السلام و این است نماز اوابین باب هفتم در
بیان تدارک سهو و شک در نماز و احکام آن فصل اول در سهو کردن در نماز فقیه نقل
نموده و همچنین در کافی نیز نقل نموده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که گفت آمد
مردی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله پس گفت یا رسول الله شکوه میکنم بشما آنچه میرسد
بمن از وسوسه در نماز من تا آنکه نمیدانم آنچه نماز کرده ام زیاد است یا کم پس فرمود

طریق نماز فاطمه زهرا علیها السلام

الحضر

آنحضرت هرگاه داخل شوی تو در نماز خود بزن بران چپ خود انگشت شهادت راست
خود را و بگو این دعا را بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ اَعُوذُ بِاللهِ السَّمِیعِ مِنَ الشَّیْطانِ
الرَّجِیمِ پس بدرستی که دور کردی و زجر کردی شیطان را از خود روایت کرده فقیه بسند
حسن از عمر بن یزید که گفت شکوه کردم بحضرت ابی عبدالله علیه السلام از سهو در نماز
شام پس گفت آنحضرت نماز کن آن نماز را بقل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون پس بر طرف
شد از من و باز روایت کرده فقیه از ابی عبدالله علیه السلام بدرستی که آنحضرت فرمود که
آمد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مردی پس گفت یا رسول الله رسیده است بمن
از وسوسه سینه ام شدتی و من مردی ام صاحب عیال و قرضدار و محتاج پس فرمود
آنحضرت با و مکرر بخوان این کلمات را که تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا گفت پس درنگ نکرد مگر آنکه باز آمد بخدمت حضرت صلی الله علیه
و آله پس گفت یا رسول الله بر داشت حق تعالی از من وسوسه سینه را و قضا کرد دین
مرا و وسیع کرد این دو روزی مرا باز فقیه نقل نموده از عبدالله بن مغیره بدرستی که گفت
باکی نیست آنکه بشمارد مرد نماز خود را با انگشتر یا سنگ ریزه که بگیرد بدست خود پس
بشمارد با و فقیه نقل نموده که فرمود حضرت امام رضا علیه السلام هرگاه بسیار شود
بر تو سهو در نماز پس برو بر نماز خود و اعاده مکن و در کافی و فقیه نقل نموده اند
از ابی جعفر علیه السلام که فرمود هرگاه بسیار شود بر تو سهو پس واگذار آن سهو را
پس بدرستی که اینکه واگذاری نزدیکست آنکه واگذارد ترا بدرستی که نیست این سهو مگر از
شیطان فقیه نقل نموده بدرستی که صادق علیه السلام فرمود هرگاه بوده باشد مرد از کسانی
که سهو میکند در هر سه احتمال دارد که مراد از سه سه نماز فریضه متوالی یا سه رکعات
متوالیات باشد پس آنکس از کسانی نیست که کثیر السهواند و باز فقیه ذکر کرده از ابی جعفر ع

بدرستی که آنحضرت فرمود اعاده کرده نمیشود مگر در پنج جا. اول طهارتست و دوم دخول
وقت و سیم قبله است و چهارم رکوع و پنجم سجود. پس فرمود قرأت سنت است و
ناقص نمیکند سنت فریضه را و اصل در سهو بدرستی کسی که سهو کند در دو رکعت اول
از هر نماز پس بر وست اعاده و کسی که شك کند در نماز صبح پس بر وست اعاده و کسی که
شك کند در نماز جمعه پس بر وست اعاده و کسی که شك کند میان دو و سه یا در سه و
چهار بگیرد زیاده را پس هرگاه سلام دهد تمام کند آنچه گمان کرده است که او بتحقیق
ناقص است و فرمود ابوعبدالله علیه السلام با عمار جمع کنم از برای تو همه سهو را در کلمه
هرگاه که شك کنی تو پس بگیر زیاده را یعنی بنا بر اکثر گذار پس هرگاه سلام دهی پس تمام کن
آنچه را که گمان کرده تو که ناقص کرده او را و معنی خبری آنچنان که روایت شده که فقیه اعاده
نمیکند نماز را نیست آن مگر شك در میان سه و چهار نزد رکعت اول و واجب نیست که
سجدهٔ سهو مگر بر کسی که نشسته باشد بر جای که باید ایستاده باشد یا ایستد بر جای که
باید نشسته باشد یا ترك کرده باشد تشهد را یا نداند زیاده کرده یا کم و این دو سجدهٔ سهو
بعد از سلام است و پیش از کلام و روایت کرده حلبی از ابی عبدالله علیه السلام که آنحضرت
فرمود بگو در دو سجدهٔ سهو این دعا را بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
گفت شنیدم بار دیگر که فرمود در سجدهٔ سهو این دعا را **فصل دویم** در چیزهای که مبطل
نماز است و آن بر چند قسم است قسم اول هر که خلل رساند بواجبی از واجبات نماز
عمداً او سهواً خواه آن واجب از اجزاء نماز باشد چون رکوع و سجود و قرأت یا از صفات
اجزا باشد چون آرام داشتن در حال قرأت یا از شروط نماز باشد چون طهارت و استقبال
قبله و ستر عورت و امثال آن یا از تروك واجبه باشد چون فعل کثیر و حرف زدن و مانند
آن نماز او باطل میشود و تغییر از جهر و اخفات که نزد قایلان بوجوب جاهل را معذور است
و همچنین معذور است کسی که غصبیت جامه یا غصبیت مکان یا نجاست آنها ندانند یا نجاست بدن

یا موضع سجود یا غصبیت آب را ندانند یا پوستی را که از مسلمان خریده باشد و در واقع
مغصوب باشد یا نجس باشد و هرگاه حدث کند در اثنای نماز اگر عمداً کرده نماز باطل میشود
و اگر سهواً کرده باشد یا بی اختیار سر زده باشد مشهور آنست که نماز باطلست و بعضی گفته اند
طهارت بجا باید آورد و بنا میگذارد بر باقی مانده از نماز را و بعضی گفته اند احتیاط آنست که
جمع کند میان هر دو و آنچه قول مشهور است آنست که بعد از سجدهٔ دوم قبل از تشهد اگر
حدثی سر زند نماز باطل است و فقیه را اعتقاد آنست که وضو سازد و عود بجای خود کند
بنشیند و تشهد را بجای آورد نماز او صحیح است **قسم** دیگر از مبطلات نماز تکلم بدو حرفست
عمداً و علماً تکلم بیك حرف را جایز دانسته اند و بعضی گفته اند احتیاط اجتناب از آنست و
ظاهر آنست که یك حرف که افادهٔ معنی کند مبطل باشد و تنحنح موجب بطلان نماز نیست
مگر آنکه دو حرف بر آن صادق آید و فرقی نیست در بطلان میانهٔ آنکه حرف زدن جهت
مصلحت صلوة باشد یا نه و میانهٔ آنکه بجهت مصلحت ضرور باشد یا نه بقول اشهر و اقوی
و تنبیه کسی بتلاوت قرآن و ذکر و دعا جایز است و باعث بطلان نماز نمیشود مثل آنکه
خواهد رخصت دخول بکسی دهد بخواند این آیه را اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ یا کسی با کفش
بر بساط آید و خواهد منع او کند گوید فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ یا تسبیح را بلند کند گوید و اشاره نماید
و یا و بفهماند که کسی بر در خانه است جایز دانسته اند و روایت معتبر وارد شده که
اشاره بدست و ایما بسر میتوان کرد و اکراه قرآن و تسبیح سوای تفهیم قصد نداشته باشد ظاهر
ادله بر آنست که باطل نشود و بعضی نیز بر این قایلند و اگر در اثناء نماز سهواً حرف زند
نماز باطل نمیشود و اگر گمان کند که نماز را تمام کرده حرف زند قول اکثر و اقوی آنست که نماز
او باطل نمیشود و **دیگر** از مبطلات نماز روی از قبله گردانیدنست و در تفصیل این مسئله
اختلاف و اضطراب بسیار در کلام علما رضوان الله هست و اما اقوی و قول بعضی
آنست که انحراف از قبله بکل بدن عمداً موجب بطلان نماز میشود و اگرچه بحد مشرق و مغرب

نرسد و چنین فرموده اند بعضی از علما که انحراف بر وعمداً هرگاه بحدّ خلف برسد موجب بطلان
میشود و در محض یمین و یسار محل تردّد است و بعضی ترجیح عدم بطلان داده اند و هرگاه
التفات باحد جانبین شود و بحدّ مشرق و مغرب نرسد اقرب آنست که مبطل نیست
و ظاهر عدم تحریم آن نیز هست ولیکن اگر التفات بسیار طویل باشد قول بتحریم و
بطلان نیست و همچنین اگر بعضی افعال صلوة را در حال التفات مذکور بجا آورد و اگر
انحراف از قبله سهواً باشد اگر انحراف بحدّ یمین یا یسار رسیده باشد و انحراف تمام بدن
باشد یا بروی تنها و بحدّ خلف رسیده باشد بعید نیست اختیار انکه حکم مانند عمد است
در بطلان پس اعاده در وقت و خارج وقت باید کرد و درین مسئله فی الجملة تردّدی هست
و اگر انحراف بحد یمین یا یسار برسد و ازان در نگذرد و انحراف بتمام بدن نباشد اگر بعضی
افعال را در انحال بجا آورد ظاهر آنست بین العلما که مبطل نباشد مگر انکه بسیار طویل
باشد که در اینصورت بطلان محتمل است و اگر بعضی افعال را بر ان حال بجا آورده است اگر ممکن
تدارک آن چون قراءت ظاهر آنست که مبطل نباشد و اگر ممکن نباشد تدارک آن چون رکن
ظاهر آنست که مبطل باشد و اگر انحراف بحد یمین یا یسار نرسیده ظاهر آنست که بر وجهی نباشد
هر چند بتمام بدن باشد قسم دیگر از مبطلات نماز بقول اکثر علما تکفیر است یعنی دست راست را بر
بالای چپ گذاشتن است چنانچه عامه میکنند و جمعی از علما دست چپ را بر راست گذاشتن نیز
در این حکم داخل دانسته اند و بعضی ترک تکفیر را مستحب دانسته اند و این قول اقوی است و برخی
از متقدمین و متأخرین بر این قائلند و فرقی نیست میانه انکه گذاشتن دست بالای ناف
باشد یا زیر آن و میانه انکه گذاشتن بر بند دست باشد یا ساعد قسم دیگر از مبطلات نماز خنده
بطریق قهقهه است هرگاه عمداً واقع شود و تبسم موجب بطلان نمیشود و اگر سهواً
قهقهه بجا آرد جمعی از علما نقل اجماع کرده اند که نماز باطل نمیشود اما اخبار دال بر بطلان
شامل آن نیز هست و اگر قهقهه بی اختیار واقع شود بر وجهی که از خود دفع نتواند کرد اقرب
آنست

آنست که نماز باطل میشود قسم دیگر از مبطلات نماز بقول مشهور گریه است بجهت امور دنیوی چون
فقد مال یا فوت دوستی و این حکم را جماعتی از اصحاب ذکر نموده اند و از علماء متأخرین در این حکم
توقف فرموده اند و ظاهر آنست که مراد ببکا مطلق گریه باشد و از متأخرین بعضی ذکر نموده اند
بکائی که موجب بطلان نماز میشود گریه است که مشتمل بر آواز باشد قسم دیگر از مبطلات نماز
فعل کثیر است عمداً و در تحقیق حد کثرت اشکالی هست و عمل باحتیاط مناسب است و بعضی کارها
بیشانی
از کارها از روایات معلوم میشود که عمل بان نیست مانند تسویه سنگریزه در حین سجود و دست در
مالیدن اگر خاک بران چسبیده باشد و انگشت بر بینی کردن و باد بر موضع سجود کردن در حین
سجود جهت دفع غبار و دست بر دیوار زدن جهت آگاه کردن و سنگریزه بطرف کسی انداختن جهت
رو کردن او و شستن خون رعاف و کندن گوشتی از موضع جراحت و انداختن آن و بریدن تا الول
و دست بر موضع دمل کشیدن و خون آنرا بدیوار مالیدن و جاریه را بخود منضم ساختن
و شپش را در خاک پنهان کردن و برداشتن زن طفل را در نماز یا شیر دادن در حال تشهد
دست زدن زن بران جهت تنبیه کسی و کشتن مار و عقرب و در روایتست که اگر مار پیش
مصلی و مار یک گام باشد پیش رود و بکشد و الا فلا و دیگر کشتن کیک و شپش و پشه و بر داشتن
عصا و بدست پیر دادن و طفلی که نزدیک آتش باشد رفتن و دور کردن یا گوسفندی که
داخل خانه شود بیرون کردن و گامی پیش گذاشتن و تحت الحنک در نماز بستن و ایما و اشارت
کردن و بجهت تنبیه کسی سبحان الله گفتن و اگر دندانی بجنبد کندن و اگر جامه بنجاست طری
ببیند حک آن کردن و مذهب علما آنست که فعل کثیر مبطل است هرگاه عمداً واقع شود و اگر
سهواً باشد موجب بطلان نماز نمیشود و بعضی از علما در فعل کثیری که موجب انمحاء صورت
نماز شود اشکال کرده اند قسم دیگر بقول مشهور خوردن و آشامیدن است و جمعی از معتبران
علما در فعل کثیری که موجب انمحاء صورت نماز شود اشکال کرده اند اقرب عدم بطلان
دانسته اند الا با کثرت از منتهی اتفاق ظاهر میشود بر انکه اگر شکر در دهن گذارد و آب شود و بلع

کند نماز او باطل نمیشود و اتفاق نقل نموده اند بر انکه فرو بردن بقایای غذا در دندانها باعث
بطلان نمیشود و هرگاه کسی ارادهٔ روزه داشته باشد و تشنه باشد و در نماز وتر باشد آب
میتواند آشامیدن و از روایات تجویز سه گام پیش گذاشتن معلوم میشود و قسم دیگر
ترک ذکر است و حکم نیست و تکبیر و قیام مذکور شد و لیکن رکوع مشهور میانهٔ علما آنست
که هرگاه ترک رکوع کند تا وقتی که سجده کند نماز او باطلست اعم از ان که سهواً بوده باشد
یا عمداً و درین باب خلافی هست و احتیاط در عمل بقول مشهور است و مشهور آنست که هرگاه دو
سجده را ترک کند تا وقتی بر رکوع رکعت دیگر داخل شود نماز او باطلست اعم از انکه ترک
سجدتین عمداً یا سهواً و در این باب نیز خلافی هست و خلاف ظاهر نیست میانهٔ علما در انکه
زیادتی رکن موجب بطلان نماز است مگر در بعضی مواضع که استثنا شده قسم دیگر زیاد کردن
رکعتی است عمداً و اگر سهواً باشد اگر در عقب رکعت رابعه بقدر تشهد نه نشسته نماز او
باطلست و اگر بقدر تشهد نشسته و تشهد بجا آورده نماز او صحیح و اگر بقدر تشهد نشسته
و تشهد بجا نیاورده اکثر علما بر انند که نماز او باطلست و بعضی بر انند که تحصیل برائت ذمه
بیقینه موقوف بر اعاده است و اگر زیادتی پیش از رکوع بخاطر آید نماز او صحیح است و اگر بعد از
رکوع و قبل از سجود بخاطر آید و تشهد بجا آورده باشد بعضی گفته اند صحت نماز خالی از
رجحانی نیست و اگر تشهد بجا نیاورده باشد ظاهر بطلان نماز است و اگر بیش از یک رکعت
زیاده کرده باشد یا دو یا دتی در نماز دو رکعتی یا سه رکعتی باشد اگر تشهد بجا آورده بعضی
گفته اند که صحت خالی از رجحانی نیست و اگر تشهد بجا نیاورده ظاهر بطلانست قسم دیگر کم
کردن یک رکعت است عمداً و اگر سهواً کم کرده باشد و بخاطر آید بعد از تسلیم پیش از انکه فعل
منافی نماز کرده باشد واجبست تمام کردن نماز و اعاده بر و نیست و اگر چه در نماز دو رکعتی
باشد و اگر نقص بخاطر آید بعد از انکه فعل منافی بجا آورده باشد که عمداً منافی نماز است نه سهواً
چون حرف زدن مشهور و اقوی عدم وجوب اعاده است و اگر نقص بخاطر آید بعد از انکه

فعل منافی بجا آورده باشد که عمداً و سهواً منافی نماز است مانند حدث و فعل کثیری که موجب انمحای
صورت نماز باشد اکثر علما بآن رفته اند که اعاده واجبست و قول دیگر آنست که تتمه را
می باید کرد و اعاده واجب نیست و این قول را بعضی رجحان داده اند و اعاده را مستحب دانسته اند
و احتیاط آنست که اعاده نماید قسم دیگر بقول مشهور آنست که یقین داشته باشد که
دو سجده را ترک کرده و نداند که آن دو سجده از یک رکعت ترک شده یا از دو رکعت و در دلیل
این فقها را تاملی هست قسم دیگر که قبل از اکمال سجود و بعد از رکوع شک کند که آیا سر از رکوع
داشتن از رکعت چهارم بوده یا پنجم بقول جمعی از علما و جمعی دیگر را اعتقاد آنست که نماز باطل
نمیشود و بنا بر چهار گذارد و تمام کند و این قول نزد جمعی رجحان دارد و اقوی است و اگر شک
بعد از رکوع باشد پیش از رفع رأس بر ستون مسئله سابق خلاف جاریست و نزد بعضی بنا بر چهار
میگذارد و تمام میکند و اگر شک پیش از رکوع باشد خواه پیش از قراءت و خواه بعد از ان حکم
شک میانهٔ سه و چهار دارد و بقول مشهور می نشیند و سلام میدهد و بنا بر چهار میگذارد
و یک رکعت نماز احتیاط میکند و باعتقاد بعضی بنا بر اقل نیز میتوان گذاشت قسم دیگر شک نماز
میانه یک و دو و در نمازهای دو رکعتی مانند صبح و نماز مسافر و نماز عیدین در حال وجوب بطلان
نماز میشود و نماز کسوف و همچنین شک در عدد سه رکعتی مانند نماز مغرب موجب بطلان نماز
میشود و فرقی نیست میانهٔ انکه شک در زیاده باشد یا نقصان قسم دیگر بقول مشهور شک
در دو رکعت اول از نماز مطلقاً اعم از انکه چهار رکعتی باشد یا نه باین قسم که شک کند که یک رکعت
کرده یا دو رکعت بقول فقیه بنا بر اقل میگذارد و تمام میکند نماز او صحیح است و اخبار معتبره
از طرفین وارد است و جمعی بین الاخبار زین تخییر نیکوست و بعضی لحوط را اعاده دانسته اند
و مشهور آنست که هرگاه شک کند در عدد رکعات و نداند که چه قدر بجا آورده نماز او باطلست
و اعاده لازم و اعتقاد فقیه آنست که بنا بر اقل میگذارد و نماز را تمام میکند و اخبار بسیار
دلالت بر اعاده میکند و بعضی روایات دلالت بر ان میکند که بنا بر جزم میگذارد و دو سجده

سهو میکند و تشهد خفیف بجای آورد و جمع بتخییر در این حال نیکو و احتیاط در اعاده است
و بعضی را اعتقاد اینست و مکروهست در حین نماز تثاؤب و تمطی و فرقعه با نکشتان
و عبث و یاد کردن بر موضع سجود و بلغم دماغ و آب دهان انداختن و بازی با سر و ریش کردن
و سنک ریزه انداختن و از روی کاهلی و کرانی و خواب آلودکی مشغول بنماز شدن و در سجده بین
ذراعین را بر زمین فرش نمودن و مدافعه بول و غایط و باد کردن و جایز است قطع نماز جهت
ضرورت و خون کرفتن غریم و حفظ نفس محترمه از تلف و انقاذ غریق و کشتن ماری که
از آن بیم ضرر بنفس باشد و احراز مالی که ضیاع آن مضر باشد و ترس مضرت از نکاه داشتن
بول یا غایط یا حین فراغ و امثال اینها و جایز است دعا کردن بمباح از امور دین و دنیا
در هر حال که باشد از حالات نماز و هر کاه بکذرد بآیه که در آن ذکر بهشت باشد طلب آن کند از
خدا و یا بکذرد بآیه که در آن ذکر دوزخ باشد استعاذه کند از آن بخدای عز و جل و بدانکه
جواب سلام مسلمان واجبست و اکر کسی کوید علیک السلام در وجوب رد آن علما را تردد است
و همچنین در مانند سلام و سلاما و السلام و سلامی و سلام الله علیک و امثال اینها و اولی
در جواب تسلیم سلام علیکم است چنانچه از روایت مستفاد میشود و علامه در تذکره کفته صیغه
جواب و علیکم السلام است و در جواب باحسن واجب نیست و رد جواب سلام واجب کفائیست
و ساقط میشود بجواب دادن کسی که داخل در مسلم علیهم باشد و ظاهر آنست که جواب فوری باشد
و جمعی تصریح نموده اند که استماع بحقیقی یا تقدیری واجبست و مکروه است که از جمله جمعی
طایفه را تخصیص کند بسلام و مستحبست سلام دادن سوار بر پیاده و ایستاده بر نشسته
و طایفه قلیله بر کثیره و صغیر بر کبیر و بعضی کفته اند حرام است سلام دادن زن بر مرد اجنبی
و این قول محکوم به و ثابت نیست و از بعضی روایات مفهوم میشود که مکروه باشد سلام
کردن بر زن اجنبیه جوان و ابتدا سلام بر اهل ذمه نباید کرد و اکر ایشان سلام کنند در
جواب علیک یا علیکم باید کفت و باین اقتصار باید کرد و اقرب آنست که این اقتصار بر سبیل

استحبابست نه وجوب بقول بعضی و هر کاه کسی بنا بر این اقوال که نقل نمودیم در نماز باشد
و مسلمانی بر و سلام کند ظاهر آنست که جواب واجب باشد و مشهور میانه علما آنست که
هر کاه کسی در نماز باشد و کسی بر و سلام کند باین عبارت که سلام علیکم واجبست که جواب مثل
آن باشد و جایز نیست در جواب علیکم السلام و ابن ادریس را اعتقاد آنست که هر کاه
کوید سلام علیکم یا سلام علیک یا السلام علیکم یا علیکم السلام در جواب هر یک از این الفاظ
را که کوید جایز است و اکر کسی سلام کند بر کسی که در نماز باشد بغیر الفاظ مذکوره یا تحیتی
بکوید بعضی رد او را واجب دانسته اند و بعضی حرام و بعضی جایز و ظاهر و بعضی را اعتقاد آنکه
اکر در جواب قصد دعا کند جایز است و الا در وجوب و جواز آن محل تاملست و مشهور میانه
علما آنست که هر کاه در حال نماز رد سلام کند شنوانیدن آن تحقیقا یا تقدیرا واجبست و این مسئله
در نزد بعضی محل تردد است و اکر دیکری رد سلام کند در جواز رد از مصلی یا استحباب آن خلافست
و دلیلی بر استحباب نیست و ظاهر آنست که اکر قصد دعا کند جایز باشد در نزد بعضی و در اثنای
نماز تسمیت عاطس یعنی در جواب کسی که عطسه کند بکوید یرحمک الله یا یغفر لک الله و امثال اینها
و هر کاه مصلی عطسه کند جایز است که حمد خدا بکوید و صلوات بر رسول و اهل بیت علیهم السلام
فرستد و اکر دیکری نیز عطسه کند مصلی تحمید و صلوات بجای میتواند آورد فصل سیم در احکام
سهو و شک و در این چند مسئله است مسئله اول مشهور میانه علما آنست که هر کاه ظن بیک
طرف باشد بآن عمل باید کرد و تردد ضرر نمیرساند یعنی چنان تقدیر باید کرد که نماز برین قسم است
که ظن متعلق است بآن پس اکر شک کند میانه دو و سه و ظن داشته باشد بنا بر آن میکذارد
بی نماز احتیاط و اکر شک کند میانه چهار و پنج و ظن چهار داشته باشد بنا بر چهار میکذارد
بی سجده سهو و اکر ظن داشته که پنج است مبنی است بر خلاف سابق که مذکور شد و ظاهر کلام
ایشان مقتضی عدم فرق است میانه شک در افعال یا در عدد رکعات لیکن در جریان دلیل حکم
در افعال بعضی را تاملست و اعتقاد اکثر آنست که فرقی نیست میانه آنکه در کوتاه اول باشد یا غیر

اولین ومیانهٔ آنکه شک در چهار رکعتی باشد یا غیر چهار رکعتی ودر صحت جریان حکم در ما عدای
اخیرتین از چهار رکعتی بعضی را تردد هست واحتیاط آنست که در انجا عمل بظن نماید ومقتضای
احتیاط را بجای آورد وبقول بعضی مسئله دویم هرگاه کسی فراموش کند قرائت را یعنی حمد را
یا سوره را یا جهر واخفات را یا بعضی از آیات را تا وقتی که برکوع رود بروچیزی لازم نمی آید ونماز
او صحیح است واگر پیش از رکوع بخاطر رسد تدارک باید کرد مگر در جهر واخفات که اگر بعد از اتمام
قراءت وپیش از رکوع بخاطر آید تدارک لازم نیست بلکه در اثنای قراءت نیز اگر بخاطر آید تدارک
گذشته لازم نیست وهرگاه کسی فراموش کند ذکر رکوع را تا وقتی که راست شود یا ذکر سجود یا
سجود بر اعضا را سوای جبهه نماز او صحیح است اما اگر پیشانی گذاشتن بر چیزی که صحیح است
سجده بر و فراموش کند در هر دو سجود نماز او صحیح نخواهد بود مسئله سیم هرگاه امام یا مأموم
در نماز شکی کنند ودیگری ضبط کرده باشد اعتماد بر قول آنکه ضبط کرده میتوانند کرد وفرقی نیست
میانهٔ افعال ورکعات ومیانهٔ آنکه مأموم عادل باشد یا فاسق ودرین باب اعتماد بر قول
غیر امام یا مأموم نمیتوان کرد مگر آنکه اعلام آن شخص افادهٔ ظنی کند وداخل آن مسئله شود
که مصلی ظن بیک طرف دارد مسئله چهارم هرگاه مأموم کاری کند که موجب دو سهو شود
جمعی از علما فرموده اند که سجده را بجای آورد وبرخی گفته اند که بجا آوردن سجده واجب نیست
وازین برخی بعضی گفته اند که اگر ترک کند چیزی را که موجب قضا باشد قضاء آن برو لازم
نیست وبعضی را درین مسئله تردد است وعمل باحتیاط را مرجح دانسته اند ومشهور
آنست که هرگاه امام موجب سهو بجای آورد سجدهٔ سهو میکند وبر مأموم لازم نیست وبعضی
لازم دانسته اند مسئله پنجم سهو وشک اعتبار ندارد با کثرت وبآن التفات نمیکند وهرگاه
کثیر شود وبران حال نماز میکند یعنی در جای که اعاده باید اعاده نمیکند ودر جای که نماز احتیاط
باید نمیکند وتدارک فعل مشکوک فیه نمیکند هرچند در محل در نگذشته باشد بلکه بنا بر وقوع
صحت میگذارد وظاهر آنست که سجدتین سهو ساقط میشود در جای که سهو یا شک بدو رکعت

موجب آن باشد چون سهو میانهٔ چهار وپنج باشد وظاهر عبارات بسیاری از علما مقتضی تسویه است
میانهٔ شک وسهو در حکم عدم التفات وکلام فاضلین مشعر است باختصاص وحکم مذکور بشک
ومقتضی اول عدم بطلان نماز است بسهو در رکن وعدم قضا هرگاه سهو موجب قضا فعلی باشد
وعلما تصریح باین نکرده اند بلکه تصریح بخلاف این کرده اند وبعضی تصریح بسقوط سجود کرده اند
واگر کثیر السهو بجا آورد آنچه شک یا سهو کرده جمعی تصریح نموده اند که نماز او باطل است واقرب
اشهر در تحقیق معنی کثرت سهو آنست که رجوع بعرف کند ودرین باب تحدیدی ثابت نیست وهرگاه
کسی کثیر السهو شود حکم مذکور جهت او ثابت است تا وقتی که مدتی بگذرد که سهو نمیکرده باشد بحدی
که در عرف گویند که کثیر السهو نیست واگر کسی قراءت حمد را فراموش کند ودر اثنای سوره
یا بعد از آن قبل از رکوع بخاطرش آید حمد را بخواند وبعد از آن سوره را وخلاف ظاهر نیست در آنکه
هرگاه رکوع را فراموش کند وپیش از آنکه بحد ساجد رسیده باشد بیاد او آید رکوع را بجا می آورد
وبعد از آن سجده میکند وهرگاه یک سجده را فراموش کند وپیش از آنکه بحد رکوع رسد در رکعت
دویم بیاد او آید عود کند وآن سجده را بجا آورد وآنچه بعد از سجدتین واجب است بعمل آورد واگر
هر دو سجده را فراموش کرده باشد قبل از رکوع بیادش آید مذهب متأخرین آنست که مثل مسئله سابق است
وجمعی بر آنند که اعادهٔ نماز باید کند وبعضی را اعتقاد آنست که قول اول دور نیست ومرجح است
اما مراعات احتیاط در امثال این مواضع ضرور است ودر صورتی که فراموش شده مجموع سجدتین
را بجا می آورد ونشستن قبل از ان واجب نیست واگر یک سجده باشد اگر عقب سجدهٔ اولی نشسته
بوده واطمینان بجای آورده الحال نشستنی برو لازم نیست والا خلاف است در وجوب نشستن
یا اطمینان قبل از سجده وبعضی ترجیح داده اند وجوب را وهرگاه کسی تشهد را فراموش کند وپیش از
رکوع بیادش آید واجبست که بنشیند وتشهد را بجای آورد وبعد از ان آنچه از افعال نماز بعد از
تشهد است بجای آورد وهرگاه بعد از سلام متذکر شود که صلوات بر پیغمبر وآل او صلی الله علیه وآله
فراموش کرده آنرا بعد از سلام قضا نماید واگر یک سجده را فراموش کند وتا رکوع بخاطر او نیاید

اشهر و اقوی آنست که در نزد بعضی که بعد از نماز قضا کند و بعضی گفته اند اعاده نماز کند و بعضی
گفته اند هر سهوی که در دو رکعت اول واقع شود موجب اعاده نماز است و مشهور میانه علما
آنست که در صورت مذکوره دو سجده سهو واجب است و بعضی واجب نداشته اند و احتیاط
در قول اول است بقول بعضی و فی الجمله ترجیحی دارد اگر چه در اداله آن راه تامل مسدود نیست و با
وجود سجدتین سهو مشهور وجوب تشهد است و جمعی را اعتقاد آنست که تشهدی که در سجده
سهو است مجزیست از تشهد علیحده و احتیاط در قول اول است و خلافی ظاهر نیست در آنکه تشهد
منسیه را بعد از تسلیم قضا می باید کرد و در سجود اختلاف کرده اند و اکثر بر آنند که قضای آن
نیز بعد از سلام است و فقیه ذکر نموده که سجده منسیه در اولی قضا کرده میشود و در ثالثه
و منسیه در ثانیه قضا کرده میشود در رابعه و منسیه در ثالثه قضا کرده میشود در ثالثه
بعد از سلام و بعضی گفته اند احوط مراعات قول مشهور است و هر گاه کسی سجده را در رکعت آخر
فراموش کند و بعد از تشهد قبل از سلام بخاطرش آید بنا بر قول بوجوب سلام می باید رجوع
کند و سجده را بجا آورد و بعد از آن تتمه نماز را بکند و بنا بر قول استحباب دو وجه است یکی
آنکه رجوع میکند خواه یک سجده باشد و خواه دو و یک وجه آنکه آنچه ترک شده اگر دو
سجده است نماز باطل است و اگر یک سجده است همان سجده را قضا کند و بر او چیزی دیگر لازم
نیست و هر گاه فراموش کند تشهد را و بخاطر او نیاید تا وقتی که سلام بجا آورد بعضی گفته اند
اقرب آنست که همان تشهد را قضا کند خواه حدثی سر زده و خواه نه و اقرب آنست که میانه
آن جزء منسی که قضا میکند آنرا و میانه سجده سهو ترتیبی معتبر نیست و شیخ شهید علیه الرحمه
تقدیم قضای جزء منسی را بر سجده سهو جهت آن واجب دانسته اند و تقدیم سجده سهو آن
جزء را بر سجده سهو جهت چیزی دیگر واجب دانسته و اگر کسی شک کند در بعضی افعال
و هنوز از آن در نگذشته باشد واجبست که آن فعل را بجا آورد و اگر بعد از کردن او بخاطر
آید که آن فعل را بجا آورده بوده و الحال مکرر شده اگر آن فعل رکن بوده باشد مشهور از مذهب

علما آنست که نماز او صحیح است و اگر کسی شک کند در رکوع و هنوز ایستاده باشد پس برکوع رود
و اگر در اثنای رکوع بخاطر او آید که رکوع را کرده بود مذهب اکثر متأخرین آنست که نماز او باطل است
و برخی از علما گفته اند از رکوع سر برداشته بسجود میرود و نماز او صحیح است و این مسئله
محل تامل است و اشکال و بقول بعضی احتیاط آنست که نماز را تمام میکند و اعاده میکند و اگر
بعد از انتقال بواجب دیگر در فعلی شک کند ملتفت بآن شک نشود بلکه بنا بر وقوع آن فعل
مشکوک میگذارد و فرقی نیست در این که قبل از انتقال رجوع میکند و بعد از انتقال بواجب دیگر
التفات نمیکند بقول اشهر و اقوی میانه آنکه شک در دو رکعت اول نماز باشد یا غیر آن و
بعضی گفته اند که هر گاه شک بفعلی یا کیفیتی از افعال دو رکعت اول متعلق شود آن نماز باطل است
و اشهر و اقوی بقول بعضی آنست که فرقی نیست میانه شک متعلق برکن و غیر آن و بعضی گفته اند که
اگر شک متعلق باشد برکنی از دو رکعت اول آن نماز باطل است و اگر کسی بعد از شروع بسوره شک
کند در خواندن فاتحه جمعی از علما را اعتقاد آنست که رجوع کند و حمد بخواند و جمعی را اعتقاد آنست
که التفات نکند و نماز او صحیح است و اگر شک کند در قرائت بعد از شروع در قنوت بعضی گفته اند
که اقرب آنست که همچنین حکم دارد و ظاهر آنست که شک در بعضی از حمد یا سوره بعد از انتقال
ببعضی دیگر همین حکم دارد و اگر کسی شک کند در سجود در اثنای تشهد یا در تشهد بعد از ایستادن
بعضی گفته اند اقرب آنست که التفات نکند و همچنین است اگر شک کند در تشهد یا در بعض آن
و هنوز خوب نه ایستاده باشد ظاهر آنست که رجوع کند بسجود یا تشهد بقول بعضی ما دام که
برکوع نرفته باشد و اگر کسی شک کند در سجود و هنوز خوب نه ایستاده باشد ظاهر قول بعضی است
که رجوع میکند بسجود و اگر در نماز چهار رکعتی شک کند میانه دو و سه مشهور میانه علما
آنست که بنا بر سه گذارد و نماز را تمام کند و یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته گذارد
و در این مسئله اقوال دیگر هست و روایات مختلفه است و جمع بین الروایات را بعضی چنین
کرده اند که مخیر است میانه بناء بر اکثر چنانچه گذشت و یا بنا بر اقل گذارد و نماز را تمام کند متحیر
است

و بر تقدیر بناء بر اکثر مشهور آنست که مخیّر است میانهٔ دو رکعت نشسته و یکرکعت ایستاده و
و بعضی دو رکعت نشسته ذکر نموده اند و مفهوم از کلام بعضی آنکه بر تقدیر بناء بر اکثر یکرکعت
ایستاده باید کرد و بباید دانست که ظاهر اقوال عُلَما آنست که در هر موضعی که شك تعلق بیرون
بد و شرط است در عدم وجوب اعاده اکمال سجدتین و بعضی اکتفا بر کوع کرده اند و در ذکری گفته
که اگر در سجدهٔ دویم باشد و هنوز سر بر نداشته و تعلق گیرد شك بدو بعید نیست صحت و
احتیاط آنست که در صورت مذکوره اعاده کند بقول بعضی و اگر شك کند میانهٔ سه و چهار
مشهور آنست که بنا بر اکثر گذارد و نماز را تمام کند و نماز احتیاط بجا آورد و بعضی گفته اند مخیّر است
میانه بنا بر اکثر و بنا بر اقل و این قول در نزد بعضی اقرب است و امّا احتیاط عمل بقول اوّل است
و اگر شك کند میانهٔ دو و چهار مشهور میانهٔ فقها آنست که نماز را تمام میکند و دو رکعت نماز
ایستاده میکند و بعضی گفته اند مخیّر است میانهٔ این و میانهٔ بنا بر اقل و میانهٔ اعاده و اعتقاد
بعضی آنست که اعاده کند و این قول بعید نیست و امّا احتیاط در عمل بقول اوّل است و اگر
شك کند میانهٔ دو و سه و چهار اکثر عُلَما بآن رفته اند که سلام بجا می آورد و دو رکعت نماز
ایستاده میکند و دو رکعت نشسته و فرقی برانند که بنا بر چهار گذاشته یکرکعت ایستاده
کرده و یکرکعت نشسته و این چند تجویز بنا بر اقل کرده و موافق احتیاط بقول بعضی قول
اوّل است و در جواز یکرکعت ایستاده بجای دو رکعت نشسته خلافست و بعضی گفته اند احوط
عدم است و همچنین در وجوب تقدیم دو رکعت ایستاده و وجه صحیح مراعات تقدیم است
و اگر بعد از فعل احتیاط آنچه شك کرده بخاطر آید کرده ضرر نمیرساند و اگر پیشتر بخاطر
رسد بآنچه مقتضای آنست عمل نماید و در نماز احتیاط معتبر است آنچه در نماز معتبر است
از ارکان و اجزا و شرایط و اشهر و اقوی آنست که فاتحه در آن معتبر است و ابن ادریس در
تجویز اکتفا به تسبیح کرده و بدانکه ظاهر قول علما آنست که قبل از فعل منافی واجب است
که بنماز احتیاط اشتغال نماید و در بطلان نماز در کردن منافی فیما بین علما خلاف است

و اعتقاد بعضی آنست که فوراً مشغول بنماز احتیاط شود بی تخلل منافی و شیخ شهید علیه الرحمه
نقل اجماع کرده بر وجوب فوریت قضاء اجزاء منسیه و احتیاط آنست که اگر احتیاط متعدد
کنند جهت چند چیز ترتیب آن چیزی که احتیاط جهت جبر اوست مرعی دارد و احتیاط آنست که
هر گاه که در نماز نافله شك در عدد رکعات واقع شود بنا بر اقل گذارد و اگر کسی در اثنای
نماز بر سبیل نسیان حرف زند مشهور میانهٔ علما آنست که واجبست که دو سجدهٔ سهو بجای
آورد و از فقیه خلاف آن نقل شده و احوط بقول بعضی عمل مشهور است اگر چه قول ثانی خالی
از رُجحانی نیست و هر گاه سلام را در غیر موضع خود بجای آورد مشهور میانهٔ فقها آنست وجوب
سجدتین سهو است و بعضی قایل بوجوب نشده اند و این قول در نزد بعضی اقوی است و اگر
کسی شك کند میانهٔ چهار و پنج مشهور میان فقها آنست که دو سجدهٔ سهو برو واجب میشود و
برخی از اصحاب علما درین باب مخالفت کرده اند و بدانکه شك میانهٔ چهار و پنج سیزده صورت است
نقل نموده اند زیرا که شك یا بعد از سر برداشتن از سجدتین است یا قبل از برداشتن از سجدتین
یا قبل از برداشتن سر سجدهٔ دویم است بعد از اتمام ذکر در سجدهٔ دویم یا بعد از سجدهٔ دویم قبل از
اتمام ذکر یا بین السجدتین یا پیش از سر برداشتن از سجدهٔ اوّل بعد از اتمام ذکر یا بعد از
سر برداشتن از رکوع یا بعد از انحناء رکوع پیش از سر برداشتن بعد از اتمام ذکر یا قبل از آن
یا قبل از رکوع بعد از قراءت یا در اثناء قرأت یا پیش از قرأت بعد از استکمال قیام یا قبل از
استکمال قیام و در صورت اوّل و ثانی بغیر از سجدهٔ سهو برو چیزی نیست و در صورت سیم و
چهارم و پنجم و ششم محل تردد است و بعضی ترجیح جواز بنا بر اقل در این چهار صورت داده اند
و احکام باقی صور قبل ازین در مبطلات نماز ذکر نموده شد و همچنین ذکر شده که اگر کسی در
موضع ایستادن بنشیند یا بعکس سجدهٔ سهو بجا آورد و در وجوب آن خلاف است و در اثبات
وجوب آن مطلقا اشکالی هست و لیکن شکی در رُجحان فعل آن نیست و بعضی از فقها
بآن رفته اند که بجهت هر زیاده و نقصانی که در نماز واقع شود سجدهٔ سهو واجبست و اشهر

واقوی عدم وجوبست وفرقی از علما بآن رفته اند که سجدهٔ سهو واجبست جهت هر شکی کرد در
زیادتی یا نقصان نماز واقع شود واشهر واقوی بقول بعضی عدم وجوبست وبعضی گفته اند محل آن
اگر جهت زیادتیست بعد از سلام واگر از جهت نقصانست قبل از سلام وعمل بمشهور احوط است
و واجبست فصل میانهٔ سجدتین بنشستن یاد وسجده تحقق یابد ودر وجوب ذکر در سهو
خلافست ومشهور وجوبست وقول بعدم وجوب خالی از قوتی نیست وبر تقدیر وجوب در
وجوب ذکر مخصوص این سجده بنحوی که فقیه نقل نموده ومذکور شد که در سجده بخواند آن دعا را
مسئلهٔ ششم مشهور میانهٔ علما آنست که تشهد خفیف وتسلیم بعد از سجدتین واجبست واعتقاد
علامه در مختلف استحبابست واین قول در نزد بعضی قویست ومراد بر تشهد خفیف آنست که مشتمل
باشد بر شهادتین وصلوات بر پیغمبر وآل او چنانکه گوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وبعضی گفته اند واجبست تشهد معروف در نماز و
ظاهر از تسلیم آنچیزیست که معروفست در نماز وبعضی گفته اند سلام بر محمد صلی الله علیه وآله
بجا می آورد وبآن منصرف میشود ونیت معتبر است چنانچه بعضی از اصحاب ذکر کرده اند و ظاهر
آنست که تعیین سبب در نیت واجب نباشد بقول بعضی وبعضی واجب دانسته اند وظاهر آنست
که سجود بر اعضای سبعه وگذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر وی صحیح باشد واجبست ودر وجوب
طهارت واستقبال قبله وستر عورت خلافست واحوط مراعات آنست بقولی واستفتاح تکبیر را
جمعی مستحب دانسته اند ونزد علما واجبست مبادرت بکردن سجدتین سهو وتأخیر را جایز
نمیدانند وروایات متضمن اشاره بآن هست واما بعضی اخبار دلالت بر جواز تأخیر در بعضی
صور دارد واحتیاط آنست که تأخیر نکند وهرگاه فراموش کند هر وقت بخاطر آید بجا آورد واگر عمدا
ترک سجدتین کند اکثر فقها بآن رفته اند که نماز او صحیح است وبعضی صحیح ندانسته اند واین مسئله
در نزد بعضی محل تردد است واگر چند چیز که هر یک مقتضای سجدهٔ سهو باشد واقع شود جمعی
گفته اند هر کدام سجدهٔ سهوی باید کرد واقوی این را میدانند وبعضی یک سجدهٔ سهو جهت همه کافیست

وبدانکه خلافی ظاهر نیست فقها را در آنکه سجدهای قرآنی پانزده است سه در مفصل وآن و
والنجم وانشقت واقراء است ودوازده در باقی قرآن وآن در اعراف ورعد ونحل وبنی اسرائیل
ومریم وحج دو در آن وموضع فرقان ونمل والم تنزیل وص وحم فصلت و والنجم واقرأ والم
تنزیل وفصلت و واجب ازین جمله این چهار آخر است وخلافی میانهٔ علما نیست در وجوب
سجده بر قاری ومستمع وخلافست در سامع بی گوش انداختن وعدم وجوب اقربست واقرب
آنست که موضع سجده در این چهار موضع بعد از فراق از آیه است واقرب آنست که طهارت شرط
نیست وشرط استقبال قبله وستر عورت وخالی بودن بدن وجامه از نجاست ودر شرط بودن
سجود بر اعضای سبعه یا کافی بودن جبهه محل تردد است وبعضی ترجیح اول داده اند ومستحب است
در این سجده بجا آوردن ذکر ودر بعضی روایات آنست که مثل ذکر سجود ودر بعضی آنکه بگوید این را
سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُتَعَظِّمًا بَلْ
اَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ ودر بعضی روایت بگوید این دعا را لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا
حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِيمَانًا وَتَصْدِيقًا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ
تَعَبُّدًا وَرِقًّا وبدانکه حکم زنان در نماز حکم مردانست مگر در چند چیز یکی بلند خواندن که
آن بر زنان نیست دیگر زن هرگاه بنماز ایستد قدمهای خود را جمع نماید ودر میان قدمها فرجه نگذارد
ودستها بر پستان خود گذارد وهرگاه رکوع کند بگذارد دستها را بر بالای زانوها یا بسیار خم نشود
وهرگاه بیفتد جهت سجود زانوها را پیش از دستها بر زمین گذارد ودر حین سجده خود را بر زمین
چسباند وذراع دست را بر زمین گذارد ودر حین نشستن رانها را بهم چسباند وزانوها را از
زمین بردارد وبر الیتین خود بنشیند وهرگاه برخیزد بیک نوبت راست شود بی آنکه عجیزهٔ
خود را بلند سازد **باب هشتم** در بیان قصر نماز وآداب سفر وادعیهٔ آن وحد مسافت **فصل اول**
در حد مسافت وقصر باید مسافر قصر کند نماز را یعنی نماز چهار رکعتی را دو رکعت کند شروط
بشش شرط **شرط اول** مسافت وحد مسافت که بسبب سفر نماز در آن قصر میشود خلافست و

وخلافی نیست در انکه در هشت فرسخ قصر باید کرد و خلاف در چهار فرسخ است و در نزد بعضی
آنست که اگر تقدیر چهار فرسخ رود و در خاطر داشته باشد که پیش از ده روز عود بمکان خود نماید
قصر کند و اگر قصد معاودت قبل از ده روز نداشته باشد احتیاط آنست که تمام کند و اتفاق دارند
علما بر انکه فرسخ سه میل است و در تحدید میل فقیه مرسلاً نقل نموده که هزار و پانصد ذرع است
و در کافی نیز مرسلاً نقل شده که سه هزار و پانصد است و قول هیچ یک نزد علما مشهور نیست
بلکه مشهور آنست که میل چهار هزار ذرع است و کلام بعضی از اهل لغت نیز بر این دلالت دارد
و تفسیر میل بمد بصر بآن ضبط شده که سوار از پیاده ممیز نشود نزد بیناء متوسط در زمین مستوی
و مراد بذرع در این مقام ذرع شرعیست و تحدید مسافت بدو طریق شده یکی بذراع و یکی بسیر
یوم و بعید نیست که مراد یوم صوم باشد چنانچه جمعی از فقها تصریح بآن نموده اند که ظاهر آنست
که مراد سیر متعارف قوافل شتر باشد و در نزد بعضی ظاهر آنست که عمل بهر یک از تقدیرین
توان کرد و بعضی تقدیر بذراع را اولی دانسته اند و بعضی تقدیر بسیر را و این اقرب است در نزد بعضی
وجمعی از فقها ذکر نموده اند که مبدء تقدیر مسافت اگر بلد معتدل است آخر خط بلد است و اگر بلد
متسع است عرفاً آخر محله است و دلیل بر این ظاهر نیست و اگر برود و معلوم نباشد که این مسافت
بحد مسافت شرعی رسیده است بر او قصر واجب نیست و ظاهر آنست که بقول بعضی که وقتی که
مجهول باشد پیمودن مسافت بجهت تحقیق بر او واجب نباشد **شرط دویم** از شروط قصد مسافت است
پس اگر کمتر از مسافت قصد داشته باشد و چون بآن مکان برسد قصد مقداری دیگر از
مسافت کند قصر بر او واجب نمیشود هر چند مجموع بحد مسافت شرعی رسیده باشد پس طالب
بنده گریخته یا غریم قصر نمیکنند هر چند بیش از مسافت شرعی بروند و فقها شرط نموده اند
در وجوب قصر که قصد معتبر و مستمر باشد تا رسیدن بحد مسافت پس اگر قصد مسافت کند
و از این عزم رجوع کند یا تردد کند قبل از رسیدن بحد مسافت تمام میکند و در نزد بعضی
فقها بر این حکم واضح نیست **شرط سیم** از شروط وجوب قصر آنست که سفر حرام نباشد پس

پس اگر سفر حرام باشد مثل اتباع جابر و صید لهو و سفر جهت اضرار مسلمین و فساد در زمین قصر
نمیباید کرد و سفر حرام شامل سفری هست که غایت آن سفر فعل حرامی باشد و نیز شامل سفری هست
که غایت سفر حرام نباشد لکن اصل سفر او حرام باشد چون تارک جمعه بعد از وجوب و سالک طریقی
که غالب ظن هلاک باشد یا سفر مستلزم ترک واجبی از واجبات چون تحصیل علم ضروری یا تحصیل
نفقه واجبه بوده باشد و اگر مسافر عاصی رجوع کند از معصیت در اثناء سفر تقصیر میکند اگر باقی
سفر مسافت باشد و اگر قصد معصیت کند در اثناء سفر مباح رخصت قصر بر طرف میشود و اگر عود کند
بطاعت قصر میکند و در اینصورت خلافست در انکه آیا شرطست در صحت قصر انکه ما بقی مسافت باشد
یا نه و اقرب عدم اشتراطست بقول بعضی و کسی که صید کند جهت تجارت در حکم او فقها را خلافست
و در نزد بعضی اقرب آنست که قصر میکند **شرط چهارم** از شروط وجوب قصر آنست که سفر او زیاده بر
حضر نباشد چون مکاری و ملاح و کسی که از پی کیاه و باران میرود و چون صحرا نشینان و طالب
اسواق و برید و ظاهر آنست که مرجع آن باشد که اسم مکاری و ملاح و امثال ایشان صادق آید
عرفاً و نیز صدق انکه کار ایشان سفر است کافیست در وجوب اتمام و بعضی تحدیدات در کلام جمعی
از علما شده که مستندی بر آن ظاهر نیست و شیخ و اتباع او از متاخرین شرط نموده اند که در
بلد خود ده روز اقامت ننماید قصر می باید کرد و محتملست که تا اسم مکاری و ملاح بر او صادق
آید او را اتمام باید کرد نظر بعموم اخبار و این مسئله در نزد بعضی محل اشکالست اما صحیحه ابن
سنان دلالت بر آن میکند که هرگاه در بلدی که بآنجا میرود ده روز اقامت نماید قصر کند و
عمل بمضمون این روایت متجه است و جمعی از متاخرین ملحق ساخته اند باقامت ده روز منوی
در غیر بلد را نیز و بعضی اقامت عشره بعد از تردد سی روز را نیز ملحق ساخته اند و در سی روز با تردد
خلاف کرده اند و اقرب آنست که بآن حکم اتمام زایل نشود و اگر ده روز در بلد خود اقامت ننماید
مشهور میانه متاخران آنست که نماز نهار اتمام میکند خواه لیلی و خواه نهاری و برخی در این
باب خلاف کرده اند و از صحیحه عبدالله ابن سنان مستفاد میشود که اگر در منزل خود پنج روز

اقامت نماید و بیشتر نباشد در روز قصر میکند و در شب تمام و در نزد بعضی عمل باین موجه است

شرط پنجم از شروط قصر حد ترخص است و در آن علما را خلاف است بر خی خفاء جدران یعنی پنهان شدن

دیوارها و خفاء اذان یعنی نشنیدن هر دو را اعتبار نموده اند و این مشهور است میانه متاخران و اکثر

فقها یکی ازین دو اعتبار نموده اند و بعضی اول را اعتبار کرده اند و بعضی دویم را و از صحیحه محمد بن

مسلم معلوم میشود که حد ترخص آن باشد که آن شخص از خانها پنهان شود و بنا بر این ظاهر آنست

که این معنی بحصول حایل متحقق شود و ظهور بعد از خفاء بحایل ضرر نرساند و از صحیح عبد الله بن

سنان معلوم میشود که حد ترخص جا باشد که اذان را نشنود و اقرب آنست که بمضمون هریک از

حدیثین عمل توان نمود و فقها گفته اند مراد دیوارهای آخر است در بلده صغیره و قریه و اواخر محله

معتبر است و همچنین در اذان و در دلیل آن بعضی را تأمل است و بعضی گفته اند معتبر در پنهان

دیوار صورت آنست نه شبح آن و در وقت معاودت قولی آنست که نهایت تقصیر ظهور یکی ازین

دو است و بعضی اعتبار خصوص اذان کرده اند و بعضی گفته اند تقصیر میکند تا وقتیکه بخانه خود

داخل شود و احوط نظر بادله آنست که باین عمل شود و دیگر از شروط وجوب قصر علامه و غیر او

ذکر نموده اند و خلاف ظاهر نشده که شرط است که مسافت را بر وجهی قصد داشته باشد که

در ما بین قصد اقامت عشره نداشته باشد و بمکانی که شش ماه در آنجا استیطان نموده باشد نرسد

پس اگر قصد مسافت داشته باشد اما در ما بین آن مسافت قصد نماید که ده روز بماند قصر

نمیباید کرد و دلیل این حکم در نزد بعضی واضح نیست لیکن شکی نیست که هرگاه مسافر بمکانی برسد

و در آنجا قصد ماندن ده روز نماید حکم سفر او منقطع میشود و بعضی از دو روز کامل حساب نمیشود

پس اگر قصد اقامت نزد زوال باشد نهایت مدت زوال روز یازدهم خواهد بود و بعضی احتمال

آن داده اند که روز دخول و خروج داخل حساب نباشد و مشهور میانه فقها آنست که اگر نیت

اقامت کمتر از ده روز باشد قصر میباید کرد و ابن الجنید کافی دانسته در صحت اتمام نیت اقامت پنج

روز را و موافق احتیاط عمل بمشهور است و آیا در عشره توالی شرط است باینمعنی که در ما بین بجد

از بعضی

ترخص بیرون نرود یا شرط نیست و در این دو وجه است و ظاهر آنست که معتبر صدق اقامت در بلد

باشد عرفا و عدم توالی اکثر اوقات باعث عدم صدق عرفی میشود و کافی نمیشود و در این امور

عمل با حتیاط است و اگر از رستاقی قصد اقامت طویلی نماید که از دهی بدهی متصل میشده باشد

حکم سفر او باطل نمیشود و اگر کسی متردد باشد تا سی روز قصر میکند و بعد از سی روز تمام میکند

اگر کسی قصد اقامت ده روز کند و بعد از آن نیت او تغییر یابد و عازم سفر شود قصر میکند مادام

که یک نماز تمام بعد از قصد اقامت ده روز نکرده باشد و هرگاه یک نماز فریضه تمام کرده بعد از

عزم بر اقامت عشره و بعد از آن عزم او تغییر یابد و عزم سفر کند حکم او تمام است تا وقتی که بسفر بیرون

رود بعزم سفر و بحد ترخص برسد و ظاهر فقها آنست که شرط نیست در رجوع حکم قصر هرگاه

از نیت اقامت برگردد آنکه باقی مانده بقدر مسافت شرعی باشد و بنماز فریضه آیا ملحق میشود روزه

واجب باینمعنی که هرگاه شروع در روزه واجب کند بعد از عزم بر اقامت عشره حکم سفر او باطل شود

یا هرگاه روزه بگیرد بعد از عزم بر اقامت عشره و تا بعد از زوال عزم او تغییر نیابد سفر او باطل شود

و الا فلا یا روزه را در این باب مدخل نیست چند وجه است و اقرب اخیر است و آنچه باعث زوال

حکم سفر است نماز فریضه است پس اگر نافله کند که در سفر شرعیت ندارد چون نافله ظهر حکم سفر زایل

نمیشود و بقول اشهر اقوی و معتبر اتمام نماز است پس اگر شروع در نماز کند و در اثناء نماز تغییر عزم

کند حکم سفر زایل نمیشود هر چند تغییر عزم بعد از گذشتن از موضع قصر باشد بقول اقوی و مشهور

میانه متاخران آنست که هرگاه مسافر در اثنای سفر به بلدی برسد که در آنجا ملکی داشته باشد

که در آنجا شش ماه بوده باشد نماز را تمام کند هر چند قصد اقامت عشره نداشته باشد و بعضی

از فقها اعتبار مسکن نموده اند و بعضی اعتبار وطن و ذکر شش ماه و ملک داشتن نکرده اند

در این مسئله اقوال دیگر نیز هست و روایات اختلاف دارد و طریق جمع منحصر در یک وجه نیست

و این مسئله اشکال دارد و بر هر تقدیر ظاهر آنست که هرگاه به بلدی برسد که او را در آنجا منزلی

بوده باشد که وطن او باشد چنانچه در عرف صادق آید استیطان کافی است در اتمام و اگر در

بلده منزل وطن او نباشد احوط نظر باحادیث آنست که قصر کند شرط ششم هرگاه شرایط تقصیر
متحقق شود واجب است که نماز را قصر کند مگر در چهار موضع اول حرم خدای عز و جل دویم
حرم رسول الله صلی الله علیه و آله سیم مسجد کوفه چهارم حایر حضرت امام حسین علیه السلام
که در این مواضع اربعه مخیر است میانهٔ قصر و اتمام و اتمام افضل است و مستفاد از اخبار بسیار
جواز اتمام است در مکه و مدینه هرچند در بیرون مسجدین باشد و این قول اکثر علما است
و ابن ادریس تخصیص حکم بمسجدین نموده و احتیاط قصر حکم است بر مسجد کوفه و اصل حایر نه بلد
و تخییر در مواضع اربعه مخصوص صلوة است و در صوم جاری نیست و اقرب آنست که
نوافلی را که در سفر ساقط میشود در این اماکن توان کرد و کسی که عالم باشد بوجوب قصر در سفر
هرگاه تمام کند نماز او باطلست و اعادهٔ در وقت یا قضا در خارج وقت بر او لازم و اگر نسیانا
تمام کند اعاده میکند اگر در وقت بخاطر او آید قضا بعد از وقت بر او لازم نیست بقول اشهر
و اقوی و اگر از روی جهل بحکم تمام کند بر او اعاده نیست نه در وقت و نه در خارج وقت و جاهل
مسئله در این مسئله معذور است بقول اشهر و اقوی و آیا حکم مذکور مخصوص است بکسی که
در اصل نداند که قصر واجب است در سفر یا در جاهل بر بعض احکام سفر نیز جاریست هر یک محتمل است
و انسب بقواعد اولست بقول بعضی و کسی که فرض او تمام است اگر قصر کند از روی جهل در صحت
نماز او خلافست و در صحیحهٔ منصور بن حازم منقول است که اگر کسی در بلدی قصد اقامت
عشره کند و جاهلاً تمام نکند بر او اعاده لازم نیست و عمل بمضمون روایت نیکوست اما در
غیر اینصورت حکم ببطلان متجه است و اگر کسی بعد از دخول وقت و قبل از نماز سفر
کند خلافست اکثر برآنند که قصر میکند و بعضی برآنند که تمام میکند و جمعی قایل بتخییر شده اند
و بعضی دیگر را تردد است و اگر در سفر وقت داخل شود و قبل از نماز حاضر شود اکثر
فقها برآنند که تمام میکند و بعضی گفته اند قصر میکند و بعضی بتخییر رفته اند و بعضی فرق
میانهٔ سعت و ضیق وقت کرده اند و احوط در این مسئله آنست که تمام کند بلکه در برائة ذمه

بدون این شک است و اعتقاد بعضی نیز براینست و در حکم قضا هرگاه این نماز از او فوت شود
خلافست و مسئله محل تردد است و اگر مسافر در غیر بلد خود قصد اقامت عشره کند و یک
نماز تمام کند آنگاه بیرون رود بکمتر از مسافت و عزم عود و اقامت داشته باشد قصر نمیکند
و اگر قصد عود داشته باشد بی قصد اقامهٔ ده روز بعضی گفته اند در رجوع تنها قصر میکند
و این حکم علی الاطلاق صحیح نیست بلکه در صورتی صحیح است که از عود قصد مسافت داشته باشد
پس اگر عود کند و غافل باشد از فکر سفر یا متردد باشد در رفتن و نرفتن حکم او تمام است
و جمعی از فقها ضابطه ذکر نموده اند که حاصل آن اینست که در حال رجوع قصر میکند اگر رفتنش
قطع مسافت شرعیه بوده باشد و در حال رفتن قصر نمیکند و در نزد بعضی حکم اول صحیح است
فصل دویم در احکام رؤیت هلال و اثبات آن بدانکه حق سبحانه و تعالی بنا بر حکمت بالغه
و مصلحت کاملهٔ خود عدد ماهها را مختلف قرار داده که بعضی را تمام و بعضی را ناقص و بنای
تکلیفات شرعیه مانند روزه و عمره و اضحیه و نمازها در ایام و لیالی ماهها گذاردن را بر دیدن
هلال قرار داده و بسیار میشود که بسبب عدم وضوح هلال یا بعلت حایلی در آن اختلاف
میشود و باین سبب جمعی را که ندیده اند حیرت رو میدهد و گاه هست که جمعی از شهود نزد
حاکم شرع که آن مجتهد جامع الشرایط است شهادت میدهند و او را علم شرعی بثبوت
هلال میشود و گاه حاکم خود هلال را دیده است و در این دو صورت چون مجتهد علم
بثبوت هلال دارد و بعلم خود عمل مینماید امر بر مقلدان و پیروان او در مسایل و بقیه
مشتبه میشود و چون نظر بر عمل مجتهد میکنند متابعت او را بر خود لازم و متحتم میشمارند
و چون ملاحظهٔ عدم علم و عدم ثبوت هلال نزد خود مینمایند مخالفت او را بر خود روا
میدانند و تحقیق این مسئله بجهت کثرت رجوع بآن و ابتنای بسیاری از احکام بر آن کثیر
النفع و اتم الفائده است لهذا لازم دید که تحقیق این مسئله را بنحوی که بیان و تحقیق
نموده اند ذکر نماید بدان ایدک الله تعالی که هرگاه اختلاف در رؤیت هلال شود در ماه رمضان

مثلاً و بعضی ماه را دیده و بعضی ندیده باشند پس میان علمای شیعه خلافی نشده در انکه
لازم است بران بعضی که ماه را دیده اند انکه بمقتضای دیدن هلال عمل نمایند خواه بعض
یکنفر باشد یا چند نفر و خواه نزد حاکم شرع شهادت دهد یا ندهد و خواه شهادت او مقبول
باشد یا مردود و امّا کروهی که ماه را ندیده اند اکر از شهود شنوند یا نشنوند و یا از شهادت
شهود ایشانرا علم حاصل نشده باشد پس اکر نزد حاکم نیز بثبوت نرسیده باشد باز
خلافی نیست در انکه بنا بر عدم ثبوت هلال میکذارند و موجب آن عمل مینمایند امّا اکر نزد
حاکم ثابت باشد خواه خود دیده باشد یا بشهادت عدلین نزد او ثابت شده باشد یا بسبب
کثرت شهود نزد او بشیوع رسیده یا بشهادت جمعی او را علم شرعی حاصل شده اکرچه
آن جمع بحدّ شیاع نرسیده باشد پس در این چهار صورت باز خلافی نشده در اینکه بر حاکم
لازم است انکه بمقتضای علم خود عمل نماید و او بعلم خود مکلّف است و لیکن آیا مقلّدان
او نیز بعلم او عمل مینمایند یا بعلم خود رجوع میکنند در این خلافست شیخ شهید اوّل
قدّس الله روحه در کتاب دروس و بعضی از اعاظم علمای معاصرین در کتاب شرح
ارشاد قول اوّل را اختیار کرده اند و سیّد حسیب و خیر نسیب سیّد محمّد صاحب کتاب مدارک
در کتاب مذکور توقّف کرده و ترجیح احدی از طرفین ننموده و آنچه در نزد بعضی که
استدلال ایشان بیان میشود اقوی است و قول ثانی است و بیان آن در ضمن دو مطلب
ظاهر میشود مطلب اوّل در بیان دلائل بر اثبات این قول و آن بر دو نوع است نوع
اوّل انکه دلیل ثابت بر وجوب صوم در اوّل ماه رمضان و افطار در آخر آن یکی از چهار
چیز است اوّل دیدن ماه باینکه مکلّف خود ماه را ببیند دویم شیاع باینکه کروهی بسیار
نزد مکلّف شهادت دهند بحدّی که او را بشهادت ایشان یقین حاصل شود بر ثبوت
هلال سیم شهادت عدلین باینکه دو مردی که بزعم او عادل باشند شهادت دهند
نزد او بر دیدن هلال چهارم کذشتن سی روز از ... ن از برای وجوب صوم و ان ماه

رمضان

رمضان از برای وجوب افطار و امّا دلیلی بغیر ازین چهار چیز که دلالت آن ثابت باشد اعتماد
را شاید مانند حکم حاکم بثبوت هلال نزد او چنانچه فقهاء قول اوّل کفته اند و آن را دلیل پنجم دانسته اند
ثابت نیست و آنچه در اثبات آن کفته اند مدخول و مزیف است چنانچه اشاره بآن میشود و هرکاه دلیل
بر وجوب صوم در اوّل ماه رمضان و افطار در آخر ماه متحقق نباشد پس باید که مکلّف رجوع نماید باصل
آن که واجب نبودن صوم است در اوّل و واجب نبودن افطار است در ثانی نوع دویم احادیث است
که دلالت میکند بر اینکه ثبوت هلال نزد مکلّف معتبر است و نزد غیر او مفید نیست و آن احادیث بسیار است
اوّل شیخ طوسی بسند صحیح از زید شحام روایت کرده که کفت از حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمّد الصادق
صلوات الله علیهما سوال کردند از اهلّه که حق سبحانه و تعالی در قرآن فرموده آنجا که یسئلونك عن الاهلّة
پس حضرت فرمود هی اهلّة الشهور فاذا رأیت الهلال فصم و اذا رأیته فافطر فقلت أرأیت ان کان الشهور
تسعة و عشرین یوماً اقضی ذلك الیوم فقال لا الّا ان تشهد لك بیّنة عدول فان شهدوا انّهم
رأوا الهلال قبل ذلك فاقض ذلك الیوم یعنی مراد از اهلّه هلالهای ماهها است پس هرکاه ببینی
تو هلال را پس روزه بدار و به بینی هلال را پس افطار کن زید میکوید که پس من عرض نمودم که خبر ده مرا
که اکر ماه بیست و نه روز باشد قضا کنم آن روز را یعنی روزه یوم الشك را که در وقت نداشته ام برای انکه
ماه دیده نشده است پس فرمود نه مکر انکه شهادت دهند از برای تو کواهانی که عادل باشند پس اکر
شهادت دهند از برای تو کواهانی که عادل باشند پس اکر شهادت دهند کواهانی که ایشان دیده اند
ماه را پیش از ان یعنی پیش از ان شبی که تو ماه را دیده پس قضا کن آن روز را یعنی یوم الشك را و این حدیث
بسند صحیح دیکر از ابو الصّلاح منقولست و بسند صحیح دیکر از حلبی و بسند موثق از مفضّل
و بسند مجهول از عمر بن ربیع بصری و این روایات همه از انحضرت همین نحو روایت نموده اند پس این
حدیث در حقیقت سه حدیث صحیح و یکحدیث موثق و یکحدیث مجهولست و چون در این حدیث
امام علیه السّلم نهی فرموده از قضا کردن روزهٔ یوم الشّك مکر هرکاه شهادت دهند از برای مکلّف کواهان
بر دیدن ماه و در صورت محل نزاع نیز چنین است که کواهان نزد مکلّف شهادت داده باشند شهود

بلکه نزد حاکم شهادت داده اند یا حاکم خود دیده وکسی نزد او شهادت نداده است پس بمقتضای
عموم مستثنی منه نهی از وجوب قضا شامل این صورت نیز میشود وچون قضای آن واجب نباشد
روزهٔ آن واجب نیست دویم شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از منصور بن حازم روایت
کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده صم لرؤیة الهلال وافطر لرؤیته
فان شهد عندك شاهدان مرضیان بانهما رایاه فاقضه یعنی روزه بدار ای منصور از
برای دیدن هلال وافطار کن از برای دیدن هلال پس اگر شهادت دهند نزد تو دو شاهد
پسندیده یعنی عادل باینکه دیده اند ماه را پس قضا کن آنرا یعنی یوم الشك را وبسند صحیح دیگر
روایت کرده هشام بن الحکم از آنحضرت روایت نموده قال فیمن صام تسعة وعشرین
قال ان کانت له بینة عادلة على اهل مصر انهم صاموا ثلثین على رؤیة قضى یوما یعنی
آنحضرت فرموده در باب کسی که بیست ونه روز روزه داشته باشد انکه اگر او را گواهان
عادل باشد که گواهی دهند بر اهل شهری که روزه داشته اند ایشان سی روز را برای دیدن ماه
قضا کند روزی را بدانکه این دو حدیث نیز دلالت میکند بر قول ثانی چه در هر دو حدیث
قضا کردن روزهٔ یوم الشك معلق کردیده است بر شهادت نزد مکلف ودر صورت محل
نزاع شهادت نزد مکلف واقع نشده است پس قضا واجب نباشد سیم کلینی قدس الله
روحه بسند صحیح از حضرت امام جعفر علیه السلام روایت نموده که فرموده کان علی ع
یقول لا اجیز فی رؤیة الهلال الا شهادة عدلین یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمود که قبول نمیکنم در دیدن ماه مگر گواهی دو مرد عادل را وبسند حسن از آنحضرت
روایت کرده که قال امیر المؤمنین علیه السلام لا یجوز شهادة النساء فی الهلال ولا
یجوز الا شهادة رجلین عدلین یعنی آنحضرت میفرمود که جایز نیست شهادت زنان در
ماه یعنی مسموع نیست شهادت ایشان در این باب وجایز نیست مگر شهادت دو مرد عادل
وهمین حدیث را شیخ طوسی بسند صحیح از آنحضرت روایت نموده وکلینی روایت کرده که

صابر

صابر آزاد کردهٔ آنحضرت گفت سألته عن الرجل تصوم تسعة وعشرین یوما ویفطر للرؤیة
ویصوم للرؤیة أیقضي یوما فقال کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول لا الا ان یجیء
شاهدان عدلان فیشهدا انهما رایاه قبل ذلك بلیلة فیقضي یوما یعنی سوال کردم از آنحضرت
را از مردی که روزه میدارد بیست ونه روز را وافطار میکند از برای دیدن ماه آیا
قضا میکند روزی را پس حضرت فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که
قضا نمیکند مگر آنکه بیایند دو شاهد عادل وگواهی دهند آنکه دیده اند ماه را پیش از آن
بشبی پس قضا میکند روزی را وشیخ مفید بسند صحیح از آنحضرت روایت نموده که
لا تصم الا للرؤیة او یشهد شاهدا عدل یعنی روزه مدار مگر از برای دیدن ماه یا آنکه
گواهی دهند دو گواه عادل وشیخ طوسی بسند موثق روایت کرده که اسحق بن عمار گفت
سألت ابا عبد الله علیه السلام عن الهلال رمضان یغم علینا فی تسعة وعشرین من
شعبان فقال لا تصم الا ان تراه فان شهد اهل بلد آخر فاقضه یعنی سوال کردم از آنحضرت
هلال ماه رمضان را که مشتبه شود بر ما بسبب ابر در بیست ونهم ماه شعبان یعنی
یک روز بعد از آن پس حضرت فرمود که روزه مدار مگر آنکه ببینی ماه را پس اگر شهادت
دهند اهل بلد دیگر بر دیدن ماه پس قضا کن آن روز را وبسند صحیح از امام محمد باقر ع
روایت نموده که قال کان امیر المؤمنین علیه السلام اذا رأیتم الهلال فافطروا او شهد
علیه عدل من المسلمین یعنی حضرت علی علیه السلام فرمود که هر گاه ببینید ماه را پس
افطار کنید یا شهادت دهند بر آن عدلی از مسلمانان یعنی دو عادل چنانچه از اخبار دیگر
ظاهر میشود پس بعد از کلام دیگر فرموده وان غم علیکم فعدوا ثلثین لیلة ثم افطروا
یعنی اگر مشتبه شود هلال بر شما پس بشمارید سی شب را پس افطار کنید وانکه این
این اخبار دلالت میکند بر آنکه بغیر رؤیت یا شهادت شاهدین دلیلی دیگر بر ثبوت
ماه نیست پس بمجرد دیدن حاکم چون یک شاهد است ثابت نمیشود وهمچنین شهادت

شاهدین نزد حاکم نیز ثابت نمیشود چه ظاهر است که متبادر از شهادت شاهدین در این
اخبار شهادت بیش مکلف است نه پیش حاکم و این بر طالب تامل مستور نیست چهارم
شیخ طوسی بسند صحیح از امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که فرمود لا یصم الا للرؤیة
یعنی روزه مدار مکر از برای دیدن هلال و بسند دیکر از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت نموده که فرمود الصوم للرؤیة والفطر للرؤیة یعنی روزه از برای دیدن هلال است
و افطار از برای دیدن هلال و کلینی و شیخ طوسی بسند صحیح از انحضرت روایت نموده اند
که فرمود لیس علی اهل القبلة الا الرؤیة لیس علی المسلمین الا الرؤیة یعنی نیست بر اهل
قبله مکر دیدن ماه و در حدیث دیکر روایت کرده که علی بن محمد کاشانی نوشت بخدمت
امام علی نقی علیه السلام و سوال نموده از روزه یوم الشک که آیا روزه داشته میشود
یا نه پس حضرت در جواب نوشت که الیقین لا یدخل فیه الشک صم للرؤیة وافطر للرؤیة
یعنی یقین داخل نمیشود در ان شک روزه بدار از برای دیدن هلال و افطار کن از برای
دیدن هلال و بسند موثق سماعه روایت کرده که کفت صیام شهر رمضان بالرؤیة و لیس
بالظن یعنی روزه ماه رمضان بدیدن ماه است و نیست بظن و کمان و بسند دیکر از محمد بن
فضیل روایت کرده که کفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام از روزی که در ان شک
داشته باشیم و ندانیم که از ماه رمضانست یا از شعبان پس حضرت فرمود که شهر رمضان شهر من
شهور یصیبه ما یصیب الشهور من التمام والنقصان فصوموا للرؤیة وافطروا للرؤیة ولا
یعجبنی ان یتقدم احد بصیام یوم یعنی ماه رمضان ماهی است از ماهها میرسد بآن آنچه میرسد
بماههای دیکر از زیاد و نقصان پس روزه بدارید از برای دیدن هلال و افطار کنید از برای
دیدن هلال و خوشم نمی آید از انکه پیشی کیرد کسی بروزه داشتن روزی و بسند موثق
از انحضرت روایت نموده که فرمود فی کتاب علی علیه السلام صم لرؤیته وافطر لرؤیته
وایاک والشک والظن فان خفی علیکم فاتموا الشهر الاول ثلثین یعنی در کتاب علی علیه السلام

نوشته

نوشته است که روزه بدار از برای دیدن ماه و افطار کن از برای دیدن ماه و بپرهیز و حذر کن
از انکه اعتماد کنی بشک و کمان پس اکر پنهان شود بر شما ماه پس تمام کنید ماه اول را سی روز
و چند حدیث باین مضمون واقع شده بدانکه این احادیث معتبره و احادیث دیکر که بجهت
احتراز از اطناب طی ذکر آنها نمودیم همه دلالت باین قول میکند چه در بعضی احادیث
روزه داشتن و افطار کردن معلق شده است بر دیدن ماه پس بغیر آن دلیلی بر روزه داشتن
یا افطار کردن نباشد مکر انکه دلیلی بر دلالت آن قایم شود و بآن دلیل معلوم کردد که
آن نیز قایم مقام دیدن هلالست و ثبوت رؤیت شایعه و شهادت عدلین و کذشتن
سی روز از ماه شعبان بدلایل ثابت شده و بصحت پیوسته چنانچه در کتب علما مبین
و مسطور کردیده است و اما غیر اینها مانند حکم حاکم پس دلیلی بر ان که اعتماد را شاید معلوم
نیست و در بعضی دیکر ازین احادیث مامور شده ایم باتمام سی روز از ماه شعبان و سی روز
از ماه رمضان در نزد ندیدن ماه و اشتباه در ان پس واجبست بر ما عمل بموجب آن نمودن
مکر انکه رؤیت شایعه ثابت شود یا عدلین شهادت دهند چنانچه کذشت مطلب دویم
در بیان دلایل قول اول و جواب آنها و آنها سه دلیل است دلیل اول انکه ثبوت پیوسته است
انکه حاکم شرع را جایز است که حکم کند بموجب علم خود پس هرکاه بر حاکم معلوم شده باشد
و ماه نزد او ثابت شده باشد جایز است که بر دیکران حکم کند و بمقتضای علم خود امر نماید
دلیل دویم انکه نزد حاکم امری به بینه ثابت شود و بآن امر حکم نماید واجبست رجوع بحکم
او و روا نیست رد بر او و مخالفت او و با انکه از بینه زیاده از ظن و کمان حاصل نمیشود و در مسئله
هلال او را علم حاصل است پس بطریق اولی حکم او واجب الاتباع باشد دلیل سیم انکه ثابت
شدن هلال بشهادت عدلین بفتوی و کفته حاکم ثابت میشود و همچنین شرایط عدالت و
امتیاز عادل از غیر عادلین بکفته او معلوم میکردد پس کفته او در همه باب متبع باشد
جواب از دلیل اول آنست که آنچه دلیل بر ان اقامت شده آنست که حاکم را روا است اینکه حکم کند

باهریات از روزه داشتن صح

بموجب علم خود در حدود مثلاً هرگاه دو شاهد عادل نزد حاکم شهادت دهند که زید عمرو را کشته است
جائز است او را حکم کند بقصاص یا دیه از برای اولیای مقتول اگرچه این شهود بحسب واقع افترا
کرده باشند و زید قاتل نباشد چه بر حاکم زیاده از این نیست که حکم کند بشاهد و بیّنه و اگر
این حکم بر خلاف نفس الامر باشد بر او حرجی نیست و همچنین در قضایا و مرافعات نیز حاکم
بموجب علم خود عمل میکند هر چند خلاف واقع باشد و بر او درین باب اثمی نیست مثلاً هرگاه نزد
او شهادت دهند دو عادل براینکه زید فلان مبلغ از عمرو طلب دارد و عمرو منکر باشد جایز است
حاکم را که حکم کند باین مبلغ برای زید بعد از شهادت عدلین اگرچه دروغ شهادت
داده باشند و ذمّهٔ عمرو بری باشد از آن مبلغ و همچنین در فتاوی که آن مسایل کلیّه است
که همه کس را راه علم آنها میسر نیست بلکه مجتهد آنها را از ادلّه استنباط میکند و مقلّد
رجوع بمجتهد مینماید پس جایز است حاکم را که بموجب علم خود حکم کند و اگرچه خلاف واقع
باشد و بر او اثمی و گناهی نیست و امّا غیر فتاوی از امور جزئیّه مانند رؤیت هلال و امثال
آن از جزئیّات دیگر پس حکم حاکم در آنها بعلم خود و رجوع دیگران بحکم او پس دلیلی بر آن
قایم نیست بلکه این جزئیات مرجوع است بمقلّد و بر او لازم است که خود مطّلع شود بر آن
جزئیات بعد از آنکه از مجتهد فرا گرفته باشد کلیات را مثلاً در مسئله هلال هرگاه از
مجتهد اخذ کرده باشد این را که هلال ثابت میشود بدو عادل و باز از و اخذ نموده باشد
شرایط عدالت را پس بعد از فرا گرفتن این دو مسئله هرگاه دو شاهد عادل که متّصف
باشند بآن شرایطی که از مفتی اخذ نموده شهادت دهند نزد او بر رؤیت هلال بر او لازم است
که بمقتضای آن عمل نماید پس معلوم شد که در این مسئله امری بحاکم مرجوع است و امری
بمکلّف امّا آن امری که بحاکم مرجوع است دو مسئله کلیّه است چنانچه مذکور ساختیم و امّا
امری که بمکلّف مرجوع است تحصیل امری جزئی و اطلاع بر آن واقعه خاص است و استنباط
آن از آن مسئله کلیّه و این امر جزئی بحاکم مرجوع نیست و متابعت او درین باب روا نیست

نگاه

نگاه داشتن با خود این شکل را فایده بسیار دارد
ه صم منقولست که هر که درین شکل چهل صباح نظر کند صاحب دولت و شوکت
گردد منعم ال م ل ک مه وبجهت دولت چهل صباح نظر کند در این و آیه قل اللهم
را بخواند مالک الملک :: لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله
لا اله الا الله عیسی روح الله لا اله الا الله محمد رسول الله
روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که ماه نو بدین شکل نظر کند آن ماه را بخوشی
دلی و خرّمی بگذراند و فتوحات بسیار بوی رسد و محتاج باحدی نگردد ان شاء الله تعالی
فرو نزد دیدن هلال بنویسد بانگشت سبّابهٔ راست بر کف دست چپ این اسما را
که الله محمد علی الحسن والحسین و فاطمة و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق
و موسی الکاظم علی بن موسی الرضا محمد تقی علی نقی حسن عسکری صاحب الامر محمد مهدی ص
صلوات الله علیهم اجمعین پس بنویسد قل هو الله احد را تا آخر و بخواند این دعا را
اللهم إن الناس إذا نظروا بعضهم إلى بعض الهلال نظر بعضهم إلى وجوه بعض وإني
نظرت إلى اسمك واسم نبيك ووليك وأوليائك عليهم السلام وإلى كتابك
فأعطني كل الذي أحب من الخير واصرف عني كل الذي أحب أن تصرفه عني من الشر
وزدني من فضلك ما أنت أهله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و بخوان
این دعای مشهور در رؤیت هلال را اللهم إني أسئلك خير هذا الشهر و
فتحه ونوره ونصره وبركته وطهوره ورزقه وأسئلك خير ما فيه وخير ما
بعده وأعوذ بك من شر ما فيه وشر ما بعده اللهم أدخله علينا بالأمن والإيمان
والسلامة والإسلام والبركة والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى و بخوان
این دعا را که در صحیفهٔ کامله است جهت رؤیت هلال فرموده اند أيها الخلق
المطيع الدائب السريع المتردد في منازل التقدير المتصرف في فلك التدبير آمنت

بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَاَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ وَجَعَلَكَ اٰيَةً مِنْ اٰيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ
عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْاُفُولِ وَالْاِنَارَةِ
وَالْكُسُوفِ فِي كُلِّ ذٰلِكَ اَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَاِلٰى اِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا اَعْجَبَ مَا دَبَّرَ
فِي اَمْرِكَ وَاَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَاْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِاَمْرٍ حَادِثٍ ٥
فَاَسْئَلُ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمْحَقُهَا الْاَيَّامُ وَ
طَهَارَةٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْاٰثَامُ هِلَالَ اَمْنٍ مِنَ الْاٰفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ
هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ وَيُمْنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ وَيُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لَا
يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ اَمْنٍ وَاِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَاِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَاِسْلَامٍ ٥
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَرْضٰى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَاَزْكٰى
مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ وَاَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفِّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا فِيهِ
مِنَ الْحَوْبَةِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَاَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ
وَاَلْبِسْنَا فِيهِ جُنَنَ الْعَافِيَةِ وَاَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ اِنَّكَ
الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ وبخوان آیة الکرسی
وآیهٔ سخره را وچهار قل وحمد وانا انزلناه واذا جاء واخراج کن از مال خود قدری
که خواهی وبکو خدایا خریدم سلامت وخرمی این ماه را از تو باین مبلغ وآنرا تصدق
کن وبخوان دعای اعتصام را وببوس تربت حضرت امام حسین علیه السلام را چنانچه
در باب او راد صبح مذکور شد واکرچه اینجا که کفتیم حدیث بخصوص این واقع نشده باین
قسم امّا از عمومات اخبار معلوم میشود که بجهة حفظ وحراست نافع است فصل
سیم در آداب سفر در فقیه واکثر کتب احادیث واقع شده که در سفر افتتاح کن بصدقه
باول مسکینی که برخوری فقیه نقل نموده از ابو عبد الله علیه السلام که فرمود تصدق کن

وبیرون رود هر روز که خواهی راوی کوید در حدیث دیکر کفتم با بی عبد الله علیه السلام آیا
مکروهست سفر کردن در چیزی ایام مکروهه مثل چهار شنبه وغیر او پس کفت افتتاح کن سفر
خود را بصدقه وبیرون رو هرکاه اراده نمائی وبخوان آیة الکرسی وحجامت کن هرکاه اراده کنی
ودر اکثر اخبار واقع شده که تصدق کن وبیرون رو وبخوان بآن صدقه سلامتی راه خود را وبکوی
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهٰذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِي اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ
مَا مَعِي وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ ودر حدیث دیکر پس بخوان قل هو الله احد را
ده مرتبه وانا انزلنا وآیة الکرسی ومعوذتین وبر جمیع بدن خود دست مال در اخبار بعضی ایام از
برای سفر ممدوح وبعضی مذموم نقل شده وملخص آن بیان میشود در روز شنبه وسه شنبه بسیار خوب و
روز چهار شنبه مدح وذمّ مطلق نیز وارد شده ودر روز پنجشنبه اکر از بلاد مقدسه نباشد تا
ظهر خوب ثابت ممنوع ودر شب رخصت واقع شده وروز جمعه تا بعد از نماز مذموم وبعد از نماز رخصت
شده واول ودویم ونهم ویازدهم وهجدهم ونوزدهم وبیستم وبیست ودویم ممدوح وسبعهٔ منحوسه مشهوره
که آن سیم وپنجم وسیزدهم وهشتم وبیست وششم مذموم وبیست وهشتم میانه وما بقی ایام عموماً
در خبر وارد شده که برای اکثر کارها خوبست واین احکام در ماههای فرس قدیم بصریح مفصلی که
در دروع الواقیه وغیر آن منقولست بروایت سلمان از معصوم علیه السلام وابن طاوس نقل نموده
این مدح وذم را در ماه عربی اعتبار نموده بنا بر اطلاق خبری بدلایل عقلیه ورأی که در دروع
با وجود آن خبر صریح صحیح بفصل مقید بفرس قدیم ومخالفت در احکام با اخبار دیکر واکر انکه بنابر
احتیاط در فرس وعربی هر دو عمل نماید بهتر خواهد بود ودر خبر دیکر از امام حسن عسکری علیه السلام
منقول وچنین مستفاد شده که در هر ماه عربی یکروز نحس است بدین ترتیب از محرم بیست ودویم
از صفر دهم از ربیع الاول چهارم از ربیع الثانی بیست وششم از جمادی الاولی دهم از جمادی
الاخر بیست ودویم از رجب بیست وششم از شعبان بیست وششم از رمضان بیست و
ششم از شوال دویم از ذیقعده بیست وچهارم از ذیحجه هشتم وفقیه ذکر کرده از پیغمبر صلی الله علیه وآله

بشماست سیر بشب بدرستی که زمین بهم پیچیده میشود بشب و باز ذکر کرده از ابی عبدالله علیه السلام که
فرمود زمین پیچیده میشود در آخر شب و باز نقل نموده از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود کسی که
سفر کند یا تزویج و قمر در عقرب باشد نمی بیند نیکوئی آنرا و روایت شده در جواب سائلی که از
اختیارات نجوم برای سفر که خود عمل مینموده از معصوم علیه السلام (از ابی عبدالله علیه السلام) سوال نموده فرموده که بسوزان
آن کتابها را و سفر کن هر وقت که خواهی و بخوان سوره قدر و آیة الکرسی را و از ابی عبدالله علیه السلام
منقولست که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله آیا خبر ندهم شما را باشرار ناس گفتند بلی یا رسول الله
فرمود کسی که سفر کند تنها و منع کند توشه خود را از مردم اگر تواند و بزند غلام خود را و بجای دیگر
دیگر واقع شده که اگر واقع شود تنها سفر کن بگوی این دعا را ما شاء الله لا حول و لا قوة الا
بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی فقیه ذکر نموده از ابی الحسن موسی بن
جعفر علیه السلام که گفت لعنت کرد رسول الله صلی الله علیه و آله سه کس را اول اینها خورنده
توشه خود را تنها دوم خواب کننده در خانه خود تنها سیم سوار شدن بیابان تنها و وارد شده
که چند چیز باید در سفر همراه مسافر باشد شمشیر و کمان و عمامه سفید و موزه و ریسمان و سوزن و
و خیاطه و خیلت و درفش و مقراض و سرمه دان و مسواک و شانه و ادویه که بکار
مردم آید و توشه خوبی که با مردم صرف کنی و استخاره کردن با همه کارها مرغب فیها است علی الخصوص
جهة سفر و چون بیرون میرود از خانه تحت الحنک ببندد که در اکثر کتب احادیث مذکور است
و در امان الاخطار مذکور است از موسی ابن جعفر علیه السلام که فرمود من ضامنم از سه چیز از
برای کسی که بیرون رود و اراده کند سفر را عمامه دار و تحت الحنک بسته باشد اینکه نرسد باو
دزد و نه غرق و نه حرق و باز ذکر نموده از ابی الحسن الرضا علیه السلام که گفت فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله اگر اینکه مردی بیرون رود از منزل خودش روز شنبه بعمامه سفید و تحت الحنک
بسته باشد پس بیاید بسوی کوهی تا آنکه برطرف کند آن کوه را از مکانش هر آینه برطرف میکند آن کوه را
از مکانش و دیگر مسافر بردارد همراه خود عصای بادام تلخ و بنویسد این شکل را بر پوست آهو و عصا

دعای عصا بادام تلخ

سوراخ نموده آن نوشته را در آن سوراخ گذارد صورت شکل اینست سلمحرو ه سه
ببهو ن نا ه اسه ه باوسه صاو ه مصاسه ه و فقیه نقل نموده که فرمود حضرت
امیر علیه السلام که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی که بیرون رود بسفری و با او عصای بادام
تلخ باشد و بخواند این آیه را وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِنَ النَّاسِ
يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ
الرِّعَاءُ وَاَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى اِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ اِحْدَيهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ
مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
قَالَتْ اِحْدَيهُمَا يَا اَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِينُ ۝ قَالَ اِنِّي اُرِيدُ
اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى اَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
وَمَا اُرِيدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ
بَيْنَكَ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ امن میکند
خدای تعالی او را از هر سبع ضرر رساننده و از هر حرامی عادی و از هر صاحب زهری تا آنکه برگردد بسوی
اهلش و منزلش و می باشد با او هفتاد و هفت از ملائکه استغفار میکنند از برای او تا برگردد و
بگذارد عصا را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله برداشتن عصا برطرف میکند فقر را و بیشتر نمی
آید شیطان و فرمود کسی که اراده کند آنچه پیچیده شود از برای او زمین پس بگیرد نقل عصا را یعنی عصای
بادام تلخ را و وارد شده که انگشتر عقیق در دست کند و قدری از خاک تربت امام حسین ع
همراه بردارد خصوصا وقتی که از سلطان یا غیر ترسی و در وقت برداشتن تربت بگوی اللهم انی
اخذته من قبر ولیک فاجعله لی امنا و حرزا مما اخاف و مما لا اخاف و بخواند دعای
حراستی را که در فصل ادعیه تعقیب صبح مذکور شد و روایت شده بدرستی کسی که ترسد از سلطان
یا غیر او و کسی که بیرون رود از منزل خود و عمل باین کند حرز است از برای او و انگشتر عقیق زرد که

نقش شده باشد بر و ما شاءَ اللهُ لا حولَ ولا قوّةَ اِلّا بِاللهِ اَستَغفِرُ الله و بر طرف دیکر محمّد
وَعَلیّ و انکشتر فیروزج که بر و نقش شده باشد اَلمُلکُ لِلّهِ و بر طرف دیکر اَلمُلکُ لِلّهِ
اَلواحِدِ القَهّار و انکشتر حدید صینی که نقش شده باشد بر و سه سطر در سطر اوّل اعوذُ
بِجلالِ اللهِ در سطر ثانی اعوذُ بِکلماتِ اللهِ در سطر ثالث اعوذُ بِرَسولِ اللهِ و در زیر
نکین طرف دیکر او است در سطر اوّل آمَنتُ بِاللهِ وَکُتُبِهِ و در دویم وَاِنّی واثِقٌ بِاللهِ وَرُسُلِهِ
و در دور او نقش باشد از چهار طرف باین قسم که یک طرف اَشهَدُ و طرف دیکر اَن لا اِلهَ و طرف
دیکر اِلّا اللهُ و طرف دیکر مُخلِصًا و حضرت صادق علیه السلام فرموده خاتم عقیق امان است در سفر
در امان الاخطار نقل نموده باسناد متصل و باز نقل نموده از ابو عبدالله علیه السلام که خاتم
عقیق حرز است در سفر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چهار انکشتر در دست میکرد
انکشتر یاقوت برای شرافت و زینت و فیروزه برای نصرت و یاری و حدید صینی برای قوّت
و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که عقیق
فقر و نفاق را برطرف میکند و هر که قرعه با انکشتر عقیق بزند تیرهٔ او تمام بیرون می آید و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که انکشتر عقیق در دست داشته باشد حاجاتش بر
آورده است و از حضرت صادق علیه السلام که انکشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و هر که او را در کند
امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و در حدیث دیکر که حاکم پی شخصی فرستاده بود
بسبب جرمی حضرت صادق علیه السلام فرمود که انکشتر عقیق باو رسانید چنان کردند هیچ مکروهی باو
نرسید و از حضرت امام حسین علیه السلام مرویست که چون حضرت موسی بر کوه طور با حق تعالی
مناجات کرد و بزمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات
مقدس خودم که عذاب نکنم بآتش جهنم دستی را که انکشتر عقیق در آن باشد اکر ولایت علی علیه السلام
داشته باشد سلمان اعوص روایت کند که در خدمت حضرت امام جعفر علیه السلام بودم در دربار خانه
منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه نخورده بود حضرت فرمود ای سلمان ببین که

انکشترش

انکشترش چه نکین دارد کفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود ای سلمان اکر عقیق بود تازیانه
نمیزدند کفتم دیکر بفرمایید فرمود ای سلمان انکشتر عقیق امان میبخشد از دست بریدن کفتم
دیکر بفرمای فرمود ای سلمان امان می بخشد از خون کفتم دیکر بفرمای فرمود ای سلمان خدای عزّ و جلّ
دوست میدارد که بلند شود بدعا بسوی او دستی که در آن نکین عقیق باشد کفتم دیکر بفرمای فرمود
که عجب دارم از دستی که در آن نکین عقیق باشد چکونه خالی میماند از درهم و دینار کفتم دیکر
بفرمای فرمود که این میکره اند از فقر کفتم روایت کنم این حدیث را از حسین بن علی از پدرش امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود بلی و در روایت دیکر که دو رکعت نماز که با انکشتر عقیق باشد
بهتر است از هزار رکعت نماز که با آن نباشد از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که
انکشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام که
انکشتر زمرد در دست کردن موجب آسانی است که هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیکر
از حضرت امام رضا علیه السلام بلفظ زبرجد است و فرمود انکشتر زمرد در دست داشتن
فقر را بتوانکری بدل میکند و فرمود که هر که انکشتر یاقوت زرد و در دست کند فقیر نشود و دُر
نجف هر که در دست کند بهر نظر کردنی بآن خدای تعالی زیادتی با حج و عمره در نامهٔ عمل او بنویسد
که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد ابن طاوس بروایت قاسم بن العلا نقل نموده از صافی
خادم حضرت امام علی نقی علیه السلام که رخصت طلب نمودم از آنحضرت که بزیارت جدّش
امام رضا علیه السلام بروم فرمود که بلی باید با خود انکشتری داشته باشی که نکینش عقیق
زرد باشد و نقش نکین ما شاءَ اللهُ لا قوّةَ اِلّا بِاللهِ اَستَغفِرُ الله باشد و بر روی دیکر محمّد
وَعَلیّ چون این انکشتر را با خود داری امان می یابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی
تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم کفت بیرون آمدم و انکشتری را که حضرت
فرمود بهم رسانیدم و برکشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برکردانند
چون برکشتم کفت ای صافی کفتم لبّیک ای مولای من فرمود که باید انکشتر فیروزه هم با خود داشته

باشی

بدستی که در میان طوس ونیشابور شیری برخواهد خورد بتو وقافله را منع خواهد کرد از رفتن
باید که تو پیش روی واین انگشتر را بشیر بنمائی وبگوئی که مولای من میگوید که دور شو از راه و باید
که بر یکطرف نگین فیروزه اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ و بر طرف دیگر نقش کنی اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که
نقش انگشتر آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام بود که اَللّٰهُ الْمَلِكُ چون خلافت بآنحضرت رسید
گشت اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ نقش کرد ونگینش فیروزه بود وچنین نگینی امان می‌بخشد
از حیوانات درنده وباعث ظفر وغلبه میشود در جنگها خادم گفت که رفتم بسفر وبخدا سوگند
که در همان مکان که آنحضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد وآنچه مأمور شده بودم بعمل آوردم
شیر برگشت چون از زیارت برگشتم عرض کردم بخدمت آنحضرت فرمود که یك چیز ماند که نگفتی
اگر خواهی من بگویم گفتم ای مولای من شاید که فراموش کرده باشم پس فرمود که شبی در طوس نزدیک
روضه خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند
ونقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو بدر آوردند وبردند بنزد بیماری که داشتند وآن
انگشتر را باب شستند وآن آب را به بیمار خود خورانیدند بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را
برگردانیدند وتو در دست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی
بسیار تعجب کردی وسببش را ندانستی ودر بالین خود یاقوتی یافتی آنرا برداشتی والحال
همراه تست ببر ببازار وآنرا بهشتاد اشرفی خواهی فروخت وآن هدیهٔ آن جنیان است که
برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را بردم ببازار وهشتاد اشرفی فروختم فقیه
نقل کرده که چون اراده کنی که بیرون روی پس جمع کن اهل خود را ونماز کن دو رکعت بحمد وسوره
وتمجید کن خدا را بسیار وفقیه نقل نموده که فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله جانشین نمیکند
احدی بر اهل خود بجای خود که بهتر باشد از دو رکعت نماز وبگوید این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِی وَنَفْسِی وَمَالِی وَاَهْلِی وَوَلَدِی وَجِيرَانِی وَاَهْلَ حُزَانَتِی الشَّاهِدَ
مِنِّی وَالْغَائِبَ وَجَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی كَنَفِكَ وَمَنْعِكَ وَعِيَاذِكَ

وعزّ

وَعِزِّكَ وَعَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَامْتَنَعَ عَائِذُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ تَوَكَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ
الَّذِی لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَاَصِيلًا وهرگاه بیرون روی از منزل خود پس بگوی
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ
مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُكَ فِی سَفَرِی هٰذَا السُّرُورَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّی اَللّٰهُمَّ اقْطَعْ عَنِّی بُعْدَهُ
وَمَشَقَّتَهُ وَاصْحَبْنِی فِيهِ وَاخْلُفْنِی فِی اَهْلِی بِخَيْرٍ فَاِذَا اسْتَوَيْتَ عَلَی رَاحِلَتِكَ
وَاسْتَوَی بِكَ مَحْمِلُكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْاِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنَّ
عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ
وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَامِلُ عَلَی
الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَی الْاَمْرِ وَاَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ
وَالْوَلَدِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَضُدِی وَنَاصِرِی فَلَمَّا مَضَتْ بِكَ رَاحِلَتُكَ فَقُلْ فِی طَرِيقِكَ
خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَقُوَّةٍ وَلٰكِنْ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ بَرِئْتُ
اِلَيْكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بَرَكَةَ سَفَرِی هٰذَا وَاَهْلِهِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا تَسُوقُهُ اِلَیَّ وَاَنَا
خَائِضٌ فِی عَافِيَةٍ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی سِرْتُ فِی سَفَرِی هٰذَا بِلَا ثِقَةٍ
مِنِّی بِغَيْرِكَ وَلَا رَجَاءٍ لِسِوَاكَ فِی ذٰلِكَ شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ وَوَفِّقْنِی لِطَاعَتِكَ وَ
عِبَادَتِكَ حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضٰی وفقیه ذکر نموده از صباح الحذاء که گفت شنیدم
از موسی بن جعفر علیه السلام که میفرمود اگر بوده باشد مردی از شما که اراده کند سفر را
بایستد بر در خانهٔ خود ورو کند بطرفی که میرود پس بخواند فاتحه را پیش رو واز راست

وازچپ وآیة الکرسی را بیشند و وان راست وازچپ پس فرمود بخوان این دعا را اللهم
احفظنی واحفظ ما معی وسلمنی وسلم ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن
الجمیل هر آینه حفظ میکند او را الله تعالی وآنچه با اوست وسلامت میدارد او را وآنچه
با اوست ومیرساند او را وآنچه با اوست وباز فقیه نقل نموده که بود صادق علیه السلم
هرگاه اراده میکرد سفر را میگفت این دعا را اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واعظم
عافیتنا و روایت کرده فقیه از ابی الحسن الرضا علیه السلام که فرمود از برای من آنحضرت
هرگاه بیرون روی تو از خانه خود در سفر یا حضر پس بگو بسم الله آمنت بالله وتوکلت
علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله پس میرسند او را شیطان پس میروند ملائکه
رویهای ایشان را ومیگویند راه نیست شما را براو وبه تحقیق نام برده است خدا را وایمان
آورده باو وتوکل کرده بر الله تعالی وگفته ما شاء الله لا قوة الا بالله وباز نقل نموده از
ابی جعفر علیه السلام که فرمود کسی که بگوید هنگام بیرون رفتن از در خانه خود اعوذ بالله
مما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم ومن شر الشیاطین ومن شر کل من نصب
لاولیاء الله ومن شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم
کلها اجیر نفسی من کل شر عن السوء وعصمه می آمرزد خدای تعالی او را واز هر بدی و
قبول میکند توبه او را وکفایت میکند مهم او را ومنع میکند او را از هر بدی ونگاه میدارد
از هر شری ودر امان الاخطار مذکور است که بود ابو عبد الله علیه السلام هرگاه بیرون میرفت
میگفت این دعا را اللهم خرجت الیک ولک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکلت
اللهم بارک لی فی یومی هذا وارزقنی قوته ونصره وفتحه وطهوره وهداه وبرکته
واصرف عنی شره وشر ما فیه بسم الله والله اکبر والحمد لله رب العالمین
اللهم انی خرجت فبارک لی فی خروجی وانفعنی به وهرگاه داخل میشد بمنزل خود
میگفت مثل این را وروایت نموده معاویة بن عمار که گفت ابو عبد الله علیه السلم هرگاه بیرون روی

از منزل

از منزل خود بگوی بسم الله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انی اسئلک
خیر ما خرجت له واعوذ بک من شر ما خرجت له اللهم اوسع علی من فضلک واتمم
علی من نعمتک واستعملنی فی طاعتک واجعل رغبتی فیما عندک وتوفنی علی ملتک و
ملة رسولک صلی الله علیه وآله واز ابی جعفر علیه السلام منقول است کسی که بگوید وقت
بیرون رفتن از منزل خود این دعا را بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلک
خیر اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب الآخرة کفایت میکند الله تعالی آنچه
مهم اوست از امر دنیا وآخرة ودر روایتی شده در امان الاخطار هرگاه ایستادی بر در خانه خود
تسبیح کن به تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام وبخوان حمد وآیة الکرسی را چنانچه مذکور نمودیم
وبگو این دعا را اللهم الیک وجهت وجهی وعلیک خلفت اهلی ومالی وما خولتنی
وقد وثقت بک ولا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده ولا یضیع من حفظه اللهم صل
علی محمد وآل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین
اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک وبلادک وارزقنی زیارة
نبیک وولیک امیر المؤمنین والائمة من ولده وجمیع اهل بیته علیه وعلیهم السلام
ومدنی منک بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب
وزودنی التقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه
الیک بسم الله وبالله وتوکلت علی الله واستعنت بالله والجأت ظهری الی الله و
فوضت امری الی الله رب آمنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت لانه
لانه لا یأتی بالخیر الهی الا انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک
وتقدست اسمائک وعظمت آلاؤک ولا اله غیرک پس بتحقیق روایت کرده است شیخ
آنکه کسی که بیرون آید از منزل خود در حالتی که صباح کند ودعا کند باین دعا نمی آید براو
بلائی تا شب وبرمیگردد بسوی منزل خود وهمچنین کسی که بیرون رود در شب ودعا کند باین

دعا را او نمی یابد بلا و بلائی تا صبح و بر میکردد بسوی منزل خود نزد رکوب فقیه ذکر نموده
که بود صادق علیه السلام که هرکاه میکذاشت پای خود را در رکاب میکفت سُبْحَانَ
اللهِ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ و تسبیح میکرد خدا را هفت مرتبه و تهلیل میکرد
خدا را هفت مرتبه فقیه از اصبغ ابن نباته روایت کرده که او کفت نکاه داشتم من
رکاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را تا سوار شد و آنحضرت اراده داشت انکه
سوار شود پس برداشت سر خود را پس تبسم نمود کفتم یا امیر المؤمنین دیدم من برداشتید
سر خود را و تبسم نمودید فرمود بلی یا اصبغ کرفتم من از برای رسول الله صلی الله علیه و آله
مثل آنچه کرفتی تو از برای من پس برداشت سر خود را بسوی آسمان و تبسم فرمود پس سوال
کردم آنحضرت را مثل آنچه سوال کردی تو زود باشد خبر کنم ترا همچنانکه خبر کرد مرا کرفتم من از
برای رسول الله صلی الله علیه و آله رکاب اسب شهبا را پس برداشت سر خود را بسوی آسمان
و تبسم نمود پس کفتم یا رسول الله برداشتید سر خود تا نرا بسوی آسمان و تبسم فرمودید پس
فرمود یا علی بدرستی که این نیست از احدی که سوار شود آنچه انعام کرده است خدای تعالی
برو پس بخواند آیه سخره را پس بکوید این دعا را اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ مکر انکه میفرماید
خدای کریم ای ملائکه من بندهٔ من میداند اینکه نمی آمرزد کناهان او را غیری من کواه باشید
اینکه بتحقیق آمرزیدم من از برای او کناهان او را در ذکر الله تعالی فقیه از ابی عبد الله
ذکر نموده که کفت بود پیغمبر صلی الله علیه و آله در سفر هرکاه سرا پائین می آمد تسبیح میکرد و
هرکاه سرا بالا میرفت تکبیر میکرد و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله قسم بخدای که نفس ابی
القاسم بدست اوست تهلیل نمیکند خدای را تهلیل کنندهٔ و تکبیر نمیکند خدا را تکبیر
کنندهٔ بر بلندی از بلندیها مکر انکه تهلیل میکند آنچه عقب اوست و تکبیر میکند آنچه پیش
اوست تا بجای که خاك قطع میشود و روایت کرد صفوان ابن مهران الجمال بدرستی که حضرت

صادق

صادق علیه السلام وقتی که سوار میشد جمل را میکفت این دعا را بِسْمِ اللهِ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ
فقیه نقل نموده از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هرکاه بوده باشی
تو در سفر پس بکو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبَرًا وَصَمْتِي تَفَكُّرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا و باز فقیه نقل
نموده از موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود شوم است از برای مسافر در راه پنج چیز اول زاغی
که فریاد کند از طرف راست او دویم سکی که بپن کرده باشد دم خود را سیم کرکی که فریاد کند
در روی او و نشسته باشد بر دم و پس جسته خیز کند یعنی برخیزد و بنشیند سه نوبت
چهارم آهوی که برآید از طرف راست و بطرف چپ رود پنجم بومه که فریاد کند ششم زنی
که کیسوی و موی او سیاه و سفید شده باشد و ملاقات کنی تو فرج او را هفتم کوره خر ماده کوش
بریده پس هرکاه بخلد در خاطر مسافر از دیدن هریك از اینها چیزی پس بکوید اِعْتَصَمْتُ
بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَاعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ فرمود پس نکه میدارد از ان و چون
عزم کنی بیرون آمدن از خانه بجهت سفر چهار رکعت نماز بکذار در رکعت اول بعد از حمد سوره
الرحمن یا تبارك و در دویم بعد از حمد سوره واقعه یا تبارك و اکر میسر نباشد توحید یا هر
که خواهی و بعد از ان بکوی این دعا را اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ بِهِنَّ إِلَيْكَ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِيفَتِي
فِي أَهْلِي وَمَالِي و ده نوبت بخوان توحید را در وقت بیرون آمدن و این دعا را بِسْمِ اللهِ حَسْبِيَ
اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا
وَعَذَابِ الْآخِرَةِ و اکر خواهی بخوان بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ و اکر خواهی بکوی اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ
الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ در محاسن برقی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقولست که وقتی که رسیدی شهری یا قریهٔ را و معاینه دیدی آنرا بکو اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خَيْرَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَأَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا إِلَىٰ

الی اهلنا و جنّبنا صالحی اهلها الینا و بروایت دیگر هرگاه مسافرت کنی پس داخل شوی
در شهری که میخواهی پس بگوی در وقتی که مشرف شدی بران شهر و دیدی آنرا اللّهمّ ربّ
السّموات السّبع و ما اظلّت و ربّ الارضین السّبع و ما اقلّت و ربّ الرّیاح و ما
ذرّت و ربّ الشّیاطین و ما اضلّت اسئلك ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و اسئلك
من خیر هذه القریة و ما فیها و اعوذ بك من شرّها و شرّ ما فیها و در وقت فرود
آمدن در منزل بگو اللّهمّ انزلنی منزلاً مبارکاً و انت خیر المنزلین و بهر بلندی که برسی
بگوی اللّهمّ ادحر عنّی الشّیطان الرّجیم و بهر وادی که برسی دست بر داشته حمد الهی کن و صلوات
بر محمّد و آل او فرست که الله تعالی پر میکند آن وادی را بجهت تو از حسنات و حضرت پیغمبر صلّی الله
علیه و آله چون شب میشد میفرمود یا ارض ربّی و ربّك الله اعوذ بالله من شرّك و من شرّ
ما خلق فیك و شرّ ما دبّ علیك و اعوذ بالله من شرّ کلّ اسود و اسد و حیّة و عقرب و من
ساکنی البلد و من شرّ والد و ما ولد و اگر از دزد ترسی بخوان قل ادعوا الله او ادعوا الرّحمن
ایّاً ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتك و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلك سبیلاً
و قل الحمد لله الّذی لم یتّخذ ولداً و لم یکن له شریك فی الملك و لم یکن له ولیّ من الذّلّ و
کبّره تکبیراً و هر که از اینها که مذکور شد در آثار کثیره واقع شده که خواندن آن باعث ۵
سلامتی است در سفر فقیه ذکر نموده از ابی الرّبیع که گفت بودیم ما نزد ابی عبدالله علیه السّلام
و خانه پر بود از مردمان پس فرمود آنحضرت نیست از ما کسی که نیکو نکند مصاحبت کسی را که
مصاحب او است و کسی که نیکو نکند رفاقت کسی را که رفیق او است و کسی که نیکو نخورد نمك را
با کسی که نمك میخورد با او و کسی که نیکو نکند خوش خلقی را با کسی که خوش خلقی کند با او و فرمود
حضرت صادق علیه السّلام که نیست از مروّت آنکه نقل کند مرد با آنچه رسیده است در سفر از
خیر یا شر و فرمود پیغمبر صلّی الله علیه و آله هیچ دو کسی باهم مصاحبت نکردند مگر آنکه می باشد
بحسب اجر عظیم‌تر از اینها و دوستر از اینها بسوی خدا کسی است که مهربان‌تر باشد مصاحب خود را

و از

و از ابی عبدالله علیه السّلام منقولست که فرمود مصاحب شو کسی را که مزیّن شوی از و و مصاحب
مشو با کسی که مزیّن شود از تو و فرمود صادق علیه السّلام حقّ مسافر آنست که اقامت کنند از
برای او برادران او هرگاه بیمار شود تا سه روز و پیغمبر صلّی الله علیه و آله فرموده که اوّل رفیق
پیدا کن و بعد از آن سفر کن و فرمود پیغمبر صلّی الله علیه و آله در فقیه که زاد مسافر حدی است
و شعری که در آن نبوده باشد فحش و باز از صادق علیه السّلام هرگاه سفر کنید شما پس بگیرید سفره
و پاکیزه کنید آن سفره را و از موسی بن جعفر علیه السّلام که دید سفره که در و حلقهای برنج بود پس
فرمود بکن اینها را و بجای او بگذارید حلقهای آهن پس بدرستی که نزدیك نمیشود بآنچه در واست
چیزی از هوام و باز نقل نموده فقیه از پیغمبر صلّی الله علیه و آله از بزرگی و نجابت مروّت که
پاکیزه کند توشه خود را هرگاه بیرون رود بسفری و بود علی بن الحسین علیه السّلام هرگاه سفر
میکرد بسوی مکّه بجهة حج یا عمره توشه میگرفت از بهترین توشها از بادام و شکر و آرد ترش و شیرین

فصل چهارم در بیان فضیلت اسب و ثواب آن

و باز فقیه از پیغمبر صلّی الله علیه و آله
نقل نموده که بسته شده است در پیشانی اسب خیر تا روز قیامت و نفقه کننده بر اسب در راه
خدا مثل کسی است که دست گشاده باشد بصدقه و قبض نکند آنرا پس هرگاه مهیّا کنی تو اسبی که
روی او سفید باشد بقدر درهم و طرف بینی او نیز سفید باشد و دست چپ و دو پای او سفید باشد
و دست راست او سفید نباشد و رنگ سرخ و صاف باشد پس اگر او نباشد پیشانی سفید باشد
که سالم خواهی بود و صاحب غنیمت و باز از ابی الحسن علیه السّلام که میفرمود بر هر منخری از اسب
شیطانی است پس هرگاه اراده کند احدی از شما که لجام کند اسبی را پس بگوید نام خدا را و فرمود
کسی که ببندد اسب عتیق محو کرده میشود از وی سه سیئه و نوشته میشود از برای او یازده حسنه
در هر روزی و هر که ببندد اسبی هجین محو کرده میشود از وی هر روزی دو سیئه و نوشته
میشود در هر روزی از برای او نه حسنه و هر که ببندد اسب برذونی و اراده کند از بستن او
زینت یا قضای حاجت یا دفع دشمن محو کرده میشود از وی هر روزی سیئه و نوشته

میشود از برای او شش حسنه و کسی که به بندد اسب سرخ صاف که یال و دم او سرخ
باشد و در پیشانی او سفیدی یا در روی او خال سفید باشد پس اگر بوده باشد سفیدی
پیشانی او سفیدی یا در روی او خال سفید باشد پس اگر بوده باشد سفیدی پیشانی او تا
بینی و سفید باشد دست و پای او پس او دوست است بسوی من و داخل نمیشود بخانهٔ او
فقر مادامی که این اسب در خانهٔ او است و مادامی که در ملک صاحب او است داخل نمیشود
بخانهٔ او ظلم و فرمود کسی که بیرون رود از خانهٔ خود یا از خانهٔ غیر خود در اول صبح پس برخورد
اسبی سرخی که سفیدی داشته باشد مبارکست از برای او آن و آن روز و اگر بوده باشد آن
اسب سفیدی پیشانی که فرو ریخته بطرف بینی پس آن عیش است و نمیرسد از آن روز باو
مگر خوشحالی و بر می آورد الله تعالی حاجت او را و باز از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل نموده
نقیه که از برای دابه بر صاحبش چند خصلت است ابتدا کند بعلف برای هر گاه پایین آید
و بنماید بر او آب هر گاه بگذرد بآب و نزند روی او را پس بدرستی که او تسبیح میکند و حمد میکند
رب خود را و نه ایستد بر پشت آن اسب مگر در راه خدا و بار نکند او را فوق طاقت او
و تکلیف نکند او را از رفتن مگر آنچه طاقت اوست و سوال کرد مردی ابا عبدالله علیه السلام را
که کی بزنم دابه را که در زیر ما است فرمود هر گاه نرود در زیر تو مثل رفتن بسوی علفگاه
و باز فرمود بزنید اسب را وقتی که بسر در آید و نزنید وقتی که رم کند پس بدرستی که او
می بیند چیزی را که نمی بینید آنچیز را شما و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه بسر در آید
دابه در زیر مرد پس میگوید بمیر تو میگوید او بمیرد کسی که عاصی تر باشد از ما یعنی نافرمانی
خدا بیشتر کند و باز پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ننشیند تو بر پشت بر دواب و نگیرید
او مجالس و باز فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله در قول الله تعالی که اَلَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و فرمود نازل شد این آیه در نفقهٔ بر خیل و باز فرمود ابو عبدالله ع

که بخرید شتر سیاه بد صورت جهة آنکه او طویل العمر است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که شتر باعث عزت است از برای صاحبش و نهی فرمود آنحضرت از آنکه بکذرد میان قطارهٔ
گفتند یا رسول الله از برای چه فرمود از برای آنکه میان شتر تا شتری شیطانیست و فرمود
آنحضرت کسی که اعانت کند مؤمن مسافری را بر میدارد الله تعالی از و هفتاد و سه حزن را و پناه
میدهد او را در دنیا و آخرت از غم و هم و بر میدارد از و حزن عظیم را روزی که مشغول باشند مردمان
بنفسهای خودشان و فرمود مروت دو تا است مروت در سفر و مروت در حضر پس در حضر
تلاوت قرآنست و بسیار رفتن در مساجد و رفتن با برادران در حوایج ایشان و نعمتی که دیده
شود بر خادم جهة آنکه باین خوشحال میشود دوست و خشمناک میشود دشمن و اما
آنچه در سفر است بسیار و پاکیزه بودن توشه است و بذل او از برای کسی که بوده باشد با تو و پوشیدن
تو بر مردمان امر ایشانرا که واقع شده باشد در آن سفر بعد از مفارقت از ایشان و بسیار کردن
خوش طبعی در غیر آنچه بغضب آورد خدا را پس فرمود قسم بخدای که فرستاده مرا به پیغمبری بحق
آنکه خدای تعالی هر آینه روزی میدهد بنده را بر قدر مروت و بدرستی که یاری از جانب خدا نازل
میشود بر قدر خرج و صبر نازل میشود بر قدر سختی بلا مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که بپرهیزید شما از نزول در شب بجهت استراحت بر پشت راه و میان رودخانه پس بدرستی که
اینها محل عبور درنده و ماوای آمارهاست و باز پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده کسی که
فرود آید بمنزلی و بترسد در آن منزل از سبع پس بگوید این دعا را أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ نمیگوید این را مگر آنکه ایمن میشود از شر او تا کوچ کند از آن
منزل انشاء الله تعالی از ابو عبدالله علیه السلام که فرمود در راه رفتن جلد بروید که این
سبکتر است بر شما و روایت شده که رسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر جمعی از پیادگان
شکایت کردند بآن حضرت از سختی پیادگی پس فرمود ایشانرا که یاری جوئید شما به تند

رفتن

مقدر رزق و وسعت و غیر آن

از ابی عبدالله علیه السلام منقولست که فرمود که گفت لقمان از برای پسرش که هرگاه سفر کنی تو
با جمعی پس بسیار مصلحت کن با ایشان در امر خودت و امور ایشان و تبسم کن در رو بهای
ایشان و کریم باش در توشهٔ خودت میان ایشان و هرگاه دعوت کنند ترا پس اجابت کن ایشانرا
و اگر اعانت خواهند از تو پس اعانت کن ایشانرا و اگر فریاد رسی خواهند از تو پس فریاد رس ایشانرا
و بسیار بکار بر کم حرف زدن را و بسیار کردن نماز را و بکار بر جود و سخاوتی که در نفس تست
با آنچه داری از دابه یا آب یا توشه و هرگاه طلب شهادت کنند از تو بر حق پس شهادت ده
برای ایشان و جهد کن رأی خود را برای ایشان و هرگاه طلب مشورت کنند بتو پس عزم
مکن تا ایستادگی کنی و جواب مده در هر مشورتی تا برخیزی در آن و بنشینی و بخوابی و بخوری
و نماز کنی و حال آنکه استعمال کننده باشی فکر خود را و حکمت خود را در مشورت خود پس اگر
کسی خالص نکند خیرخواهی را از جهة کسی که طلب مشورت کند را ازو برطرف میکند الله تعالی
رای او را و نزع میکند ازو امانت را و هرگاه بر بینی تو اصحاب خود را که پیاده میروند پس پیاده
رو با ایشان و هرگاه بر بینی تو ایشان را که میکنند کاری را پس عمل کن با ایشان و هرگاه تصدق
کنند ایشان و بدهند ایشان قرض پس عطا کن با ایشان و گوش کن از برای کسی که او بحسب
سن بزرگتر باشد از تو و هرگاه امر کنند ترا بامری و سوال کنند ترا بچیزی پس بگو بلی و نه مگو
پس بدرستی که نه گفتن گمراهی و ضلالت و ملامت است و هرگاه حیران شوید در راه پس فرود آیید
و هرگاه شک کنید شما در راه راست که اینست یا نه پس بایستید و صبر کنید و مصلحت
بینید با هم و هرگاه بر ببینید شخصی واحد را پس سوال نکنید او را از راه خودتان و ارشاد
نجوئید از و پس بدرستی که مرد تنها در بیابان شک انداز نده است بسا باشد که او بوده باشد
جاسوس دزدان یا بوده باشد او شیطان آنچنان که حیران کرده است شما را و حذر کنید
از دو شخص نیز مگر آنکه بر بینی چیزی را که من نه بینم پس بدرستی عاقل هرگاه بر بیند
بعینه چیزی را میشناسد حق را ازو و حاضر می بیند چیزی را که نمی بیند غایب ای پسر من

و تفکر کنی صح

ای پسر

ای پسر من هرگاه برسد وقت نماز پس تاخیر مکن نماز را از برای چیزی نماز کن و استراحت بجوی
از نماز پس بدرستی که این نماز دین است و نماز را با جماعت کن و اگرچه بر سر نیزه باشی و خواب مکن
بر بالای دابهٔ خود پس بدرستی که این زود زخم میکند اسب او و نیست این از فعل حکما مگر
آنکه بوده باشی در کجاوه و ممکن باشد ترا که و اکشی خود را از برای نرم شدن مفاصل و هرگاه نزدیک
شدی بمنزل پس پائین بیا از دابهٔ خود و ابتدا کن بعلف او پیش از خود پس بدرستی که آن نفس است
و هرگاه اراده کنید پائین آمدن را پس بر شما است آنکه پائین بیائید از بقعهای زمین که نیکوتر
باشد رنگ او و نرمتر باشد خاک او و بیشتر باشد گیاه او پس هرگاه فرود آمدی تو پس نماز کن
دو رکعت پیش از آنکه بنشینی و هرگاه اراده کنی بقضاء حاجت پس دور رو و هرگاه کوچ کنی
دو رکعت نماز کن پس وداع کن زمین را که پائین آمده بودی تو و سلام کن بر آن زمین و بر اهل
او پس بدرستی که از برای هر بقعه اهلی است از ملائکه و اگر استطاعت داشته باشی آنکه نخوری
طعام تا ابتدا بتصدق کنی از و پس بکن و بر تو است خواندن کتاب الله عز و جل مادامی که تو سوار
باشی و بر تست به تسبیح مادامی که تو میکنی عملی و بر تست بدعا مادامی که تو خالی باشی از عمل و بپرهیز
تو راه رفتن از اول شب و برو در آخر شب و بپرهیز تو از بلند کردن آواز در راه از ابی عبدالله علیه السلام
فرمود هرگاه راه گم کنی پس فریاد کن یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و روایت
شده آنکه صالح نامی موکل است ببر و حمزه نامی موکل است ببحر و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
یا علی هرگاه پائین آئی تو منزلی را پس بگوی اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِی مَنْزِلًا مُبَارَکًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ
روزی داده میشود خیری او و دفع کرده میشود از تو شر آن منزل و بود در وصیت رسول الله
صلی الله علیه و آله از برای علی علیه السلام که یا علی هرگاه اراده کنی شهری یا قریه را پس بگوی وقتی که
ببینی آن شهر یا قریه را بمعاینه بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَهَا وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ
حَبِّبْنَا اِلٰی اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِیْ اَهْلِهَا اِلَیْنَا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه گم کنید شما
راه را پس میل کنید بطرف راست از صادق علیه السلام منقولست که فرمود بر بلندی هر جسر شیطانی است

پس هرگاه برسی بسوی او پس بگو بسم الله یرحل عنک و فرموده رسول صلی الله علیه و آله
سفر قطعه ایست از عذاب پس هرگاه قضا کند احدی از شما سفر را پس زود برگردد بسوی اهل خود

باب نهم در اعمال رجب و شعبان و رمضان المبارک و ادعیه و ثواب آن و آنچه متعلق
بآنست فصل اول در آداب شهر رجب و افعال آن

بدانکه ماه رجب یکی از شهر حرم است و آن
ماهیست عظیم و محترم و از اینجهت آنرا رجب مینامند زیرا که رجب بمعنی بزرگیست از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که حق تعالی را در آسمان هفتم ملکی است که آنرا داعی میگویند و چون ماه رجب داخل
شود هر شب تا طلوع صبح آن ملک ندا میکند که خوشا حال کسانی که بذکر خدا مشغول باشند
و خوشا کسانی که اطاعت خدا کنند الله تعالی میفرماید که من همنشین میکنم کسانی را که همنشین من باشند
و اطاعت میکنم کسی را که اطاعت من میکند و می آمرزم کسی را که طلب آمرزش از من کند ماه ماه منست
و بنده بنده منست و رحمت رحمت منست هر که سوال کند عطا میکنم و هر که طلب هدایت کند او را
هدایت میکنم گردانیده ام این ماه را رشته در میان خود و بندگان خود هر که در ان چنگ زند
برضوان و خشنودی من فایز شود نقیه از ابو عبدالله علیه السلام روایت نموده که فرمود نوح علیه السلام
در روز اول رجب بکشتی نشست و قوم خود را که با او در کشتی داخل شدند امر فرمود که روزه داشتند
و گفت کسی که روزه دارد این روز را دور شود از و آتش جهنم بقدر یکساله راه و کسی که روزه دارد
هفت روز را بسته میشود از و درهای هفتگانه جهنم و کسی که روزه گیرد هشت روز گشاده
میشود از برای او درهای هشتگانه بهشت و کسی که روزه دارد پانزده روز عطا کرده میشود
آنچه سوال کند او و کسی که زیاده از پانزده روز روزه گیرد زیاد میکند از برای او حق تعالی و
کسی که روزه گیرد سه روز واجب میشود از برای او بهشت و در حدیث دیگر فرموده حضرت رسول
صلی الله علیه و آله هر که سه روز از رجب روزه دارد حق تعالی برای او بهر روز روزه سالی بنویسد
و هر که هفت روز روزه دارد ببندد بر روی او هفت در جهنم را و هر که هشت روز روزه دارد بگشاید
برای او هشت در بهشت را و هر که پانزده روز روزه دارد بنویسد برای او رضوان و خشنودی خود را

و کسی که حق تعالی رضای خود را برای او بنویسد دیگر عذاب نکند او را یکی از اصحاب عرض نمود که یا رسول الله
کسی که نتواند روزه داشتن ماه رجب را بجهت ضعفی یا مرضی که او را عارض شده باشد یا زنی که حایض
باشد چه عملی بکند تا برسد باین ثوابها که وصف نمودی فرمود که تصدق کند از هر روزی بگرده نانی بر
مساکین بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هرگاه هر روز این صدقه را بدهد برسد بثواب
آنچه وصف کردم و بیشتر و اگر همه خلایق از اهل آسمانها و زمین جمع شوند که تقدیر نمایند بانداز
در آورند ثواب آنرا نتوانند رسید بده یک آنچه باو عطا میکنند در مراتب عالیه بهشت از فضایل و
درجات پس عرض کرد که یا رسول الله کسی که قادر نباشد بر این تصدق چه عمل بکند تا برسد بآن ثوابها
فرمود که در هر روز از ماه رجب تا آخر این تسبیح را صد نوبت بگوید سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ
در فضیلت خواندن سوره توحید در ماه رجب سید عالیمقدار علی بن طاوس علیه الرحمه در اقبال از
پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در عمر خود ده هزار نوبت سوره توحید در ماه رجب بخواند
با نیت خالص محشور کرده شود در دنیا متدرجا که از گناهان خود بیرون آمده باشد مانند روزی که از
مادر متولد شده باشد و باستقبال او آیند هفتاد ملک و او را بشارت دهند به بهشت و در حدیث
دیگر نقل نموده که آنحضرت فرموده که هر که هزار نوبت توحید بخواند بیاید روز قیامت با عمل هزار پیغمبر
و هزار ملک و در درگاه الهی مقربتر از او نباشد مگر کسی که زیاده از او این سوره را خوانده باشد پس
فرمود که ثواب خواندن این سوره در ماه رجب مضاعف است و در حدیث دیگر روایت نموده که
آنحضرت فرموده که هر که سوره توحید را صد نوبت بخواند الله تعالی برکت دهد برای او و فرزندان و اهل و
همسایگان او و هر که این سوره را در ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت بنا کند
دوازده هزار قصر که مکلل باشد بدر و یاقوت و بنویسد برای او هزار هزار حسنه پس ملائکه را
امر کند که ببرید این بنده مرا و باو بنمایید آنچه برای او مهیا نموده ام پس بیایند نزد او ده
هزار قهرمان و ایشان ملکی چندند موکل بر مساکن او در بهشت پس بگشایند برای او هزار هزار قصر

ازیاقوت سرخ که همهٔ آنها مکلّل باشد بدرّ و یاقوت سرخ و حُلی و حلل آنقدر که وصف
نتوانند کرد و احاطه نتوانند نمود بآن مگر علم خداوند تعالی و او چون بر بیند این قصرها
و مراتب عالیه را دهشت کند و متحیّر شود و گوید اینها از برای کدام یک از پیغمبرانست پس
ایشان گویند اینها برای تست بسبب خواندن سورهٔ قل هو الله احد و در حدیث دیگر روایت
نموده که هر که در روز جمعهٔ ماه رجب توحید را صد نوبت بخواند او را در موقف قیامت نوری
باشد که پیشاپیش او راه رود تا او را به بهشت داخل سازد **ذکر** اذکار مطلقهٔ در رجب
و شعبان و رمضان المبارک دیلمی در اعلام الدین و کفعمی در بلد الامین روایت نموده اند
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر روز و
شب این سه ماه بخواند سورهٔ حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه نوبت و بگوید سه نوبت سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ و سه نوبت
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه نوبت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و
و چهار صد نوبت اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بحق آنکه نفس من در قبضهٔ قدرت
اوست که هر که اعمال را بجای آورد و چیزی از آنها ازو فوت نشود حق تعالی گناهان او را
بیامرزد اگرچه مانند قطرات باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید فطر
از جانب حق تعالی منادی ندا کند که ای بندهٔ من تو ولی من و دوست منی حقا و تراست نزد
من بسبب کرامت تو پیش من بهر حرفی شفاعتی در برادران و خواهران خود بحق آنکه مرا بحق
و راستی به پیغمبری فرستاده که هر که بخواند این سورها را و بعمل آورد این عمل را در روزها و
شبهای این سه ماه و اگرچه در عمر خود یکنوبت باشد حق تعالی عطا فرماید او را بهر حرفی
هفتاد هزار حسنه که هر حسنه گرانتر باشد از کوههای دنیا و بر آورد برای او هفتصد حاجت
در نزد بیرون آمدن از قبر و هفتصد حاجت در نزد پهن نمودن نامهای عمل و هفتصد حاجت

در نزد صراط و هفتصد حاجت در نزد میزان و او را در سایهٔ عرش خود جای دهد و حساب او را
آسان سازد و او را هفتاد هزار ملک مشایعت کنند تا به بهشت داخل شود و در آنجا برای او
مهیا شده باشد چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد
اذکاری که در ماه رجب خوانده شد سید ابن طاوس علیه الرحمة از پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که در ماه رجب صد نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَحْدَهُ
لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ پس تصدقی بکند حق تعالی خاتمهٔ کار او را برحمت و آمرزش
بکرده اند و هر که چهار صد نوبت این استغفار را بگوید الله تعالی برای او صد کس از شهدا
بنویسد و چون در روز قیامت خدا را ملاقات کند با او خطاب فرماید که تو در دنیا بملک
و پادشاهت من اقرار نمودی پس امروز آرزو کن و طلب نما آنچه خواهی تا بتو عطا کنم بدرستی
که کسی که صاحب قدرت و توانائی نیست بغیر من و باز آنحضرت روایت نموده که هر که در ماه رجب
هزار نوبت بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ حق تعالی برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد شهر در بهشت
بنا کند و باز از آنحضرت روایت نموده که هر که در ماه رجب هفتاد نوبت در صبح و هفتاد در
شام بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ پس دستهای خود بلند کرده و بگوید اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِی وَتُبْ عَلَیَّ اگر درین ماه بمیرد الله تعالی ازو راضی باشد و آتش جهنم او را مس نکند برکت
ماه رجب و فقیه در کتاب عیون اخبار الرضا روایت نموده که در شب معراج حق تعالی به پیغمبر
صلی الله علیه و آله خطاب فرمود که ای محمد هر که در ماه رجب هزار نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ
ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ مِنْ جَمِیعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ او را بیامرزم و سه نوبت فرمود که اگر نیا مرزم
پروردگار شما نباشم **ذکر آنچه** در ادعیه که در هر روز از ماه رجب باید خواندن سید ابن
طاوس بسند معتبر از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام روایت نموده که
آنحضرت در هر روز از ماه رجب این دعا میخواندند خَابَ الْوَافِدُونَ عَلٰی غَیْرِکَ وَ
خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلَّا لَکَ وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ اِلَّا بِکَ وَاَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ اِلَّا مَنِ انْتَجَعَ

فَضْلَكَ بابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبينَ وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبينَ وَفَضْلُكَ مُباحٌ لِلسّائِلينَ
وَنَيْلُكَ مُباحٌ لِلْآمِلينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواكَ
عادَتُكَ الْإِحْسانُ إِلَى الْمُسيئينَ وَسَبيلُكَ الْإِبْقاءُ عَلَى الْمُعْتَدينَ اَللّٰهُمَّ فَاهْدِني هُدَى
الْمُهْتَدينَ وَارْزُقْني اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدينَ وَلا تَجْعَلْني مِنَ الْغافِلينَ الْمُبْعَدينَ وَاغْفِرْ لي
يَوْمَ الدّينِ و شیخ طوسی و سید ابن طاوس بسند معتبر از یونس بن ظبیان روایت نموده اند
که معلی بن خنیس بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که ای سید و مولای من مرا
تعلیم نمای دعای که در ماه رجب بخوانم و جامع باشد آنچیزی را که شیعیان در کتابهای خود
ودیعه کرده اند پس فرمود که بگوای معلی اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشّاكِرينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخائِفينَ
مِنْكَ وَيَقينَ الْعابِدينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْبائِسُ الْفَقيرُ وَأَنْتَ
الْغَنِيُّ الْحَميدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّليلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ بِغِناكَ عَلى
فَقْري وَبِحِلْمِكَ عَلى جَهْلي وَبِقُوَّتِكَ عَلى ضَعْفي يا قَوِيُّ يا عَزيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ وَاكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ
پس فرمود ای معلی والله که این دعا برای تو جمع نموده است آنچه از نزد ابراهیم خلیل تا زمان
محمد صلی الله علیه وآله بوده و باز روایت نموده اند که از ناحیهٔ مقدسه بر دست ابی القاسم
حسین بن روح رضی الله عنه که یکی از نوابان حضرت صاحب الامر علیه السلام است بیرون
آمده که در ایام ماه رجب این دعا خوانده شود اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلودَيْنِ في رَجَبٍ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثّاني وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَأَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يا
مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْروفُ طُلِبَ وَفيما لَدَيْهِ رُغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ
ذُنوبُهُ وَأَوْثَقَتْهُ عُيوبُهُ وَطالَ عَلَى الْخَطايا دُؤوبُهُ وَمِنَ الرَّزايا خُطوبُهُ يَسْأَلُكَ
التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ وَالنُّزوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمّا
في رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّريفَةِ

وَوَسائِلِكَ الْمُنيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَني في هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وازِعَةٍ وَ
نَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَةٍ إِلى نُزولِ الْحافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَما هِيَ إِلَيْهِ صائِرَةٌ و باز
روایت نموده اند از محمد بن ابی الرواد رواسی که گفت در روزی از روزهای ماه رجب با محمد بن
جعفر دهان رفتیم بمسجد صعصعه و در آنجا نماز میگذاردیم ناگاه مردی را دیدیم که از ناقهٔ خود فرود
آمده و آنرا در محل سایه عقال کرد و بمسجد داخل شد و دو رکعت نماز طولانی بجای آورد پس دستها را
بلند کرد و دعای که مذکور خواهد شد خواند و چون فارغ شد بر ناقهٔ خود سوار شده خواست که روانه شود محمد بن
جعفر گفت که بیا تا بپرسیم که کیست او رفتیم و او را بخدا قسم دادیم که تو کیستی فرمود که بگمان شما من کیستم
رفیقم گفت که ترا خضر گمان میبریم پس بمن فرمود که تو نیز چنین گمان داری گفتم بلی فرمود که والله من
آنکسم که خضر محتاج است بدیدن او برگردید که من امام زمان شمایم و دعا اینست اَللّٰهُمَّ يا ذَا
الْمِنَنِ السّابِغَةِ وَالْآلاءِ الْوازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ وَالنِّعَمِ الْجَسيمَةِ وَ
الْمَواهِبِ الْعَظيمَةِ وَالْأَيادِي الْجَميلَةِ وَالْعَطاءِ الْجَزيلَةِ يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثيلٍ وَلا يُمَثَّلُ
بِنَظيرٍ وَلا يُغْلَبُ بِظَهيرٍ يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلا فَارْتَفَعَ
وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطى فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ
يا مَنْ سَما فِي الْعِزِّ فَفاتَ نَواظِرَ الْأَبْصارِ وَدَنا فِي اللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْكارِ يا مَنْ
تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلا نِدَّ لَهُ في مَلَكوتِ سُلْطانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءِ فَلا ضِدَّ لَهُ في جَبَروتِ
شَأْنِهِ يا مَنْ حارَتْ في كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ دَقائِقُ لَطائِفِ الْأَوْهامِ وَانْحَسَرَتْ دونَ إِدْراكِ
عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أَبْصارِ الْأَنامِ يا مَنْ عَنَتِ الْوُجوهُ لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقابُ
لِعَظَمَتِهِ وَوَجِلَتِ الْقُلوبُ مِنْ خيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتي لا تَنْبَغي إِلّا لَكَ
وَبِما وَأَيْتَ بِهِ عَلى نَفْسِكَ لِداعيكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَبِما ضَمِنْتَ الْإِجابَةَ فيهِ عَلى نَفْسِكَ
لِلدّاعينَ يا أَسْمَعَ السّامِعينَ وَيا أَبْصَرَ الْمُبْصِرينَ وَيا أَنْظَرَ النّاظِرينَ وَيا أَسْرَعَ الْحاسِبينَ
وَيا أَحْكَمَ الْحاكِمينَ وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَعَلى أَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ

الاخیار وان تقسم لی فی شهرنا هذا خیر ما قسمت وان تحتم لی فی قضائک خیر ما
حتمت وتختم لی بالسعادة فیمن ختمت واحینی ما احییتنی موفورا وامتنی
مسرورا ومغفورا وتول انت نجاتی من مسائلة البرزخ وادرا عنی منکرا ونکیرا
وارا عینی مبشرا وبشیرا واجعل لی الی رضوانک وجنانک مصیرا وعیشا قریرا و
ملکا کبیرا وصلی الله علی محمد واله بکرة واصیلا یا ارحم الراحمین وابن
طاوس علیه الرحمه ذکر نموده که در روایتی که بنظر من رسیده این تتمه نیز بود اللهم
انی اسئلک بمعقد عزک علی ارکان عرشک ومنتهی رحمتک من کتابک واسمک
الاعظم وذکرک الاعلی وکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد وال
محمد واسالک ما کان اوفی بعهدک واقضی لحقک وارضی لنفسک وخیرا لی فی
المعاد عندک والمعاد الیک ان تعطینی جمیع ما احب وتصرف عنی جمیع ما اکره
انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین و دور نیست که این دعاء شریف
اختصاص بماه رجب نداشته باشد واز شیخ وسید از حضرت علی بن الحسین علیه السلم
روایت نموده اند که آنحضرت در ماه رجب بجهت عمره بمکه داخل شدند ودر اکثر اوقات روز
در نزد کعبه نماز میکذاردند ودر اکثر اوقات شب وروز بسجده میرفتند ودر سجود میکفتند
عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عبدک ودر احادیث بسیار فضیلت عمره در ماه
رجب واقع شده ودر بعضی اخبار وارد شده که آن معادل حج است وثواب حج دارد [illegible]
شب رغائب است ودر روز جمعه آن بدانکه شب رغایب شب جمعه اول ماه رجب است وآن
شبی است که بغایت عظیم ومتبرک ودر این شب حق تعالی عطایا وبخششهای بسیار ببندگان خود
کرامت میفرماید ولهذا آنرا لیلة الرغایب مینامند زیراکه رغایب جمع رغیبه است وآن بمعنی
بخشش بسیار است ابن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت نموده که آنحضرت فرمود
که غافل مباشید از شب جمعه اول ماه رجب بدرستی که آن شبی است که ملائکه آنرا لیلة الرغایب مینامند

وچون ثلث اول از ان شب بگذرد هیچ ملکی از آسمانها وزمین نماند مگر آنکه در کعبه وحوالی آن جمع شوند
وحق تعالی بایشان خطاب فرماید که ای ملائکه من طلب کنید از من آنچه خواهید پس ملائکه گویند که اجابت پروردکارا م
ما آنست که بیامرزی روزه داران ماه رجب را پس حق تعالی فرماید که آمرزیدم ایشانرا پس آنحضرت
فرمود که هر که روزه دارد پنجشنبه اول رجب را وچون شب شود میانه نماز شام وخفتن دوازده
رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد سوره انا انزلناه سه نوبت
وقل هو الله دوازده نوبت بخواند وچون از تمام رکعات نماز فارغ شود هفتاد نوبت صلوات
بفرستد باین قسم اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی اله پس سجده کن وهفتاد نوبت بگوید
سبوح قدوس رب الملائکة والروح پس سر بردارد وبگوید رب اغفر وارحم وتجاوز
عما تعلم انک انت العلی العظیم پس باز بسجده رود وهفتاد نوبت بگوید آنچه در سجده
اول گفته واز حق تعالی حاجت خود را طلب نماید البته حاجت او برآورده شود ان شاء الله
پس فرمود بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که نگذارد هیچ بنده مردی یا زنی این نماز را
مگر آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان او را اگرچه بقدر کف دریا وریگ بیابان وگرانی کوهها
وعدد برگ درختان باشد وشفاعت کند او در روز قیامت هفتصد نفر از اهل بیت خود را
که مستوجب جهنم شده باشند وبرانگیزد الله تعالی برای او در شب اول قبر ثواب این نماز را به بهترین صورتی
که آید نزد او با روی شکفته وزبان نیکو وگوید که ای دوست من بشارت باد ترا که نجات یافتی از هر
شدتها پس آنکس گوید که تو کیستی که ندیده ام روی نیکوتر از روی تو وبمشام من نرسیده بوی خوشتر
از بوی تو جواب گوید که ای دوست من من ثواب آن نمازم که کردی در فلان شب در فلان بلد در فلان
ماه ودر فلان سال الحال آمده ام تا قضای حق تو کنم ومونس شبهای تو باشم ووحشت از تو
دور کردانم وچون صور دمیده شود در عرصه قیامت سایه افکنم بر سر تو وبدرستی که تو هرگز از خیر وثواب
پروردگار خود دور ومحروم نخواهی بود **شب اول** دیگر در اعمال الیالی وبعضی از ایام ماه رجب
ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال بسند متصل برسول صلی الله علیه وآله از آنحضرت روایت نموده

که آنحضرت چون هلال ماه رجب را میدیدند این دعا میخواندند اللّهمّ بارك لنا في رجب و
شعبان وبلّغنا شهر رمضان واعنّا على الصّيام والقيام وحفظ اللّسان وغضّ البصر
ولا تجعل حظّنا منه الجوع والعطش و باز از آنحضرت روایت نموده که هر که در نزد دیدن
ماه رجب هفت نوبت سورهٔ حمد بخواند حق تعالی او را در آن ماه از درد چشم ایمن کرده اند و
بدانکه این شب اوّل رجب یکی از لیالی اربعهٔ متبرکه است و سنّت است احیا نمودن آن بعبادات
وطاعات و قربات از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام منقولست که هر که احیا کند شبی از
شبهای ماه رجب را حق تعالی عطا کند با و ثواب آزاد کردن یک بندهٔ و او را از آتش جهنّم
آزاد کرده اند و شفاعت او را در هفتاد هزار کس از گناهکاران قبول فرماید و از صادق ع
منقولست که حضرت علی علیه السّلام را خوش می آید که خود را فارغ سازد در سالی چهار
شب که آن شب اوّل رجب و شب نیمهٔ شعبان و شب عید رمضان و شب عید قربان از
امیر المؤمنین علیه السّلام که با و فرمود تا توانی محافظت کن بر چند شب و دعا و نماز و تلاوت
قرآن در این شبها بسیار کن و از جملهٔ آنها شب اوّل ماه رجب را ذکر فرمود و غسل در ان شب
مستحبّ است بسند ابن طاوس علیه الرّحمه از صاحب کتاب روضة العابدین نقل نموده که
او بسند خود از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت کرده که آنحضرت با صحاب خود فرمود که هر که در شب
اوّل رجب بعد از نماز مغرب هشت رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد سورهٔ توحید یکنوبت بخواند آیا ثواب او را میدانید گفتند خدا و رسول داناترانند
بآن فرمود که جبرئیل تعلیم کرد مرا که محفوظ باشد او و اهل و مال و ولد او و ایمن باشد از
عذاب قبر و از صراط بحساب بگذرد چون برق جهنده و شیخ طوسی و سید بن طاوس
رضی الله عنهما بسند معتبر از امام محمد تقی علیه السّلام روایت نموده اند که آنحضرت بیکی از
اصحاب خود فرمود که در شب اوّل ماه رجب بعد از نماز عشا این دعا را میخوانی اللّهمّ
انّي اسئلك بانّك مليك وانّك على كلّ شيء مقتدر وانّك ما تشاء من امر

ملی

۸۸

يكن اللّهمّ انّي اتوجّه اليك بنبيّك محمّد نبيّ الرّحمة صلواتك عليه وآله يا محمّد
يا رسول الله انّي اتوجّه الى الله ربّي وربّك لينجح بك طلبتي اللّهمّ بنبيّك محمّد
وبالائمّة من اهل بيته انجح طلبتي پس حوایج خود را از حق تعالی طلب مینمائی و باز
بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت نموده اند که آن حضرت در این
شب بعد از فراغ از نماز شب بسجود میرفتند و این دعا میخواندند لك الحمد ان اطعتك
ولك الحجّة ان عصيتك لا صنع لي ولا لغيري في احسان الّا بك يا كائنا قبل كلّ
شيء ويا مكوّن كلّ شيء انّك على كلّ شيء قدير اللّهمّ انّي اعوذ بك من العديلة
عند الموت ومن شرّ المرجع في القبور ومن النّدامة يوم الازفة فاسئلك ان تصلّي
على محمّد وآله وان تجعل عيشتي عيشة نقيّة وميتتي ميتة سويّة ومنقلبي منقلبا
كريما غير مخز ولا فاضح اللّهمّ صلّ على محمّد وآله الائمّة ينابيع الحكمة و
اولي النّعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من كلّ سوء ولا تأخذني على
غرّة ولا على غفلة ولا تجعل عواقب اعمالي حسرة وارض عنّي فانّ مغفرتك للظّالمين
وانا من الظّالمين اللّهمّ اغفر لي ما لا يضرّك واعطني ما لا ينقصك فانّك الوسيع
رحمته البديع حكمته واعطني السّعة والدّعة والامن والصّحّة والنّجوع والقنوع
والشّكر والمعافاة والتّقوى والصّبر والصّدق عليك وعلى اوليائك واليسر
والشّكر واعمم بذلك يا ربّ اهلي وولدي واخواني فيك ومن احببت واحبّني
وولدت وولدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات يا ربّ العالمين
باز شیخ و سید علیهما الرّحمة والغفران از ابن اثیم رضی الله عنه نقل نموده که گفت بعد از
سه رکعت نماز وتر نشسته میخوانی این دعا را الحمد لله الّذي لا تنفد خزائنه
ولا يخاف آمنه ربّ ان ارتكبت المعاصي فذلك ثقة منّي بكرمك انّك تقبل
التّوبة عن عبادك وتعفو عن سيّئاتهم وتغفر الزّلل وانّك مجيب لداعيك ومنه

صلّى عليه وآله

رَبِّی وَاَنَا تَائِبٌ اِلَیْکَ مِنَ الْخَطَایَا وَرَاغِبٌ اِلَیْکَ فِی تَوْفِیرِ حَظِّی مِنَ الْعَطَایَا یَا
خَالِقَ الْبَرَایَا یَا مُنْقِذِی مِنْ کُلِّ شَدِیدَةٍ یَا مُجِیرِی مِنْ کُلِّ مَحْذُورٍ وَفِّرْ عَلَیَّ السُّرُورَ
وَاکْفِنِی شَرَّ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ فَاَنْتَ اللّٰهُ عَلَی نَعْمَائِکَ وَجَزِیلِ عَطَائِکَ مَشْکُورٌ
وَلِکُلِّ خَیْرٍ مَذْخُورٌ و باز ابن عباس روایت نموده اند که حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام درین ساعت یعنی بعد از فراغ از تمام نماز شب میخواندند این دعا را
یَا نُورَ النُّورِ یَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ یَا مُجْرِیَ الْبُحُورِ یَا بَاعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ یَا کَهْفِی
حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَکَنْزِی حِینَ تُعْجِزُنِی الْمَکَاسِبُ وَمُونِسِی حِینَ تَجْفُونِی الْاَبَاعِدُ
وَتَمَلُّنِی الْاَقَارِبُ وَمُنَزِّهِی بِمُجَالَسَةِ اَوْلِیَائِهِ وَمُرَافَقَةِ اَحِبَّائِهِ فِی رِیَاضِهِ وَ
سَاقِیَّ بِمُؤَانَسَتِهِ مِنْ نَمِیرِ حِیَاضِهِ وَدَافِعِی بِمُجَاوَرَتِهِ مِنْ وَرْطَةِ الذُّنُوبِ اِلَی
رَبْوَةِ التَّقْرِیبِ وَمُبَدِّلِی بِوِلَایَتِهِ عِزَّةَ الْعَطَایَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَایَا اَسْئَلُکَ یَا مَوْلَایَ
بِالْفَجْرِ وَاللَّیَالِی الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّیْلِ اِذَا یَسْرِ وَبِمَا جَرَی بِهِ قَلَمُ الْاَقْلَامِ
بِغَیْرِ کَفٍّ وَلَا اِبْهَامٍ وَبِاَسْمَائِکَ الْعِظَامِ وَبِحُجَجِکَ عَلَی جَمِیعِ الْاَنَامِ عَلَیْهِمْ مِنْکَ اَفْضَلُ
السَّلَامِ وَبِمَا اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ اَسْمَائِکَ الْکِرَامِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ وَتَرْحَمَنَا فِی
شَهْرِنَا هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْاَیَّامِ وَاَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الصِّیَامِ فِی عَامِنَا
هٰذَا وَفِی کُلِّ عَامٍ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَالْمِنَنِ الْجِسَامِ وَعَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنَّا
اَفْضَلُ السَّلَامِ روز اول رجب و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر از پدرش از جدش از
رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد
بهشت از برای او واجب شود و در روز اول رجب نماز سلمان فارسی است شیخ طوسی
و سید بن طاوس باسانید معتبره از سلمان فارسی روایت کرده که گفت داخل شدم
بر رسول خدا در روز آخر ماه جمادی الآخر در وقتی که داخل نشده بودم بر آن حضرت
در آن وقت پیش از آن پس فرمود که ای سلمان تو از اهل بیت مائی میخواهی که برای تو

حدیثی بگویم گفتم بلی فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله فرمود که ای سلمان هر مؤمن و مؤمنه
که در اینماه سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد و قل یا
ایها الکافرون را هر یک سه نوبت بخواند حق تعالی محو کند از او هر گناهی که در صغر و کبر سن
کرده باشد و عطا کند باو ثواب کسی که تمام اینماه را روزه داشته باشد و او را از نمازگزارندگان
بنویسند تا سال آینده و برای او در هر روز بلند کردانند عمل شهیدی از شهدای بدر و بهر روزی
که روزه دارد از اینماه عبادت سالی برای او بنویسند و هزار درجه برای او بلند گردانند
اگر تمام اینماه را روزه دارد حق تعالی او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را برای او واجب
گرداند ای سلمان مرا باین نماز خبر داد جبرئیل علیه السلام که گفت ای محمد این نماز علامت است
میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند سلمان میگوید که گفتم یا رسول الله خبر ده
مرا که چگونه بگذارم این نماز را و در چه وقت بجای آورم آنرا فرمود که ای سلمان بگذار در روز
اول ماه رجب ده رکعت و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سورهٔ قل هو الله و قل یا ایها الکافرون
را سه نوبت بخوان و چون سلام بگوئی دستها را بردار و بگوی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ
لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ پس
دستها را بر روی خود بمال و بگذار در روز نیمهٔ این ماه نیز ده رکعت بهمان طریق که مرتبه
اول در اول ماه کردی و چون سلام بگوئی دستها را بردار و بگوی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلَی
کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ
الْجَدُّ پس دستها را بر روی خود بمال و بگذار در آخر اینماه نیز ده رکعت بهمان طریق که
خودم
در اول و نیمهٔ ماه کردی و چون سلام بگوئی بردار دستهای خود را بسوی آسمان و بگوی
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلا حَوْلَ وَ
لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دستها را بر روی خود فرود آورد و حاجت خود را
طلب کند که حق تعالی بر آورد آنرا و بگرداند میانهٔ تو و جهنم هفت خندق هر خندقی مانند
میانهٔ آسمان و زمین و بنویسد برای تو بهر رکعتی هزار هزار رکعت و بنویسد برای تو
برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن از صراط گفت سلمان که چون این حدیث را
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم بر روی در افتادم و خدا را سجده کردم
و با گریه و زاری شکر الهی بجای آوردم و ظاهر آنست که این دعا را در آخر هر دو رکعت باید
خواند شود و باز ابن طاوس از سلمان رضی الله عنه روایت کرده که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود ای سلمان آیا تعلیم کنم ترا گنجی از گنجهای غریب گفتم بلی یا رسول الله فرمود
که هرگاه روز اول رجب داخل شود ده رکعت نماز بگذار و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل
هو الله بخوان بدرستی که چون این نماز بکنی الله تعالی بیامرزد همه گناهان ترا از روزی
که قلم بر تو جاری شده تا این شب و نگاه دارد ترا از فتنهٔ قبر و عذاب روز قیامت و
ایمن کرداند او را از خوره و پیسی و درد پهلو و در این روز زیارت حضرت ابی عبد الله
علیه السلام فضیلت بسیار دارد و بسند معتبر از حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق
علیهما السلام منقولست که هر که حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کند روز اول
رجب خدا بیامرزد او را البته اگرچه علما برای این روز زیارت مخصوصی ذکر کرده اند و
لیکن بروایت نسبت نداده اند لهذا ما ایراد نکرده ایم و شیخ طوسی و ابن طاوس از
حسین بن روح که نایبان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بوده است روایت نموده اند
که گفت زیارت کن در هر روضه از روضهای ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که در آنجا
باشی در ماه رجب باین زیارت چون داخل شوی بگو این را: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا
مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ

أشهدنا

الْمُنْتَجَبِ وَعَلى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشَاهِدَهُمْ فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَأَوْرِدْنَا
مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَصَدْتُكُمْ
وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ
فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمُ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمُ التَّعْوِيضُ
فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ إِنِّي لِسِرِّكُمْ
مُوقِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا
وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا وَبِشُؤُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُوَدِّعٍ
وَلَكُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٍ يَسْأَلُ اللهَ إِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ فَإِنْ يَرْجِعَنِي
مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَخَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ إِلَى حِينِ
الْأَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْأُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ
وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ
حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ از حدیث معتبر ظاهر میشود
که زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در ماه رجب افضل از سایر اوقات است و
ابن طاوس باسانید بسیار از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده که دیدم حضرت علی بن الحسین علیه السلام
را در روز اول رجب در حجر اسمعیل نشسته این دعا میخواندند که یا مَنْ یَمْلِكُ حَوَائِجَ
السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ
اللَّهُمَّ وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَأَسْأَلُكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
شیخ طوسی این دعا را در اعمال هر روز از ماه رجب ذکر نموده و بروایت عیاش روز دوم
اینماه ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام است و بر بعضی اقوال وفات آنحضرت نیز در این

روزه بوده **شب سیزدهم** ابن طاوس از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که
آنحضرت فرمود که حق تعالی باین امّت سه ماه متبرک عطا فرموده که باحدی از امّتهای
گذشته عطا نفرموده و آن ماه رجب و شعبان و ماه رمضانست و سه شب باین امّت عطا فرموده
که بامتهای دیگر نفرموده که آن شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است از هر ماهی و سه سوره
باین امّت کرامت فرموده که بامتهای دیگر نکرده که آن سورهٔ یس و تبارک و توحید است پس هر که
این سه عطیهٔ عظمی را با هم جمع نماید بدرستی که جمع نموده باشد افضل آنچه باین امّت عطا کرده شده
پس کسی عرض نمود که چگونه این سه عطای بزرگ را جمع نماید فرمود که هر شب از لیالی بیض این سه ماه
متبرک نمازی بگذارد در شب سیزدهم دو رکعت و شب چهاردهم چهار رکعت و شب پانزدهم شش
رکعت و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند بدرستی که چون این عمل را بجای آورد ادراک
نموده باشد فضیلت این سه ماه را و همه گناهان او بغیر از شرک آمرزیده شود و از پیغمبر صلی الله علیه
و آله مرویست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم این ماه روزه دارد و شبهای آنها را
بعبادت بسر آورد سوگند بآنکه مرا بحق مبعوث گردانیده که او از دنیا بیرون نرود مگر با توبه
نصوح و بهر روزی که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او را الله تعالی بیامرزد و برآورد
هفتاد حاجت او را در وقت فزع اکبر و هفتاد دیگر چون داخل قبر شود و هفتاد دیگر چون
از قبر بیرون آید و هفتاد دیگر چون ترازوی عمل برپا شود و هفتاد دیگر چون از صراط عبور
کند و بهر روزی که روزه دارد چنان باشد که هفتاد رقبه از فرزندان اسمعیل آزاد کرده
باشد و هفتاد هزار مرتبه ختم قرآن نموده باشد و هفتاد سال در راه خدا مرابطه کرده باشد و
هفتاد پل در راه خدا ساخته باشد و هفتاد نفر از اهل بیت خود را شفاعت کند که مستوجب
جهنم شده باشد و هفتاد نفر از اهل بیت خود را شفاعت کند که و در جنات الفردوس برای او
هفتاد هزار شهر بنا کنند در هر شهری هفتاد هزار قصر و در هر قصری هزار حوری که هر حوری هفتاد
هزار خادم داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایام بیض

ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بنویسد برای او بهر روزی روزهٔ یکساله و عبادت یکساله و بایستد
در روز قیامت در افق ایمان و در روز سیزدهم این ماه موافق مشهور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در خانهٔ کعبه متولد شده **شب پانزدهم** از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که چون شب نصف ماه
رجب داخل شود حق تعالی امر کند خازنان دیوان خلایق را و نویسندگان اعمال ایشان را که نظر
کنید در دیوان بندگان من و هر سیئه و گناهی که بیابید محو کنید و بدل کنید آنرا بحسنات بسند
صحیح از داود بن سرحان روایت نموده اند که حضرت صادق علیه السلام مرا امر نمود که در شب نصف
رجب دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد سوره بخواند و چون فارغ شوی از نماز
هر یک از حمد و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی را چهار نوبت بخوان و بعد از آن بگو چهار بار که
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ آنگاه بگو اَللهُ اَللهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهٖ
شَيْئًا مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **روز پانزدهم** ابن طاوس از ابن عباس
روایت کرده که حضرت آدم علیه السلام از حق تعالی سوال نمود و گفت پروردگارا خبر ده مرا بدوسترین
اوقات و روزها بسوی تو پس وحی نمود حق تعالی بسوی او که ای آدم محبوبترین اوقات بسوی من
روز نصف رجبست ای آدم تقرب بجوی بسوی من در روز نصف رجب بقربانی کردن و ضیافت نمودن
و روزه داشتن و دعا و استغفار کردن و بگفتن لا اله الا الله ای آدم بدرستی که قضا کرده ام در آنچه
قضا کرده ام و نوشته ام در آنچه نوشته ام آنکه مبعوث کنم از فرزندان تو پیغمبری که غلیظ القلب
و سنگدل نباشد و آواز او در بازارها بلند نگردد و حلیم و بردبار و رحیم و مهربان باشد و صاحب
کرم و عظیم البرکه باشد و اختصاص دهم او را و امّت او را بروز نصف رجب پس سوال نکنند در آن
روز از من چیزی مگر عطا کنم آنرا و طلب آمرزش نکنند مگر بیامرزم ایشانرا و روزی طلب نکنند مگر
روزی دهم ایشانرا و از گناهان توبه نکنند مگر آنکه قبول کنم توبهٔ ایشانرا و طلب رحمت نکنند
مگر آنکه رحمت کنم ایشانرا ای آدم بدرستی که هر که صبح کند روز نصف رجب را و روزه داشته
باشد آن روز را و بیاد الهی مشغول باشد و با خشوع باشند و محافظت نمایند فرج خود را از حرام و

وچیزی از مال خود تصدق نماید نباشد جزای او نزد من مگر بهشت ای آدم بگو فرزندان خود را
در رجب از خطایا که نگاه دارند خود را و بدرستی که خطایا و گناه در آن عظیم و بزرگست و در این
روز زیارت حضرت امام حُسین علیه السلام مستحب است و فضیلت بسیار دارد بسندهای
صحیح و غیر صحیح مرویست که ابن ابی نصر از حضرت امام رضا علیه السلام سوال نمود که در کدام
وقت بهتر است که زیارت کنم حضرت امام حُسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب
و نصف شعبان و از اعمال این روز نماز سلمان فارسی رضی الله عنه است که در اعمال روز اول
مذکور شد و دیگر از اعمال عمدهٔ این روز خواندن دعای استفتاح است که معروفست بدعای ام
داود و سبب انتساب این دعا باو اینست که منصور دوانقی علیه اللعنة داود بن الحسن بن
الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام را با جماعتی از سادات و اشراف اولاد ابو طالب علیهم السلام
گرفته محبوس ساخت میگوید که ام داود مدتی گذشت که فرزندم داود در عراق محبوس بود و من در
مدینه بودم و از و خبری نداشتم و پیوسته دعا میکردم و تضرع بدرگاه حق تعالی مینمودم
و از برای برادران ایمانی و صلحا و اتقیا طلب دعا میکردم و در این مدت اثر اجابت نمی یافتم تا
روزی بخدمت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام رفتم که عیادت کنم آنحضرت را
بسبب آزاری که آنجناب را عارض شده بود پس سوال نمودم از احوال آنحضرت و دعا کردم او را
و من دایهٔ آنحضرت بودم و داود همشیر آنحضرت بود پس آنحضرت از احوال داود از من خبر گرفت
گفتم ای سید من کجاست داود و حال آنکه مدت بسیار است که از من جدا شده و در عراق
محبوس است پس فرمود که کجائی تو و چرا غافلی از دعای استفتاح و حال آنکه او دعائیست که
گشوده میشود بسبب آن درهای آسمان و در ساعت باجابت مقرون میگردد و نیست برای
صاحب آن دعا نزد حق تعالی جزای مگر بهشت گفتم که چگونه است آن دعا و کیفیت خواندن
آن ای فرزند راست گویان فرمود که ای ام داود بدرستی که نزدیکست ماه حرام بزرگ که ماه
رجب و آن ماهیست که در آن دعا مسموع و مستجابست و آن شهر الله الاصم است پس چون اینماه

داخل

داخل شود ایام بیض آنرا که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است روزه بدار در روز پانزدهم
وقت زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت نافلهٔ ظهر را بجای آور و در بعضی روایات واقع شده
که قنوت و رکوع و سجود آنها را نیکو بجای آورد پس فرمود که نماز ظهر را بگذار و بعد از آن دو رکعت نماز
بکن و چون فارغ شوی صد مرتبه بگو یا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِیْنَ پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را
بجای آور و در بعضی روایات آنکه در هر رکعتی از این هشت رکعت سه مرتبه توحید بخوان پس فرمود
که بگذار نماز عصر را و باید که نماز تو در جامهٔ پاکیزه باشد و در روایتی آنکه چون از نماز عصر فارغ شوی
بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را پس فرمود که بنشین در جامهٔ پاکیزه و جهد کن که داخل نشود بر تو
کسی که مشغولی دهد ترا در روایاتی که ابن طاوس علیه الرحمه باسانید معتبره روایت کرده این
چنین است و شیخ طوسی زیاده از نماز و عصر نمازی ذکر نکرده و علامه در کتاب منهاج الصلاح از امام
جعفر علیه السلام چنین روایت نموده که نزد زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت نماز نافله
زوال را بجای آور با رکوع و سجود و قنوت نیکو و در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله و در رکعت
دوم حمد و قل یا ایها الکافرون و در رکعات دیگر حمد و هر سورهٔ کوچک که خواهی بخوان پس
نماز ظهر را ادا کن با حدود و شرایطش و رکوع و سجودش را نیکو بعمل آور پس هشت رکعت نماز
نافلهٔ عصر را بجای آور با رکوع و سجود و قنوت نیکو و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعت
بعد از حمد آیهٔ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ اِنَّ الدِّیْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ بیست و پنج نوبت و صد نوبت وما
یا قَاضِیَ حَوَائِجِ السَّائِلِیْنَ و چون از این نماز فارغ شوی نماز عصر را ادا کن و در روایت ابن
طاوس وارد شده که پس رو بقبله کن و بخوان هر یک از حمد و توحید را صد نوبت و آیة الکرسی را
ده نوبت پس بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و و الصافات و حم سجده
و حمعسق و حم دخان و فتح و واقعه و والملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت را
تا آخر قرآن و اگر نیکو ندانی این سورهها را و نیکو نتوانی خواندن هزار نوبت قل هو الله بخوان و در

ودر بعضی روایات دیگر صد مرتبه صد مرتبه نیز وارد شده محتمل است این روایت در حالت
ضرورت یا سفر و روایت اول بر حالت اختیار و حضر محمول بوده باشد و شیخ مفید گفته که
هرگاه نیکو نتوانی خواندن این سورهای مخصوصه یا طاقت خواندن آنها نداشته باشی
پس بخوان حمد صد مرتبه و آیة الکرسی ده مرتبه و توحید هزار مرتبه و در روایت اول مذکور است
که چون فارغ شوی از خواندن اینها بخوان این دعا را دو بقبله دعا ام داود

بسم الله الرحمن الرحیم

صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن
الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم شهد الله انه لا اله الا
هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله
الاسلام و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد و لک العز
و لک الفخر و لک الرحمة و لک النعمة و لک العظمة و لک المهابة و لک السلطان و
لک البهاء و لک الامتنان و لک التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و لک
ما یری و لک ما لا یری و لک ما فوق السموات العلی و لک ما تحت الثری و لک الارضون
السفلی و لک الآخرة و الاولی و لک ما ترضی به من الثناء و الحمد و الشکر و النعماء اللهم
صل علی محمد و آل محمد و صل علی جبرئیل امینک علی وحیک و القوی علی امرک
و المطاع فی سمواتک و محال کراماتک المتحمل لکلماتک الناصر لانبیائک المدمر
لاعدائک اللهم صل علی میکائیل ملک رحمتک و المخلوق لرأفتک و المستغفر
المعین لاهل طاعتک اللهم صل علی اسرافیل حامل عرشک و صاحب الصور المنتظر لامرک
الوجل المشفق من خیفتک اللهم صل علی حملة العرش الطاهرین و علی ملائکة
الذکی اهل التامین علی دعاء المؤمنین و علی السفرة الکرام البررة الطیبین و علی
ملائکتک الکرام الکاتبین و علی ملائکة الجنان و خزنة النیران و ملک الموت و
والاعوان

بدیع السموات و الارض
البصیر اللطیف الخبیر صح

و لک الجود

اللهم صل علی عزرائیل قابض ارواح
... تک بامرک
... بادلک

والاعوان یا ذا الجلال و الاکرام اللهم صل علی ابینا آدم علیه السلام بدیع فطرتک
الذی کرمته بسجود ملائکتک و ابحته جنتک اللهم صل علی امنا حواء
المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بین محال
القدس اللهم صل علی هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم
و اسمعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و الاسباط و لوط و شعیب و ایوب و
موسی و هرون و یوشع و میشا و الخضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و الیسع
و ذی الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و
متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و الحواریین
و الاتباع و خالد و حنظلة اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و
آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم
و آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم صل علی الانبیاء و الاوصیاء و السعداء
و الشهداء و ائمة الهدی اللهم صل علی الابدال و الاوتاد و السیاح و العباد
و المخلصین و الزهاد و اهل الجد و الاجتهاد و اخصص محمدا و اهل بیته
بافضل صلواتک و اجزل کراماتک و بلغ روحه و جسده منی تحیة و سلاما
و زده فضلا و شرفا و کرما حتی تبلغه اعلی درجات اهل الشرف من النبیین
و المرسلین و الافاضل المقربین اللهم و صل علی من سمیت و من لم اسم من
ملائکتک و انبیائک و رسلک و اهل طاعتک و اوصل صلواتی الیهم و الی ارواحهم
و اجعلهم اخوانی فیک و اعوانی علی دعائک اللهم انی استشفع بک الیک و
بکرمک الی کرمک و بجودک الی جودک و برحمتک الی رحمتک و باهل طاعتک
الیک و اسألک اللهم بکل ما سألک به احد منهم من مسألة شریفة غیر مردودة
و بما دعوک به من دعوة مجابة غیر مخیبة یا الله یا رحمن یا رحیم یا

اکرمته مص
و لعن
و رحمت
کرما
دة

يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير
يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا نذير يا بر
يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا مجير يا قريب يا
ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا مفضل يا قابض
يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي
يا خالق يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل
مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا وفي يا مكافي يا
مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر
يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي
يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ
يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا
معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي
يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا خالق يا واحد يا راصد
يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض و در بعضی روایات
این زیادتی نیز هست که یا منیب یا مبین یا طاهر یا مجیب یا متفضل یا مستجیب
یا عادل یا بصیر یا مؤمل یا مبدئ یا اول یا وافی یا راصد یا ملک یا رب یا مدل
یا معز یا ماجد یا رازق یا ولی یا فاصل یا سبحان برگشتیم بروایت اول یا من علا
فاستعلا فکان بالمنظر الاعلی یا من قرب فدنا و بعد فنای و علم السر و اخفی
یا من الیه التدبیر و له المقادیر یا من العسیر علیه سهل یسیر یا من هو
علی ما یشاء قدیر یا مرسل الریاح یا ذا الجود و السماح یا راد ما قد فات
یا ناشر الاموات یا جامع الشتات یا رازق من یشاء یا فاعل ما یشاء کیف

یا مبین | یا حفیظ | یا منعم | یا سامع یا جامع یا رزاق | یا بصیر | یا مغنی | یا فالق الاصباح یا باعث الارواح

٩٤

از شیعیان ما ثواب عمل شصت ساله است پس کسی عرض نمود که کدام است عمل در ان فرمود که چون نماز
عشا بکنی و بخواب گاه خود استراحت کنی پس بیدار شوی در هر ساعتی از ساعتهای شب که باشد پیش
از نصف شب یا بعد از نصف شب دوازده رکعت نماز بکذارد و در هر رکعتی بعد از حمد سوره کوچکی از
سورهای قرآن بخواند پس سلام گوید بعد از هر دو رکعت بنشیند و بخواند حمد و معوذتین و قل یا ایها
الکافرون و انا انزلنا و آیة الکرسی هر یک را هفت نوبت و بخواند بعد از آن این دعا را که الحمد لله الذی لم
یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم
انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم
الاعظم و بذکرک الاجل الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات التی تمت صدقا و عدلا
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله و ان تجیرنی من النار آمین آمین
و دعا کن بآنچه خواهی بدرستی که هیچ دعا نکنی مگر آنکه اجابت کرده شود ما دام کردعا نکنی بگناهی یا قطع
رحمی یا هلاکت قومی از مؤمنان پس فرمود که باید که چون روز شود روزه بداری تا ثواب روزه سالی
برای تو باشد و در روایت شیخ و کفعمی پیش از نصف شب واقع شده و بعد از معوذتین سوره توحید نیز
هفت نوبت وارد شده روز بیست و هفتم بدانکه این روزیست که جناب مقدس حضرت رسالت به نبوت
مبعوث گردید و بعد از آنکه مردمان از راه حق گردیده در بوادی حیرت و ضلالت متحیر و گمراه شده
بود نذیر پروردگار عالمیان آن جناب را بارشاد و هدایت ایشان فرستاد و آن بشیر و نذیر بمقتضای آیه
لا یخافون فی الله لومة لائم بر و انگرده در برابر شرک مشرکان مردانه فریاد بتوحید الهی برآورد
و چون این نعمت عظمی و منت کبری در این روز نسبت به بنی آدم بظهور رسیده بنا برین این روز
شرافت بسیار دارد و عید بزرگ از اعیاد مسلمانانست و یکی از ایام اربعه است بسند معتبر از
حسن بن راشد منقولست که عرض کردم بخدمت ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که آیا
روزهای عید روزی هست بجز محترم فرمود که بلی اشرف آنها و اکمل آنها روزی که مبعوث شده است
رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم کدام روز است آن فرمود بدرستی که روزها میگردد و آن روز شنبه

بیست وهفتم ماه رجب بود کفتم چه عمل کنم دران فرمود که روزه بدار و بسیار صلوات بر محمد وآل
او فرست ودر حدیث دیکر از اسحق بن عبدالله منقولست که بدرم وعمم اختلاف کردند در ایام
اربعه که روزه داشتن آنها فضیلت بسیار دارد و رفتند بخدمت امام علی نقی علیه السلام تا از
انحضرت سوال نمایند پس آنحضرت از باب اعجاز خبر داد که چه مطلب دارند که آن چهار روز هفدهم
ربیع الاول است مولد نبی صلی الله علیه وآله ودر روز بیست وهفتم رجب که روز مبعث انحضرت است
ودر روز بیست وپنجم ذی القعده که دران روز زمین پهن شده از زیر کعبه وسفینه نوح بر جودی
قرار کرفت ودر روز هیجدهم ذی الحجه که روز غدیر است وباسانید متعدده از امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که هر که روز بیست وهفتم رجب را روزه دارد بنویسد حق تعالی برای
او ثواب روزه هفتاد سال ودر حدیث دیکر از انحضرت منقولست که ترک مکن روزه روز بیست و
هفتم رجب را که روزیست که نازل شده دران نبوت بر محمد صلی الله علیه وآله وثواب آن مثل ثواب
شصت ماهست برای شما واحتمال دارد که مراد عمل شصت ماه باشد ودر حدیث اول روزه هفتاد
سال وارد وارد شده پس این دو حدیث باهم منافاتی ندارد وبعضی از احتمالات که پیش مذکور شد
اینجا محتملست وبعضی دویم را چنین روایت کرده اند که ثواب آن کفارهٔ شصت ماهست یعنی
کفارهٔ کناهان شصت ماه وبنابراین احتیاج بتاویلی ندارد وبدانکه ازین احادیث واحادیث
دیکر ظاهر میشود که این روز روز مبعث باشد وعلماء شیعه خلف وسلف چنین نقل نموده اند و
نقیه قائل شده که روز بیست وپنجم این ماه مبعث آنحضرتست وبعضی احادیث نیز براین مضمون
وارد شده محتملست که مراد ازین احادیث بشارت بر بعثت باشد وآن روز بیست وپنجم شده
باشد واصل بعثت در روز بیست وهفتم والله تعالی یعلم ودراین روز صدقه وادخال سرور بر اهل ایمان
ثواب عظیم دارد وغسل مستحبست شیخ طوسی وابن طاوس وکفعمی بسند خود روایت کرده اند
از ریان بن الصلت که چون امام محمد تقی علیه السلام در بغداد بودند روز پانزدهم وبیست وهفتم
رجب را روزه داشتند وجمیع حشم وخدم آنحضرت نیز این دو روز را روزه داشتند وآنحضرت

امر

امر فرمود مرا که باید دوازده رکعت نماز بکذاری ودر هر رکعت بعد از حمد توحید ومعوذتین را
چهار نوبت بخوانی پس بکو چهار نوبت این دعا را لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَسُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَسُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ وچهار نوبت بکو اَللهُ اَللهُ رَبّي لا اُشْرِكُ بِرَبّي اَحَداً شیخ طوسی
در روایت دیکر با دنی تغییری روایت نموده وشیخ مفید بنوعی دیکر روایت کرده همین نماز او چون
روایت اول اوثق بود ما اکتفا بآن نمودیم شیخ طوسی وابن طاوس بسند خود از ابی علی بن اسمعیل بن
یسار روایت کرده اند که چون حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را ببغداد آوردند ماه رجب بود
وآنحضرت در روز بیست وهفتم این دعا را خواندند یا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ وَ
ضَمِنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجاوُزَ یا مَنْ عَفی وَتَجاوَزَ اُعْفُ عَنّي وَتَجاوَزْ یا كَريمُ اَللّٰهُمَّ
وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ الْحيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمالُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْكَ
وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ الرَّجاءِ لَدَيْكَ
مُتْرَعَةً وَاَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً وَاَعْلَمُ
اَنَّكَ لِداعيكَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلى جُودِكَ
وَالضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ وَاَنَّكَ
لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ اِلَيْكَ
عَزْمُ اِرادَةٍ يَخْتارُكَ بِها وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ قَلْبي فَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ
بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صارِخٌ اِلَيْكَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ كَرْبَهُ
اَوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعافًى اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ فَقيرٌ اَهْدَيْتَ غِناكَ اِلَيْهِ وَ
لِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلّا صَلَّيْتَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَيْتَ حَوائِجي
حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَهٰذا رَجَبٌ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذي اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ
اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَنَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی علی محمد و اهل بیته الطاهرین و تجعلنا من العاملین فیه بطاعتک و الاملین فیه بشفاعتک اللهم واهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل فانک حسبنا و نعم الوکیل و السلام علی عباده المصطفین و صلواته علیهم اجمعین اللهم و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته و بکرامتک جللته و بالمنزل العظیم الاعلی منک انزلته صل علی من فیه الی عبادک ارسلته و بالمحل الکریم احللته اللهم صل علیه صلوة دائمة تکون لک شکرا و لنا ذخرا و اجعل لنا من امرنا یسرا واختم لنا بالسعادة الی منتهی اجالنا و قد قبلت الیسیر من اعمالنا و بلغتنا برحمتک افضل امالنا انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و اله اجمعین و سلم

روز این روز آخر ماه عمان سلمانست بدستوری که کذشت و اکر ثابت باشد و مظنون که ماه سلخ ندارد و ناقص است بهتر آنست که در روز بیست و نهم این ماه عمان را بکذاری پس اکر ماه دیده نشود در روز آخر نیز اعاده کنی والله الموفق

فصل دویم در آداب و ادعیه و اعمال ماه شعبان

و ادعیه آن بدانکه ماه شعبان ماهیست عظیم البرکات و کثیر الخیرات و آنرا شعبان می نامند زیرا که در اینماه روزیهای مومنان منشعب میسازند و می افزایند و خیرات و برکات بسیار بر ایشان افاضه میفرمایند باسانید متعدده از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست و بسند معتبر از صفوان بن جمال روایتست که حضرت صادق علیه السلام امر نمود مرا که تحریص کن کسانی را که در ناحیه تو می باشند بر روزه داشتن ماه شعبان پس کفتم فدای تو شوم آیا چیزی میدانی در روزه ماه شعبان فرمود بلی بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ماه شعبان را میدید میفرمود تا منادی در مدینه ندا کند که ای اهل یثرب بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که شعبان ماه منست حق تعالی رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من بسند معتبر از ابو حمزه ثمالی

منقولست

منقولست که کفت حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که ماه شعبان را روزه دارد پاک کرداند این روزه او را از هر زلتی و لغزشی و از وصمه و بادره پس عرض نمودم که چیست وصمه فرمود که سوکند یاد نمودن در معصیت و نذر کردن در معصیت پس عرض کردم که چیست بادره فرمود که سوکند یاد نمودن در نزد غضب و توبه آن پشیمان شدن از آنست و در حدیث دیکر وارد شده که در خدمت حضرت صادق علیه السلام مذکور شد روزه ماه شعبان پس آنحضرت فرمود که در آن چنین است فضل و چنین فضیلت است تا آنکه بسا باشد که مردی در خونی کسی بغیر حق داخل شده باشد و روزه دارد شعبان را پس آمرزیده شود به برکت آن و در حدیث دیکر از آنحضرت مرویست که روزه شعبان ذخیره است برای بنده در روز قیامت و نیست هیچ بنده که بسیار روزه دارد شعبان را مکر آنکه باصلاح آورد حق تعالی امر معیشت او را و کفایت کند از شر دشمن او را و بدرستی که کمتر چیزی که می باشد برای کسی که روزه دارد روزی از شعبان را آنست که برای او بهشت واجب شود و در حدیث دیکر از آنحضرت پرسیدند که چه چیز است ثواب کسی که روزه دارد یک روز از شعبان را فرمود که بهشت والله و باسانید متعدده از آنحضرت منقولست که فرمود که حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از جدش علیهم السلام که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست هر که یکروز از ماه مرا روزه دارد من در قیامت شفیع او باشم و هر که دو روز از ماه مرا روزه دارد الله تعالی کناهان کذشته او را بیامرزد و هر که سه روز روزه دارد با او کویند که عمل از سر کیر و بدو سند معتبر از آنحضرت مرویست که فرمود روزه شعبان و ماه رمضان دو ماه پیاپی والله که توبه است از جانب خدا و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که فرمود که پدرم فصل میکرد میان شعبان و ماه رمضان بیک روز یعنی روز آخر شعبان را افطار میفرمود و علی بن الحسین علیه السلام وصل می نمود این دو ماه را و میفرمود که دو ماه پیاپی توبه است از جانب حق تعالی و بسند معتبر از حضرت صادق ع که زنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر کاه بر ایشان روزه واجب بود تاخیر مینمودند تا ماه شعبان برای آنکه مبادا آنحضرت را نسبت بایشان اراده باشد پس چون ماه شعبان میشد روزه

میداشتند وآنحضرت نیز با ایشان روزه میداشت ودر حدیث دیگر از ام سلمه رضی الله عنها
منقولست که آنحضرت تمام ماه را روزه نمیداشت مگر شعبان که آنرا بماه رمضان وصل میفرمود
ودر حدیث دیگر منقولست که اصحاب در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله فضایل شعبانرا
مذکور ساختند پس آنحضرت فرمود که آن ماهیست با شرافت وکرامت وآن ماه منت و
حاملان عرش آنرا تعظیم مینمایند وحق آنرا میشناسند وآن ماهیست که زیاده میکردانند روزیهای
مؤمنانرا برای ماه رمضان ومی آرایند بهشتها را وزینت میکنند وآنرا شعبان می نامند برای
آنکه متشعب وفراخ میگردد در آن ماه روزیهای مؤمنان وآن ماه عملست بدرستی که حسنات
در آن ماه ثوابش هفتاد برابر مضاعف میگردد وسیئات کم میشود وگناهان آمرزیده میشود و
اعمال حسنه مقبول درگاه خدا میگردد وخداوند جبار در آن ماه بر بندگان خود مباهات میفرماید
واز فوق عرش بروزه داران وعبادت کنندگان نظر ملاطفت میکند وحاملان عرش الهی با ایشان
مباهات میکنند پس برخواست علی ابن ابی طالب علیه السلام وفرمود فدای تو شود پدر و مادرم
یا رسول الله وصف کن برای من چیزی از فضائل آنماه را تا رغبت ما در روزه داشتن وعبادت
کردن در آنماه زیاده گردد وتا آنکه جد وجهد کنیم در کردن عبادتهای بزرگ در آنماه پس
فرمود که هر که روزه دارد اول شعبانرا بنویسد حق تعالی برای او هفتاد حسنه که حسنه برابر
باشد با عبادت یکساله وهر که دو روز از آنماه روزه دارد دفع کند حق تعالی از و گناهان مهلکه
اورا وهر که سه روز روزه دارد در آنماه بلند کرداند حق تعالی برای او هفتاد درجه در مراتب
عالیه بهشت از در و یاقوت وهر که چهار روز روزه دارد فراخ کند الله تعالی روزی او را
وهر که پنج روز روزه دارد محبوب همه مردمان گردد وهر که شش روز روزه دارد صرف کند و
بگرداند حق تعالی هفتاد نوع بلا را وهر که هفت روز روزه دارد حفظ کند او را الله تعالی از تمام
عمرش از شر ابلیس ولشکرهای او وهر که هشت روز روزه دارد بیرون نرود از دنیا تا از
حیاض قدس بیاشامد وهر که نه روز روزه دارد عطوفت ومهربانی کنند با او منکر ونکیر در قبر

چون

چون بسوال او آیند وهر که ده روز روزه دارد فراخ کرداند خدای تعالی قبر او را بمقدار هفتاد
ذراع وهر که یازده روز روزه دارد بگذارند بر قبر او یازده منارة از نور وهر که دوازده
روز روزه دارد زیارت کنند قبر او را هر روز نود هزار ملک تا هنگامی که صور دمیده شود
وهر که سیزده روز روزه دارد استغفار کنند برای او ملائکه آسمانهای هفتگانه وهر که چهارده
روز روزه دارد طلب آمرزش کنند برای او بالهام خداوند عالمیان همه چهارپایان ودرندگان
حتی ماهیان دریا وهر که پانزده روز روزه دارد ندا کند بسوی او رب العزة که بعزت خودم سوگند
که نسوزانم ترا با آتش جهنم وهر که شانزده روز روزه دارد خاموش کرداند حق تعالی از و هفتاد
دریای از آتش جهنم را وهر که هفده روز روزه دارد بسته شود برای او درهای جهنم وهر که
هیجده روز روزه دارد گشوده شود برای او همه درهای بهشت وهر که نوزده روز روزه دارد
عطا کنند با و در بهشت هفتاد هزار قصر از در و یاقوت وهر که بیست روز روزه دارد تزویج کنند
او را بهفتاد هزار زن از حور عین وهر که بیست ویک روز روزه دارد مرحبا گویند با و ملائکه وپر
وبال خود را با و بمالند بجهة برکت وهر که بیست ودو روز روزه بدارد بپوشانند با و هفتاد هزار
حله از سندس واستبرق بهشت وهر که بیست وسه روز روزه بدارد بیاورند برای او در هنگام
بیرون آمدن از قبر چهارپایی از نور که سوار شود وپرواز کند بسوی بهشت وهر که بیست و چهار
روز روزه دارد قبول کنند شفاعت او را در هفتاد هزار کس از اهل توحید وهر که بیست وپنج
روز روزه دارد باو دهند براة بیزاری از نفاق وهر که بیست وشش روز روزه دارد بنویسد
حق تعالی برای او گذشتن از پل صراط وهر که بیست وهفت روز روزه دارد بنویسد حق تعالی برای او براة
بیزاری از آتش جهنم وهر که بیست وهشت روز روزه دارد ساطع ودرخشان شود روی او چون
ماه وهر که بیست ونه روز روزه دارد برسد برضوان اکبر حق تعالی وهر که سی روز روزه دارد ندا
کند باو جبرئیل از نزد عرش الهی که ای فلان عمل را تازه از سرگیر بدرستی که بخشیده شد گناهان گذشته
تو ورب جلیل میفرماید که اگر گناهان تو بعدد ستارههای آسمان وقطرات باران وبرگ درختان وریگ

بیابان و ایام دنیا باشد که همه آنها را برای تو آمرزیده بعد آنکه احادیث در فضایل روزه ماه
شعبان بسیار است و در اینجا اکتفا باین نمودیم و پوشیده نماند که از بعضی اخبار که گذشت
معلوم میشد که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی میفرموده اند از وصل نمودن روزه شعبان بماه رمضان
و از حدیث ام سلمه رضی الله ظاهر میشد که آنحضرت تمام شعبان را روزه میداشته اند و آنرا بماه رمضان
وصل مینموده اند محتملست که گوئیم وصل نمودن افضل باشد و آنحضرت خود وصل میفرموده باشند
ولیکن عامه ناس را امر بفصل مینموده باشند برای مصلحت ضعفای ایشان تا انکه بسبب افطار نمودن
ایشانرا برای ماه رمضان قوتی حاصل شود پس باین سبب فصل نمودن در حق ایشان افضل بوده باشد
و همچنین وصل نمودن حضرت علی بن الحسین علیه السلام و فصل فرمودن امام محمد باقر علیه السلام
میتواند بود که برای همین باشد الله تعالی یعلم و باید دانست که مستحبات بر دو قسم است سنن
و تطوعات سنن مستحباتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مداومت بر آنها میفرموده اند
سنت و طریقه آنحضرت بوده و ترک نمیفرموده اند مانند نوافل شبانه روز و تطوعات مستحباتی است
که در مرتبه سنن نباشد و آنحضرت گاهی تطوع بآنها مینموده اند و گاه ترک میکرده اند و روزه
ماه شعبان از جمله سنن است و آنحضرت آنرا ترک نمی نموده اند چنانچه از بعضی احادیث سابقه
ظاهر شد و همچنین روزه داشتن سه روز از هر ماهی که آن پنجشنبه اول و چهارشنبه عشر دویم
و پنجشنبه آخر ماه این نیز از جمله سنن است چنانچه نوافل شبانه روز ضعف نمازهای پنجگانه است
و همچنین روزه تمام ماه شعبان و سه روز از هر ماه ضعف روزه ماه مبارک رمضانست و روزه
ماه رجب و ایام متبرکه دیگر بلکه سایر ایام بغیر آنچه مستثنی شده از جمله تطوعات است و فضیلت
بسیار دارد ولیکن هیچیک از آنها در مرتبه سنتی که دانستی نیست بیان صدقه و استغفار
و غیر آن در فضیلت صدقه و استغفار و تهلیل در ماه شعبان ابن طاوس بسند خود از داود
رقی روایت کرده که او از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام سوال نمود از روزه ماه
رجب فرمود که کجائید شما از روزه ماه شعبان پس پرسید که چه ثواب دارد کسی که روزی از ماه

شعبان

شعبان را روزه دارد فرمود که ثواب او بهشت والله پس پرسید که چه چیز است افضل اعمال در ماه
شعبان فرمود که تصدق نمودن و استغفار کردن و هر که تصدق کند بصدقه در ماه شعبان تربیت
فرماید آن صدقه را الله تعالی چنانچه احدی از شما فصیل خود را تربیت مینماید تا انکه برساند آن
صدقه را در قیامت و حال انکه او مثل کوه احد شده باشد و شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام
روایت کرده که آنحضرت در حدیثی فرموده که هر که در هر روز از ماه شعبان شصت نوبت استغفار
کند محشور گرداند او را حق تعالی در قیامت در زمره رسول خدا صلی الله علیه و آله و واجب شود
برای او انکه حق تعالی گرامی کند او را و هر که تصدق کند در ماه شعبان بصدقه اگرچه یک خرما
باشد حرام گرداند حق تعالی جسد او را بر آتش جهنم و نیز در حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی
الرضا ع روایت نموده که هر که در ماه شعبان هفتاد نوبت استغفار کند بیامرزد حق تعالی گناهان
او را اگرچه بعدد ستارگان آسمان باشد و بسند معتبر دیگر از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق
علیه السلام روایت کرده که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حق تعالی نام او را در افق مبین بنویسد
راوی سوال نمود که کدام است افق مبین فرمود که پاره زمین همواریست در پیش عرش و در آن
زمین جاری شده است جویها از آب و بر لب آن جویها نهاده است قدحها بعدد ستارگان و شیخ
طوسی نیز این روایت را ذکر کرده و در روایت او چنین است أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و نیز بسند حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه
و آله روایت نموده که هر که در ماه شعبان هزار نوبت بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ بنویسد الله تعالی برای او عبادت هزار سال و محو کند از او
گناهان هزار سال و در روز قیامت چون از قبر بیرون آید روی او چون ماه شب چهارده درخشان
باشد و نوشته شود نزد حق تعالی از صدیقان بیان دعائیکه در هر روز از ماه شعبان خوانده شود
ابن طاوس و کفعمی بسند معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت نموده اند که آنحضرت در هر روز

ازماه شعبان در وقت زوال آفتاب و در شب نصف شعبان دعا میکردند و باین صلوات متلفظ میگردیدند اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم واهل بيت الوحي اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل على محمد وآل محمد الكهف الحصين وغياث المضطرين والمساكين وملجأ الهاربين وعصمة المعتصمين اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة تكون لهم رضا ولحق محمد وآل محمد صلى الله عليه وآله اداء بحول منك وقوة يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد الطاهرين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقهم وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهم صل على محمد وآل محمد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزه بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت عليه من رزقك بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك واحييتني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك صلواتك عليه وآله شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان الذي كان رسولك صلواتك عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه في لياليه وايامه بخوعا لك في اكرامه واعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم فاجعله لي شفيعا مشفعا وطريقا اليك مهيعا واجعلني له متبعا حتى القاه يوم القيمة عني راضيا وعن ذنوبي غاضيا وقد اوجبت لي منك الكرامة والرضوان وانزلتني دار القرار ومحل الاخيار

و باز از حسين بن محمد روايت نموده اند كه گفت حضرت امير المؤمنين وائمه طاهرين از ذريه آنحضرت صلوات الله عليهم اجمعين در ماه شعبان اين مناجات را ميخواندند اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع ندائي اذا ناديتك واقبل علي اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك مستكينا متضرعا اليك راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدئ من منطقي واتفوه به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهي ان كنت غير مستأهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله وتغمدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم تزل برك علي ايام حيوتي فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف ايس من حسن نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في حيوتي الهي تول من امري ما انت اهله وعد علي بفضلك على مذنب غمره جهله الهي قد سترت علي ذنوبا في الدنيا انا احوج الى سترها علي منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيامة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى الهي ان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك واذا ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان صغر

في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك
بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد
افنيت عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم
استيقظ ايام اغتراري وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك وابن عبدك
قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل اليك مما كنت اوا
جهك من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك
الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت
ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك
الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد
عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه
ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهي ان من تعرف بك غير
مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان من انتهج بك
لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من
رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة
من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك وهمتي في روح نجاح اسمائك و
محل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح من
مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا اقدر لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف
المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت [illegible] جهك وحجبه سهوه
عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابص[illegible]ينا بضياء نظرها
اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن [illegible]مة وتصير ارواحنا
معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك [illegible] لاحظته فصعق

بجلالك

بجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا
انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح
عني بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني
اليقين الى كرم عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد
نبهتني المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني
الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسال واليك ابتهل وارغب ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن
شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا
وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على
محمد رسوله وآله الطاهرين وسلم ۵۵ بیان در فضیلت روز پنجشنبه ماه
شعبان وعمل آن ابن طاوس بسند متصل با امیر المؤمنین علیه السلام که از آنحضرت
روایت نموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که در هر پنجشنبه ماه شعبان آسمانها
مزین میسازند ومیگویند ملائکه خداوندا بیامرز کسانی را که روزه دارند این روز را
ودعاهای ایشان را اجابت کن پس هر که درین روز دو رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعت بعد از حمد
توحید را صد نوبت بخواند وچون فارغ شود صد مرتبه صلوات فرستد حق تعالی برآورد همه
حاجات دینی ودنیوی او را وهر که روزه دارد یک روز از این ماه را حق تعالی جسد او را حرام کند
بر آتش جهنم روز اول در حدیث دیگر از صادق علیه السلام مرویست که هر که روز اول
شعبان را روزه دارد بهشت البته برای او واجب شود روز سیم در این روز بنا بر مشهور موافق
حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام متولد شده و روزه آن فضیلت بسیار دارد و
شیخ طوسی وابن طاوس ذکر نموده اند که بیرون آمد فرمان حضرت صاحب الامر علیه السلام بسوی
قاسم بن العلاء همدانی وکیل امام حسن عسکری که مولای ما امام حسین علیه السلام متولد شد

در روز پنجشنبه سیم ماه شعبان پس در آن روز روزه بدار و این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بِحَقِّ هٰذَا الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اِسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ بَكَتْهُ السَّماءُ
وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَ لَمّا یَطَأْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ
بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْكَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ
وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِكُوا
الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ وَیَكُونُوا خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ مَعَ
اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْكَ اَتَوَسَّلُ وَاَسْئَلُ سُؤالَ مُعْتَرِفٍ
مُقْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلی نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ وَاَمْسِهِ یَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلی مَحَلِّ
رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ
وَمَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَكَما اَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ
وَسابِقَتَهُ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَیُكْثِرُ الصَّلوٰةَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلی
جَمیعِ اَوْصِیائِهِ وَاَهْلِ اصْطِفائِهِ الْمَمْدُودینَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَیْ عَشَرَ النُّجُومِ
الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلی جَمیعِ الْبَشَرِ اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا فی هٰذَا الْیَوْمِ خَیْرَ مَوْهِبَةٍ وَ
اَنْجِحْ لَنا فیهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَما وَهَبْتَ الْحُسَیْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ
عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ
پس میخوانی بعد ازین دعاء حضرت امام حسین علیه السلام را و این آخر دعائیست که
آنحضرت خواند در روزی که مغلوب کافران گردیده بود اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعالِی
الْمَكانِ عَظیمُ الْجَبَرُوتِ شَدیدُ الْمِحالِ غَنِیٌّ عَنِ الْخَلائِقِ عَریضُ الْكِبْرِیاءِ قادِرٌ عَلی
ما تَشاءُ قَریبُ الرَّحْمَةِ صادِقُ الْوَعْدِ سابِغُ النِّعْمَةِ حَسَنُ الْبَلاءِ قَریبٌ اِذا
دُعیتَ مُحیطٌ بِما خَلَقْتَ قابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ اِلَیْكَ قادِرٌ عَلی ما اَرَدْتَ وَمُدْرِكٌ
ما طَلَبْتَ وَشَكُورٌ اِذا شُكِرْتَ وَذَكُورٌ اِذا ذُكِرْتَ اَدْعُوكَ مُحْتاجاً وَاَرْغَبُ :

اِلَیْكَ فَقیراً وَاَفْزَعُ اِلَیْكَ خائِفاً وَاَبْكی اِلَیْكَ مَكْرُوباً وَاَسْتَعینُ بِكَ ضَعیفاً وَ
اَتَوَكَّلُ عَلَیْكَ كافِیاً اُحْكُمْ بَیْنَنا وَبَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ فَاِنَّهُمْ غَرُّونا وَخَدَعُونا وَ
غَدَرُوا بِنا وَقَتَلُونا وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِیِّكَ وَوُلْدُ حَبیبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الَّذِی
اصْطَفَیْتَهُ بِالرِّسالَةِ وَائْتَمَنْتَهُ عَلی وَحْیِكَ فَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً
بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ . وشیخ طوسی از حضرت صادق علیه السلام روایت
نموده که ولادت حسین بن علی علیهما السلام در پنجم ماه شعبان در سال چهارم هجرت واقع
شده و بعضی اینروز را مولد امام زین العابدین علیه السلام نیز گفته اند روز هفتم
و بسند معتبر صفوان جمال از صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در روز یکشنبه هفتم ماه شعبان متولد شدند شب پانزدهم این شبیست بغایت عظیم
القدر و متبرك و آنرا لیلة المبارك نامند بجهة کثرت خیر و برکت آن و شب براة نیز گویند زیرا که
الله تعالی مینویسد برای بندگان مؤمن خود برات نجاة از آتش جهنم و سنت است در این شب غسل
کردن و احیا داشتن آن بطاعت و عبادت و بندگی حق تعالی و بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که فرمود روزه دارید ماه شعبان را و غسل کنید در شب نصف آن بدرستی که این تخفیفی
ایست از جانب پروردگار شما و رحمتیست برای شما و در حدیث دیگر از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که
احیا کند شب عید و شب نصف شعبان را نمیرد دل او در روزی که بمیرند دلها و از امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که رسول خدا فرمود که هرگاه شب نصف شعبان بر شما داخل شود بسر آورید
آنشب را بعبادت و روزه دارید روز آنرا بدرستی که چون آفتاب غروب کند و آنشب داخل
شود حق تعالی فرود آید باسمان و ندا کند تا طلوع فجر که آیا نیست طلب آمرزش کننده تا بیامرزم
او را آیا نیست طلب روزی کننده تا روزی دهم او را و در حدیث دیگر از زید بن علی بن الحسین
علیهما السلام که فرمود که پدرم امام زین العابدین علیه السلام در شب نصف شعبان ما را
جمع مینمود و آنشب را سه بخش مینمود در بخش اول با ما نماز میگذارد و در بخش دویم دعا میکرد و ما

وما آمین میگفتیم و در بخش دیگر استغفار میکرد و ما استغفار میکردیم و از حق تعالی بهشت سؤال
میکرد تا آنکه صبح طالع میکرد و بدانکه همه اعمال صالحه در این شب فضیلت بسیار دارد و افضل آنها
زیارت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است و بسند بسیار معتبر از صادق علیه السلام که هر که
زیارت کند حسین بن علی علیه السلام را در شب نیمهٔ شعبان حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را
بیامرزد و بچند سند معتبر از امام زین العابدین و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست
که هر که خواهد که مصافحه کند با او صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر
امام حسین علیه السلام را در نیمهٔ شعبان بدرستی که ارواح پیغمبران رخصت میطلبند بزیارت
آنحضرت پس رخصت می یابند و از ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم پرسیدند که کدام اند آنها
فرمود که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله ایشانند که مبعوث شده اند
بمشرق و مغرب زمین و بسند معتبر از صادق علیه السلام که هر که در یک شب از سه شب قبر حسین ع
را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب عید فطر یا شب عید اضحی یا شب
نیمهٔ شعبان و در حدیث دیگر فرمود که هر که آنحضرت را زیارت کند در شب نیمهٔ شعبان و شب
فطر و شب عرفه در یکسال بنویسد الله تعالی برای او ثواب هزار حج مقبول و هزار عمرهٔ مقبول
و برآورده شود برای او هزار حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت و بسندهای صحیح و غیر صحیح که
ابن ابی نصر از امام رضا علیه السلام سؤال نمود که در کدام وقت بهتر است که زیارت کنیم
امام حسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان و از صادق علیه السلام
مرویست که چون روز اول ماه شعبان داخل شود منادی زیر عرش ندا کند که ای گروه شیعیان
حسین خالی مگذارید شب نیمهٔ این ماه را از زیارت آنحضرت اگر بدانید که چه ثواب در آن هست
هر آینه از بسیاری انتظار سال بر شما دیر گذرد تا شب نیمهٔ شعبان در آید و بسند معتبر از موسی بن
جعفر علیه السلام که سه شبست که هر که زیارت امام حسین علیه السلام را در آن شبها
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب نصف شعبان و شب بیست سیم ماه رمضان

و شب

و شب عید بدانکه در کتب علما زیارت مخصوص برای این شب ذکر نموده اند اما بروایت نسبت
نداده اند لهذا آنرا ذکر نکردیم و اگر آنکه زیارتی از زیارات منقوله که عام باشد و توقیتی
اختصاص نداشته باشد بعمل آورند نیکو خواهد بود کفعمی در کتاب بلد الامین در زیارت
نصف شعبان ذکر کرده که روایت کرده اند از صادق علیه السلام که در زیارت امام حسین ع
نزد قبر مطهر آنحضرت مینشینی و میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ
اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّکِیُّ اُوْدِعُکَ شَهَادَةً مِنِّی لَکَ تُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ فِی یَوْمِ شَفَاعَتِکَ
اَشْهَدُ اَنَّکَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَیَاتِکَ حَیِیَتْ قُلُوبُ شِیعَتِکَ وَبِضِیَاءِ
نُورِکَ اهْتَدَی الطَّالِبُونَ اِلَیْکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ نُورُ اللّٰهِ الَّذِی لَمْ یُطْفَأْ وَلَا
یُطْفَؤُ اَبَدًا وَاَنَّکَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِی لَمْ یَهْلِکْ وَلَا یَهْلِکُ اَبَدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ
التُّرْبَةَ تُرْبَتُکَ وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِکَ لَا ذَلِیلَ وَاللّٰهُ
مُعِزُّکَ وَلَا مَغْلُوبَ وَاللّٰهُ نَاصِرُکَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ لِی عِنْدَکَ اِلَی یَوْمِ قَبْضِ رُوحِی بِحَضْرَتِکَ
وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ و دور نیست که این از زیارات مطلقه
باشد و هر که بدولت حضور مرقد مطهر منور آنحضرت فایض شود در هر وقتی از اوقات این
زیارت را بعمل تواند آورد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که در شب
نیمهٔ شعبان از اول تا آخر شب در کربلای معلی بماند و هزار نوبت سورهٔ توحید و هزار نوبت استغفار
و هزار نوبت الحمد لله بگوید پس برخیزد و چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعت هزار نوبت آیة
الکرسی بخواند الله تعالی عز شانه موکل گرداند باو دو ملک را که حفظ نمایند او را از هر بدی و از شر
هر شیطان و سلطانی و حساب او را برای او بنویسند و گناهی بر او ننویسند و تا با او باشند برای او
استغفار کنند و ابن طاوس از محمد بن علی طرازی که او از خط محمد بن هرون نقل کرده که از نماز
شب نیمهٔ شعبان نزد قبر مولای ما ابی عبدالله الحسین علیه السلام چهار رکعت نمازیست که در هر رکعت
پنجاه مرتبه فاتحه و پنجاه مرتبه توحید و هر یک را در رکوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از رکوع

در سجدها و در میان سجدها ده مرتبه و بعد از فراغ از نماز این دعا بخواند انت الله الذی
استجبت لآدم وحوا حین قالا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن
من الخاسرین و ناداک نوح فاستجبت له و نجیته و اله من الکرب العظیم و
اطفأت نار نمرود عن خلیلک ابراهیم فجعلتها علیه بردا و سلاما و انت الذی
استجبت لایوب حین ناداک انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین فکشفت ما
به من ضر و اتیته اهله و مثلهم معهم رحمة من عندک و ذکری لاولی الالباب
و انت الذی استجبت لذی النون حین ناداک فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فنجیته من الغم و انت الذی استجبت لموسی و هرون دعوتهما
حین قلت قد اجیبت دعوتکما و اغرقت فرعون و قومه و غفرت لداود ذنبه و
تبت علیه و ارضیت خصمه منک و انت الذی فدیت الذبیح بذبح عظیم حین اسلما
و تله للجبین فنادیته بالفرج و الروح و انت الذی ناداک زکریا نداء
خفیا قال رب انی وهن العظم منی و اشتعل الرأس شیبا و لم اکن بدعائک
رب شقیا و قلت و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین و انت الذی
استجبت للذین آمنوا و عملوا الصالحات لتزیدهم من فضلک رب فلا تجعلنی
اهون الراغبین الیک و استجب لی کما استجبت لهم بحقهم علیک طهرنی
و تقبل صلواتی و حسناتی و طیب بقیة حیوتی و طیب وفاتی و اخلفنی فیمن
اخلف و احفظهم رب بدعائی و اجعل ذریتی ذریة طیبة تحوطها بحیا
طتک من کل ما حطت منه ذریة اولیائک برحمتک یا رحیم یا من هو علی
کل شیء قدیر و علی کل شیء رقیب و من کل سائل قریب و لکل داع من خلقه
مجیب انت الله لا اله الا انت الحی القیوم الاحد الصمد لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد تلک القدرة التی علوت بها فوق عرشک و رفعت بها سمواتک

وارسیت

١٠٣

و ارسیت بها جبالک و فرشت بها ارضک و اجریت بها الانهار و سخرت بها
السحاب و الشمس و القمر و اللیل و خلقت بها الخلائق اسئلک بعظمة وجهک الکریم
الذی اشرقت بها الخلائق السموات و اضاءت به الظلمات ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تکفینی امر من یعادینی و امر معادی و معاشی و اصلح یا رب
شانی و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین و اصلح امر ولدی و عیالی و اغننی و ایاهم من
خزائنک و سعة رزقک و فضلک و ارزقنی الفقه فی دینک و انفعنی بما
نفعت به من ارتضیت من عبادک و اجعلنی للمتقین اماما کما جعلت ابراهیم
فان بتوفیقک یفوز المتقون و یتوب التائبون و یعبدک العابدون و بتسدید ک
و ارشادک نجی الصالحون من النار اللهم ات نفسی تقواها و انت ولیها و
مولیها و انت خیر من زکاها اللهم بین لها رشادها و تقواها و نزلها من
الجنان اعلاها و طیب وفاتها و محیاها و اکرم منقلبها و مثواها و مستقرها
و ماواها انت ربها و مولیها اللهم اسمع و استجب برحمتک و منزلة محمد
و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و
موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القا ئم
صلوات الله علیه و علیهم عندک و بمنزلتهم لدیک یا ارحم الراحمین
و در این شب نماز جعفر طیار فضیلت بسیار دارد و کیفیت گذاردن آن نماز در باب صلوة
مذکور شد و شیخ طوسی و ابن طاوس بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند
که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلام سوال کردند از فضیلت شب نصف شعبان فرمود که این
بعد از شب قدر افضل شبها است و در این شب حق تعالی فضل خود را شامل حال بندگان میکرداند
و منت بر ایشان میگذارد و ایشان را می آمرزد پس جهد کنید در این شب بتقرب جستن بدرگاه الهی
بدرستی که این شبیست که حق تعالی بر خود لازم ساخته که سوال هیچ سائلی را رد نکند مادام که از حق تعالی

معصیت نکند و این شبی است که حق تعالی برای ما اهل بیت قرار داده در برابر شب قدر که برای رسول خدا
صلی الله علیه و آله قرار داده پس جهد کنید در این شب بدعا و ثنا بر حق تعالی بدرستی که هر که
در این شب صد نوبت بگوید سبحان الله و صد نوبت الحمد لله و صد نوبت الله اکبر و صد نوبت
لا اله الا الله بگوید حق تعالی بیامرزد گناهان گذشته او را و حوایج دنیا و آخرت او را بر آورد
و آنچه طلب نماید و آنچه حق تعالی داند که او محتاج بآنست و اگرچه طلب نکرده باشد راوی گوید
که عرض کردم که کدام دعا در اینشب افضلست فرمود که چون از نماز عشا فارغ شدی دو رکعت نماز
بگذار و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم بعد از حمد توحید
بخوان و چون سلام گفتی سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار نوبت الله
اکبر بگو آنگاه آنگاه این دعا بخوان یا من الیه ملجأ العباد فی المهمات و الیه یفزع الخلق
فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات و یا من لا یخفی علیه خواطر الاوهام و تصرف
الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من بیده ملکوت الارضین و السموات انت الله
لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا انت فیا لا اله الا انت اجعلنی فی هذه اللیلة
ممن نظرت الیه فرحمته و سمعت دعاءه فاجبته و علمت استقالته فاقلته و تجاوزت
عن سالف خطیئته و عظیم جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی و لجأت الیک فی
ستر عیوبی اللهم فجد علی بکرمک و فضلک و احطط خطایای بحلمک و عفوک
و تغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک فاجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم
لطاعتک و اخترتهم لعبادتک و جعلتهم خالصتک و صفوتک اللهم اجعلنی فی
هذه اللیلة ممن سعد جده و توفر من الخیرات حظه و اجعلنی ممن سلم فنعم و فاز
فغنم و اکفنی شر ما اسلفت و اعصمنی من الازدیاد فی معصیتک و حبب الی طاعتک
و ما یقربنی منک و یزلفنی عندک سیدی الیک یلجأ الهارب و منک یلتمس الطالب و
علی کرمک یعول المستقیل التائب ادبت عبادک بالتکرم و انت اکرم الاکرمین و

و امرت بالعفو عبادک و انت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما رجوت من
کرمک و لا تؤیسنی من سابغ نعمک و لا تخیبنی من جزیل قسمک فی هذه اللیلة لاهل
طاعتک و اجعلنی فی جنة من شرار خلقک رب ان لم اکن من اهل ذلک فانت
اهل الکرم و العفو و المغفرة جد علی بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظنی بک و
تحقق رجائی لک و علقت نفسی بکرمک فانت ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین :
اللهم و اخصصنی من کرمک بجزیل قسمک و اعوذ من عقوبتک و اغفر لی الذنب
الذی یحبس علی الخلق و یضیق علی الرزق حتی اقوم بصالح رضاک و انعم بجزیل
عطائک و اسعد بسابغ نعمائک فقد لذت و تعرضت لکرمک و استعذت بعفوک
من عقوبتک و بحلمک من غضبک فجد بما سألتک و انل ما التمست منک اسئلک بک
لا بشیء هو اعظم منک پس سجده کن و بگوی بیست مرتبه یا رب و هفت مرتبه یا الله و
هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله و ده مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله پس صلوات بر محمد
و آل محمد بفرست و حاجت خود را طلب کن والله که اگر طلب کنی حاجتها بعدد قطرات باران که
حق تعالی بر آورد همهٔ آنها را بفضل و کرم خود بدانکه از این اخبارها و بعضی اخبار دیگر مفهوم میشود
که تقدیر و قسمت اجلها و روزیها و غیر آنها در اینشب میشود و در احادیث متعدده و اخبار
متکثره بلکه متواتره وارد شده که اینها در شب قدر واقع میشود و محتملست که آجال و ارزاق
محتوم در شب قدر مقدر شود و آجال و ارزاق غیر محتوم که در آنها بدا واقع میتواند شد در اینشب
مقدر گردد یا آنکه قسمت و تقدیر آنها در لوح محفوظ در اینشب میشود و اعلام آنها بامام زمان
در شب قدر واقع شود و بعضی گفته اند که وعدهٔ قسمت ارزاق و آجال در این شب میشود و قسمت در شب
قدر یا آنکه قسمت آنها در علم الهی در این شب میشود و قسمت در میان بندگان در شب قدر والله اعلم
و بدانکه در این شب صاحب الامر علیه السلام متولد شده و عالم را بنور خود منور کرد انیده ابن طاوس
و کفعمی گفته اند که مستحبست که در این شب مولود آنحضرت این دعا خوانده اللهم بحق لیلتنا و مولودها

وحجتك ومودعها التي قرنت الى فضلها فضلاً فتمت كلمتك صدقاً وعدلاً لا مبدل
لكلماتك ولا معقب لاياتك نورك المتالق وضياؤك المشرق والعلم النور في
طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة شهداؤه
والله ناصره ومؤيده اذا ان ميعاده والملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو
ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر و
ولاة الامر والمنزل عليهم ما يتنزل في ليلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة
وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم
وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا
بثاره واكتبنا في اعوانه وخلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين
وبحقه قائمين ومن السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الطاهرين الصا
دقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم
الحاكمين ٥ وسید روح الله روحه روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله در این شب
این دعا میخوانده اند اللهم اقسم لنا من خشیتك ما یحول بیننا وبین معصیتك
ومن طاعتك ما تبلغنا به رضوانك ومن الیقین ما تهون علینا به مصیبات الدنیا
اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعله الوارث منا و
اجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا
تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتك یا ارحم الراحمین
شیخ وسید وکفعمی روایت نموده اند بسند متصل بکمیل که از خاص اصحاب امیر المومنین
وحضرت امام حسن علیهما السلام بوده که گفت من با جماعتی از ... با امیر علیه السلام
در خدمت آنحضرت حاضر بودم که یکی از ایشان از آنحضرت سوال ... از معنی قول الله تعالی

که فیها یفرق کل امر حکیم یعنی هر امر محکمی در ان مفروق میگردد پس فرمود که این در شب نصف
شعبانست سوگند بآنکه نفس علی در قبضهٔ قدرت اوست که هیچ بنده نیست مگر آنکه هر امر خیر
وشر که بر او جاری میگردد تا سال آینده در شب نصف شعبان تقدیر کرده میشود و بنده
که هیچ بنده نیست که احیا کند اینشب را و بخواند دعای خضر علیه السلام را مگر آنکه اجابت کرده
میشود کمیل گفت که چون این حدیث را شنیدم رفتم در شب بخدمت آنحضرت فرمود که بجهة چه
مطلب آمده گفتم برای دعای خضر ع فرمود بنشین ای کمیل و چون حفظ کنی این دعا را بخوان در هر شب
جمعه یا در ماهی یا در سالی یا در عمر خود یکنوبت تا آنکه از همهٔ بلیات در حفظ الله تعالی باشی و
فیروزی ونصرت بیابی و در رزق و روزی بر تو فراخ کرده و آمرزیده شوی ای کمیل چون از اصحاب
دیرینهٔ مائی بر ما لازم است که عطا کنیم بتو آنچه سوال میکنی آنگاه فرمود که بنویس بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت کل شیء وبقوتك التی قهرت
بها کل شیء وخضع لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتك التی غلبت بها کل شیء وبعزتك
التی لا یقوم لها شیء وبعظمتك التی ملأت کل شیء وبسلطانك الذی علا کل شیء و
بوجهك الباقی بعد فناء کل شیء وباسمائك التی ملأت ارکان کل شیء وبعلمك الذی احاط
بکل شیء وبنور وجهك الذی اضاء له کل شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین ویا آخر
الآخرین اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتك العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی
تنزل النقم اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس
الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته
وکل خطیئة اخطاتها اللهم انی اتقرب الیك بذکرك واستشفع بك الی نفسك و
اسئلك بجودك ان تدنینی من قربك وان توزعنی شکرك وان تلهمنی ذکرك اللهم انی
اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمك راضیاً
قانعاً وفی جمیع الاحوال متواضعاً اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل

اللهم اغفر لی الذنوب التی
تقطع الرجاء ...

بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا
مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من
حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشئ من عملي القبيح
بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي
وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم
من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم
من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي و
قصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا
بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك بجنايتها ز
دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني
بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي
وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في
جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في
امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه
من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى
علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع
ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك
يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا
مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري
غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري و
ارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي

و

ودقة عظمي يا من بدا خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك
وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد
ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من
حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان
تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء
من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه
خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة
وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت
خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة
ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء و
مكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الاخرة وجليل وحلول ز
وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه
لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي
فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي
لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته او لطول البلاء
ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت
بيني وبين احبائك واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف
اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام كيف
اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا
لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الاملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين و

ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال
العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين أفتراك
سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم سحر ن ل
عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل
لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي
فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار
وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهبها وانت تسمع صوته وترى مكانه
ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتغلغل بين اطباقها وانت
تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك في
عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا
مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت
به من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا
وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت
ان تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين و
انت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن
كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية
التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه
الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل
عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها
الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي
وكنت انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته مطلب

و

7

تنزله
وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير انزلته او احسان تفضله او بر نشرته تنشره
او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي
ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري بفقري ن ل
وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك
ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي
عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا
يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك
جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال
بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك في المبادرين و
اشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة
الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني
فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة
لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني
برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك و
اقلني عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك و
ضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك
استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس
من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه
دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا
سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على
محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من اله وسلم

تسليماً كثيراً ه وسه مرتبه سورهٔ یس در شب پانزدهم شعبان یکی بجهت توسعهٔ رزق و
یکی بجهت سلامتی از بلاها و آلام و یکی بجهت زنده بودن تا پانزدهم آینده این ماه این اشنیدم
از استاد خود که او میفرمود من دیده ام حدیث این را و عمل نموده ام باین شب بیست هفتم
از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که در این شب ده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از حمد سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی ده نوبت بخواند بنویسد حق تعالی برای او هزار هزار حسنه و
محو کند از و هزار هزار سیئه و بلند کرداند برای او هزار هزار درجه و بگذارد بر سر او تاجی از نور و
بدانکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که فضیلت بسیار دارد روزه داشتن سه روز آخر شعبان
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کس سه روز آخر شعبان را روزه دارد و وصل
کند آنرا بماه رمضان بنویسد الله تعالی برای او روزه دو ماه پیاپی و شیخ طایفه و ابن طاوس علیهما الرحمة
بسند خود از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه الصلوة و السلام روایت کرده اند که
آنحضرت در آخر شب شعبان و شب اول رمضان المبارك این دعا میخواندند اللهم ان هذا الشهر
المبارك الذی انزل فیه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان قد حضر
فسلمنا فيه و سلمه لنا و تسلمه منا فی يسر منك و عافية يا من اخذ القليل و شكر
الكثير اقبل منی اليسير اللهم انی اسئلك ان تجعل لی الی كل خير سبيلا و من
كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عنی و عما خلوت به من السيئات
يا من لم يؤاخذنی بارتكاب المعاصی عفوك عفوك عفوك يا كريم الهی وعظتنی فلم
اتعظ و زجرتنی عن محارمك فلم انزجر فما عذری فاعف يا كريم عفوك عفوك
اللهم انی اسئلك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك
فليحسن التجاوز من عندك يا اهل التقوى و يا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم
انی عبدك ابن عبدك ابن امتك ضعيف فقير الی رحمتك و انت منزل الغنى
و البركة على العباد قاهر مقتدر احصيت اعمالهم و قسمت ارزاقهم و جعلتهم

مختلفة

مختلفة السنتهم و الوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك و لا يقدر العباد
قدرتك و كلنا فقراء الی رحمتك فلا تصرف عنی وجهك و اجعلنی من صالح خلقك
فی العمل و الامل و القضاء و القدر الهی ابقنی خير البقاء و افنني خير الفناء على
موالات اوليائك و معاداة اعدائك و الرغبة اليك و الرهبة منك و الخشوع و
الوفاء و التسليم لك و التصديق بكتابك و اتباع سنة رسولك اللهم ما كان فی
قلبی من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بذخ او بطر او خيلاء
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة
او شیء لا تحب فاسئلك يا رب ان تبدلنی مكانه ايمانا بوعدك و رضا بقضائك
و زهدا فی الدنيا و رغبة فيما عندك و اثرة و طمأنينة و توبة نصوحا اسئلك
ذلك يا رب العالمين الهی انت من حلمك تعصى و من كرمك و جودك تطاع فكانك
لم تعص و انا و من لم يعصك سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا و بالخير
عوادا يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد و آله صلوة دائمة لا تحصى و لا
تعد و لا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين اعمال شب جمعهٔ آخر شعبان شیخ در
کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از عبدالله بن صالح روایت کرده که داخل شدم بر
حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در جمعهٔ آخر ماه شعبان پس آنحضرت گفت که
ای ابا الصلت بدرستی که اکثر شعبان گذشته و این جمعهٔ آخر است پس تدارک کن در بقیهٔ
این ماه تقصیراتی که کرده در آنچه گذشته از این ماه و بر تو باد باقبال نمودن و نیکو متوجه
شدن بر آنچه ترا اعانت و یاری کند از طاعات و عبادات و بسیار بکن در بقیهٔ این ماه از
دعا و استغفار و تلاوت قرآن و توبه کن از همهٔ گناهان تا آنکه داخل شود بر تو ماه رمضان
در حالتی که خود را برای الله تعالی خالص کرده باشی و باید که نباشد بر گردن تو امانتی مگر
آنکه بصاحبش رد کرده باشی و نباشد در سینهٔ تو کینهٔ از شخصی مؤمنی مگر آنکه از سینهٔ خود بیرون

کرده باشی ونباشد گناهی که آنرا مرتکب بوده مگر انکه ازان استقاله نموده باشی وترک کرده باشی
وپرهیزکار باش ای ابو الصلت وتوکل کن برخدای تعالی در امور پنهان وآشکار خود زیرا که هر که بر خدا
توکل کند پس بس است او را خدا بدرستی که الله تعالی امر خود را کامل وتمام میکرداند برای هر چیز قدری و
اندازه قرار داده است وبسیار بگوی ای ابو الصلت در بقیه اینماه این دعا را اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ
غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستی که حق تعالی در اینماه بسیاری را
از آتش جهنم آزاد میکرداند برای حرمت ماه رمضان **فصل سیم در اعمال وادعیهٔ ماه رمضان**
واعمالی که متعلق باینماه هست در فضیلت روزه رمضان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که آنحضرت فرمود که هر که یکروز روزه دارد خالص از جهة رضای الهی در هوای
گرم وتشنه شود حق تعالی هزار فرشته را بفرستد که خود را بواسطهٔ تعظیم بر روی او مالند
یا دست بر روی او مالند از باب تفقد ومهربانی واو را بشارت دهند برحمتهای الهی وبر بهشت
جاودانی ودر وقت افطار حق تعالی فرماید که ای بندهٔ من چه خوش است بوی تو ای فرشتگان گواه
باشید که آمرزیدم گناهان این بنده را وحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که اگر بنده یکروز
روزه دارد از جهة طلب ثوابهای که الله تعالی وعده فرموده حق تعالی او را به بهشت در آورد وآنحضرت
فرمودند که خداوند عالمیان میفرماید که روزه از من است وثواب آن بر من است واحادیث در این
باب بسیار واقع شده که این رساله محل گنجایش آن ندارد وایمای در هر باب مینمائیم **دیگر در باب**
حقیقت صوم است وآنچه در این رساله بیان میشود صوم از کف جمیع مفطرات است
با نیت قول مشهور علمای خاصه وعامه است واما آنچه بخاطر میرسد آنست که صوم عبارت
از باز داشتن نفس است از اکل وشرب معتاد وجماع در قبل زن همچنین که ظاهر آیه کریمه
بران دلالت دارد وکف وباز داشتن خود از باقی مفطرات جزء حقیقت صوم نیست بلکه
شروط صحت صوم است از بابت طهارت از حدث وخبث واستقبال قبله که شروط
نمازند وباخلال یکی از اینها نماز باطل میشود وجزء حقیقت نماز نیستند پس غیر ازین

سه

سه چیز را در کار نباشد قصد امساک کردن واما احتیاط در قصد است وبه اینمعنی یکی از محققین
علمای عامه اشاره کرده وبعضی از علمای شیعه اثنا عشری اشاره باینمعنی نموده اند در شرح فقیه وزیاده
ازین نیز ترقی فرموده احتمال داده اند که روزه همین عبارت از کف از اکل وشرب معتاد باشد با
جماع وسایر چیزها داخل شروط باشند وآنچه ذکر شد بحسب ادله بسیار که بر متتبع ماهر ظاهر است
وامساک از اکل وشرب معتاد بطریق معتاد واز جماع در قبل زن واجبست در صوم باجماع امت
چون در قرآن مجید مذکور است که ناقض صوم است وباعث قضا وکفاره است بلا شک وریب
اما در اکل وشرب غیر معتاد مثل خوردن سنگ ریزه وآشامیدن فشرده گیاه که معتاد نباشد
خوردن آن یا چیزی که معتاد باشد خوردن وآشامیدن آن بطریق غیر معتاد بغیر طریق حقنه و
وارد جوف سازد وجماع در دبر زن ودر دبر پسر العیاذ بالله ودر دبل ودبر حیوانات در صورتی
که انزال نشود هر چند کف از بعضی از اینها در غیر صوم نیز واجب است اما در بطلان صوم بکل
واحد از اینها خلافست میان علمای ما ودلیل بطلان اگر چه نزد علما ثابت نیست اما احتیاط در دین
بسیار وصاحب اعتقاد یقین باز داشتن نفس است از جمیع اینها در صوم بجهة رضای الهی چنانچه در اخبار
وارد شده که صوم حقیقی آنست که جمیع اعضا از جمیع محرمات صایم باشد واما آنچه بی دغدغه
جزء حقیقت صوم است اکل وشرب معتاد است بعنوان معتاد وجماع است در قبل زن وطلب منی کردن
با آمدن منی واین چهار متفق علیها است وخلافی نیست که هر گاه عمداً یکی از اینها را واقع سازد روزه
باطل میشود وقضا وکفاره بر او واجب میشود واما در اکل وشرب غیر معتاد بعنوان معتاد یا
بعنوان غیر معتاد بر خلاف معتاد بانکه بخورد یا بیاشامد چیز چند را که معتاد مردم نباشد خوردن
آن مثل سنگ وچوب وخاک وگیاهها وآب فشرده شده از گیاهها وامثال اینها یا آنکه آب یا
غیر در بینی ریزد تا بحلق رود یا چیزی که غیر معتاد باشد در بینی کنند تا بحلق رود وجماع
در دبر زن یا مرد نعوذ بالله هر گاه منی نیاید که اگر منی بیاید داخل است در قسم اول و
همچنین دست بازی با زنان یا مردان نه بقصد منی آمدن هر گاه بیاید یا نظر کند بزن اجنبیه

یا مرد و منی بیاید خصوصاً هرگاه عادت او این باشد که چون نظر کند منی آید بلکه اگر معتاد
باشد که منی از او آید هرگاه نظر بزن خود کند یا آواز زن را بشنود یا پسر را اگر گوش دهد
بآواز ایشان و از و منی بیاید و سر بآب فرو بردن با تمام بدن یا تمام سر اگرچه بدن از آب بیرون می
باشد اظهر حرمت است و احوط قضا است و نهایت احتیاط کفاره است و دروغ بستن
بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام عمداً و باقی ماندن بر جنابت تا طلوع صبح عمداً با قدرت
بر غسل یا تیمم و خواب کردن جنب و حایض و نفسا و استحاضهٔ متوسطه یا کثیره بدون نیت
غسل تا صبح و خواب دویم یا سیم و بیشتر با نیت غسل یا عدم نیت هرگاه خواب رود تا صبح
و در خواب اول محتلم شود بعد از بیدار شدن از خواب احتلام در حرمت بقای بر جنابت عمداً
تا صبح طلوع کند میان علما ما خلافست مشهور میان علما آنست که حرام است و واجب خود را
از آن باز داشتن در روزه ماه رمضان و اگر عمداً بماند بر جنابت تا صبح روزه آن روز او
باطل میشود و بر او واجب است قضا و کفاره و بعضی گفته اند قضای تنها و بعضی گفته اند که
حرام نیست باقی ماندن بر جنابت تا طلوع صبح و نه موجب قضا است و نه کفاره و این قول اکثر
علما عامه است و بعضی از علمای ما نیز قائل شده اند که باقی ماندن حرام نیست و اگر باقی بماند
قضا واجب است و این مسئله قویة الاشکال است باعتبار دلالات اخبار و اختلاف اصحاب
اما احتیاط در دین و برائت ذمهٔ یقینی در آنست که قصد امساک از آن نماید در روزه و
هرگاه این قسم امری از و صادر نشود و اگر صادر شود روزه آن روز را قضا کند و کفاره
نیز بدهد و اگر خواب رود و قصد داشته باشد که غسل نکند تا صبح اظهر و اشهر میان علما
آنست که این هم حکم آن کسی دارد که بیدار شود عمداً غسل نکند بهمان تفصیلی که گذشت و اگر جنب
شود و بقصد آنکه پیش از صبح بیدار شود و غسل کند بخوابد و بیدار نشود تا صبح طالع شود
اظهر و اشهر میان علما آنست که خواب او مشروع است و روزه او صحیح است نه قضا بر و
واجبست و نه کفاره و اگر از این خواب بیدار شود و باز بقصد غسل بخوابد و بیدار نشود

تا طلوع

تا طلوع صبح اشهر و اظهر آنست که قضا بر و واجبست و بس و در خواب سیم خلافست بعضی گفته اند
که مثل خواب دویم است و همین قضا است و بس و قول آخر اشهر و اقوی است بواسطه آنکه حدیثی در
این باب وارد نشده و تقیید نموده اند علما با اینکه این در این صورت ایست که این نیز در عادت
باشد که پیش از صبح بیدار شود یا آنکه یک بیداری را بوجود موکل سازد که او را بیدار کند و مجرد
نیت بیدار شدن کافی نیست بلکه حکم متعمد جنابت دارد و اگر نه بقصد غسل و نه بقصد عدم غسل
بخوابد این دو صورت دارد یکی آنکه او را بی اختیار بخواب برد یا آنکه باختیار بخوابد و غسل از خاطرش
رود و ظاهر اینست که در این دو صورت بس و چیزی نباشد اگرچه دو مرتبه خواب کرده باشد و اخبار
دلالت بر این دارد و نهایت احتیاط قضا است و بعضی از علما گفته اند کسی که محتلم شود و بیدار
شود همان خواب که در آن محتلم شده و بیدار شده است حکم خواب اول دارد و خوابی که بعد از این میکند
خواب دویم است و همچنین این از بعضی اخبار استنباط نموده اند و در آن استنباط حرف است و شک
نیست که احوط اینست اما ظواهر روایات آنست که این حکم مخصوص ماه رمضانست و عبارات
اصحاب مجمل است از آن حیثیت که بقای بر جنابت را از مفطرات صوم شمرده اند بی تقییدی و در
قضای ماه رمضان دو حدیث معتبر صحیح و یک حدیث موثق وارد شده که اگر در آن شبی که اراده
روزه قضا دارد چنین چیزی واقع شود آن روز را روزه نگیرد در روز دیگر بگیرد و اما
در روزه سنت ظاهر اینست که بقای بر جنابت ضرر نداشته باشد باعتبار حدیث صحیحی بی معارض
اما اشکالی که هست در روزهای واجب غیر ماه رمضان و قضا است مثل نذر معین و کفاره و
امثال آن و احتیاط عظیم در ترک آنست و دیگر خلافست در باب زن حایض و نفسا اگر
در شب پاک شوند آیا پیش از صبح غسل کردن بر ایشان واجبست و بقای بر حدث حیض و نفاس
تا طلوع صبح مبطل است یا نه و در حدیث قوی وارد شده که اگر غسل نکند تا صبح بر او لازم است
قضا و جزم بوجوب مشکل است اما احتیاط عظیم در قصد امساک از آن و غسل کردن پیش
از صبح در نکردن غسل قضا است و همچنین در مستحاضه نیز خلافست و احوط آنست که جمیع اغسال

شب و روزه را بجای آورد و غسل بواسطهٔ نماز شب و بواسطهٔ روزه احتیاطاً
پیش از صبح بجا آورد تا بیقین او را بذمه مذهب براءت الذمه حاصل شود و همچنین خلاف است
در جمیع این صورت که مذکور شد که اگر غسل متعذر باشد در وجوب تیمم پیش از صبح و بنابر
قول بوجوب اگر تیمم بکند بعد از تیمم آیا جایز است خواب کردن تا طلوع صبح یا نه خلاف است
و دلیل اینها از اخبار خوب ظاهر نمیشود پس احتیاط آنست که تیمم کند و بیدار باشد تا طلوع صبح
شود و دیگر عمداً قی کردن و حقنه بمایع بلکه بجامد نمودن چون شیاف بلکه بچکانیدن
بسوراخ ذکر تا بجوف رود در قی کردن از روی عدم اختیار یا جماع در روزه اش درست است
و بر وی چیزی نیست در عمد بعضی قضا را لازم میدانند و بس و بعضی قضا و کفاره و بعضی
میگویند هیچ چیز بر وی نیست و روزه درست است و اظهر و اشهر قول اول است و در حقنه در روزه
واجب خلافست بعضی حرام میدانند و موجب کفاره و قضا میدانند و بعضی حرام و موجب
قضا تنها است و بعضی مکروه میدانند و مستحب میدانند اجتناب از حقنه را و موجب چیزی
نمیدانند و اظهر قول اولست و احوط قضا است و در شیاف سه قول است اظهر جواز است و احتیاط
در ترک و نهایت قضا است و بس و بلکه بسوراخ جراحت چکانیدن تا بجوف رود بلکه بجا رود
شکم خوردن و فضلات سینه و دماغ فرو بردن هرگاه بفضای دهان رسیده باشد و ممکن
بوده باشد اخراج آن و همچنین آب دهان هرگاه با زبان بیرون آید و باندرون برد و بخورد
و غبار غلیظ را الحاق کرده اند بعضی و دود غلیظی را که اجزاء آن منفصل باشد مثل دخان کشته
و عود و همچنین بخار دیگ طعام وقتی که در جوش باشد و بحلق رود با غلظت علی قول و اجزاء
خوردنی که در میان دندانها مانده باشد و فرو برد عمداً یا فرو رود مع التقصیر علی قول و همچنین
در وطی حیوانات با عدم آمدن منی و بوئیدن مشک و عنبر که اجزاء آن بحلق رود و در
فضلات و بلغمی که از سر و سینه آید بعضی از علماء در غیر از روزه هم حرام میدانند فرو بردن
آنرا هرگاه بفضای دهن آید و بعضی گفته اند که در حلق هم که باشد و آنرا بسهولت توان رفع

کردن

کردن فرو بردنش جایز نیست و باعتقاد آنها اینها خبیث اند و استدلال بآیهٔ کریمه نموده اند پس
حرام باشد فرو بردن و خوردن آن و بعضی حلال میدانند فرو بردن آنرا مادامی که از دهن بیرون نیامده
باشد و این قول اظهر است و همچنین گفته اند که آب دهنی که با آن بلغم نباشد تا در دهانست حلالست و خبیث
نیست و از دهان که بیرون آید خبیث میشود و این افراد دارد یکی آنکه آب دهان در ظرفی مثل
تفلدان جمع شده باشد خوردن آن حرام است بنا بر مذهب ایشان از راه خباثت و دیگر آنکه آب
دهانرا از دهان بیرون آورد و داخل دهن نکند و زبان محبوبهٔ خود را در دهن گیرد و مکد یا آنکه
آبی از دهن بیرون آمده باشد باطراف لب با زبان باندرون برد و بخورد و یا آنکه بقاشق چیزی خورد
چون هر مرتبه که قاشق باندرون و بیرون می آید و در مرتبهٔ دیگر داخل دهن میکند یا آنکه خربزه
و میوه را بدندان خورد جهة آنکه بآب دهان آلوده میشود ظاهر از عبارات متأخرین علما
ما آنست که دغدغهٔ حرمت در امثال اینها میشود اما عبارات اکثر علما از اینها خالی نیست
و ظاهر اینست که اینها هم حلال باشد و منع از ائمه علیهم السلام وارد نشده بلکه بر خلافش
وارد شده مگر در صورت اول که احوط اجتناب فضلات شد و مکروه است که بفضای دهن آید
و آنرا عمداً فرو برد بعضی گفته اند که قضای آن روز را باید بگیرد که روزهٔ او باطل میشود و بعضی
قضا و کفاره جمع را لازم میدانند باعتبار افطار بحرام و بعضی گفته اند که هیچ چیز بر او نیست
و قول آخر بحسب ادله اظهر و احتیاط ظاهر است و همچنین در حدیث صحیح وارد شده که اگر روزه دار
زبان حلیلهٔ خود را بمکد یا طفل خود را بوسه کند و آب دهان آن طفل بدهان او بیاید و آن
آب را فرو برد حضرت فرموده اند قصوری ندارد و روزهٔ او صحیح است مگر یک صورت که آب دهان
در ظرفی جمع شده باشد و بخورد بنا بر مذهب این جمع قضا و کفاره جمعاً و بنا بر مذهب جمعی هیچ چیز
نیست و غبار را اکثر علما تقیید کرده اند بغبار غلیظ و بعضی مطلق غبار ذکر کرده اند و بعضی دود
غلیظ را نیز الحاق کرده اند و در غبار خلافست بعضی بر آنند که روزه را فاسد میسازد و موجب
چیزی نیست و مشهور آنست که روزه را فاسد میسازد و موجب قضا است و مستند قول مشهور

ظنش خلافست میان علما جمعی از علما گفته اند که قضا واجب نیست و جمعی گفته اند که قضا واجب است
و از هر دو طرف اخبار واقع شده اما چون اخبار اول اصح و اکثر است اظهر قول اول است و احادیث
قضا محمول بر استحباب میتواند بود اما احوط و بهتر قضا است و اگر کسی خبر دهد که شام شده است و
بگفته او عمل کند و افطار کند و بعد از آن متحقق شود فساد آن خبر مشهور آنست که قضا می باید کرد و
بعضی گفته اند که اگر آن خبر دهنده باشد بگفته دو عادل که حجت شرعیست اگر فسادش ظاهر شود
قضا واجب نیست و اگر بگفته شخصی باشد که حجت شرعی نباشد برو واجب است قضا و کفاره چون
درین باب حدیثی نیافته احتیاط عظیم آنست که در وقتی که ابر نباشد یا علم شرعی بهم نرساند
نخورد و اگر بخورد کفاره هم احتیاطا تا نیز بدهد و خلافی نیست میان علمای ما که در روزه جایز است
سرمه و دارو کشیدن بچشم مطلقا اما خلافی که هست در این است که این جواز با کراهت است
یا بدون کراهت بعضی گفته اند که جایز است با کراهت و بعضی گفته اند که جایز است بی کراهت
و کراهت مخصوص فردیست که در آن سرمه و دارو چیزی تند باشد مثل سرکه که طعم آن در
دهن ظاهر شود و مظنون آنست که مطلقا جایز باشد با کراهت و در این قسم که دارو تندی
داشته باشد کراهتش بیشتر است از حیثیت جمع میان اخبار صحیحه معتبره و مکروهست بوسیدن
زنان و ملاعبه و دست بازی با ایشان نسبت بجوانانی که خوف منی یا خوف وقوع جماع باشد
و اما نسبت بجماعتی که از پیران و مردان ضعیف الشهوه که این خوف در باره ایشان نباشد ظاهر
اینست که جایز باشد بدون کراهت همچنین که اخبار صحیحه معتبره دلالت میکند و بعضی کراهت
را مطلقا قایل اند و اول اظهر است و بوی خوش کردن و عطریات بر خود مالیدن و بخور کردن
چیزهای معطر سنت است در روزه دار را همچنین که اخبار صحیحه معتبره بران دلالت دارد و اما بوییدن
گلهای خوشبو ظاهر بسیاری از احادیث صحیحه آنست که قصوری ندارد و بعضی احادیث غیر صحیحه
وارد شده که مکروه است بوییدن گلها و کراهت در نرگس بیشتر است و مضمون این اخبار اکثر
علمای ما فتوی داده اند و اجتناب اولی است خروجا عن الخلاف و اخبار صحیحه معتبره وارد شده که

که حجامت کردن در روز روزه قصوری ندارد مادام که خوف ضعف یا غلبه سودا یا صفرا نداشته
باشد که اگر خوف یکی از اینها باشد مکروهست و اکثر علما فصد را الحاق بحجامت کرده اند و
بعضی مطلقا اخراج خون را از بدن ذکر کرده اند باعتبار اشتراک علت و عدم حرمتش اجماعیست و
همچنین دخول حمام هرگاه خوف ضعف داشته باشد مکروهست و بدون خوف ضعف جایز است بدون
کراهت همچنین که حدیث صحیح بران دلالت دارد و خلافی نیست میان علمای ما که مرد اندر روز روزه
در میان آب میتواند نشست و آب به بدن میتواند ریخت و اما جامه را بر بدن تر کردن یا جامه تر را
پوشیدن که ملاصق بدن باشد مشهور میان علما آنست مکروهست و چند حدیث نیز واقع شده که
دلالت بر کراهت میکند اگر چه اسانید اینها باصطلاح متاخرین صحیح نیست اما چون مسامحه در ادله سنن
و مکروهات هست نزد علما قصوری ندارد استدلال کردن باین اخبار و همچنین مشهور میان علما اینست
که نشستن زنان در آب در روز روزه مکروهست باعتبار حدیثی و حق اینست که اگر عمل کنیم بروایت
قایل بکراهت خواهیم شد و بس و بعضی از علما ختنی و خواجه سرایان را الحاق نموده اند و اخبار معتبره
وارد شده که شعر خواندن در شب جمعه و روز جمعه مکروهست و در شب مطلقا مکروهست و در مسجد و در ماه
رمضان خواه در شب باشد و خواه در روز مکروهست و در حدیثی وارد شده که هر چند در فضایل
اهل بیت باشد و صحیحه علی بن جعفر وارد شده که از حضرت سوال کرد از خواندن شعر در اثنای طواف آنحضرت
فرمودند که هر شعری که بد در آن نباشد قصوری ندارد و این منافات با کراهت ندارد یعنی حرام نیست اما هر شعری
که مشتمل بر هجو مسلمانی یا دروغی یا باطلی باشد حرامست والله اعلم و دیگر چکانیدن چیزیست در بینی یا
مسحوق را بو کند که اجزای آن بدماغش رود اگر بحلق رود خلافست بعضی گفته اند که موجب قضا و
کفاره است و بعضی گفته اند که مکروهست و موجب چیزی نیست و قول آخر اقوی است همچنین که سابقا ذکر
کردیم که چیزی که مشخص است اکل و شرب معتاد است بطریق معتاد و این استنباط از دو صورت خالی
نیست یا اکل و شرب غیر معتاد است بطریق غیر معتاد یا معتاد است بطریق غیر معتاد و هر دو را ذکر کردیم
که دلیلش تمام نیست و اگر بحلق نرود بلا خلافست بعضی گفته اند که مکروهست و موجب چیزی نیست

و بعضی گفته اند که باعث فساد صوم میشود و موجب قضا است و بعضی گفته اند که موجب قضا و کفاره است
و حق قول اول است و از اخبار هم وصول چیزی بغیر از کراهت ثابت نمیشود و همچنین در باب حدیثی
وارد شده که چیزهای که بوی بسیار تند داشته باشد مثل مسک و عنبر بو نکند اگرچه سند حدیث
صحیح نیست و بر آن حکمی ثابت نمیشود اما اگر عمل کنیم محمول بر کراهت خواهد بود و احتیاط در ترک است
و در باب نیت پس بهتر که نا چار است از نیت قربت و احوط آنست که قصد کند روزه میدارم یعنی خود را باز میدارم
از مفطرات مذکوره بعضی را وجوباً و بعضی را احتیاطاً و بعضی را استحباباً از طلوع صبح تا شام لله تعالی
یعنی از جهت فرموده الهی و اگر در ماه رمضان قصد کرده باشد که فردا روزه میگیرم لله تعالی کافیست و احوط
در نذر معین آنست که قصد کند که روزه میدارم از جهت نذر لله تعالی و در روزه سنت کافیست که قصد کند
که فردا روزه میدارم لله تعالی و اگر از روزهای متبرکه بوده باشد و خواهد که ثواب خصوص ایام متبرکه را داشته باشد بهتر
آنست که قصد خصوص آن روز را بکند مثل آنکه قصد کند که نیمه رجب یا نیمه شعبان یا روز غدیر را روزه میگیرم لله تعالی
و اگر متعذر باشد مثلاً که ماه رجب است یا نیمه رجب یا شعبانست همین کافیست که قصد کند که فردا روزه میدارم لله تعالی
و اگر روزه در ذمه او باشد مثل نذر و عهد و یمین و کفاره مثلاً میباید که قصد هر یک را جدا بکند علی المشهور
والاحوط و همچنین اولی آنست که اگر یکی از اینها بر او واجب باشد قصد همان بکند مگر آنکه متعذر باشد که فردا
روزه میگیرم لله تعالی همین نیت کافیست و آنچه مشکلست از نیت آنست که غرض او از صوم محض رضای
الهی باشد و قصد بهشت یا خلاصی از جهنم با آن ضمیمه کرده باشد و اگر ممزوج باشد این قصدها با قصد قربت ظاهراً
صحیح باشد و میباید که نیت روزه واجب را در شب واقع سازد و احوط آنست که مقارن طلوع
صبح واقع نسازد بلکه قبل از طلوع صبح صادق واقع سازد اگرچه متصل باشد بطلوع که چون از
نیت فارغ شود صبح طالع شود و پیش از شام فایده ندارد بلکه میباید که از شام تا صبح واقع سازد
مگر آنکه فراموش کند نیت را در شب که در این صورت تا ظهر نیت میتواند کرد و همچنین روزه قضا
را عمداً تا ظهر نیت میتواند کرد و اولی آنست که عمداً تاخیر نکند تا روز و روزه سنت را تا ظهر نیت
میتواند کرد بلکه تا قریب بغروب هرگاه مفطری بفعل نیاورده باشد مگر بقای بر جنابت تا طلوع صبح

کربا

که با وجود آن نیت میتواند کرد بعد از غسل بلکه پیش از غسل نیز و اگر بر جنابت مانده باشد تا طلوع صبح
اگرچه عمداً نباشد آن روز را قضا ماه رمضان نمیتواند گرفت اگرچه شب نیت کرده باشد و جمعی از علما
گفته اند که در ماه رمضان یک نیت از اول ماه کافی است بلکه بهتر است و لیکن اولی آنست که هر شب
نیت بکند و اگر جمع بکند اکمل است و در یوم الشک که روز آخر شعبان است بهتر آنست که روزه بگیرد بنیت
بقصد سنت و اگر ظاهر شود که از ماه بوده است همان نیت کافی است بی دغدغه و اگر در اثنای روز ظاهر
شود که از ماه رمضانست واجبست که تجدید نیت ماه رمضان بکند در وقت ظهور و جایز نیست که روزه
یوم الشک را بقصد واجب بدارد از ماه رمضان ادا و اما قصد قضا و نذر میتواند کرد بقول بعضی و اگر ظاهر شود
که از ماه رمضان بوده بسبب مجزی است از ماه رمضان و اگر آن روز را احتیاطاً قضا کند و از نذر و قضا حساب نکند
احوط است و اگر تردید کند نیت را که اگر از ماه رمضان باشد روزه رمضان باشد و اگر از شعبان باشد روزه
شعبان باشد ظاهراً صحیح باشد بشرط آنکه قصد سنت کرده باشد اما اگر قصد کند که اگر ماه رمضان باشد
واجب باشد و الا سنت مشهور بطلانست و وجوب قضا و این احوط است بلکه در صورت سابق نیز اولی قضا است
و اگر یوم الشک را قصد روزه نکند و پیش از ظهر ظاهر شود که از ماه است قصد روزه میکند و صحیح است و اگر مفطر
واقع نساخته باشد و اگر مفطری بفعل آورده باشد یا بعد از ظهر شود بقیه روز را واجبست امساک
نموده و قضا آن روز واجبست و اگر در صورت اول نیز قضا کند احوط است و اگر در ماه رمضان در شب عمداً
نیت نکند و پیش از ظهر نیت کند واجبست که این روز را تمام کند و قضا کند و بعضی گفته اند که کفاره
لازم است و آن احوط است و اگر شب نیت کرده باشد و روز اراده افطار کند و افطار نکند و
از آن اراده برگردد و تجدید نیت کند جمعی گفته اند که بد کرده است و روزه اش صحیح است و جمعی قایلند
بقضا و جمعی بقضا و کفاره و اول اظهر است و ما بقی احوط و اگر در روز محتلم شود روزه اش باطل نمیشود
و ظاهراً بول میتواند کرد و آنرا استمنا نمیگویند و اگر گویند دلیلی ندارد که هر استمنای مبطل است و اگر
مشکل نباشد و تاخیر کند بول کردن را تا شام احوط است و بهتر آنست که بخواب نرود مرتبه دیگر تا غسل
نکند و همچنین هرگاه شب محتلم شود بخواب نرود تا غسل نکند و استحباباً و در این باب چند مسئله است اول

آنچه مذکور شد که روزه را باطل میکند هرگاه عمداً عالماً باشد بی دغدغه است و اگر از روی فراموشی
واقع شود بر او چیزی نیست از قضا و کفاره و اگر جاهل مسئله باشد مشهور آنست که قضا لازم است
نه کفاره و احوط کفاره است خصوصاً در اکل و شرب و اگر جماع را جاهلاً واقع ساخته باشد اولی
آنست که قضا کند بقصد احتیاط و کفاره بدهد احتیاطاً و اگر بی اختیار او چیزی بحلق رود
مانند مگس و پشه روزه اش صحیح است و اگر او را کسی تخویف کند یا از روی تقیه یوم الشک را
بخورد یا آنکه بر او ظاهر باشد که از ماه است مشهور آنست که روزه اش صحیح است و احوط قضا است
دویم باکی نیست مکیدن انگشتر و خاییدن طعام از جهت طفل و چشیدن طباخ نمک طعام را و
دانه بجوجه مرغان دادن با آنکه در دهان کند و بخورد ایشان دهد و اگر در این صورتها
بحلقش رود سهواً موجب قضا نیست علی الاظهر و اگر بعبث آب بدهان کند یا طعامی را خاییده و
اندازد و بی اختیار یا سهوا بحلقش رود احوط قضا است سیم جایز است مرد را نشستن در آب
هرچند بجهة دفع تشنگی باشد چهارم جایز است مسواک کردن بچوب تر و خشک در اوایل روز
و اواخر روز و اولی بلکه احوط آنست که در آخر روز بچوب تر مسواک نکند و اگر آب دهان را بیندازد
بد نیست و ملاحظه کند از آنکه در وقت مسواک کردن تری از دهان بیرون نیاید که باز
بدهان برود و آبش را فرو برد که دغدغه قضا و کفاره جمع میشود چون آب دهان که بیرون آمد
خبیث و حرام است علی المشهور بین الاصحاب بلکه بهتر آنست که بعد از مسواک بر طب بعد از مضمضه
سه مرتبه آب دهان را بیندازد پنجم کفاره ماه رمضان بنده آزاد کردنست یا دو ماه متوالی روزه گرفتن
یا شصت مسکین را طعام دادن است هر مسکینی را مُدّی از طعام و آن یکصد و پنجاه و سه مثقال و نیم
و ربع ربع مثقال است بمثقال صیرفی یا مسکینی را از طعام سیر کند و احوط آنست که نان در سفره باشد
که اگر خواهد نان بخورد یا چیزی دیگر و ظاهر اطعام برنج کافی باشد بلکه بهتر و هرگاه یکماه هلالی
دیگر و زیاده یا سی و یکروز بدارد هرچند از اول ماه باشد ابتدا نکند که تتابع بفعل آمده است
و اگر باقی را بی در پی بگیرد بد نیست ولیکن احوط آنست که باقی را متتابع بگیرد و احوط آنست که اگر

ممکن

ممکن باشد بنده آزاد کند و اگر قدرت بر آن نداشته باشد دو ماه هلالی روزه بگیرد یا شصت روز
هرگاه از میان ماه روزه بگیرد و اگر نتواند روزه گرفتن یا نتواند پی در پی روزه گرفتن شصت مسکین
را طعام دهد و اگر از این نیز عاجز باشد هیجده روز روزه بگیرد و احوط آنست که پی در پی روزه
بگیرد و اگر نتواند بگوید استغفر الله بقصد توبه واجباً و احوط آنست که اگر من بعد قدرت
بهم رساند یکی از این کفارات را بجا بیاورد احتیاطاً و اگر افطار بحرامی کرده باشد هر سه کفاره را
بفعل می آورد خواه افطار بشراب باشد یا بزنا یا مال حرام یا در حیض وطی کرده باشد و امثال اینها
و اگر چند روز را افطار کند بعدد روز کفاره میدهد و اگر در یک روز چند مفطر بعمل آورد
مثل آنکه طعام بخورد و آب بخورد و جماع بکند و استمنا بکند جمعی از علما گفته اند بعدد مفطر
کفاره میدهد و ظاهر آنکه کفاره بیشتر واجب نباشد و احوط تعدد کفاره است بتعدد اکل
یا شرب خصوصاً جماع که در روایتی وارد است که هر جماعی یک کفاره میدهد بلکه جمعی گفته اند
که از برای هر فرو بردنی و داخل کردنی یک کفاره میدهد و این قول احوط است نهایت احتیاط
و اگر افطار کند روزه قضای ماه رمضان را پیش از ظهر جایز است و کفاره ندارد و اگر بعد از ظهر
افطار کند ده مسکین را طعام دهد و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بهتر آنست که
کفاره ماه رمضان بدهد و اگر قسم یاد کرده باشد بخدا که روزی معین را روزه بدارد مثل
روزه اول ماه اول و عمداً او را افطار کند می باید که بنده آزاد کند یا ده مسکین را بپوشاند و
احوط آنست که هر مسکینی را دو جامه بدهد اگرچه پیراهن و زیر جامه باشد و اگر از این هر سه عاجز
باشد سه روز پی در پی روزه میگیرد و اگر عهد کرده باشد با حق تعالی بآنکه گفته باشد عاهدت الله
که هر پنجشنبه را روزه بدارد و افطار کند آنرا کفاره آن مثل کفاره رمضانست و اگر نذر کرده
باشد بآنکه گفته باشد که اگر حق تعالی بیمار مرا شفا دهد سه روز اول ماه رجب را روزه بدارم
و مریض او شفا یابد و وفا بنذر نکند ظاهر آنست که مخیر است میانه کفاره ماه رمضان و کفاره یمین
و بهتر کفاره ماه رمضانست خصوصاً در مخالفت نذر صوم و اگر روزه ماه رجب را بخورد در هر دو روز

نذر کرده باشد و عاجز شود از آن بخورد و هر روز مسکینی را اطعام دهد یک مد و بهتر دو مد است
و احوط آنست که قضا کند با امکان و صیغهٔ نذر لله علی است و احوط آنست که اگر بفارسی
گفته باشد که خدا را لازمست بر من که روزه بدارم یا در دل با خدای تعالی عهد کند یا نذر کند یا قسم
یاد کند و بزبان بگوید آنرا بجا آورد احتیاطاً و اگر ترک کند کفارهٔ آنرا بدهد احتیاطاً
و اگر نذر و عهد و یمین معیّن نباشد کفاره لازم نیست اگرچه افطار بعد از زوال باشد و بهتر
آنست که چون شروع کند تمام کند و افطار نکند پیش از زوال و بعد از زوال ششم هرگاه صبح
طالع شود و در دهان او چیزی باشد واجبست که بیندازد و اگر فرو برد عمداً قضا و کفاره برو
واجبست هفتم هرگاه شخصی ماه رمضان را خود دیده باشد و کسی دیگر ندیده برو واجبست که
روزه بدارد که برو واجب میشود که چون دید روزه گیرد و اگر افطار کند قضا و کفاره برو لازم است
هشتم در شب جماع میتوان کرد تا آن مقدار که چون فارغ شود پیش از صبح غسل تواند کرد و اگر گمانش
این باشد که این مقدار وقت هست و ظاهر شود که اینقدر وقت نمانده است غسل میکند و روزه
صحیح است هرگاه خود مراعات کرده باشد و اگر رعایت نکرده باشد و چون فارغ شود از جماع صبح شود
احوط قضا است و اگر جماع در روز واقع شود بگمان بقای شب قضا واجب است علی المشهور و
الاحوط نهم اگر مرد و زن طوعاً جماع کنند بر هر دو کفاره واجبست و هر یک را بیست و پنج تازیانه
میزنند و اگر مرد اکراه کند زن را بر جماع کفارهٔ زن را مرد میدهد و پنجاه تازیانه میزنند مرد را علی المشهور
والاحوط و اگر اول مرتبه اکراه باشد و بعد از آن راضی شود در حال جماع مرد دو کفاره میدهد و زن
یک کفاره و اگر باکراه زنا کند با زنی یک کفاره میدهد و احوط تعدد است و روزهٔ زن در جمیع صور
اکراه صحیح است مگر در صورتی که زن در اثنای جماع راضی شود دهم اگر کسی افطار کند روزهٔ ماه
رمضان را و حلال داند کافر میشود پس اگر مسلمان زاده باشد واجب القتل میشود و بتوبه قتل
از و ساقط نمیشود و اگر توبه کند ظاهر اینست که توبهٔ او فیما بینه و بین الله تعالی صحیح است و عبادات
او بعد از آن صحیح است و پاک میشود و زن بر وی حلال میشود و اگر در اثنای عده توبه کند و اگر

بعد از

بعد از عدّه باشد تجدید نکاح لازم است و اکثر علما توبهٔ او را مقبول نمیدانند و اگر کافر زاده باشد
و مسلمان شده باشد و روزه را مستحلاً خورده باشد او را توبه میفرمایند در مرتبهٔ دوم و اگر توبه نکرد
میکشند و اگر توبه کند توبهٔ او مقبول است و اگر داشته باشند بانکه در جائی باشند که نشنیده
باشند که روزه واجبست توبهٔ ایشان مقبولست و قتل ساقط میشود و همچنین انکار هر چیزی
که از ضروریات دین بوده باشد مثل نماز و زکوة و حج و حرمت شراب و زنا و لواطه و ربا و امثال اینها
فصل سیم در وقت صوم است و آن روز است نه شب پس اگر نذر کند روزهٔ شب را یا شبانه روز را
آن نذر منعقد نمیشود و احوط آنست که اگر نذر شبانه روز کرده باشد روز را روزه بگیرد و
حرام است روزهٔ عید رمضان و عید قربان و سه روز بعد از آن اگر در منی باشد پس اگر نذر این
ایام کند منعقد نمیشود و همچنین اگر نذر کند اینها را با غیر اینها و احوط روزهٔ آن غیر است و اگر نذر
کرده باشد که هر پنجشنبه روزه بدارد و آن در عید یا در ایام تشریق واقع شود یا مسافر شود یا بیمار شود
افطار میکند آنرا و روز دیگر قضا میکند احتیاطاً مگر آنکه نذر کرده باشد که همیشه روزه بدارد باشد که
در حضر و سفر در این صورت در سفر نیز میگیرد و جایز نیست در سفر روزه گرفتن ماه رمضان را و احوط
آنست که هیچ روزه را در سفر روزه نگیرد مگر نذر معیّن را که احوط آنست که بگیرد باین قصد که اگر
مطلوب الهی باشد فبها و الا امساکی باشد بلا عبث و جایز نیست روزه داشتن ایام بیماری را
هرگاه روزه ضرر رساند بانکه سبب زیادتی ضرر و مرض شود یا بسبب آن مرض طویل شود و آنچه افطار
کرده باشد از ماه رمضان آنرا قضا میکند واجباً و نذر معیّن را قضا میکند احتیاطاً و در ضرر
رجوع بنفس خود میکند اگر خود یابد که روزه مضر است افطار میکند و اگر خود نیابد رجوع بالطبیب
حاذق عادل میکند و اگر ایشان مختلف باشند احتیاطاً روزه میگیرد و قضا میکند و احکام مسافر
مذکور شد در باب سفر در هر جا نماز را قصر میکند روزه را میخورد فصل چهارم در بیان حال مکلف است
که روزه برو واجبست و از و صحیح است و او بالغ عاقل مسلمان صحیح مقیم یا در حکم مقیم خالی از
حدث جنابت و حیض و نفاس است و همچنین استحاضه در بعضی از صور علی المشهور پس واجب است

روزه قبل از بلوغ و همچنین در ایام جنون و همچنین در ایام بیهوشی و روزه بر کافر واجبست اما و
از او صحیح نیست و همچنین است حکم مخالف امامیه از فرق اسلام و بر مسافر نیست و صحیح نیست از او
و همچنین مریض و تفصیل حکم هر دو کذشت و بر حایض و نفسا واجب نیست و صحیح نیست از ایشان
اکر روزه بکیرند و همچنین در مستحاضه در بعضی از صور علی المشهور بین الاصحاب و حکم جنابت سابقا
بتفصیل مذکور شد و اما روزهٔ صبی صحیح است بنا بر مذهب مشهور و از دیوانه و بیهوش صحیح هم
نیست و چون پسر را پانزده سال تمام شود بالغ میشود و جمیع عبادات بر او واجبست باجماع
و همچنین باحتلام و یا بر وئیدن موی درشت بر پشت ظهار و دختر بتمام شدن نه سال بالغ
میشود و بعلامات مردان که کذشت و بحیض و حمل و می باید که اطفال را بروزه بدارند در هفت
سالکی بهر مقداری که توانند کرفت اکرچه بعضی از روز باشد و مبالغه در نه سالکی بیشتر بکنند
و در سیزده سالکی بیشتر و احوط آنست که در این سن روزه را تمام بکیرد و بقصد واجب بکیرد
فصل پنجم در اقسام روزه است و آن چهار است واجب و سنت و مکروه و حرام اما روزه واجب
روزهٔ ماه رمضانست و روزهٔ کفاره و روزه بدل هدی در حج تمتع کسی را که هدی نداشته
باشد و روزهٔ نذر و عهد و یمین و اجاره و تحمل از پدر و روزهٔ روز سیم اعتکاف چنانچه مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی و روزهٔ قضا اما روزهٔ ماه رمضان پس واجب میشود بدیدن مکلف
ماه را یا آنکه جمعی به بینند که از کفتهٔ ایشان علم حاصل شود و یا دو مرد عادل کواهی دهند و بعضی
کفته اند که اکر مانع نباشد مثل ابر و غبار و بخار بکمتر از پنجاه کس ثابت نمیشود و اعتباری ندارد
تقویم و نه غایب شدن هلال بعد از شفق بانکه کویند دو شبه است و همچنین طوق زدن هلال
و همچنین عمل نمیتوان کرد بعدد که ماه رمضان را سی و شوال را سی کم یک و یا یکماه سی و یکماه سی کم
یک و همچنین عمل نمیتوان کرد بحساب خمسه و آنچنانست که اکر اول ماه رمضان کذشته شنبه
بوده باشد اول این ماه رمضان می باید چهارشنبه باشد مکر کبیسه که شش روز حساب میکنند در سالی
و بر هر یک از اینها روایات واقع شده است و جمعی از علما قایل شده اند مطلقا و بعضی در صورت

عدم صحو و لیکن معارض است با خبار صحیحه که مدار بر رؤیت است و سابقا در باب رؤیت هلال احادیث
آن و استدلال آن بیان نموده شد و همچنین در روایات معتبره وارد شده است که اکر قبل از زوال
دیده شود آن روز از ماه آینده است و احوط آنست که اکر در اول ماه رمضان دیده شود آن روز را
روزه بکیرد احتیاطا و همچنین در آخر ماه و احوط آنست که اکر ماه رمضان سی کم یک دیده شود
یک روز را قضا کند که سی تمام شود تا عمل بجمیع روایات کرده باشد و اکر شخصی اسیر کفار شده
باشد یا در حبس بوده باشد و نداند که کدام ماه ماه رمضان است تخمین میکند یکماه را روزه میکیرد
پس اکر این اشتباه بماند آنچه کرده است مجزی است و اکر اشتباه زایل شود پس اکر روزه که کرفته است
در ماه رمضان باشد یا بعد از آن صحیح است و اکر قبل از رمضان کرفته باشد قضا میکند و اکر بعضی را
قبل از رمضان کرفته باشد همان را قضا میکند و در این چند مسئله است اول سنت است که روز سی ام
شعبان را روزه دارد بنیت سنت پس اکر افطار کند و شب بیست و نهم ماه را ببینند واجبست که
یک روز را قضا کند و اولی آنست که دو روز را قضا کند دویم هرکاه ماهها مشتبه شود تا سه ماه
سی سی حساب میکنند و بعد از آن خلافست و احوط آنست که اکر ماه شعبان ماه چهارم باشد آن را سی کم یک
حساب کنند و روزه بکیرد بقصد قربت و اکر یک روز بیشتر روزه بکیرد بهتر است بقصد سنت و بیشتر
بهتر و اکر بخورد جایز است و اکر ظاهر شود که از ماه بوده است قضا کند و در روایات معتبره از ائمه معصومین
علیهم السلام وارد شده است در باب کرفتن روزهٔ یوم الشک که اکر یکروز از ماه شعبان را کرفته باشم بهتر
از آنست که یکروز از ماه رمضان را خورده باشم پس اولی آنست که هر روزی که محتمل باشد که از ماه
رمضان باشد بکیرد استحبابا سیم وقت امساک از طلوع فجر صادقست که سفیدی در عرض افق ظاهر شود
یقینا پس اکر شک داشته باشد در حالتی که ملاحظهٔ افق بر بلندی نماید که حایل نباشد یا در صحرای که حایل
نباشد میتواند خوردن تا یقین بصبح حاصل شود و اکر در صورت اشتباه افطار نکند بهتر است و اولی و انتهای
امساک غروبست و اشهر میان علما و روایات و احوط ذهاب حمرهٔ مشرقیه است بانکه سیاهی ظاهر شود تا
سمت الراس و احوط آنست که در وقتی که سرخی عظیم زایل شود و اندک غباری مایل بسرخی مانده باشد افطار نکنند

وبرخی قائلند که افطار میتوان کردن هرگاه قرص غایب شود وبراین قول روایات دلالت میکند ولیکن
خلاف احتیاط است چهارم سنّت است که چون شام شود اوّل مشغول بنماز شود وبعد از آن افطار کند
مگر آنکه جمعی انتظار او کشند که تا او افطار نکند ایشان افطار نکنند پس در اینصورت اولی آنست که با ایشان
افطار کند واگر ممکن باشد که بعد از افطار نماز را پیش از ذهاب حمرهٔ مغربی بجا آرد بهتر است والّا رعایت
ایشان کند واگر خود نیز صبر نتواند کرد اولی آنست که افطار بآب ولقمهٔ نانی یا خرمای بکند ومشغول نماز
شود پنجم هرگاه طفل بالغ شود یا دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید یا کافر مسلمان شود پیش از صبح
آن روز را واجب است روزه بدارد واگر بعد از صبح واقع شود احوط آنست که اگر قبل از ظهر واقع شود
یکی از امور مذکوره وافطار نکرده باشند آن روز را روزه بگیرند واگر مفطری بفعل آورده باشند آن روز را
قضا کنند احتیاطاً واگر بعد از ظهر موانع ایشان زایل شود یا قبل از ظهر صحیح شود که نتواند روزه گرفتن یا
مسافر قبل از ظهر بخانه خود آید یا از حدّ ترخّص خانه خود تجاوز نماید یا از حدّ ترخّص شهری تجاوز نماید که قصد داشته
باشد که در آنجا اقامت نماید ده روز یا بیشتر یا از حدّ ترخّص ملکی گذرد که در آنجا شش ماه بوده باشد چنانکه
گذشت در باب سفر ومفطری بفعل نیاورده باشند واجبست که آن روز را روزه بگیرند واگر بعد از ظهر باشد
یا قبل از آن وافطار کرده باشند امساک میکنند استحباباً وقضا میکنند وحایض ونفسا اگر عذر
ایشان پیش از صبح زایل شود آن روز را واجبست روزه گرفتن واحوط آنست که اگر ممکن باشد
پیش از صبح غسل بکنند والّا تیمم کنند احتیاطاً وبیدار باشند تا صبح وهمچنین احوط است که مستحاضهٔ
کثیره ومتوسطه پیش از صبح قریب بآن غسل را واقع سازند باامکان والّا تیمم کنند وصبح را با تیمم
دریابند واحوط آنست که بواسطهٔ نماز صبح تیممی دیگر بکنند اگر غسل ممکن نباشد واگر مستحاضهٔ
کثیره غسلی دیگر میکند بواسطهٔ نماز ظهر وعصر وروزه واحوط آنست که متوسطه نیز این غسل را
بکند وهمچنین غسلی میکند از برای نماز شام وخفتن وروزه احتیاطاً واحوط آنست که مستحاضهٔ
کثیره ومتوسطه از برای هر نمازی وضو سازد وقصد مباح بودن نماز وروزه هردو بکنند بنیّت
بآنکه قصد کند که وضو میسازم از جهت مباح بودن نماز و هرچه مباح میشود بوضو قربةً الی الله تعالی واگر

حایض

حایض ونفسا بعد از صبح عذر ایشان زایل شود آن روز را امساک میکنند استحباباً وقضا میکنند و
همچنین اگر قبل از غروب حیض ونفاس بیابد روزهٔ آن روز باطل میشود وقضا میکنند وامساک ایشان
سنّت نیست در اینصورت ششم هرگاه نیّت کند وبخواب رود تمام روز روزه اش صحیح است واگر نیّت
نکرده باشد وپیش از ظهر بیدار شود ونیّت کند صحیح است واگر بعد از ظهر بیدار شود آن روز را امساک میکند
واجباً وقضا میکند وجمعی از علما گفته اند که شخصی که بیهوش شود حکم نایم دارد واحوط قضا است
هفتم بیماری که از روزه ضرر یابد واجبست که افطار کند وقضا کند واگر روزه بدارد صحیح نیست و
واجبست قضا واگر مشتبه باشد ضرر وعدم احوط آنست که روزه بگیرد وقضا کند احتیاطاً هشتم
اگر مسافر مسئله داند که در سفر روزه جایز نیست وروزه بدارد صحیح است وقضا نمیکند واگر در اثنای روز
عالم شود بمسئله افطار میکند وقضا میکند واما اگر پیشتر مسئله را داند وفراموش کرده روزه بگیرد احوط
آنست که قضا کند نهم واجبست روزه در سفر گرفتن مکاری وملاح وصحرانشینان که طالب آب وعلف اند
ومقر ندارند وبیله وران وکسی که قصد سفر نداشته باشد مثل طالب غلام گریخته یا کسی که باستقبال شخصی
رود ونداند که در کجا باو میرسد وکسی که سفرش معصیت باشد مانند راه زنان یا کسی که بشکار لهو رود یا سفری
رود که غرضش ضرر بر مسلمان باشد یا بقصد تحصیل مناصب باطله رود یا باجرای آن وجمعی از علما گفته اند
که هرگاه بر شخصی طلب علم واجب باشد ودر سفر ممکن نباشد اگر بسفر رود واگرچه بقصد زیارت قبور ائمه علیهم السلام
باشد میباید که نماز را تمام کند وروزه بگیرد ومنقول است که آخوند ملا احمد اردبیلی رضی الله عنه وقتی که از
نجف بکربلا می آمدند بواسطهٔ زیارت در اثنای سواری مطالعه میکردند ومع هذا احتیاطاً جمع میان
قصر واتمام میکردند که مبادا سفر معصیت باشد که چون در حضر مطالعه بیشتر میتوان کرد واین نهایت احتیاط است
واحکام سفر سابقاً در باب کتاب سفر مذکور شد فصل ششم در شروطیست که باعتبار آن قضا واجب میشود
وسایر احکام قضا واجبست قضا هرگاه ترک کرده باشد بالغ عاقل مسلمان که باهوش باشد پس روزه
که در حالت طفولیت ترک کرده باشد قضا واجب نیست واحوط آنست که هرچه بعد از سیزده سالگی
ترک کرده باشد قضا کند واگر کفاره نیز بدهد نهایت احتیاط خواهد بود وهمچنین واجب نیست قضای

باطل است و قضا میکند واگر جاهل
مسئله باشد وروزه بدارد صح

روزه که از او ترک شده باشد و حالتی دیوانگی اگرچه مجهول الدوری باشد بوده آثناء در روز دیوانه شود
و بخود رسانید و باز بخود آید بعد از آن قضاء آن واجب نیست ولیکن سنت است و اما اگر خود
شراب خورده باشد باختیار خود در شب و روز مست باشد قضا میکند و همچنین اگر عمدا بیهوش
دارو بخورد اما اگر جبرا مست شود یا بیهوش دارو بخورد او دهند ظاهرا قضا لازم نباشد
و اگر احتیاطا قضا کند بهتر خواهد بود اما اگر بخواب رود بی نیت و بعد از ظهر بیدار شود تتمه
روز را امساک میکند واجبا و قضا میکند و کافر اصلی مسلمان شود قضا نمیکند ایام گذشته را حتی
آن روزی که مسلمان شده است اگر بعد از ظهر مسلمان شود یا پیش از ظهر و چیزی خورده باشد و اگر
چیزی نخورده باشد اولی روزه گرفتن است و اگر بخورد قضا میکند احتیاطا و اگر مسلمانی مرتد شود بعد ازان
توبه کند قضا میکند مانند شخصی که قاتل نبی صلی الله علیه و آله باشد و انکار کند ضروری از ضروریات
دین را مثل حدوث عالم یا وجوب صوم یا حرمت شراب انگور را که روزه را که گرفته است قضا
میکند بعد از توبه و اگر ناصبی یا غالی یا غیر ایشان از فرقهای اهل سنت یا شیعه مثل زیدی شیعه اثنی
عشری شوند هرچه کرده اند بمذهب خود قضا نمیکنند و هرچه را ترک کرده اند قضا میکنند هرچند
که آن روزها باطل بوده است ولیکن حق سبحانه و تعالی از ایشان قضا نطلبیده بتفضل خود و ایشان
حکم کفار دارند در شیعه شدن در اثناء روز و در این باب چند مسئله است اول سنت است که
قضای روزه را زود بکند و بتاخیر نیندازد و پی در پی بکند و فاصله واقع نسازد دوم کسی که روزه
واجب داشته باشد روزه سنت نگیرد مگر آنکه واجب را نتواند گرفت و بعضی از علما جایز میدانند
مثل آنکه کفاره روزه بر وی واجب شده باشد و ماه شعبان داخل شود روزه شعبان را میتواند
گرفت بقصد سنت چون در کفاره دو ماه متتابع شرط است که یکماه و یکروز وقت داشته باشد سیم
هرگاه روزه را بواسطه بیماری خورده باشد اگر در آن مرض بمیرد قضای آن واجب نیست و
اگر از آن بیماری بهتر شود و قادر شود بر قضای آنچه خورده است و قضا نکند و بعد از آن بمیرد از وی
قضا میکنند و بس و جمعی از علما گفته اند که سنت است که وارث قضا کند آنچه را او تدارک نکرده است

و بهتر آنست که وارث روزه بگیرد و ثواب آنرا باو قربت کند چهارم هرگاه بیماری بکشد تا رمضان دیگر
قضا واجب نیست و بواسطه هر روزی مدی از طعام میدهد بمسکینی و اگر دو مد بدهد بهتر است
و اگر قضا نیز بکند بهتر است و اگر از آن بیماری صحت یابد و تقصیر کند در قضا با آنکه عازم باشد بر عدم
قضا تا ماه رمضان دیگر همین ماه را میگیرد و ماه رمضان سابق را بعد از آن قضا میکند و کفاره
واجبا میدهد و اگر عازم بر قضا بوده باشد و موانع بهم رسد تا ماه رمضان دیگر قضا میکند آنرا بعد از
ماه رمضان و کفاره واجب نیست و اگر عزم بر قضا و عدم قضا هیچیک نداشته باشد بانکه متردد
باشد و قضا نکند کفاره ماه اول لازم است و بواسطه ماههای دیگر کفاره احوط است پس اگر
سه سال گذشته باشد احوط آنست که بواسطه هر روزی سه مد کفاره بدهد و اگر روزه ماه رمضان
فوت شود بواسطه سفر و عذرهای دیگر غیر بیماری و تقصیر در قضا کرده باشد احوط آنست که کفاره
بدهد پنجم واجبست بر پسر بزرگتر که قضا کند روزه را که از پدرش فوت شده باشد بواسطه عذری
با قدرت بر قضای آن اگر قضا نکرده باشد و بعضی علما قائلند بوجوب قضا بر وارث بزرگتر مثل
وجعی از
برادر بزرگتر یا عم یا خال بزرگتر مثلا و این احوط است و بعضی گفته اند که بر وارث زن نیز لازم است
هرگاه بزرگتر باشد و وارث مرد نباشد و این بهتر است و احوط آنست که ولی قضا کند هرچه را فوت
شده باشد از میت و اگرچه عمدا بی عذر ترک کرده باشد اما اگر میت زن بوده باشد مشهور میان علما
آنست که قضا واجب نیست و احوط آنست که وارث آنرا نیز بجای آورند و احوط آنست که هرچه در سفر
فوت شده باشد بجای آورند هرچند ممکن نشده باشد بر قضا و احوط آنست که پسر بزرگتر خود بجای
آورد اجیر نکند مگر آنکه میت گفته باشد که از مال او استیجار نمایند صلوة و صوم او اگر در این
صورت دور نیست که استیجار توان کرد و از او ساقط شود خصوصا هرگاه ولی از عهده خود
بیرون نتواند آمد با آنکه نماز قضای بسیار داشته باشد و یا مسایل نماز را نداند یا قرائت
را درست نکرده باشد اگرچه احوط آنست که هم را درست کند و قضای خود و میت را هر دو
بجای آورد اگر ولی صغیر باشد بعد از بلوغ بجا آورد احتیاطا و اگر با قضای هر روز مدی از مال میت

تصدق کنند احوط است بارضای ورثه والاولی از مال خود بکند احتیاطا لجمعا بین الاخبار
والاقوال و اکر ولی اکبر دو یا بیشتر باشند قسمت میکنند و اکر روزی بماند اکر آن روز را
هر دو بکنند بهتر است و اکر یکی بکند کافی است ششم در روایات صحیحه وارد شده است
که هرگاه شخصی غسل جنابت را فراموش کند تا آخر ماه رمضان قضا میکند نمازها را و روزها
را و در قضاء نمازها خلافی نیست اما قضای روزها را اکثر علما حمل بر استحباب کرده اند و احوط
آنست که ترک نکند هفتم کسی که قضای ماه رمضان کند تا ظهر میتواند افطار کردن و احوط آنست
که اکر شب نیت کرده باشد نخورد و روزه سنتی را تا شام میتواند خورد خصوصا هرگاه جای وارد
شود و باید که ایشان از خوردن او روزه خوشحال میشوند در اینصورت اکر نکوید که روزه ام
بخورد هفتاد ثواب مثل روزه آن روز دارد اکر میکرفت هشتم هرگاه روزه کفاره رمضان اکر یک
ویکماه و یک روز نشده او را عذری بهم رسد مثل بیماری و یا شب محتلم شود و بعد از صبح بیدار شود
مشهور آنست که بعد از زوال عذر تتمه میکیرد و بعضی کفته اند که از سر میکیرد و این احوط است
نهم هرگاه جزم بقضا نبوده باشد ظاهرا جایز بوده باشد که احتیاطا قضا کند بانکه نیت
کند که اکر مشغول الذمه باشم بقضای ماه رمضان قضا باشد والا سنت باشد قربة الی الله
تعالی و همچنین اکر وصیت کند که از جهة او استیجار کنند صوم احتیاطا جایز است بلکه مستحب
و شخصی را که استیجار میکنند وصی مشهور آنست که می باید عادل باشد و مسایل صوم را
داند و آن اجیر چنین نیت میکند که فردا روزه میکیرم قضای ماه رمضان بنیابت فلان واجب
قربة الی الله تعالی و اکر اجیر نداند که این قضا احتیاطی است همین نیت کافی است و بهتر آنست که قصد کند
که از جهة وجوب این بر فلان باصالت و بر من بنیابة و اکر بحسب ظاهر صالح باشد و مظنون باشد
که کند ظاهرا کافی باشد و احوط آنست که وصی رعایت کند که مسایل را داند که تا عبث نباشد
و ضامن نیز نباشد مثل صلوة و حج دهم در روزه ترتیب واجب نیست خواه خود کند و خواه
دیکری مثل آنکه هرگاه قضای سابق داشته باشد و الحال از وی قضا شود اکر اول قضای الحال را

بکند

بکند درست است بخلاف نماز علی المشهور که می باید اول سابق را کردن و بعد از آن لاحق را و همچنین
در قضای صوم چند کس را اجیر میتوان کرد که باهم روزه بکیرند بخلاف صلوة که در یک وقت
را قسمت می باید کردن که با یکدیکر نکنند یازدهم همچنانکه ترتیب میان روزه قضای ماه رمضان
واجب نیست همچنین در میان قضا و کفاره و نذر و غیر آن لازم نیست و اکر در همه رعایت ترتیب
کند بهتر است الاول فالاول دوازدهم وجوب قضا و نذر و عهد و یمین غیر معین فوری نیست
و تاخیر با امکان جایز است و اولی بلکه احوط آنست که تاخیر نکند مع الامکان اما روزه سنت
پس اقسام او آنچه اهم است پانزده است اول روزه سنت رسول الله صلی الله علیه و آله چنانچه
در اخبار صحیحه وارد شده است از ائمه علیهم السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مدتی همیشه
روزه میکرفتند بمرتبه که میکفتند دیکر حضرت ترک روزه نخواهد کرد و مدتی افطار میفرمودند
که مردمان میکفتند دیکر حضرت روزه نخواهد کرفت و دیکر مدتی روزه داودی میکرفتند که
یک روز میکرفتند و یک روز افطار میکردند تا آخر بر روزه هر ماه سه روز مقرر ساختند و روزه میفرمودند
که هر که این سه روز را روزه دارد همانست که همیشه روزه داشته است چون ماهی که سی روز است غالبا
و حق تعالی فرموده است که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که یک حسنه بکند حق تعالی
ده برابر در نامه عمل او مینویسند و فرمودند که این روزه وسوسه شیطان را از دل بدر میبرد
و آن پنجشنبه اول ماه است و چهارشنبه اول از دهه دویم و پنجشنبه آخر ماه و این روزه
دفع عذاب الهی میکند در دنیا و عقبی و می باید که چون این روزه را دارد با مردم جدال و نزاع
نکنند و قسم دروغ بلکه راست نیز نخورد و اکر کسی با او در مقام درشتی در آید تحمل کند
جواب نکوید و اکر بدون عذری ترک کند قضا کند و اکر در تابستان دشوار باشد در زمستان
بجای آورد و بهتر آنست که در غیر این سه روز قضا کند و سه روز زمستان را ادا کند و ظاهرا
اکر در آن سه روز بکند و قصد ادا و قضا هر دو بکند مجزی باشد و اکر عاجز شود بدل هر روزی
از طعام بدهد یا مؤمنی را اطعام کند و اکر بدهد یکدرهم بدهد بهتر است و این روزه بهترین روزها است

ومبالغه در پیش از همه واقع شده است هرچند ثواب بعضی بیشتر وارد شده است یکروزهم
سه بهشتی وسه ناراست واکر سه بهشتی و یك قاربکی بهد بهتراست دویم روز تمام
ماه رجب است وآنماه حضرت امیر المومنین علیه الصلوة والسلام است واحادیث
بسیار از فضیلت آن از سید ابرار وائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است خصوصا
سه روز اول وسه روز وسط وسه روز آخر و روز بیست وپنجم که در خبر است که کفاره
دویست ساله کناهانست و بترتیب در فصل ماه رجب ذکر شده سیم روزه شعبانست واخبار
در فضیلت آن بسیار است خصوصا روز اول وسیم که روز ولادت امام حسین علیه السلام است
و روز نیمه که ولادت صاحب الامر علیه السلام است ومنقولست که ولادت امام محمد تقی علیه السلام
وامام علی نقی علیه السلام در ماه رجب واقع شده است و ولادت حضرت علی علیه السلام در سیزدهم ماه رجب
واقع شده ودر مکه معظمه وحضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده که شعبان ماه منست ورمضان
المبارك ماه حق تعالی وآنحضرت غالبا ترك نمیکردند روزه شعبانرا وبه ترتیب در فصل ماه شعبان
ذکر نمودیم چهارم روز غدیر خم است وثواب روزه او بطریق خاص وعام واقع شده
وثعلبی که از اکابر مفسران اهل سنت است در تفسیر خود روایت کرده است که هر که هیجدهم
ذی الحجه را روزه دارد حق تعالی در نامه عمل او بنویسد ثواب شصت ماه روزه وآنروز
غدیر خم است ودعا واعمال این روز را بترتیب در فصل ماه ذی الحجه نقل نموده ایم پنجم روزه روز
مباهله است که آن روز بیست وچهارم ذی الحجه است وبروایتی بیست وپنجم ودر این روز
الله تعالی آیه مباهله را فرستاد وبدستور این را نیز نقل نموده ایم ودر این روز حضرت امیر المومنین
علیه السلام در نماز بودند سایلی طلب کرد آنحضرت اشاره نمودند بسایل تا آمد وانکشتری را از دست
حضرت بیرون آورد حق تعالی آیه امامت آنحضرت را نازل ساخت که اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ
رَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکٰوةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ یعنی
نیست ولی وامام واجب الطاعه شما مگر خدا ورسول خدا وآنان که ایمان بخدا ورسول دارند و

وغاز

ونماز میکنند وزکوة مال خود را میدهند در حالت رکوع نماز ششم روزه روز ولادت سید
المرسلین صلی الله علیه وآله است وآن روز هفدهم ماه ربیع الاول است وبعضی گفته اند که روز
دوازدهم ربیع الاول است اگر هر دو را روزه دارد بهتر است هفتم روزه روز مبعث سید المرسلین
صلی الله علیه وآله است وآن روز بیست وهفتم ماه رجب است هشتم روزه روز دحو الارض است که
در این روز کعبه را از آسمان بزمین فرستاد واز زیر آن زمین را منبسط کرد ابتدا از جهت انتفاع خلایق
و ولادت عیسی علیه السلام در این روز شد وروزه آن کفاره گناهان هفتاد ساله است نهم ایام
البیض است خصوصا ماه رجب وآن سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم هر ماه است بنا بر مذهب مشهور واما این
... نموده که این روزه سنت بود ولیکن چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله روزه سه
... ماه را مقرر ساختند این روزه منسوخ شد اما آنچه از روایات ظاهر میشود آنست که
... سه روز سنت است وآن سه روزی که اولا مذکور شد کاملتر است دهم روزه روز
... ماه ذی الحجه است وثواب آن برابر است با روزه هشتاد ماه وکفاره گناهان شصت ساله است
... روز اول را ابکیرد چنانست که کل عمر بروزه بوده است یازدهم روزه روز ترویه است
... روز هشتم ذی الحجه است وروزه آن کفاره گناهان یکساله است دوازدهم روزه عرفه
... نهم ماه ذی الحجه است وروزه آن کفاره نود ساله است هرگاه اول ماه معلوم باشد
... باشد که احتمال عید در این روز بود وسبب ضعف نباشد از دعا چون در این روز
... است روزه هر پنجشنبه وهر جمعه است اگر روزه مانع عبادات جمعه نشود
... روزه نه روز اول محرم است وبهتر آنست که علی وجه الحزن باشد چون اهل بیت
... ها مظلوم بوده اند در دست ظالمان پانزدهم روزه عاشورا است وآن روز دهم است و
... را میگویند بهتر آنست که نیم روزه بگیرد ودر دهم امساك کند حزنا حتی العصر وبعد از آن
... با پیاپی بجانان حضرت امام حسین علیه السلام بقصد شفا از مرضهای باطنی اگر مرضی ظاهری نداشته
... والا بقصد هر دو وجمعی از علما گفته اند که سنت است روزه روزهای متبرکه مثل روزهای

ولادت حضرات ائمه علیهم السلام شکراً لله تعالی علی هذه النعمة العظیمة و مثل روزهای فتحهای
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و روز نوروز فرس که آن روز اول حمل است و در خصوص
این روز روایتی واقع شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و علما گفته است
که در این روز عثمان کشته شد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخلافت ظاهر متمکن شدند
و در اعمال نوروز بتفصیل بیان نموده خواهد شد ان شاء الله تعالی و در روایتی وارد شده است
که سنت است شش روز اول ماه شوال را روزه داشتن و بهتر آنست که اگر روزه دارد بعد از
سه روز بگیرد و قصد کند که چون همیشه روزه سنت است میگیرم غرض این شش را روزه
داشتن یا نداشتن بشرح در اعمال ماه شوال مذکور است و روزه سنت را هر وقت که میخواهد
میتواند خورد و بعد از زوال نخوردن اولی است و سنت است امساک نمودن در هشت موضع بقصد
روزه اول مسافر هرگاه بخانه خود آید یا بشهری که قصد اقامت ده روز در آن داشته باشد یا
خود که در آن استیطان شش ماه کرده باشد و بعد از زوال باین مواضع برسد یا از حد ترخص این
مواضع سر تجاوز ننماید یا پیش از زوال برسد و چیزی خورده باشد سنت است که بقیه روز را امساک
کند یا مشابه روزه داران باشد بلکه سنت است مسافر را که در سفر جماع نکند و چیزی بسیار نخورد
و آب بسیار نیاشامد و بعضی از علما گفته اند که جماع مسافر در روز حرام است دوم بیمار هرگاه صحیح شود
بعد از زوال یا پیش از زوال و افطار کرده باشد امساک میکند بقیه روز را استحباباً اگر پیش از
زوال زایل شود و چیزی نخورده باشد صوم واجبست سیم و چهارم حایض و نفساء هرگاه پاک
شوند در اثناء روز امساک میکنند بقیه روز را اگر چه بعد از صبح یک لحظه پاک شوند و آن روز
را جایز نیست روزه گرفتن بلکه قضا میکنند پنجم و ششم و هفتم و هشتم کافر هرگاه مسلمان شود یا صبی
بالغ شود یا مجنون عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید در اثناء روز هر چند پیش از زوال باشند
امساک میکنند بقیه روز را و احوط و اولی آنست که اگر پیش از ظهر موانع ایشان زایل شود و
چیزی نخورده باشند نیت کنند که امساک میکنیم بقیه روز را اگر بعنوان صوم مطلوب

مشروع

مشروع بوده باشد صوم باشد و الّا امساک مستحب قربة الی الله تعالی اما روزه مکروه پس آن
پنج است و مکروه در عبادات بمعنی آنست که ثوابش کمتر است و کاهست که ثواب ندارد اول روزه
سنت است در سفر بنا بر مذهب مشهور و نگرفتن اولی است و احوط مگر سه روز حاجت در مدینه منوره
در اعتکاف یا غیر آن در حج چنانچه خواهد آمد ان شاء الله تعالی دویم روز عرفه است با شک در هلال و احتمال
عید یا با ضعف از دعا سیم و چهارم روزه مهمان بی رخصت مهمان دار خصوصاً هرگاه نهی کند و روزه مهمان
دار مگر آنکه مهمان رعایت حال او بکند با آنکه میان ایشان اتحاد باشد و اگر نهی کنند بی دغدغه مکروه است
پنجم روزه کسی را که تکلیف کنند بخوردن و بخورد یا وارد شود و باید که خوشحال میشوند از خوردن او
و روزه بدارد در اینجا ثوابش کمتر است اما روزه حرام پس آن نه جا است اول روزه عید رمضان
المبارک و روز عید قربان دویم ایام تشریق کسی را که در منی باشد و آن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
ذی الحجه است و نسبت بکسی که در منی نباشد اولی نگرفتن است بلکه احوط چون قول بحرمت شده است مطلقا
سیم روزه روز سی ام شعبان بقصد ماه رمضان چنانچه گذشت چهارم نذر یا عهد یا یمین بمعصیت خواه اصل
آن معصیت باشد مانند نذر بر قطع رحم یا شرب خمر یا شرط آن معصیت باشد یا نکند نذر کند بر ترک واجبی
یا سنتی شکراً یا بر فعل معصیتی یا مکروهی زجراً پنجم روزه صمت است با آنکه مفطرات را بفعل
آورد و سخن نگوید چنانچه در مذهب بنی اسرائیل بوده اما اگر ترک مفطرات کند و سخن عبث نگوید این
محض عبادتست ششم روزه وصال است با آنکه دو روز یا بیشتر را روزه دارد و قصد روزه شب و
روز کند و شب چیزی نخورد یا قصد روزه کند تا سحر و سحر چیزی تناول نماید و این هر دو حرام است اما
اگر قصد روزه داشته باشد و شب چیزی نخورد و سحر چیزی بخورد مشهور آنست که حرام نیست و جمعی
حرام میدانند اولی آنست که چنین نکنند بلکه بهتر آنست که افطار کند بچیزی اگر چه اندک آبی باشد
هفتم گرفتن روزه سنت است زن را بی رخصت شوهر یا با نهی از آن خواه دائمی باشد یا متعه و
خواه شوهر حاضر باشد یا غایب و خواه مانع حق شوهر باشد یا نه همچنین حرام است روزه بنده بی رخصت
صاحب مطلقاً روزه سنتی و همچنین در واجب غیر معین با نهی از آن مثل قضای ماه رمضان یا نذر غیر معین

هرگاه نذر بی رخصت شوهر یا صاحب واقع شده باشد و اگر بی رخصت ایشان نذر کرده باشد منعقد نمیشود خصوصاً با نهی ازان و همچنین است روزه سنت فرزند بدون رخصت پدر خصوصاً با نهی ازان بلکه بی رخصت مادر نیز و مشهور در فرزند کراهت است و ظاهر لزوم رخصت احتیاطاً ظاهر است هشتم حرام است روزه ماه رمضان در سفر اجماعاً و در باقی انواع واجب خلاف است و مشهور حرمت است مگر در سه موضع اول نذر مقید بسفر و حضر در سفر واجب است و روزه منذور را داشتن علی المشهور و احوط آنست که چنین نذری نکنند و اگر بکنند روزه بدارد بقصد آنکه اگر واجب باشد فبها و الا عبث باشد دویم سه روز بدل هدی که در مکه بجای می آورد هر چند قصد اقامت ده روز نکرده باشد یا در راه بتفصیلی که در کتاب حج خواهد آمد سیم هیجده روز بدل بدنه کسی که پیش از شام از عرفات بیرون آید شتری میدهد و با عجز هیجده روز روزه میدارد اگر چه در سفر باشد نهم روزه بیمار هرگاه ضرر یابد از آن خواه خود ضرر را یابد و فهمد یا و طبیب حاذق عادل بگوید یا یکی بر قول جمعی و احوط در این صورت روزه گرفتن است هرگاه بیابد ضرر را افطار کند احتیاطاً و همچنین حکم حاذق نباشد عادل نباشد بدانکه شرایط قصر صلوة و صوم متحد است اول شرط است در جایز بودن افطار که قصد هشت فرسخ داشته باشد یا چهار فرسخی که اراده برگشتن آن روز داشته باشد و اختلافی در این باب میان علما هست سابقاً در باب سفر ذکر شد و ظاهر آنست که اگر اراده نداشته باشد که در آن روز برگردد مخیر است میان خوردن و روزه گرفتن پس اگر روزه بگیرد احوط است و اگر قضا نیز بجای آورد اولی و بهتر است خصوصاً هرگاه پیش از ده روز مراجعت کند و همچنین وقتی که معلوم نبوده باشد که هشت فرسخ هست احوط جمع است میان قصر و اتمام و روزه گرفتن و قضا کردن و اگر سفر بقصد روزه خوردن باشد ظاهر اجایز باشد و اگر مسافر در اثناء سفر بجای رسد که در خاطر داشته باشد جزماً که در آنجا ده روز یا بیشتر بماند و شب برسد بآنجا یا روز پیش از ظهر و چیزی نخورده باشد نیت میکند و روزه میگیرد و اگر از حد ترخص آن شهر تجاوز نماید بعد از زوال

یا

۱۲۳

یا بیشتر از ظهر و چیزی خورده باشد امساک میکند مستحباً و قضا میکند و اگر قصد ماندن نداشته باشد ده روز و هر روز خواهد که بیرون رود و دست بهم ندهد و کاری داشته باشد و اگر در همان روز ساخته شود بیرون رود و اگر ساخته نشود یا یکماه قصر میکند و بعد از یکماه نماز را تمام میکند و روزه را میگیرد اگر همه یکروز بماند بعد از آن یا مقدار یکنماز و اگر مسافر بجای قصد اقامت ده روز کرده باشد بانکه در خاطر داشته باشد که از آن شهر یا ده بجای دیگر رود و روزه میگیرد و اگر در جای اقامت کند و در خاطر داشته باشد که هر روز یک فرسخ یا بیشتر یا کمتر باطراف آنجا رود یا بیشتر از ده روز بجای ترخص آنجا رود قصر میکند علی المشهور چون قصد اقامت ندارد و بنا بر این بسیار مشکل است که شخصی در جای باشد که این حرکات از او واقع نشود خصوصاً در بلاد عظیمه کرد و اینجا محله را اعتبار کرده اند پس اگر از این طرف شهر بطرف دیگر رود قصر خواهد کرد چون در ابتدا قصد اقامت نداشته است مثل جماعتی که در مشهد قصد اقامت عشره نمایند و خواهند که در اثنا بزیارت ربیع ابن خثیم بروند یا در بغداد اقامت کنند و خواهند که در هر هفته بزیارت حضرت امام موسی علیه السلام روند یا در نجف و اراده مسجد کوفه در اثنا داشته باشند پس احوط آنست که در اینجا اگر اقامت کنند قصد حرکت نکند یا ده روز بعد از ده روز که حرکت کند چون برگردد قصد ده روز دیگر کند اگر قصد داشته باشد که بماند و اگر داند که بعد از برگشتن ده روز نخواهد ماند احوط آنست که نماز را جمع کند میان قصر و تمام و روزه را بگیرد و قضا کند و ظاهر ادر مانند اصفهان هرگاه شخصی اقامت نماید مانند طالب العلم یا تاجر و قصد اقامت داشته و وقت آمدن که بمدارس برود هر چند از مدرسه تا مدرسه حد ترخص باشد از اقامت بدر نمیرود بلکه اگر بسیر باغات رود نیز چون همه یکجا است و قصد اقامت هم دارد اما عزم هست احوط عدم تردد است اما جمعی که از اهل شهری نباشند و در آن قصد اقامت دایمی داشته باشند خصوصاً هرگاه که در جا شده باشد ظاهر احکم شهر ایشان بهم رساند هر چند ملک نداشته باشند و تردد ایشان ضرر نداشته باشد اما اگر ایشان قلیلی از خانه بخرند و صاحب ملک

شوند دغدغه زایل میشود و شرط است در قصر صوم که شب قصد سفر داشته باشد و روز پیش از
ظهر بیرون رود و بحدّ ترخص برسد علی المشهور بین الاصحاب و اکل و ایات پس اگر در شب قصد
سفر نداشته باشد و پیش از ظهر بیرون رود روزه میدارد و جمعی گفته اند که در این دو صورت
مخیر است میانه صوم و افطار با قضا و احوط آنست که روزه بدارد و احتیاطاً قضا کند
مکروه است در ماه رمضان سفر مباح کردن پیش از روز بیست و سیم و بعد از آن
نیز اولی توقف است تا ماه را تمام بگیرد و جایز است سفرهای واجب و سنت مثل تشییع برادر مومن
یا استقبال او و سفر زیارات ائمه معصومین و غیر آن سیم مسافر را جایز نیست افطار تا بحد ترخص رسد
پس اگر پیشتر افطار کند آثم است و گناه کار و بعد از رسیدن افطار میکنند و قضا میکنند و در کفاره
خلافست و اظهر آنست که اگر جاهل مسئله باشد نیز کفاره بدهد چهارم مرد پیر و زن پیر و مستسقی
که از آب سیر نشوند هرگاه نتوانند روزه گرفتن یا توانند روزه گرفتن با مشقت بسیار افطار میکنند و
بواسطه هر روزی مدّی از طعام میدهند اگر داشته باشند و الا فلا و بر ایشان قضا واجب نیست و
بعضی گفته اند که اگر قادر شوند بر قضا قضا واجب است خصوصاً در مستسقی و این احوط است
هرگاه کسی که تشنه شود بعنوانی که خوف هلاک باشد یا گرسنه شود جایز است که آنقدر آب
یا طعام بخورد که نمیرد و بعد از آن قضا کنند و بعضی گفته اند که مستسقی نیز آنقدر آب میخورد که نمیرد و این
احوط است اما اظهر آنست که هرچه خواهد بخورد زن حامله که نزدیک شده باشد وضع حملش
و زن شیر دهی که شیرش کم باشد افطار میکند و تصدق میدهد بمدّی و در وقت قدرت
قضا میکنند و شیر ده که میخورد خواه مادر باشد یا دایه میتواند خورد و اگر دایه دیگر
بهم رسد بهتر آنست که نخورد و اگر عذر اینها بکشد تا ماه رمضان دیگر بعضی گفته اند که قضا
ساقط میشود و احوط قضا است بعضی از علما گفته اند که اگر مکاری اقامت پنج روز
یا بیشتر در خانه خود بکند و بسفر رود نماز روز را قصر میکند و نماز خفتن را تمام و روزه را
میگیرد و بر مضمون روایت صحیح وارد شده احوط آنست که روزه را بگیرد و قضا بکند و نماز

خفتن

خفتن را تمام و روزه را میگیرد و بر این مضمون روایت قصر و تمام هر دو بکند اما اگر مکاری در خانه خود ده
روز توقف کند و بسفر رود قصر میکند تا سه سفر بکند بر مذهب جمعی تا یک سفر کند بمذهب جمعی دیگر که
در خانه خود در بین سفر ده روز نماند بعد از آن در هر سفر تمام میکند و جمعی کثیر از علما قایلند که هر کثیر السفری
این حکم دارد مثل ملاح و صحرانشینان و قاصد و نوبیله و تاجری که سه سفر بکند و در این سه سفر
در خانه خود ده روز نماند و بی قصد چهل نماز را تمام میکنند پس اگر در سفر میگیرند
اینجماعت در خانه خود ده روز توقف نمایند یا در غیر بلد خود بقصد اقامت ده روز نمایند یا بی قصد
ده روز بمانند هرگاه بسفر روند قصر خواهند کرد اما بروایت در مکاری واقع شده است و جمعی گفته اند که
ملاح و قاصد نیز مکارند ملاح کشتی خود را بکرایه داده است و قاصد خود را بکرایه و لیکن مشکل است
و جمعی از علما گفته اند که مکاری و ملاح و تاجر و قاصد و دشتوانی که محافظت خرمنها میکنند و جای
قرار ندارد و همیشه بر دور خرمن حاصل و خرمنها میگردد و گاه باشد که در وقت هشت فرسخ راه برود
این جماعت بمجرّد این تا نماز را تمام میکنند و روزه را میگیرند و بعضی گفته اند که بعد از دو سفر این
تمام بهم میرسانند و جمعی سه سفر گفته اند و احوط آنست که بعد از بیش از سه سفر جمع کند میان قصر و اتمام اگر
چه ظاهر از سفر اول اتمام میتوان کرد و در عرف او را مکاری میگویند هشتم هرگاه مکاری شتر دار
دو منزل را یکی کنند قصر میکنند و احوط آنست که تمام را نیز با قصر ضم کنند احتیاطاً نهم جمعی از علما گفته اند
که هرگاه صیاد شکار کند از جهت تجارت نه از جهت قوت خود و عیال خود روزه را میخورد و نماز را
تمام میکند و اگر بواسطه قوت خود و قوت عیال خود باشد هر دو را قصر میکند و در صورت اخیره
خلافی نیست اما در صورت اولی اکثر حکم او را مانند حکم صورت ثانیه گفته اند و این اظهر است
و لیکن احوط آنست که در صورت اولی جمع کند نماز را باضافه قصر بتمام دهم نیت تابع حکم قصد
متبوع است مثلاً سلطان هرگاه بگوید که در این موضع ده روز یا بیشتر میمانم لشکری
نیز تمام میکنند و روزه را میگیرند هر چند پیش از ده روز کوچ کنند و اگر پادشاه قصد اقامت
بکند و لشکر ندانند که او نیت کرده است لشکری قصر میکنند تا وقتی که با خبر شوند از قصد ملک

بعد از آن اگر ده روز مانده باشند از قصد او لشکری تمام خواهند کرد والا قصر تا یکماه
و بعد از ماه تمام میکنند و همچنین در ارادهٔ سفر پس اگر ملک سوار شود و نگوید که بکجا
میروم و لشکری نداند که او اراده هشت فرسخ یا بیشتر دارد ایشان قصر نمیکنند تا وقتی که
بر ایشان ظاهر شود که مقصد پادشاه کجا است اگر تا مقصد هشت فرسخ مانده باشد
قصر میکنند والا تمام و همچنین غلام تابع آقا است و زن تابع شوهر و نوکری که البته با آقا
باشد تابع اوست و اگر نوکری باشد که اگر خواهد جدا تواند شد و قصد نداشته باشد
که با آقا برود تمام میکند اگر چه صد فرسخ رفته باشد مجملا مدار بر قصد مسافر است در همه
جای پس اگر شخصی را ببرند و او اراده نداشته باشد سفر را چنان باشد که هر جا او را
رها کنند برگردد در رفتن تمام میکند و در برگشتن اگر مسافت هشت فرسخ باشد قصر
میکند یازدهم هرگاه سلطان بشکار طور رود و جمعی که با او روند قصد ایشان شکار
باشد تمام میکنند اما اگر قصد شکار نداشته باشند اما خواهند که تماشا کنند و باختیار
خود بروند دور نیست که ایشان نیز تمام باید کرد و اگر ایشان جمع کنند بین القصر والاتمام
احوط است اما جمعی که عمله و فعله شکار اند چون توشچیان و اصحاب کلاب و خود شکار
نکنند ظاهرا ایشان تمام میکنند و اگر جمع کنند احوط است اما جمعی که کارهای مشروع
داشته باشند و هیچگونه معاونت سلطان ننمایند ایشان قصر میکنند اما جمعی که آب و
توشه برمیدارند یا خدمت خیمه و بارگاه میکنند ظاهرا ایشان قصر کنند و جمع اولی است
و کسانی که خدمت اسبان کنند که برای اسبان شکار کنند ظاهرا مانند توشچیان باشند
تمام میکنند و قصر را با آن ضم میکنند دوازدهم هرگاه سفر سلطان معصیت باشد مثل
رفتن بر سر مسلمانان که بیجا خود باشند و از ایشان ضرری بمسلمانان نرسد و غرض
قتل ایشان باشد بنا حق هر که جنگ میکند سفر او معصیت است و روزه را میگیرند
و نماز را تمام میکنند و جمعی که مدد ایشان میکنند بر جنگ هر چند جنگ نکنند ظاهرا

حکم

حکم ایشان دارند داشته باشند اگر چه احوط آنست که ایشان جمع کنند و جمعی که خدمت نکنند و
کارهای مشروع داشته باشند ایشان قصر میکنند تا بدشمن نرسیده اند و بعد از رسیدن
چون سپاهی لشکر اند احوط آنست که تمام ضم کنند با قصر و جمعی که عمله و فعله کارخانه اند یا نویسندگان
و امثال ایشان نماز لرد و بازاری احوط آنست که در تمام سفر جمع کنند و اگر سفری روند که قصد
ایشان کشتن کسی نباشد بلکه مسخر کردن بلاد باشد که اگر آن جماعت بلاد ایل شوند کسی را با
ایشان کاری نباشد پس اگر قصد پادشاه صحیح باشد و خواهد که ایمان رواج دهد و سنیان شیعه
شوند تا رفتن بحوالی آن بلاد سفر صحیح است و قصر میکنند و در وقت توقف در حوالی قلعه
اگر ده نهند تمام میکنند و اگر مظنون باشد که قلعه را بدون جنگ و کشتن نمیدهند در
اول سفر احتیاطا جمع میکنند میان قصر و اتمام اگر قصد ایشان صحیح باشد و اگر قصد غلبه بر
پادشاهان باشد یا مملکت گرفتن و بس تمام میکنند و دور نیست که اگر پادشاه بگوید که
غرض من رضای الهی است و رواج دین مبین حضرات ائمه معصومین علیهم السلام کافی
باشد در تصحیح نیت لشکری که نوکر باشند و اگر ایشان نیز قصد صحیح داشته باشند اگر چه
پادشاه قصد صحیح نداشته باشد دور نیست که قصر توانند کرد و جمع اولی است و اگر جمعی از
کفار بر سر مسلمانان آیند و قصد ایشان ضرر مسلمانان باشد جنگ کردن با ایشان و
و دفع ایشان لازم است در سفر قصر میکنند و اگر کسی از مسلمانان کشته شود شهید است و اگر
سنیان بر سر شیعیان آیند بقصد ضرر بر ایشان دفع ایشان نیز واجب است مانند او و [illegible]
اگر قصد ایشان محض مملکت گیری باشد و چون مسلط شوند خوف نهب و سفک دماء و
اموال نباشد باز دفع ایشان لازم است و سفر مباح است و با عدم شروط جمع اولی است و اگر
قصد ایشان نیز مجرد مملکت گیری باشد و با شیعیان کاری نداشته باشند مطلقا و در از بلاد
شیعیان باشند و سنیان بر ایشان مسلط کردند اگر بدهند ظاهرا دفع ایشان خوب باشد و
اگر جمع کنند اولی و احوط است اما مندوبات مستحب است افطار نمودن بخرما یا رطب یا آب شیرین

یا شکر یا هرچه شیرین باشد و در وقت افطار بخواند این دعا را در هر شبی الحمد لله
الذی اعاننا فصمنا و رزقنا فافطرنا اللهم تقبله منا و اعنا علیه و سلمنا
فیه و تسلمه منا و اعنا علیه و حملنا فیه و تسلمه منا فی یسر منک و عافیة
الحمد لله الذی قضی عنا یوما من شهر رمضان و بخواند اللهم لک صمنا و علی رزقک
افطرنا فتقبله منا ذهب الظما و ابتلت العروق و بقی الاجر و بعد از ان
مطالب خود را طلب کند که دعای او مستجابست دیگر سنت است در سحر چیزی خوردن
اگر همه شربتی از آب باشد یا خرمائی باشد خصوصا در ماه رمضان و جمعی که از سحر خوردن
آزار کشند بسویقی یا اندک آبی که دهان تر کنند اکتفا نمایند و سنت است که طلب ماه بکنند
و جمعی واجب دانسته اند و چون ماه را ببینند در شب اول یا دوم یا سیم اگر در شب اول
ندیده باشند در همانجا که ببینند حرکت نکنند و دعای هلال صحیفه و ادعیه که در روایت
هلال ذکر شده علی الخصوص در ماه رمضان بخوانند و دعای دخول ماه رمضان و غیره که ذکر شده
بخوانند و اگر مقدور باشد ده ختم قرآن نماید در هر سه روز یک ختم قرآن و در حدیث صحیح
وارد شده است که راوی عرض میکند بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام که بدرستی در ماه رمضان
چهل ختم قرآن میکردند و من نیز میکنم بزیاد و کم و چون روز عید میشود ثواب یک ختم را
از جهة حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یک ختم بجهة حضرت علی علیه السلام و یکی
بجهة حضرت فاطمه علیها السلام و همچنین از جهة هر یک از امامان هدیه میکنم و یکی از
جهة شما و درین مدت مدید چنین کرده ام چه ثواب دارم پس آنحضرت فرمودند که ثوابش
آنست که در روز قیامت با ایشان باشی گفتم الله اکبر این ثواب خواهم داشت آنحضرت
فرمودند بلی بلی بلی اما ظاهر این حکم مخصوص مقربان است و سایر ناس را اولی آنست
که کمتر از سه روز ختم نکنند و تا توانند بتدبر خوانند و در معانی آن غور نمودن و اگر بتدبر
تمام بخوانند و در هر پنج روز یا در هر هفته یک ختم نماید بهتر است و در خبر است از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که الله تعالی بعدد هر آیه که در ماه رمضان خوانند ثواب ختم قرآنی کرامت
میفرماید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر چیزی را بهاریست و بهار قرآن ماه
رمضانست و سنت است که چون بآیه رحمت یا بهشت رسد طلب کند آنرا از حق تعالی و چون بآیه
عذاب یا دوزخ رسد پناه بالله تعالی برد از ان و سنت است افطار فرمودن مؤمنان در شبهای
ماه رمضان و بعدد هر مؤمنی ثواب بنده آزاد کردنست با آمرزش جمیع گناهان اگرچه شربتی
از آب باشد یا چند دانه خرما باشد کسی را که قدرت بر بیشتر نباشد و مستحب است اطعام نیز
پس اگر نزد این کس افطار کنند تا سیر شوند دو ثواب خواهند داشت و احوط آنست که اگر وعده کند
با مؤمنی که نزد او افطار کند افطار از غیر مال او نکند و سنت است که جمیع کارهای خیر را بکند و از
جمیع مکروهات بلکه از جمیع مباحات خود را نگاه دارد و در حدیث است از امام جعفر صادق
علیه السلام که هرگاه از صایمی پرسند که روزه ای گوید نه دروغ گفته است و اثم است پس اولی
آنست که نگوید و آری نیز نگوید چون نمیداند که بشرایط روزه عمل نموده است دیگر سنت است که
ده روز آخر را اعتکاف بدارد همچنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله میداشتند همیشه ده
مگر در یک سال که در ان جنگ بدر واقع شد و در سال دیگر بیست روز اعتکاف داشتند
ده روز قضا و ده روز ادا و از آنحضرت منقول است که اعتکاف دهه رمضان برابر است با دو حج
و دو عمره و اعتکاف ملازمت مسجد است از جهة عبادت بشش شرط اول نیت است و ناچار است
از نیت قربة و اگر قصد وجوب و ندب بکند بهتر است و اعتکاف واجب آنست که نذر یا
عهد یا یمین واقع ساخته باشد یا خود را اجاره داده باشد از جهة میتی یا بواسطه تحملی از پدر
اگر برا او واجب شده باشد و نکرده باشد و همچنین روز سیم اعتکاف سنت واجبست هرگاه
دو روز داشته باشد پس احوط آنست که در شب سیم از اول شب قصد وجوب کند و...
همچنین شب ششم و نهم و دوازدهم هر چند بالا رود شرط دوم روزه است و اعتکاف بی روزه
صحیح نیست و لازم نیست که روزه از جهة اعتکاف باشد پس اگر در ماه رمضان واقع سازد
نیت روزه ماه کافی است و لازم نیست که قصد روزه اعتکاف کند اگرچه اعتکاف واجب باشد

اما اگر نذر کند اعتکاف ایام چند از رجب را و روزه واجب در ذمه اش نباشد روزه ایام
اعتکاف واجب میشود علی الظاهر و بعضی گفته اند که بمجرد شروع واجب میشود پس اگر در دو
روز اول قصد قربت کند اولی است و صحیح نیست اعتکاف عیدین و صحیح نیست از حایض
و نفسا شرط سیم عدد است و اقل آن سه روز است و دو شب میان و احوط آنست که سه
شبانه روز باشد و ابتدا از شب کند و اگر چهار روز بر شخصی واجب باشد جایز است چهار
روز را پی در پی بجای بیاورد و اکتفا بسه روز میتواند کرد و روز چهارم که واجب است دو روز
دیگر بآن ضم میکند و بهتر آنست که روز اول را قصد نذر کند و دو روز دیگر را قصد قربت
و اگر نذر اعتکاف کند اقلش سه روز واجب میشود و اگر نذر کند اعتکاف ده روز را لازم نیست
که پی در پی باشد پس جایز است که سه روز و سه روز اعتکاف کند و روز آخر را دو روز
دیگر ضم میکند از باب مقدمه و جایز است که متصل سازد آنرا با اعتکاف اول و دو یوم
ن جایز است که مجموع را در اعتکاف کند یا آنکه یکی شش روز باشد و یکی چهار روز یا
یکی هفت روز باشد و یکی سه روز یا یکی نه روز باشد و یکی که باند روز با آن ضم کند
کسی که شروع نماید در اعتکاف سنتی فسخ میتواند کرد تا دو روز تمام نشود پس چون دو روز
تمام شود روز سیم واجب میشود و اگر شروع کند پیش از عید رمضان یا عید قربان بیک
روز یا دو روز در اعتکاف جایز نیست چون صوم شرط است و در عیدین جایز نیست ۵
شرط چهارم مکانست و در غیر مسجد جامع جایز نیست و ظاهر مراد از مسجد جامع
مسجد بزرگیست که در آنجا نماز جماعت کنند یا کرده باشند و بهتر آنست که در مسجدی
اعتکاف کنند که بزرگترین مساجد باشد و آنرا مسجد جامع گویند و بعضی گفته اند که
اعتکاف نمیتوان کرد مگر در مسجد الحرام زمان سید المرسلین نه آنچه زیاد کرده اند بر آن
و همچنین در مسجد مدینه و در مسجد جامع کوفه و مسجد جامع بصره و بعضی مسجد جامع
مداین را داخل نموده اند و اگر کسی در آن مواضع باشد احوط آنست که در آن مساجد
واقع سازد و اگر کسی در آن مواضع نباشد در مسجد کبیر بلد واقع سازد قصد کنند که

که اعتکاف میکنم در این مسجد که اگر منظور بنی شارع باشد بعنوان اعتکاف مطلوب فبها و
الا در مسجد عبادت میکنم قربة الی الله تعالی بهل بیت احتیاط خواهد بود و اگر زنان اعتکاف کنند
نیز شرط است که در مسجد جامع باشد هرگاه جای باشد که حفظ عرض خود توانند کرد یا بی زنی
باشد که کسی متوجه او نشود شرط پنجم رخصت کسانی است که رخصت ایشان در کار است
در صوم مثل شوهر زن و آقا بنده و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف نکند
و مهمان بی رخصت مهماندار و بر عکس و لموقع نسازند و اگر بنده نصفش آزاد باشد و حصه
کرده باشند که روز را بانکه مثلا هر روز از برای خود کار کند و هر روز از برای آقا در روز
خود اعتکاف میتواند کرد و بهتر آنست که در این صورت رخصت بگیرد اگر ممکن باشد
و اگر اینجماعت رخصت دهند تا شروع نکرده از رخصت خود بر میتوانند گشت و بعد از
شروع نیز منع میتوانند کرد اگر واجب نشده باشد چنانچه خواهد آمد شرط ششم آنست
که از آن مسجد بیرون نروند مگر بواسطه نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار
مؤمن یا حاضر شدن در جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا بواسطه حاجات ضروری
خود مانند ادبخانه رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و تحصیل آب و نان کردن
اگر کسی نداشته باشد که از جهة او تحصیل کند و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهة گواهی
دادن یا گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتواند در مسجد بفعل آوردن و چون بیرون رود جای
ننشیند تا بر گردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سایه راه نرود تا ممکن باشد و از راه ۵
برود که زود برسد و توقف بسیار نکند و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر نکند
مگر در مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و اگر وقت نماز تنگ شود و تا بمسجد خود بر گردد
وقت بدر رود هر جا میتواند کرد و اگر سهواً از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر
آنکه زمان بسیار شود که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبراً او را بیرون برند در این باب
حکم مسئله امت اول حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب عیان

بوسیدن بشهوت و دست بر بدن ایشان مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو
و اگر چه بشهوت نباشد و طلب منی کردن و اگر چه بگفت و گوی باشد با زنان هرگاه عادتش
این باشد که بسبب آن از و منی آید و احوط آنست که دست بذکر نمالد و حرام است بوی
خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد و جدل و نزاع با کسی نکنند و احوط آنست که مباحثه
علمی نیز نکنند مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروخت نکنند مگر بواسطه ضروریات خود
و عیال خود و احوط آنست که وکیلی بواسطه اینها قرار دهد که او بکند و احوط آنست که
مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را بلکه جمیع کارهای دنیوی را
و اگر چه دوختن پیرهن‌های جامه اش باشد و بدیگری رجوع کند با امکان و بهتر آنست که
مباحات را نیز واقع نسازد مگر بقدر ضرورت و غسل جمعه و وضو را در مسجد واقع سازد
و درس علوم دینیه میتواند گفت و میتواند خواند و ملاحظه نماید که جدل نشود و مقابله
کتب علمیه میتواند کرد بلکه اینها بهتر است از نماز سنت خصوصا هرگاه واجب باشند
و جمیع اینهائی که در اعتکاف واجب اند حرام است در روزها و شبهای اعتکاف هر دو
حرام است مگر اکل و شرب که در شب جایز است نزد و زمگر انکه اعتکاف سنت باشد
و خواهد او را بر هم زند و اگر اعتکاف بنذر و شبه آن بر شخصی واجب شده باشد و بمیرد مشهور
میان علما آنست که بر ولی واجب است که قضا کند او را از جهة میت و این احوط است
دویم هر چه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میسازد اگر در روز بفعل آورد مثل
خوردن و آشامیدن و جماع کردن و طلب منی کردن و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات
غیر جماع و ا... واقع میتواند ساختن و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب سیم
آ... ...ف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و
د... ...روز دویم و اعتکاف سنت خلاف است احوط کفاره است اگر چه جماع در شب
وا... ...و احوط آنست که هر چه روزه را باطل میکند اگر آنها را در روز واقع سازد

کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است اگر ممکن باشد و الا دو ماه پی در پی روزه
گرفتن است و الا شصت مسکین را طعام دادن است علی الترتیب و بعضی گفته اند که مخیر است
در میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر بین اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد
و اگر در روز ماه رمضان واقع سازد دو کفاره میدهد یکی مرتبه و یکی مخیره و اگر روزه آن
بنذر یا عهد یا یمین واجب شده باشد دو کفاره میدهد بنحوی که گذشت و اگر با کراه با زن خود
جماع کند در روز ماه رمضان در روز و هر دو معتکف باشند دو کفاره میدهد و بعضی گفته اند
که چهار کفاره میدهد مرد و بعضی گفته اند که سه کفاره میدهد و احوط چهار است و قول
سه ... و اگر در غیر ماه رمضان اکراه کند بر جماع یک کفاره میدهد و بعضی گفته اند که دو کفاره
میدهد و این احوط است و اگر روزه واجب باشد بنذر و عهد و یمین و هر دو معتکف باشند
و جماع کند با کراه دو کفاره میدهد مرد و بعضی گفته اند چهار و بعضی سه و این احوط است
چهارم اگر معتکف مرتد شود و فی الحال توبه کند ظاهر اعتکافش صحیح باشد خصوصا مرتد ملی
و اگر بر نگردد باطل میشود و واجب است اخراج او از مسجد پس اگر اعتکاف واجب معین باشد بعد
از توبه کفاره میدهد و احتیاطا قضا میکند پنجم هرگاه نذر کرده باشد که در این ماه
رمضان مثلا اعتکاف کند و ترک کند چند روز را یا باطل سازد اعتکاف را واجب است که تمام را بجای
آورد و کفاره نذر را بدهد و اگر شرط کرده باشد که یکماه پی در پی اعتکاف کند و بعد از چند روز
بهم زند واجب است که از سر گیرد و کفاره لازم نیست و همچنین اگر نذر کرده باشد که ماه رجب
را متتابع اعتکاف کند و بر هم زند سال دیگر بجا می آورد اما اگر این ماه رجب بالنذر متتابع کرده
باشد و بر هم زند یک کفاره میدهد بی دغدغه و در کفاره دویم اشکال است چون فی الحقیقه دو مخالفت
کرده است و در اتمام این با کفاره یا استیناف در ماه رجب دیگر با کفاره یا در استیناف از ماهی
که باشد با کفاره خلاف است احوط آنست که این ماه را تمام کند و ماه رجب آینده را از
کند و کفاره بدهد ششم هرگاه نذر اعتکاف این ماه رجب کرده باشد مثلا و فراموش

که نذر کرده است تا ماه رجب بیرون رود کفاره لازم نیست و در قضا خلافست احوط
آنست که قضا کند اما اگر در اثناء آن رجب بخاطرش آید تتمه را میکند اگرچه یکروز مانده
باشد و دو روز از شعبان را با وضم میکند وجوباً و در قضای باقی خلافست و اگر قضا کند
بیست و نه روز قضا کند یا بیست و هفت روز و چون آن دو روز را از باب مقدمه کرده است
اشکال است اگر ماه تمام باشد و اگر کم باشد تمام قضا میکند یا آنچه فوتش کرده است بار اشکال
است و احوط آنست که بیست و نه روز را قضا کند احتیاطاً هفتم اگر نذر کند اعتکاف چهار
روز را احوط آنست که متصل بجا آورد و واجبست که دو روز دیگر با آن ضم کند و اگر نذر
کند این دو روز را دور نیست که بهتر باشد تا جزماً بقصد وجوب بفعل آورد چون در وجوب
مقدمه خلافی هست و اگر نذر کند اعتکاف پنج روز را واجبست که شش روز بجا آورد و خواه
پنج روز متصل بجا آورد یا منفصل هشتم اگر نذر کند که یک روز یا دو روز اعتکاف کند و
بس نه زیاده نذر منعقد نمیشود و محتمل است که قید لغو باشد سیما نسبت بجاهل مسئله و
باید که سه روز بجا آورد و این احوط است اما اگر قید نکند بعدم زاید و نذر کند اعتکاف
یکروز را منعقد نمیشود و لازم است که دو روز را ضم کند و همچنین اگر دو روز نذر کند
واجبست که یکروز ضم نماید نهم سنت است که در حین شروع در اعتکاف شرط کند مانند
احرام و بگوید که اللّهمّ حلّني حيث حبستني یعنی خداوندا مرا محل ساز که توانم بیرون رفتن
هرگاه عذری بهم رسد مرا و مشهور میان اصحاب آنست که این شرط در حین نذر نیز مستحب است
ولیکن بهتر آنست که در نذر انشاء الله تعالی بگوید موافق اخبار صحیحه تا از مرتبه وجوب
بیفتد و بسبب مخالفت کفاره لازم نشود اگرچه احوط آنست که در هر دو صورت بی عذری بر هم
نزند پس اگر هر دو را واقع ساخته باشد و اراده کند که بیرون آید بی عذری جایز است
با کراهت و اگر عذری بهم رسد کراهت ندارد بیرون آمدن پیش از اتمام دو روز و چون تمام
شد دو روز روز سیم واجب میشود [illegible] باشد که نتواند در مسجد بودن مثل

حیض

حیض و نفاس یا خوف از ظالمی یا سبقی که در این صورتها بیرون رود و چون آید قضا لازم نیست ولیکن
مستحب است قضا و اگر مشروط نکرده باشد و امثال این عذرها بهم رسد بعد از آنکه سه روز یا بیشتر
شده است صحیح است و مطلقی را قضا میکند بعد از زوال عذر و اگر از سه روز کمتر بود و اگر شرط نکرده
باشد جایز نیست بی عذری و واجب را بر هم زدن مکروه است سنت را بر هم زدن پیش از تمام
دو روز و از ابتداء روز سیم واجب میشود و ترکش حرام است و مشهور آنست که مستحب غیر معین حکم
سنت دارد و احوط آنست که مطلقا آنرا بر هم نزند و اگر جماع کند کفاره [illegible] بیع
و شرا و سایر محرمات غیر از جماع موجب بطلان اعتکاف میشود و کفاره باینها واجب نمیشود
و در بطلان با استمنا و کفاره خلافست احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود
و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف [illegible] کفاره میدهند احتیاطا
در روایت بسند معتبر منقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزی برای ما خطبه ادا نمود و فرمود که ایها الناس بدرستی که رو آورده است بجانب شما ماه خدا ماهی
برکت و رحمت و مغفرت ماهی که نزد خدا تعالی افضل ماههاست و روزهای آن افضل روزهاست و شبهای
آن افضل شبها و ساعتهای آن افضل ساعات ماهی که خوانده شده اید در آن ماه بضیافت خدا و کرده اید
از اهل کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است و خواب شما در اینماه عبادت و عمل شما در اینماه
مقبولست و دعای شما در اینماه مستجاب پس سوال کنید از خدای تعالی با نیتهای صادق و دلهای
پاکیزه آنکه توفیق دهد شما را برای روزه داشتن اینماه و تلاوت نمودن قرآن در اینماه بدرستی که
شقی کسی است که محروم باشد از آمرزش الله تعالی در اینماه بزرگ با ایها الناس بیاد آورید بگرسنگی و تشنگی
خود در اینماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود و توقیر و تعظیم نمایید
بزرگان خود را و ترحم کنید بر خردسالان خود و بپیوندید با خویشان خود و نگاه دارید زبان
خود را از آنچه روا نباشد گفتن او بپوشید دیده خود را از آنچه حلال نباشد شنیدن آن و ترحم کنید بر
یتیمان شما تا ترحم کنند بر یتیمان شما و توبه کنید بدرگاه خدا از گناهان خود و بلند کنید دستها را

در اوقات نمازها بدرستی که اوقات نماز بهترین ساعتهاست وحق تعالی در آن اوقات نظر رحمت
میکند بر بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هر گاه مناجات کنند و لبیک میگوید هر گاه ندا
کنند و اجابت میکند هر گاه دعا کنند ایها الناس بدرستی که جانهای شما در گرو عملهای شما است پس
آزاد کنید آنرا بجانهای خود را با ستغفار نمودن و پشتهای شما گرانست از بار گناهان شما پس
سبک کنید پشتهای خود را بدراز کردن سجود و بدانید که حق تعالی بعزت خود سوگند یاد نموده که عذاب
نکند نمازگذارندگان و سجود کنندگان را و نترساند ایشان را بآتش جهنم در روزی که ایستاده باشند بندگان
در برابر پروردگار عالمیان ایها الناس هر که افطار فرماید از شما مؤمنی روزه داری را در این ماه او را ثواب
آزاد کردن رقبه باشد و آمرزش برای گناهان گذشته او گفتند صحابه یا رسول الله همه کس از ما چنین
نیست که قدرت برابر این داشته باشد فرمود که بپرهیزید از جهنم و اگر چه بنصف خرما باشد بپرهیزید از
جهنم و اگر چه بشربتی آبی باشد ایها الناس هر که در این ماه خلق خود را نیکو کند آسان گذرد از صراط
در روزی که بلغزد از آن قدمها و هر که در این ماه تخفیف نماید بر بندگان خود خدمت را حق تعالی
تخفیف نماید حساب او را و هر که در این ماه باز دارد از مردمان شر خود را حق تعالی از و بر دارد غضب
خود را در روزی که ملاقات نماید خدا را و هر که در این ماه یتیمی را نوازد حق تعالی او را نوازد در
روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه صله کند رحم خود را حق تعالی صله کند با او در روزی که
ملاقات کند او را و هر که در این ماه قطع کند رحم خود را الله تعالی قطع کند از و رحمت خود را در روزی
که ملاقات کند او را و هر که در این ماه سنتی بجای آورد حق تعالی برای او برائتی از آتش جهنم بنویسد
هر که در این ماه فریضه ادا کند او را ثواب کسی باشد که در غیر این ماه هفتاد فریضه ادا کرده باشد و هر که
در این ماه بسیار صلوات فرستد بر من حق تعالی عمل میزان صالح او را گران کرداند در روزی که
میزانها سبک باشد و هر که در این ماه آیه از قرآن بخواند او را ثواب کسی باشد که در غیر این ماه ختم قرآن
کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای بهشت در این ماه گشوده است پس از حق تعالی سوال
کنید که نه بندد آن درها را بر روی شما و درهای جهنم در این ماه بسته است پس از پروردگار خود طلب کنید

کہ

١٩١

که نگشاید آن درها را بر شما و شیاطین در این ماه غل کرده شده اند پس از خداوند خود مسئلت نمایید
که مسلط نگرداند آنها را بر شما پس حضرت امیر علیه السلام برخواست و گفت یا رسول الله افضل اعمال
در این ماه چیست فرمود یا ابا الحسن بهترین اعمال در این ماه پرهیز کاریست از محرمات خداوند و بسند
معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون شب اول ماه رمضان شود میآمرزد
حق تعالی هر که را خواهد از خلایق و چون شب دویم شود میآمرزد از خلایق دو مثل آن
در شب سابق آمرزیده و همچنین هر شب مضاعف نماید تا چون شب آخر شود میآمرزد در آن شب دو
مثل آنچه در تمام آن شبها آمرزیده دیگر فرمود که هر که آمرزیده نشد در ماه رمضان آمرزیده
نشود تا سال آینده مگر آنکه حاضر شود بموقف عرفات و در آنجا آمرزیده شود در فضیلت سحور
از حضرت علی علیه السلام منقولست که هر که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی و ملائکه
صلوات میفرستند بر استغفار کنندگان در سحرها و سحور کنندگان را در سحرها باید که سحور کنند و اگر
چه بشربتی آبی باشد پس فرمود که بهترین سحورها قاووت و خرما است و حلالست برای شما
طعام و شراب تا یقین شود طلوع فجر بسند معتبر از امام زین العابدین علیه السلام که هر مومنی که روزه
دارد و سوره قدر بخواند در وقت سحور و افطار چنان باشد که در ما بین افطار و سحور
در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا ابن طاوس از حضرت امیر علیه السلام روایت نموده
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله هلال ماه رمضان را میدیدند رو بقبله می ایستادند
و این دعا میخواندند اللّهمّ اهِلَّهُ علینا بالامن والایمان والسّلامة والاسلام و
العافیة المجلّلة ودفاع الاسقام والعون علی الصّلوة والصّیام والقیام وتلاوة
القرآن اللّهمّ سلّمنا لشهر رمضان وتسلّمه منّا وسلّمنا فیه حتی ینقضی عنّا شهر
رمضان وقد عفوت عنّا وغفرت لنا ورحمتنا وعلامه حلی از ابن عقیل نقل نموده
که چون هلال ماه رمضان دیده شود واجبست خواندن این دعا الحمد لله الذی خلقنی
وخلقک وقدّر منازلک وجعلک مواقیت للنّاس اللّهمّ اهلّه علینا اهلالاً ٥

مبارکه اللّهمّ ادخله علینا بالسّلامة والاسلام والیقین والایمان والبرّ والتّقوی
والتّوفیق لما تحبّ وترضی و بخواند دعای صحیفه کامله در رؤیت هلال که قبل از این
در باب رؤیت هلال مذکور شد و بدانکه در این شب و هر شب از شبهای این ماه باید که نیّت
روزه صباح کند و بهتر آنست که در این شب نیّت روزه تمام ماه بکند غسل در این
شب و در بسیاری از لیالی افراد اینماه مستحب است و از حضرت صادق علیه السّلام منقول است
که هر که در اوّل شب ماه رمضان غسل کند در نهر جاری و یک کف آب بر سر بریزد طاهر باشد
تا ماه رمضان آینده و باز از آنحضرت که فرمود هر که خواهد از حکه و خوارش بدن ایمن
باشد باید که در اوّل ماه رمضان غسل کند تا آنکه تا رمضان المبارک آینده ایمن باشد
از آنها و سالم ماند و دیگر نقل شده که بریزد مشتی از گلاب بر رو و سر که نفع و ثواب بسیار نقل
شده و مقاربت نمودن با اهل خود و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدند که
آیا زیارت امام حسین علیه السّلام وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد فرمود که زیارت
کنید آنحضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آنحضرت خیر مقرّریست هر که آنرا
بیشتر بعمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در
زیارت آنحضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در اوقات
شریفه ملائکه از آسمان نازل میشوند از برای زیارت آنحضرت در ماه رمضان و فرمود هر که
بزیارت آنحضرت برود از روی خشوع و از برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش
کننده از آنها در یکی از سه شب از ماه رمضان در شب اوّل یا در شب نیمه یا در شب آخر این
ماه گناهان و خطاها از او فرو ریزد چنانکه برگهای خشکیده بباد تند از درختان تا آنکه از
گناه پاک شود مانند روزی که از مادر متولّد شده و با این ثواب باز برای او باشد مثل ثواب
کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد و ملک او را ندا کنند که ندای ایشان را هر صاحب روحی
بشنود بغیر از جن و انس یکی از آنها گوید که ای بندهٔ خدا پاک شدی پس عمل را از سر گیر و دیگری

کوید

گوید که ای بنده دعایت مستجاب شد پس بشارت باد ترا با آمرزش از جانب خدا و فضیلتی بزرگ
و در روایت معتبر وارد شده که صحف بر حضرت ابراهیم علیه السّلام در این شب نازل شده از حضرت
امام جعفر صادق علیه السّلام که فرمود که چون شب اوّل ماه رمضان شود میخوانی این دعا را بوده و آمده
شده که هر شب بخوان این دعا را بسند ابن طاوس اللّهمّ ربّ شهر رمضان منزل القرآن هذا
شهر رمضان الّذی انزلت فیه القرآن وانزلت فیه آیات بیّنات من الهدی و
الفرقان اللّهمّ ارزقنا صیامه واعنّا علی قیامه اللّهمّ سلّمه لنا وسلّمنا فیه و
تسلّمه منّا فی یسر منک ومعافاة واجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر المحتوم وفیما
تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یردّ ولا یبدّل ان تکتبنی من
حجّاج بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر عنهم
سیّئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدّر ان تطیل لی فی عمری وتوسّع علیّ من الرّزق
الحلال بسند معتبر از موسی بن جعفر علیه السّلام روایت نموده که فرمود میخوانی
این دعا را در ماه رمضان در هنگام در آوردن و داخل شدن سال و فرمود که این دعا را بخواند
با عتقاد نیکو و نیّت خالص هر آینه محفوظ باشد در آن سال از هر بدی و فتنه و هیچ آفتی نرسد در
دین او و نه در دنیا او و نه در جسد او و نگاه دارد او را حق تعالی و ز اولاد آن سال از شر هر بلیّه که نازل
شود دعا اینست خرجت هذا الدّعا من کتاب من لا یحضره الفقیه فی باب الصّیام اللّهمّ
انّی اسئلک باسمک الّذی دان له کلّ شیء وبرحمتک الّتی وسعت کلّ شیء وبعزّتک الّتی
قهرت کلّ شیء وبعظمتک الّتی تواضع لها کلّ شیء وبقوّتک الّتی خضع لها کلّ
شیء وبجبروتک الّتی غلبت کلّ شیء وبعلمک الّذی احاط بکلّ شیء یا نور یا قدّوس
یا اوّل کلّ شیء ویا باقی بعد کلّ شیء یا الله یا رحمن صلّ علی محمّد وآل محمّد واغفر لی
الذّنوب الّتی تغیّر النّعم واغفر لی الذّنوب الّتی تنزل النّقم واغفر لی الذّنوب
الّتی تقطع الرّجاء واغفر لی الذّنوب الّتی تدیل الاعداء واغفر لی الذّنوب الّتی

تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَسْتَحِقُّ بِهَا نُزُولَ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ
الْعِصَمَ وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أُحَاذِرُ بِاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجَبْرَئِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا تَسَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ
الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
بِالْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
وَأَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَأَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي
رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ
[illegible]
مَا عِنْدَكَ أَنْتَ مُعْطٍ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَأَلْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى
وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ
يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسُنَّتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ
فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ
فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ
فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتَكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حَذَرًا أَنْ
تَصْرِفَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَأَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَ

[illegible]

٢٣٣

مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِ مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ
قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى
نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ
رِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ
عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي بِهِ إِلَيْكَ زُلْفَى اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ
اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَ
أَحْزَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي
إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ
لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَأَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ
تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ
أَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ   وچون احادیث وارد شده
که استقبال کنید ماه رمضان را بقرآن پس سزاوار آنست که شروع بقرآن بتلاوت در شب اول
شود در روایت شده که هرکه در شب اول از ماه رمضان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از
حمد سوره قل هو الله احد را سه مرتبه بخواند وچون سلام دهد بگوید سبحان من هو حفیظ
لا یعجل سبحان من هو قائم لا یسهو سبحان من هو دائم لا یلهو پس هفت مرتبه
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس سه نوبت بگوید سبحانک
سبحانک یا عظیم اغفر لی الذنب العظیم پس ده نوبت صلوات بفرستد حقتعالی
هفتاد هزار گناه او را بیامرزد وفقیر نقل نموده از حضرت صادق علیه السلام روایتست که

چون ماه رمضان داخل شود در هر شب هزار نوبت سورهٔ انا انزلناه را بخواند و چون شب
بیست و سیم شود دل خود را محکم بدار و گوشهای خود را بگشای برای شنیدن عجایب
از آنچه خواهی دید از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که شخصی بخدمت امام محمد باقر
علیه السلام عرض نمود که چگونه بشناسیم شب قدر را که در یکسال می باشد فرمود که چون ماه
رمضان بیاید هر شب صد نوبت سورهٔ دخان بخوان چون شب بیست و سیم شود تصدیق
خواهی نمود بآنچه سؤال نمودی از پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که در ماه رمضان بعد از نماز و بضیر
این دعا بخواند حق تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامرزد اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلیٰ اَهْلِ
الْقُبُورِ السُّرُورَ اَللّٰهُمَّ اَغْنِ کُلَّ فَقِیرٍ اَللّٰهُمَّ اَشْبِعْ کُلَّ جَائِعٍ اَللّٰهُمَّ اکْسُ کُلَّ عُرْیَانٍ اَللّٰهُمَّ
اقْضِ دَیْنَ کُلِّ مَدِینٍ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْرُوبٍ اَللّٰهُمَّ رُدَّ کُلَّ غَرِیبٍ اَللّٰهُمَّ فُکَّ
کُلَّ اَسِیرٍ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ کُلَّ فَاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ اشْفِ کُلَّ مَرِیضٍ اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا
بِغِنَاکَ اَللّٰهُمَّ غَیِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِکَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَاَغْنِنَا مِنَ
الْفَقْرِ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ ابن طاوس از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام
روایت نموده که فرمودند که در ماه رمضان از اول تا آخر بعد از نماز فریضه این دعا بخوانند
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ فِی عَامِی هٰذَا وَفِی کُلِّ عَامٍ مَا اَبْقَیْتَنِی فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَ
عَافِیَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ وَلَا تُخْلِنِی مِنْ تِلْکَ الْمَوَاقِفِ الْکَرِیمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِیفَةِ وَ
زِیَارَةِ قَبْرِ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَفِی جَمِیعِ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ فَکُنْ لِی
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ اَنْ تَکْتُبَنِی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ
سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِیلَ
عُمْرِی وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقِی وَتُؤَدِّیَ عَنِّی اَمَانَتِی وَدَیْنِی آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ و بسند
معتبر از [illegible] علیه السلام روایت نموده که هر که این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند گناهان

چهل سال گناهان او آمرزیده شود اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِی اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَ
افْتَرَضْتَ عَلیٰ عِبَادِکَ فِیهِ الصِّیَامَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ
فِی عَامِی هٰذَا وَفِی کُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِی تِلْکَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُهَا غَیْرُکَ یَا رَحْمٰنُ
یَا عَلَّامُ فقیه از صادق علیه السلام روایت نموده که میگوئی در هر شب از ماه رمضان
این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی الْاَمْرِ الْحَکِیمِ مِنَ
الْقَضَاءِ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ اَنْ تَکْتُبَنِی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ
سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ فِی الْاَمْرِ
الْحَکِیمِ فِی الْقَضَاءِ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُطِیلَ عُمْرِی
و شیخ طایفه و ابن طاوس و جمعی از محدثین باسناد خود از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند
که آنحضرت در سحرهای ماه رمضان این دعا را میخواندند و میفرمودند که اگر معلوم شود بر مردمان
بزرگی حاجتها و مسئلتها که در این دعا مندرج شده و بدانند سرعت اجابت این دعا را هر آینه
محاربه و مقاتله کنند بشمشیرها در یاد کرفتن او و اخذ نمودن این دعا و خدای تعالی مخصوص میسازد
برحمت خود هر کرا خواهد و اگر سوگند یاد کنم که در این دعا اسم اعظم الهی داخلست راست گفته ام
و فرمود که جهد کنید در این دعا که آن مکنون علم خداست و از غیر اهلش پنهان کنید و از منافقان
و منکران و تکذیب کنندگان منت نمایند که از اهل این دعا نیستند و این دعای مباهله است
و بچندین سند معتبر که ایوب بن یقطین نیز بخدمت امام رضا علیه السلام نوشت که
آیا صحیح است نسبت این دعا بحضرت امام محمد باقر علیه السلام پس آنحضرت در جواب نوشتند
بلی دعای آنحضرت است که در اسحار ماه رمضان میخواندند آن دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُکَ مِنْ بَهَائِکَ بِاَبْهَاهُ وَکُلُّ بَهَائِکَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِبَهَائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِاَجْمَلِهِ وَکُلُّ جَمَالِکَ جَمِیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَلَالِکَ بِاَجَلِّهِ وَکُلُّ جَلَالِکَ جَلِیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِجَلَالِکَ کُلِّهِ

اللهم انی اسئلک من عظمتک کلها عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک
کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک
کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی
اسئلک برحمتک کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة
اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل
کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها
وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک
بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی
اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة
اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک
کله اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللهم انی اسئلک
بقولک کله اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک وکل الیک
حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه
وکل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من
سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسئلک بسلطانک کله
اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره وکل ملکک فاخر اللهم انی اسئلک
بملکک کله اللهم انی اسئلک من علوک باعلاه وکل علوک عال اللهم
انی اسئلک بعلوک کله اللهم انی اسئلک من منک باقدمه وکل منک
قدیم اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها وکل آیاتک کریمة اللهم
انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشأن
والجبروت واسئلک بکل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم انی
بما

باعظمها وکل صح

اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة صح اللهم انی اسئلک باسمائک کلها

اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها صح

مسائلک صح

اللهم انی اسئلک بمنک کله صح

بما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله فافعل بی کذا وکذا
در زاد عید متعلق بروزهای ماه رمضان سید ابن باقی از ائمه علیهم السلام روایت نموده که هر که
در هر روز از ماه رمضان این دعا بخواند الله تعالی گناهان چهل ساله او را بیامرزد اللهم رب شهر
رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه الصیام ارزقنی حج بیتک
الحرام فی هذا العام وفی کل عام واغفر لی الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا ذا
الجلال والاکرام در کتاب ذخیره برای هر روز از پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که در این روز
دعا بخواند حق تعالی با او هزار هزار حسنه کرامت فرماید وهزار هزار درجه برای او بلند
کرده هزار هزار گناه از او محو نماید دعا اینست اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی
فیه قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین و
اعف عنی یا عافیا عن المجرمین وکفعمی از حضرت امام موسی علیه السلام روایت نموده که هر که
در این روز دو رکعت نماز بگذارد ودر رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا ودر رکعت دوم بعد از
حمد هر سوره که خواهد حق تعالی او را محفوظ نماید تا تمام آن سال از هر مکروهی وبلیه وپیوسته
تا سال آینده در حرز وحراست الله تعالی باشد در ذخیره از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت
نموده که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی با او عطا کند بعدد هر گامی که در تمام عمر خود برداشته
ثواب عبادت یکساله که روزش را روزه داشته باشد وشبش را بعبادت بسر آورده باشد دعا اینست
اللهم قربنی فیه الی مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقراءة
آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین در این روز بقول بعضی بیعت خلافت با حضرت امام رضا علیه السلام
واقع شده روز سیم از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی
[illegible] کند برای او در بهشت الفردوس خانه از در سفید که در بالای آن خانه هفتاد هزار غرفه
باشد [illegible] ودر هر غرفه هزار هزار کرسی گذاشته باشد وبر هر سریری حوریه نشسته باشد
ودر [illegible] هزار ملک از جانب حق تعالی بر او داخل شوند وهدیها وتحفها برای او آورند

فیه

فیه

اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وابعدنی فیه عن السفاهة والتمویه واجعل
لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه یا اجود الاجودین [illegible] از پیغمبر صلی الله علیه
و آله که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی باو کرامت فرماید در جنت هفتاد هزار کرسی
که بر هر کرسی حوریه نشسته باشد دعا اینست اللهم قونی فیه علی اقامة امرک و
ارزقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه اداء شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک
وسترک یا خیر الناصرین [illegible] آنحضرت روایت نموده که هر که در این روز این
دعا بخواند حق تعالی کرامت فرماید باو در جنت المأوی هزار هزار قصر که در هر قصری هزار هزار
لون از طعام باشد دعا اینست اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من
عبادک الصالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقربین برأفتک
یا ارحم الراحمین [illegible] از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی باو عطا
فرماید چهل هزار مدینه در هر مدینه چهل هزار هزار خانه در هر خانه هزار کرسی که طول هر کرسی هزار
ذراع باشد بر هر کرسی حوریه نشسته باشد که هزار گیسو داشته باشد و هر گیسوی را خادمی
بر داشته باشد دعا اینست اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک ولا تضربنی
بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنک وایادیک یا منتهی رغبة
الراغبین و شیخ مفید ذکر نموده که در این روز مأمون با امام رضا علیه السلام بیعت نموده
[illegible] آنحضرت منقول است که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی کرامت فرماید در بهشت
باو آنچه به انبیا و اولیا کرامت میفرماید دعا اینست اللهم اعنی علی صیامه و
قیامه وجنبنی فیه من هفواته وآثامه وارزقنی فیه ذکرک بدوام
ابدیتک یا هادی المؤمنین بدوام توفیقک یا ولی المؤمنین
آنحضرت مرویست که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی بلند کرداند عمل او را با عمل هزار صدیق
اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام الطعام وافشاء السلام

و

و مجانبة اللئام وصحبة الکرام بطولک یا ملجأ الآملین از آنحضرت روایت است که
هر که این دعا بخواند الله تعالی عطا فرماید باو ثواب که به پیغمبران بنی اسرائیل عطا فرموده دعا اینست
اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة واهدنی فیه لبراهینک القاطعة
وخذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا امل المشتاقین [illegible] باز
از آنحضرت منقول است که هر که در این روز این دعا بخواند هر چیزی برای او استغفار کنند و در این روز
خدیجه کبری از دنیا رحلت فرمود دعا اینست اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیک واجعلنی فیه من
الفائزین لدیک واجعلنی فیه من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین
[illegible] باز از آنحضرت منقول است که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی بنویسد برای او حج
مقبولی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله کرده باشد و آن برابر است با هفتاد هزار حج و باز بنویسد برای او
عمره که با اهل بیت آنحضرت کرده باشد و آن برابر است با هفتاد هزار عمره دعا اینست اللهم حبب
الی فیه الاحسان وکره الی فیه الفسوق والعصیان وحرم علی فیه السخط والنیران بعونک
یا غیاث المستغیثین [illegible] باز از آنحضرت منقول است که هر که در این روز این دعا بخواند
الله تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و سیئات او را بحسنات مبدل کرداند دعا اینست
اللهم زینی فیه بالستر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی
فیه علی العدل والانصاف وآمنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین [illegible] باز از آنحضرت
منقول است که هر که در این روز بخواند این دعا را حق تعالی بعد هر سنگ و کلوخی حسنه باو کرامت فرماید
و درجه در بهشت عطا نماید دعا اینست اللهم طهرنی فیه من الدنس والاقذار وصبرنی
فیه علی کائنات الاقدار ووفقنی فیه للتقی وصحبة الابرار بعونک یا
قرة عین المساکین [illegible] و بر قول اکثر در این روز فتح مکه واقع شد باز از آنحضرت
که هر که در این روز این دعا بخواند چنان باشد که با پیغمبران و شهدا و صالحان روزه داشته باشد
دعا اینست اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه الخطایا والهفوات

الْمُسْلِمِينَ

وَلَا تَجْعَلْنِي غَرَضاً لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ شب بیست و دوم

ابن طاوس رحمه الله روایت کرده بسند معتبر که بخدمت صادق علیه السلام عرض کردند
که چه میفرمایید در باب کسی که نزد قبر امام حسین علیه السلام حاضر شود در شب
نیمهٔ ماه رمضان فرمود که به به هر که نزد قبر آنحضرت در شب نیمه ماه رمضان ده
رکعت نماز بگذارد بعد از خفتن بغیر از نماز شب در هر رکعتی بعد از حمد ده نوبت قل هو الله
احد بخواند و از حق تعالی امان بطلبد از آتش جهنم حق تعالی بنویسد او را آزاد کردهٔ خود از
آتش جهنم و نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت دهند به بهشت و ملکی
چند را که او را ایمن گردانند از آتش جهنم و سنت مؤکد است در این شب غسل و
تاکید زیاده از شبهای افراد است روز بیست و دوم باز از آنحضرت منقولست که هر که در این
روز این دعا بخواند حق تعالی برآورد برای او هشتاد حاجت از حوایج دنیا و بیست حاجت
از حوایج آخرت او را و بنا نماید برای او در جنت در جوار پیغمبران هزار شهر از نور ساطع
و در هر شهری هزار هزار غرفه باشد و در هر غرفه هزار هزار حجره باشد و در هر حجره چیزی
چند مهیا باشد که همه نفسی خواهش آنها داشته باشد و همه دیده از دیدن آنها لذت
بیابد و او در آنجا مخلد و ابد الآباد باشد و دعا اینست اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ
الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ قَلْبِي فِيهِ لِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِأَمْنِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ و موافق
مشهور امام حسن علیه السلام متولد شده و ولادت امام محمد تقی علیه السلام را نیز
در این روز نقل کرده اند روز بیست و سوم باز از آنحضرت منقولست که هر که این روز این
دعا بخواند چون از قبر بیرون آید الله تعالی کرامت فرماید باو نوری ساطع که مانند نور
راه رود و حلهٔ که بپوشد آن حله را و ناقه که سوار شود بر آن ناقه و بیاشامانند
او را از شراب طهور بهشت دعا اینست اللَّهُمَّ وَفِّقْنِي فِيهِ لِعَمَلِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي
فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ وَآوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ بِإِلَهِيَّتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

وَالْآخِرِينَ

وَالْآخِرِينَ روز بیست و چهارم باز از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی
او را بیامرزد و بگرداند رضا او را از مصاحبان روزبانان کار ان باشد دعا اینست اللَّهُمَّ وَاهْدِنِي فِيهِ
لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْآمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ
يَا عَالِماً بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و بر قول
بعضی امام محمد تقی علیه السلام در این روز متولد شده و در روایات معتبر وارد شده که در
شب هفدهم ماه رمضان لشکر اسلام و کفار قریش در بدر بیکدیگر ملاقات کردند و در
روز هفدهم خدای تعالی ایشان را بنصرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاد و اهل
اسلام را بر کافران ظفر عظیم فرمود و این روز اعظم فتوحات اسلام است باید که روز
عید اهل اسلام باشد روز بیست و پنجم از آنحضرت منقولست که هر که در این روز این دعا
بخواند حق تعالی ثواب هزار پیغمبر باو کرامت فرماید دعا اینست اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي
فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّرْ قَلْبِي فِيهِ بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ
آثَارِهِ يَا نُورَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ شب بیست و سوم بدانکه این شب شبی است که بسیار
با قدر و منزلت و شب قدر بهتر از این شب و شب بیست و یکم و شب بیست و نوزدهم
نیست پس باید که قدر این شب را بدانند و حرمت آنها را رعایت نمایند و از مشاغل
دنیوی و لهو و لعب اجتناب کنند و خود را باحیا و عبادت برای خدا خالص سازند
و رضوان و مراتب عالیه بهشت را برای خود آماده کردانند از پیغمبر صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که احیا کند شب قدر را الله تعالی دور کند عذاب را از او تا سال
آینده و باز از آنحضرت مرویست که هر که شب قدر را احیا نماید نمیرد دل او در روزی که
دلهای همه مرده باشد از محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که شب قدر را احیا کند
گناهان او آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان و بگرانی کوهها و بکیل دریاها
باشد و چه بسیار سهل اعتقاد مؤمنی که شبهای اخروی اعتقاد داشته باشد

و بحقیقت آنچه مخبر صادق خبر داده اذعان نموده باشد جد و جهد نمودن در احیا
و عبادت سه شب برای دریافتن شب قدر شبی که بنص قرآن عبادت در آن
بهتر است از عبادت هزار ماه چه باشد که سه شب را عبادت کنی تا به آن
ثواب بی متناهی فایز شوی و شبی است که روزیها و اجلها و بلاها و مصیبتها
و سایر اموری که در آن سال واقع میشود مقدر میگردد و جماعتی را از سعدا
و فایزان و گروهی را از اشقیا و خاسران می نویسند چه نماید که در سه شب خود را
برحمت و خواری داری و تضرع و استغاثه کنی تا عمر تو را زیاده کرده اند و روزی را
برای تو فراخ کنند و بلاها و مصایب را از تو دفع نمایند و اگر از اشقیا باشی نام ترا
در زمره سعدا نویسند از صادق علیه السلام که شبی که هر امری محکمی مفروق میگردد
و مقدر میشود در آن شب نازل میشود هر آنچه در آن سال مثل آن شب واقع خواهد
شد از نیکیها و بدیها و مرگها و زندگانیها و بود در آن شب نوشته میشود نه گروهی
که در آن سال توفیق حج خواهند یافت پس هر که در آن شب نوشته شد که حج کند
البته توفیق حج یابد اگر چه بی زاد و راحله یا مریض و علیل باشد و کسی که نوشته
نشده در آن سال حج نکند و اگر چه مالدار و صحیح باشد از صادق علیه السلام
مرویست که چون شب نوزدهم ماه رمضان شود نوشته شود حج کنندگان
در آن سال و اجلها و روزیها و حق تعالی مطلع گردد بر خلایق و بیامرزد هر مومنی
را مگر کسی که مسکر خورده باشد یا رحم مومنی را از خود قطع کرده باشد بدانکه
در این شب غسل مستحب موکد است و در این شب ابن ملجم علیه اللعنة والعذاب
ضربت بر حضرت سرور او[illegible] امام اتقیا امیر المؤمنین علیه السلام زده
و [illegible] واقع شده که باید که در این شب صد نوبت بر قاتل آنحضرت لعنت کنی
[illegible] استغفار در کلینی و فقیه روایت شده که در این شب و شب بیست و
یکم

یکم و شب بیست و سیم صد رکعت نماز و در بعضی روایات در هر رکعت بعد از حمد توحید را
ده نوبت یا هفت یا پنج یا سه یا یکنوبت ابن طاوس از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده
که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد توحید را هفت نوبت بخواند
و چون فارغ شود هفتاد نوبت استغفار کند از جای خود برنخیزد تا حق تعالی بیامرزد او را
و پدر و مادر او را و برانگیزاند گروهی از ملائکه را که تا سال دیگر برای او حسنات بنویسند و
گروهی از ملائکه را که در بهشت برای او درختها بکارند و قصرها بنا کنند و نهرها جاری کردانند
و از دنیا بیرون نرود تا همه اینها را ببیند ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از امام محمد
باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود برمیداری مصحف را که در سه شب ماه رمضان باشد
یعنی شب نوزده و بیست و یکم و بیست و سیم و میگشائی در برابر خود میگذاری و میگوئی این
دعا را اللّهمّ انّی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک الاکبر واسماؤک
الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار و هر حاجتی که داری از الله تعالی
طلب میکنی و در حدیث دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که برمیداری قرآن را بر سر خود
میگذاری و میگوئی این دعا را اللّهمّ بحقّ هذا القرآن وبحقّ من ارسلته به وبحقّ کلّ
مؤمن مدحته فیه وبحقّک علیهم فلا احد اعرف بحقّک منک بک یا الله ده
نوبت بمحمّد ده نوبت بعلیّ ده نوبت بفاطمة ده نوبت بالحسن ده نوبت بالحسین
ده نوبت بعلیّ بن الحسین ده نوبت بمحمّد بن علیّ ده نوبت بجعفر بن محمّد ده نوبت بموسی بن
جعفر ده نوبت بعلیّ بن موسی ده نوبت بمحمّد بن علیّ ده نوبت بعلیّ بن محمّد ده نوبت بالحسن بن
علیّ ده نوبت بالحجّة القائم یا صاحب الامر ده نوبت پس حاجات خود را طلب میکنی که
البته [illegible] میشود ان شاء الله تعالی و از حضرت صادق علیه السلام که فرمود شب قدر سالی
یکشب میباشد و عبادت آن بهتر است از عبادت هزار ماه و روز آن مانند شب قدر است
این شبها دعای سحر و دعاهای کسا بقا[illegible] شد و روز نوزدهم از آنحضرت[illegible]

این دعا بخواند استغفار کنند برای او ملائکه آسمانها و زمین دعا اینست اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ
حَظّی مِنْ بَرَکَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِیلی اِلیٰ حِیَازَةِ خَیْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنی قَبُولَ حَسَنَاتِهِ
یَا هَادِیَ اِلَی الْحَقِّ الْمُبِینِ از آنحضرت منقولست که هر که در این روز این دعا
بخواند الله تعالی بنویسد برای او بعدد هر که ماه رمضان را روزه داشته عبادت شصت ساله
مقبول و بفرستد بسوی او هزار هزار ملك که محافظت نمایند او را از شر هر جباری و شیطان
متمردی و بگردانند میانه او و جهنم هفتاد خندق که هر خندقی مانند ما بین آسمان و زمین باشد
دعا اینست اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَیَّ فِیهِ اَبْوَابَ الْجِنَانِ وَاَغْلِقْ فِیهِ اَبْوَابَ النِّیرَانِ وَوَفِّقْنی فِیهِ
لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ یَا مُنْزِلَ السَّکِینَةِ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ و در این روز بر قول بعضی فتح
مکه واقع شد و در این روز حضرت امیر علیه السلام بر دوش مبارك حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله بالا رفت و رفعت و منزلت او در درگاه خدا و عزت و قرب او نسبت بجناب
رسول صلی الله علیه و آله نزد خلایق ظاهر گردید بدانکه این شب نزدیکتر
است بشب قدر از شب نوزدهم و فضیلتش زیاده از آن شبها است بسند صحیح از امام جعفر
صادق علیه السلام از شب قدر فرمود که در شب بیست و یکم است از امام محمد باقر علیه السلام مرویست
همین سؤال نمود عبد الواحد انصاری و آنحضرت فرمود که طلب نمای آنرا در شب بیست و یکم و
شب بیست و سیم پس عرض نمود که یا ابن رسول الله تعیین کن شب قدر را برای من فرمود که
چه سهل است که در دو شب توجه و جهد نمائی و بسند معتبر از ابو بصیر که گفت با امام جعفر
صادق علیه السلام عرض نمودم که فدای تو شوم شبی که قدر در آن هست کدام است فرمود
که شب بیست و یکم و بیست و سیم عرض کردم که اگر قدرت بر دو شب نداشته باشم کدام شب را
رعایت کنم فرمود که چه بسیار سهل است دو شب که در آن چه طلب مینمائی گفتم که گاه میباشد
که در هلال ماه رمضان اختلاف میشود فرمود که چه بسیار کم است چهار شب در آنچه طلب
کنی و در این شب تقدیرات بحد قضا میرسد پس باید که جد و اهتمام تو در احیا و عبادت این

این

این شب زیاده از شب گذشته باشد و سعی نمائی که اگر در این شب از اشقیا نوشته
شده باشی در این شب از سعدا نوشته شوی و در بعضی روایات وارد شده که اگر تمام شب
را نتوانی احیا داشتن باکی نیست که در اول شب از خواب سر بر نگیری و در این
شب صدقه و صله رحم و همه اعمال خیر ثوابش مضاعف است و غسل سنت مؤکد و همچنین
در هر شب از شبهای دهه آخر این ماه نیز غسل سنت است و در شبهای تاق این دهه سنت
مؤکد و در حدیث بسیار معتبری وارد شده که صادق علیه السلام امر فرمود ابو بصیر را که در
این دو شب صد رکعت نماز بگذار پس ابو بصیر گفت اگر ایستاده نتوانم فرمود که نشسته
بگذار گفت اگر نشسته نتوانم فرمود که در میان فراش خود که استراحت کرده باشی بگذار
و همچنین میخوانی در این شب دعای توسل بقرآن را و در این شب بقول مشهور پیغمبر صلی
الله علیه و آله بمعراج رفت و عیسی را باسمان بردند و قبض روح موسی بن عمران و قبض
روح وصی او یوشع بن نون و قبض روح علی بن ابی طالب علیه السلام نمودند و ابن طاوس
بسند معتبر روایت نموده از صادق علیه السلام که فرمود که میگوئی در هر شب از دهه
آخر رمضان المبارك این دعا را اَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْکَرِیمِ اَنْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ
رَمَضَانَ اَوْ یَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هٰذِهِ وَیَبْقیٰ لَكَ عِنْدی تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنی
عَلَیْهِ یَوْمَ اَلْقَاكَ و باز بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در هر شب از
دهه آخر این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فی کِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذی اُنْزِلَ
فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدیٰ وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ
رَمَضَانَ بِمَا اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَیْرًا مِنْ
اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَیَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَیَالِیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ
وَقَدْ صِرْتُ یَا اِلٰهی مِنْهُ اِلیٰ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی وَاَحْصیٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ
اَجْمَعِینَ فَاَسْاَلُكَ بِمَا سَاَلَكَ بِهِ مَلَائِکَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ
وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفُكَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ

وتدخلني الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته
ليوم القيمة الهي واعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان ينقضي
ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني به او
خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي سيدي
اسئلك يا لا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا
وان لم تكن رضيت عني فمن الآن فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله يا
احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد. و بسیار میگفتند
يا ملين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب العظام عن
ايوب عليه السلام اي مفرج هم يعقوب عليه السلام اي منفس غم يوسف
عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما انت اهله ان تصلي عليهم اجمعين
وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله. و ثقة الاسلام یعقوب کلینی
و فقیه و شیخ ابو جعفر طوسی برای هر شب از عشر آخر ماه رمضان از ائمه طاهرین
علیهم السلام دعائی روایت نموده اند و ما در اعمال هر شب ایراد مینمائیم و دعای این
این شب اینست يا مولج الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج
الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق من يشاء بغير حساب
يا الله يا رحمن يا رحيم يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واهل بيته وان
تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليهم السلام

بدانکه

بدانکه سنت موکدست در این دهه اعتکاف داشتن از پیغمبر صلی الله علیه و آله که اعتکاف
دهه آخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره از صادق علیه السلام منقولست که
پیغمبر صلی الله علیه و آله چون دهه آخر ماه رمضان میشد در مسجد اعتکاف میفرمود
و برای آنحضرت خیمه از مو میزدند پس دامان بر کمر میزد یعنی مهیای عبادت میشد
و فراش خود را ترک مینمود یعنی با زنان مباشرت و مجامعت نمیکرد راوی پرسید که
با زنان معاشرت هم نمیکرد فرمود که از خدمت ایشان و معاشرت با ایشان اجتناب
نمی نمود باز از آنحضرت که غزوه بدر در ماه رمضان واقع شد و پیغمبر صلی الله علیه و آله
در آن سال اعتکاف نداشتند پس چون سال دیگر شد دو عشر از ماه رمضان را اعتکاف
کردند یکی برای آن ماه و دیگری برای قضاء ماه گذشته و مشهور میان علما آنست که اعتکاف
نمیتوان داشت مگر در یکی از چهار مسجد مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و
مسجد کوفه و مسجد بصره و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را گفته اند و بعضی
پنج مسجد گفته اند که مسجد مداین را داخل نموده اند و بعضی را اعتقاد آنست که در هر
مسجد جامعی اعتکاف میتوان داشت و این خالی از قوتی نیست و احادیث معتبره
دلالت بر آن مینماید که اگر در مسجد جامعی که غیر آن مساجد خمسه باشد اعتکاف بجای
آورند و نیت کنند که اگر اعتکاف بجا آورند و نیت کنند که اگر اعتکاف شرعی باشد
مطلوب شارع بعمل آمده باشد و الا در مسجد عبادتی کرده باشد احوط خواهد بود از
محمد ابن ابی نصر بسند معتبر از امام رضا علیه السلام روایت نموده که عمره در ماه رمضان
برابر است با حجی و عمره و هر که زیارت کند حسین علیه السلام را توقف کند در نزد قبر
آنحضرت دهه آخر ماه رمضان را چنان باشد که توقف کرده باشد نزد قبر پیغمبر
صلی الله علیه و آله و کسی که توقف کند نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله افضل باشد برای
او از حجی و عمره بعد از حجة الاسلام روز بیست و یکم هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی
قبر او را نورانی سازد و روی او را سفید گرداند و از صراط بگذرد چون برق جهنده از

پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست دعا اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی فِیهِ اِلیٰ مَرْضَاتِکَ
دَلِیلًا وَلَا تَجْعَلِ الشَّیْطَانِ فِیهِ عَلَیَّ سَبِیلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَنْزِلًا وَمَقِیلًا یَا
قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ [illegible] از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که در این شب هشت رکعت نماز کذارد بهر طریقی که خواهد داخل میشود به بهشت
از هر دری که خواهد دعای این شب اینست یَا سَالِخَ النَّهَارِ مِنَ اللَّیْلِ فَاِذَا نَحْنُ
مُظْلِمُونَ وَمُجْرِیَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِیرِکَ یَا عَزِیزُ یَا عَلِیمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ
حَتّٰی عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ یَا نُورَ کُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهیٰ کُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِیَّ کُلِّ نِعْمَةٍ
یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللّٰهُ یَا قُدُّوسُ یَا اَحَدُ یَا وَاحِدُ یَا فَرْدُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ لَکَ
الْاَسْمَاءُ الْحُسْنیٰ وَالْاَمْثَالُ الْعُلْیَا وَالْکِبْرِیَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِی فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَدَاءِ وَرُوحِی مَعَ الشُّهَدَاءِ
وَاِحْسَانِی فِی عِلِّیِّینَ وَاِسَاءَتِی مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِی یَقِینًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِی وَاِیمَانًا
یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّی وَتُرْضِیَنِی بِمَا قَسَمْتَ لِی وَآتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیقِ وَارْزُقْنِی فِیهَا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ
وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِیقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

[illegible] از آنحضرت منقولست که هر که در این روز این دعا بخواند
الله تعالی بر و سکرات مرک و سؤال منکر و نکیر را آسان کرداند و او را بر طریقه حق
ثابت قدم دارد و دعا اینست اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ فَضْلِکَ وَاَنْزِلْ عَلَیَّ فِیهِ
بَرَکَاتِکَ وَوَفِّقْنِی فِیهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِکَ وَاَسْکِنِّی فِیهِ بُحْبُوحَةِ
جَنَّاتِکَ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ [illegible] بدانکه احادیث معتبره
بسیار دلالت میکند بر آنکه این شب شب قدر است بسند معتبر از امام جعفر
صادق علیه السلام که سفیان سمط بخدمت آنحضرت عرض نمود که شب قدر را
برای من تعیین فرما آنحضرت فرمود که شب بیست و سیم است و از پیغمبر صلی الله علیه و آله

که فرمود

که فرمود بهمین قسم راوی کوید بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمودم
که شبی که امید شب قدر باشد کدام است فرمود شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
پس عرض کردم که اکر ضعفی یا مرضی مانع شود از عبادت سه شب بر کدام شب
اعتماد کنم فرمود که شب بیست و سیم بسند معتبر از صادق علیه السلام مرویست
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که صحف ابراهیم علیه السلام در شب اول ماه
رمضان نازل شد و توریت در شب ششم و زبور در شب هیجدهم و قرآن در شب بیست و
سیم اینماه نازل شد فضیلت شب قدر زیاده از آنکه وصف توان نمود همین کافی
که عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار شب از پیغمبر صلی الله علیه و آله که
حضرت موسی مناجات نمود که خداوندا قرب تو میخواهم فرمود که قرب من برای
کسی است که در شب قدر بیدار باشد کفت خداوندا رحمت ترا میخواهم فرمود که رحمت من
برای کسی است که در شب قدر بر مساکین ترحم کند کفت خداوندا کذشتن از صراط میخواهم
فرمود که آن برای کسی است که در شب قدر صدقه در راه خدا بدهد کفت خداوندا درختان
بهشت و میوه های او را میخواهم فرمود که اینها برای کسی است که در شب قدر تسبیح کوید کفت
خداوندا نجات و رستکاری از جهنم میخواهم فرمود آن برای کسی است که در شب قدر استغفار
کند کفت خداوندا رضا و خشنودی ترا میخواهم فرمود که آن برای کسی است که در شب قدر دو
رکعت نماز بکذارد و باز فرمود که کشوده میشود در شب قدر درهای آسمان پس هر که در
اینشب نمازی بکند حق تعالی عطا کند باو بهر سجده درختی در بهشت که اکر سواری صد سال
در سایه آن درخت براند آنرا قطع نکند بهر رکعتی خانه در بهشت از در و یاقوت و زبرجد
و مروارید و بهر آیه تاجی از تاجهای بهشت و بهر تسبیحی و بهر نشستنی درجه از درجهای بهشت
و بهر تشهدی غرفه از غرفهای بهشت و بهر سلامی حله از حلهای بهشت و چون صبح
طالع شود عطا فرماید باو از درختان نورسیده و کنیزکان پاکیزه و غلمان با

کوشوارهای زینت یافته واسبان بر وار کننده وزنان با حین خوشبوی و نفرهای جاری
و نعمتهای پسندیده و تحفها و هدیهای وخلعتها و کرامتهای و آنچه هرکی مردم خواهش
آن داشته باشند و پدرها از دیدن آن لذت برند و شما در بهشت مخلد باشید و بعد
اینشب را بدانید شاید دیگر نیابید وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ذا بگوش هوش خود
بکشاید و در این شب غسل مستحب مؤکداست یکمرتبه در اول شب و یکمرتبه در آخر
شب و بسند معتبر از امامزاده عبدالعظیم که امام محمد تقی علیه السلام فرمود که هر که
زیارت امام حسین علیه السلام کند در شب بیست وسیم ماه رمضان و آن شبی است
که امید هست که قدر باشد و در آن شب هر امری محکمی مفروق و مقرر میشود مصافحه
کنند با او ارواح بیست و چهار هزار پیغمبر که از حق تعالی رخصت گرفته باشند و برای زیارت
آنحضرت در آنشب آمده باشند از صادق علیه السلام بسند معتبر که چون شب قدر
میشود میان عرش ندا میکند که خدا آمرزیده هر که زیارت قبر حسین علیه السلام کرد از
موسی ابن جعفر علیه السلام بسند معتبر که سه شب است که هر که زیارت کند حسین
علیه السلام را در آن شبها گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب نصف شعبان
و شب بیست وسیم رمضان و شب عید و دیگر در این شب خواندن سورهٔ روم
و عنکبوت است از صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ روم و عنکبوت را
در شب بیست وسیم ماه رمضان بخواند والله که از اهل بهشت باشد و در این حکم
استثنا نمیکنم و نمی ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره
را نزد الله تعالی منزلت عظیم است و از صادق علیه السلام که اگر کسی در شب بیست و
سیم ماه رمضان سورهٔ انا انزلناه را هزار نوبت بخواند چون صبح کند یقین او شدید
و محکم شده باشد باعتراف نمودن بچیزی چند که مخصوص ما است از غرایب فضایل
نیست این مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید و باید که در این شب ترک

قرار

ترک نکنی دو رکعت نماز شب قدر را و همچنین صد رکعت را که قبل از این مذکور شد از
امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که شب بیست و سیم ماه رمضان را احیا کند
و در آن شب صد رکعت نماز بگذارد حق تعالی فراخ کرداند معیشت او را و کفایت کند از و
شر دشمنان او را و محافظت نماید او را از غرق و هدم و دزدان و شر درندگان و دفع
کند از و هول منکر و نکیر را و چون از قبر بیرون آید او را نوری باشد که روشنی دهد
اهل قیامت را و نامهٔ عمل او را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات نجات از
آتش جهنم و گذشتن از صراط و ایمن بودن از عذاب الهی و داخل بهشت شود بی حساب و در
بهشت از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان باشد و چنینکو رفیقانند
ایشان شیخ شهید از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در اینشب هشت
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند گشوده شود برای
او درهای آسمانهای هفتگانه و مستجاب گردد دعای او و در این شب نماز پیغمبر
صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و فاطمه و جعفر طیار علیهم السلام فضیلت بسیار
دارد و سزاوار است در این شب خواندن دعای توسل بقرآن و همچنین ادعیهٔ عامه
خصوصاً دعای سحر و دعای اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ تا آخر که قبل
از این مذکور شد و دعای هر شبه عشر آخر کند در شب بیست و یکم که نقل شد از ائمه علیهم السلام
ابن طاوس و جمعی نقل نموده اند که باید مکرر بگوئی در شب بیست و سیم خواه ایستاده
و خواه نشسته و بهر حالتی که باشی و همچنین در تمام این ماه و هر وقتی که ممکن باشد
ترا میگوئی بعد از تمجید الهی و بعد از صلوات بر نبی و آلش علیهم السلام این دعا را
اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ
الصَّلَوَاتِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَ
نَاصِراً وَدَلِيلاً وَمُؤَيِّداً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ طُولاً وعرضا

الوارثین ر

و تجعله و ذریته من الائمة الطاهرین اللهم انصره وانتصر به واجعل النصر
منك له وعلی یده واجعل النصر له والفتح علی وجهه ولا توجه الامر الی غیره
اللهم اظهر به دینك وسنة نبیك حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة
احد من الخلق اللهم انی ارغب الیك فی دولة کریمة تعز بها الاسلام و
اهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتك والقادة
الی سبیلك واتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار واجمع
لنا خیر الدارین واقض عنا جمیع ما تحب فیهما واجعل لنا فی ذلك الخیرة برحمتك
ومنك فی عافیة آمین یا رب العالمین وزدنا من فضلك ویدك الملاء فان
کل معط ینقص من ملکه وعطاؤك یزید فی ملکك ومخوان در شب بیست و
سیم این دعا را یا رب لیلة القدر وجاعلها خیرا من الف شهر ورب اللیل والنهار
والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء یا باری یا مصور یا حنان
یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله یا بدیع یا الله یا الله یا الله لك
الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلك ان تصلی علی محمد و
آل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی
علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشك
عنی وترضینی بما قسمت لی واتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا
عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرك وشکرك والرغبة الیك والانابة و
التوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام
از انحضرت مرویست که هرکه در این روز این دعا بخواند از صراط بگذرد چون
برق جهنده با پیغمبران وشهدا وصالحان دعا اینست اللهم اغسلنی فیه من
الذنوب ... من العیوب وامتحن فیه قلبی لتقوی القلوب یا مقیل

عثرات

عثرات المذنبین شب بیست وچهارم از انحضرت منقولست که هرکه در این شب هشت
رکعت نماز بگذارد بهر طریقی که خواهد چنان باشد که حج وعمره کرده باشد ودر این شب
غسل مستحب موکد است بسند معتبر از صادق علیه السلام امر فرمود مرا بغسل در شب
بیست وچهارم ماه رمضان وفرمود که چه میشود ترا که غسل کنی در دو شب گذشته واین
شب واز دعای عشر آخر این شب اینست بخوان این شب این دعا را یا فالق الاصباح وجاعل
اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا المن والطول والقوة و
الحول والفضل والانعام ذو الجلال والاکرام یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله
یا ظاهر یا باطن یا حی لا اله الا انت یا الله یا الله یا الله لك الاسماء الحسنی والامثال
العلیا والکبریاء والآلاء اسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه
اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان
تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشك عنی وترضینی بما قسمت لی و
اتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی
فیها ذکرك وشکرك والرغبة الیك والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت
له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام روز بیست وچهارم از انحضرت
مرویست که هرکه در این روز این دعا بخواند حق تعالی کرامت فرماید او را بعدد هر موی که در
جسد او باشد هزار خادم وهزار غلام مانند یاقوت ومرجان دعا اینست
اللهم انی اسئلك فیه ما یرضیك واعوذ بك فیه مما یؤذیك والتوفیق لان
اطیعك ولا اعصیك یا عالما یا جواد السائلین ودر این روز بقول بعضی امام
رضا علیه السلام از دنیا رحلت نموده شب بیست وپنجم در این شب غسل سنت موکد است
از صادق علیه السلام سوال نمود عیسی ابن راشد از غسل در ماه رمضان فرمود که پدرم در شب
نوزدهم وبیست ویکم وبیست وسیم وبیست وپنجم غسل مینمود ودعای از عشر آخر این
شب اینست یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا

یا الله یا قاهر یا الله یا جبار یا الله یا سمیع یا قریب یا مجیب یا الله یا الله یا الله

لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل

محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی

علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب

الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة و

قنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام ٥٥

[illegible] باز از آنحضرت مرویست که هرکه در این روز این دعا بخواند

بنا کند برای او در بهشت صد قصر که بر هر قصری خیمهٔ سبزی زده باشند دعا اینست

اللهم اجعل سعیی فیه مشکورا وذنبی بعفوک فیه مغفورا وعیبی بجودک

فیه مستورا یا سامع اصوات المتبهلین شب بیست وششم دعای از عشر

آخر این شب اینست یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل و

جعل آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا یا مفصل کل شیء

تفصیلا یا الله یا ماجد یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله لک

الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد

وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی

فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب

الشک وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة

وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک و

الانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه و

علیهم السلام روز بیست وششم از آنحضرت منقولست که هرکه در این روز

این دعا بخواند حق تعالی تکلم کند با او در قیامت وفرماید ای بندهٔ من مترس وانی عنک

مباش

مباش بتحقیق که آمرزیدم ترا دعا اینست اللهم اجعلنی محبا لاولیائک ومعادیا لاعدائک

مستنا بسنة خاتم انبیائک یا عاصم قلوب النبیین شب بیست وهفتم

درین شب غسل نیز مستحب مؤکد است بسند معتبر از صادق علیه السلام پرسید ابن ابی

یعفور که در کدام شب از شبهای ماه رمضان غسل کنم فرمود غسل کن در شب نوزدهم

وشب بیست ویکم وشب بیست وسیم وبیست وهفتم وشب بیست ونهم ودعای این شب

اینست یا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساکنا وجعلت الشمس فیه دلیلا ثم

قبضته قبضا یسیرا یا ذا الجود والطول والکبریاء والآلاء لا اله الا انت عالم

الغیب والشهادة الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا

مهیمن یا عزیز یا جبار یا الله یا خالق یا باری یا مصور یا الله یا الله یا الله

لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی

علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع

الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر

به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک

والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه

وعلیهم السلام [illegible] از آنحضرت که هرکه در این روز این دعا بخواند

چنان باشد که هر گرسنه را سیر کرده باشد وهر مؤمن ومؤمنه را کواهی کرده باشد

دعا اینست اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر وصیر اموری فیه من العسر

الی الیسر واقبل معاذیری وحط عنی الوزر یا رؤفا بعباده الصالحین

[illegible] دعای این شب اینست یا خالق اللیل فی الهواء و [illegible]

النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا

[illegible] یا دائم یا الله یا وارث یا باعث [illegible] یا الله یا الله یا الله

علیه مهر

لَکَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی وَالْاَمْثَالُ الْعُلْیَا وَالْکِبْرِیَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِیْ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَدَآءِ وَرُوْحِیْ
مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِیْ فِیْ عِلِّیِّیْنَ وَاِسَاۤءَتِیْ مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ لِیْ یَقِیْنًا
تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِیْ وَاِیْمَانًا یُذْهِبُ بِهِ الشَّکَّ عَنِّیْ وَتُرْضِیَنِیْ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ وَاٰتِنَا
فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیْقِ وَارْزُقْنِیْ
فِیْهَا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیْقَ لِمَا
وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ روز بیست و هشتم
ماه از انحضرت منقولست که هر که در این روز این دعا بخواند بکرداند حق تعالی او را در بهشت
نصیبی و بهره و فکر اکر نسبت دهند آنرا بدنیا چهل هزار برابر دنیا باشد دعا اینست
اَللّٰهُمَّ حَظِّیْ مِنَ النَّوَافِلِ وَاَکْرِمْنِیْ بِاِحْضَارِ الْاَحْلَامِ فِی الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ وَسِیْلَتِیْ
اِلَیْکَ مِنْ بَیْنِ الْوَسَائِلِ مَنْ لَا یَشْغَلُهٗ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّیْنَ شب بیست و نهم
در این شب غسل مستحب مؤکد است و دعای این شب اینست یَا مُوَلِّجَ اللَّیْلِ عَلَی
النَّهَارِ وَمُکَوِّرَ النَّهَارِ عَلَی اللَّیْلِ یَا عَلِیْمُ یَا حَلِیْمُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَسَیِّدَ السَّادَاتِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ یَا اَقْرَبَ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیْدِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ لَکَ الْاَسْمَآءُ
الْحُسْنٰی وَالْاَمْثَالُ الْعُلْیَا وَالْکِبْرِیَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِیْ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَدَآءِ وَرُوْحِیْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَ
اِحْسَانِیْ فِیْ عِلِّیِّیْنَ وَاِسَاۤءَتِیْ مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ لِیْ یَقِیْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِیْ
وَاِیْمَانًا یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّیْ وَتُرْضِیَنِیْ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ وَاٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ
فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیْقِ وَارْزُقْنِیْ فِیْهَا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ
وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیْقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا
وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ روز بیست و نهم از انحضرت مرویست
که هر که در این روز این دعا بخواند بکرداند حق تعالی برای او در بهشت هزار شهر از

ونیم

از طلا و نقره و زبرجد و مروارید دعا اینست اَللّٰهُمَّ غَشِّنِیْ فِیْهِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِیْ فِیْهِ التَّوْفِیْقَ
وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِیْ مِنْ غَیَابَاتِ التُّهْمَةِ یَا رَحِیْمًا بِعِبَادِهِ الْمُذْنِبِیْنَ در این
شب زیارت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و دعای اینشب اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
لَا شَرِیْکَ لَهٗ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کَمَا یَنْبَغِیْ لِکَرَمِ وَجْهِهٖ وَعِزِّ جَلَالِهٖ وَکَمَا هُوَ اَهْلُهٗ یَا قُدُّوْسُ یَا نُوْرَ الْقُدْسِ
یَا سُبُّوْحُ یَا مُنْتَهَی التَّسْبِیْحِ یَا رَحْمٰنُ یَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ یَا اَللّٰهُ یَا عَلِیْمُ یَا کَبِیْرُ یَا اَللّٰهُ یَا لَطِیْفُ یَا
جَلِیْلُ یَا اَللّٰهُ یَا سَمِیْعُ یَا بَصِیْرُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ لَکَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی وَالْاَمْثَالُ الْعُلْیَا
وَالْکِبْرِیَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِیْ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ
فِی السُّعَدَآءِ وَرُوْحِیْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِیْ فِیْ عِلِّیِّیْنَ وَاِسَاۤءَتِیْ مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ
لِیْ یَقِیْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِیْ وَاِیْمَانًا یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّیْ وَتُرْضِیَنِیْ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ وَاٰتِنَا فِی الدُّنْیَا
حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیْقِ وَارْزُقْنِیْ فِیْهَا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ
وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِیْقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ
عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بدانکه در اینشب وداع ماه مبارک رمضانرا مانند وداع کسی کنی از محبوب
و معشوق خود جدا شود و از مفارقت او بسی مهموم و مغموم باشد شیخ طبرسی در احتجاج
و شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت کرده اند از حضرت صاحب الامر علیه السلام که آنحضرت ع
نوشته بودند در جواب مسایل محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری چون سوال کرده بود که وداع
ماه رمضان در چه وقت واقع میشود بدرستی که اصحاب ما در این باب اختلاف نموده اند بعضی میکویند
در شب آخر وداع کرده میشود و بعضی میکویند که در روز آخر ماه رمضان آنحضرت در جواب
توقیع فرموده بودند که عمل در ماه رمضان در شبهای آن می باشد و وداع در شب آخر واقع میشود
و نوشته بودند که بترسند که ماه ناقص باشد در دو شب وداع کنند بدانکه ادعیه وداع ماه
رمضان بسیار است و از انجمله دعای امام زین العابدین علیه السلام که در صحیفه کامله است
و در بعضی از کتب معتبره حدیث از ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام و ابن عوده

طبرسی ره

که هر که در شب آخر ماه رمضان وداع کند و بگوید این دعا را اللّٰهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ
مِن صِیامی لِشَهرِ رَمَضانَ وَاَعوذُ اَن یَطلُعَ فَجرُ هٰذِهِ اللَّیلَةِ اِلّا وَقَد غَفَرتَ لی حق تعالی
بیامرزد او را پیش از آنکه صبح شود آن شب و او را توبه و انابه روزی کرده اند و بسند معتبر
از صادق علیه السلام مرویست که چون ماه رمضان داخل میشد علی بن الحسین علیه السلام غلامان
و کنیزان خود را نمیزد و چون تقصیری میکردند که مستوجب ضرب و تادیب میشدند او را
تادیب نمی نمود و می نوشت که فلان این گناه کرده و نوشتها را ضبط میکرد و چون شب آخر ماه
رمضان میشد همگی ایشان را بنزد خود میطلبید و نوشتها را با ایشان می نمود و میفرمود ای
فلان تو چنین و چنان کردهٔ و من ترا ادب نکردم آیا بیاد تو هست پس او میگفت بلی و
همچنین یک یک ایشان را چنین میفرمود و اعتراف بتقصیرات خود می نمودند پس آنحضرت
در میان ایشان می ایستاد و میفرمود که با آواز بلند بگوئید که ای علی بن الحسین بدرستی که
پروردگار مالک تو احصا کرده بر تو آنچه کرده چنانچه تو احصا کردهٔ بر ما آنچه کرده ایم و نزد
پروردگار تو نامه ایست که ناطق است بر تو بحق و هیچ صغیره و کبیره نیست که از کردهای
تو مگر آنکه احصا نموده نزد خداوند خود حاضر می یابی چنانچه ما کرده ایم نزد تو حاضر
مییابیم پس عفو کن و درگذر چنانچه از پروردگار خود امید عفو داری و چنانچه
میخواهی که از تو عفو کند پس از ما عفو کن تا آنکه بیابی خداوند مالک خود را عفو کننده و
رحم کننده و آمرزنده ای علی بن الحسین بیاد آور خواری و ذلت مقام خود را در برابر حاکم
عادل تو که بقدر خردله ظلم نمیکند و هر که هر چه کرده در قیامت حاضر میکرداند و حساب
میکند و شاهد و گواهی است بر آنها و بس است او برای حساب خلایق و گواه بودن بر کردهای
ایشان پس عفو کن و درگذر ای علی بن الحسین تا عفو کند و درگذرد از تو مالک تو بدرستی که
پروردگار تو میفرماید که وَلیَعفُوا وَلیَصفَحُوا اَلا تُحِبّونَ اَن یَغفِرَ اللهُ لَکُم باید که
عفو کنید و درگذرید آیا دوست نمیدارید که خدا بیامرزد شما را و آنحضرت با آواز بلند تلقین

تلقین

تلقین ایشان میفرمود و ایشان با آواز بلند میگفتند و خود در میان ایشان ایستاده و میگریست
و نوحه میکرد و میفرمود کلماتی چند که مضمونش اینست که خداوندا امر فرمودهٔ ما را که عفو کنیم
و درگذریم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی که تو
بعفو کردن اولی از مایی و از جماعتی که ایشان را امر کردهٔ بعفو خداوندا امر فرمودهٔ ما را که رد
نکنیم سائلی را از در خانهٔ خود و بدرستی که ما گروهیم از سؤال کننده و مسکین و بیچاره و بر درگاه تو
ایستاده ایم و در ساحت کرم تو فرود آمده و طلب میکنیم از تو احسان تو را و کرم و عطا ترا پس عطا کن
و نومید مگردان ما را بدرستی که تو اولایی بعطا کردن و نومید نکردانیدن سائلان خداوندا تو
کرم کردهٔ پس کرامی کن مرا چون از سؤال کنندگان توام و پیوسته احسان و نیکی کردهٔ پس مرا داخل کن
در گروهی که بایشان عطا کردهٔ ای خداوند کریم پس رو بایشان میکرد و میفرمود که من از شما عفو کردم
آیا شما عفو کردید از من و درگذشتید از بدی که بشما کرده ام بدرستی که من بد ظالمی مالک بوده ام
برای شما و مالک من کریم و بخشاینده و عادل و نیکوکار و صاحب تفضل است پس ایشان همگی میگفتند
که عفو کردیم از تو ای سید ما و هرگز بدی نکردی نسبت بما پس میفرمود که بگوئید خداوندا عفو کن
از علی بن الحسین چنانچه عفو کرد از ما آزاد کردان او را از آتش دوزخ چنانچه ما را از بندگی آزاد کرد و
چون ایشان میگفتند خود آمین میفرمود پس ایشان را آزاد میکرد و میفرمود که بروید که عفو کردم
از شما و آزاد کردم شما را با امید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من و آزاد کرداند مرا از آتش جهنم و چون
روز عید فطر میشد جایزهای بسیار بایشان عطا میفرمود آنقدر که غنی میشدند و بدرستی که هیچ
سالی نبود مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان در وقت افطار هفتاد هزار هزار بیست بنده یا بیشتر یا
کمتر آزاد میکرد و میفرمود که الله تعالی در هر شب از ماه رمضان در وقت افطار هفتاد هزار هزار کس را که
مستوجب جهنم شده باشند از آتش جهنم آزاد میکرداند چون شب آخر میشود مثل آنچه در تمام آن
ماه آزاد کرده از آتش جهنم آزاد میکرداند و بدرستی که من میخواهم که حق تعالی ببیند مرا که در دنیا
چند بنده آزاد کرده ام شاید که مرا از آتش جهنم آزاد کرداند [illegible] از رسول خدا صلی الله علیه و آله

مرویست که هر که در این روز این دعا را بخواند گرامی کند الله تعالی او را مانند گرامی که بر پیغمبران
کرده باشد دعا اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیامی بِالشُّکْرِ وَ الْقَبُولِ عَلیٰ ما تَرْضاهُ وَیَرْضاهُ بالاصول
الرَّسُولُ مُحْکَمَةً فُرُوعُهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْاَخْیارِ الْاَبْرارِ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ بدانکه احادیث بسیار وارد شده که هر که در این ماه آمرزیده
نشد دیگر آمرزیده نمیشود مگر آنکه در موقف عرفه حاضر شود و در آنجا آمرزیده شود و در حدیث
دیگر وارد شده که شقی و بدبخت کسی است که در اینماه آمرزیده نشود بسند معتبر از جابر که گفت
داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمعهٔ آخر ماه رمضان پس چون آنحضرت مرا دید
فرمود که ای جابر اینک جمعهٔ آخر ماه رمضان است پس وداع کن اینماه را باین قسم و بگو این
دعا را اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً
وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُوماً بدرستی که هر که این دعا را بخواند ظفر یابد بیکی از دو امر خیر یا برسیدن ماه
آیندهٔ رمضان المبارک و یا برسیدن بآمرزش و رحمت خدای عز و جل الکتب للحفظ و حفظ
المتاع فی جمعة آخر شهر رمضان بین الصلوتین بسم الله الرحمن الرحیم لا آلاء الا آلاؤک یا الله
محیطٌ به علمک کهیعص و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین
فالله خیرٌ حافظاً و هو ارحم الراحمین ابا تراب ابا تراب ابا تراب ✡ ااآم ▯ اااااه ه
نوع آخر ح ااآم ▯ ح ه اااا نوع آخر منقول عن العلامة شمس الدین محمد بن مکی لا آلاء الا آلاؤک
یا الله محیط به علمک کهیعص و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین
حرز لمولانا و سیدنا امیر المؤمنین علیه افضل الصلوات ✡ ااآم ▯ اااااه ه نوع آخر
ه ااآم ▯ اااااه ه نوع آخر یکتب بخط الصالح العابد فی الجمعة الاخیرة من شهر رمضان للحفظ
والحفاظ باذن الله تعالی ولو ان قرآناً سُیِّرَتْ بِهِ الجِبالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتیٰ
بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمیعاً ه ااآم ▯ اااااه ه نوع آخر و لو ان قرآناً سیرت به الجبال الخ ه ااآم ▯
اااااه ه وجد مسطوراً منسوباً الی الائمة علیهم و الرجال الثقات اذا کان آخر جمعة فی شهر رمضان فاجلس تجاه الشمس فاذا

صفر

صارت بین الحاجبین فاکتب لا آلاء الا آلاؤک کهیعص ثم اکتب و بالحق انزلناه
و بالحق نزل و ذکر ان ذلک نفعاً عظیماً فی حفظ المال و ما یوضع فیه علی کل حال و انه قد
اختص بفضایل غریبةٍ و اقاصیص عجیبةٍ و لقد جربته لو أیته للصداع لو کتب هذه
الکلمات فی آخر جمعة من شهر رمضان من اول الصبح الی قبل الغروب و یعلق علی الرأس یبرء
باذن الله تعالی فینبغی ان یکتب الی قدر الف رقعة و یحفظ لینفع المؤمنین فی السنة و هی هذه
بسم الله الرحمن الرحیم کم لله من نعمةٍ علی عبد شاکر و غیر شاکرٍ فی عرق ضارب و ساکن
اسکن ایها الوجع کما سکن عرش الرحمن و یسکن ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم
نوع آخر یکتب بخط الصالح العابد فی الجمعة الاخیرة من شهر رمضان للحفظ و الحفاظة باذن الله
تعالی بسم الله الرحمن الرحیم لا آلاء الا آلاؤک یا الله محیطٌ به علمک کهیعص و بالحق انزلناه
و بالحق نزل و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین بحمعسق تو جر حیث شئت فانک منصور ابا
تراب ابا تراب ابا تراب الله محمد علی فاطمه حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن الحجة
جبرئیل میکائیل اسرافیل عزرائیل وَلَوْ اَنَّ قُرْآناً سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ
کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتیٰ بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمیعاً ه ااآم ▯ ه ه هههههه ۶۶۶۶۶۶۶۶۶ و هم صم
شرح دعای جوشن کبیر چون حدیثی در باب جوشن کبیر بنظر این قاصر رسید و اما جناب
المرحوم المغفور حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول اعنی مهبط فیوضات لا
ریبی مجتهد الزمانی مولانا محمد باقر خراسانی طاب ثراه و حسن مثواه در کتاب دعای که تألیف نموده
در شرح جوشن کبیر از سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام نقل نموده که این
دعائیست بلند مرتبت رفیع منزلت روایت کرده آنرا امام زین العابدین از پدر خود و جد خود
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقلست که آنحضرت در بعضی جنگها جوشنی گران بوده شنیده
و از گرانی الم بر جسد شریف آنحضرت میرسید در این اثنا جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت
یا محمد پروردگار تو ترا سلام میرساند و میفرماید که این جوشن بیرون کن و این دعا را

بخوان که این دعا امانتست جهة تو وجمیع امت تو پس هر که بخواند این دعا را در وقت بیرون
رفتن از منزل خود یا با خود دارد این دعا را حفظ کند الله تعالی او را و او لازم کرداند حق او را
بر خود و توفیق دهد او را بکارهای نیکو و چون کسی باشد که چهار کتاب آسمانی را خوانده
و با و دهند بهر حرفی ازین دعا دو درجه در بهشت و دو خانه از خانهای بهشت و با و دهند
ثواب ابراهیم و موسی و عیسی و ثواب طایفهٔ از بندگان خدا که در پشت مغرب می باشند
بلادی واسع که سیر آفتاب دران بلاد بقدر چهل روز است و عبادت خدا میکنند و بقدر
یك چشم زدن خلاف امر او نمیکنند و باره پاره شده پوستهای ایشان از بسکه گریسته اند
از ترس خدا عز و جل و ثواب هفتاد هزار فرشته که داخل میشوند هر روز بر بیت المعمور
و بیرون میروند و تا قیامت عود نمیکنند و ثواب مؤمنین و مؤمنات از ان وقتی که
خدای تعالی ایشانرا آفریده تا روز قیامت و در هر خانهٔ که این دعا در واست دزد در انخانه
کاری نسازد و آتش در انخانه نه افتد و هر که این دعا بخواند پس بمیرد حکم شهید دارد که تو شته
شود برای او ثواب شهیدی از شهیدان بدر و خدای تعالی با و نظر لطف کند و حاجتهای
دو جهانی او را بر آرد و هر که هفتاد مرتبه این دعا را بخواند به نیت خالص بهر مرضی که باشد خواه
جنون و خواه جذام و خواه برص شفا یابد بدان مرض باذن خدای تعالی و هر که این دعا را بر کفن
خود نویسد شرم کند الله تعالی از انکه عذاب کند او را با تش دوزخ و این دعا نوشته شده
بر قایمهای عرش پیش از خلق دنیا به پنجاه هزار سال هر که این دعا را به نیت خالص در اول ماه رمضان
بخواند خدای تعالی شب قدر را روزی او کرداند و بیافریند جهت او هفتاد هزار فرشته که
تسبیح و تقدیس خدا کنند و بگردانند ثواب ایشانرا جهت او و بفرستد خدای تعالی جهت او وقت
بیرون آمدن از قبر هفتاد هزار فرشته با هر فرشته شتری نیکوتر از نور که شکم او از مروارید
و پشت او از زبرجد و دست و پای او از یاقوت بر پشت هر شتری قبه باشد از نور
که او را چهار در باشد از هر دری پرده از سندس و استبرق بهشت آویخته و در هر قبهٔ هزار

تعالی
کنیز و بر هر کنیزی تاجی از طلا و از ان کنیزان بمشام رسد بوی مشك پس بفرستد خدای
باشد
بسوی او بعد از ان هفتاد هزار فرشته که با هر فرشته جامی از مروارید سفید که در ان
مشروبی از مشروبات بهشت و نوشته باشد بر هر جامی لا اله الا الله وحده لا شریك له
این هدیه ایست از خدای عز و جل بجهة فلان ابن فلان و ندا کنند او را خدای تعالی که ای بنده
من داخل بهشت شو بی حساب و هر که بخواند این دعا را در ماه رمضان سه مرتبه حرام کرداند
الله تعالی جسد او را بر آتش و واجب کرداند برای او بهشت را و موکل کرداند جهت او دو
فرشته که نگاه دارند او را از گناهان و در امان خدا باشد در تمام العمر و ای محمد تعلیم مکن
این دعا را مگر بمؤمن پرهیزکار و از امام حسین علیه السلام مرویست که آنحضرت
فرمود که وصیت کرد بمن پدرم علی علیه السلام بانکه حفظ کنم این دعا را و تعظیم او
نمایم و بنویسم آنرا بر کفن آنحضرت و تعلیم کنم باهل خود و ترغیب کنم ایشانرا باین دعا
و این هزار اسم است و در واست اسم اعظم و این صد فصل است هر فصل مشتمل بر ده اسم
و در آخر هر فصل باید خواند که سبحانك یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من
النار یا رب

بسم الله الرحمن الرحیم

اجابة دفع بلاها

اللهم انی اسئلك باسمك یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم
یا علیم یا حلیم یا حکیم یا سید السادات یا مجیب الدعوات
یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسئلات یا قابل
التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات
یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر
الرازقین یا خیر الوارثین یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین
یا خیر المحسنین یا من له العزة والجمال یا من له القدرة و
الکمال یا من له الملك والجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب الثقال

يا من هو شديد المحال يا من هو سريع الحساب يا من هو شديد العقاب يا من هو
عنده حسن الثواب يا من هو عنده ام الكتاب ف ٥ اللهم اني اسالك
باسمك يا حنان يا منان يا ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان يا غفران يا
سبحان يا مستعان يا ذا المن والبيان ف ٦ يا من تواضع كل شيء لعظمته
يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء
لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال من مخافته يا
من قامت السموات بامره يا من استقرت الارضون باذنه يا من يسبح الرعد بحمده
يا من لا يعتدي على اهل مملكته ف ٧ يا غافر الخطايا يا كاشف
البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي
المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى ف ٨
يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد و
الوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز
والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء ف ٩ اللهم اني اسالك
باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع
يا موسع ف ١٠ يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل
مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا
راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود
ف ١١ يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا
صاحبي عند غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا
غناي عند افتقاري يا ملجأي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي ف ١٢
يا علام الغيوب يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب

يا

يا طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم
١٣ ابجهة آمرزش عصيان اللهم اني اسالك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل
يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا مجيل يا دليل [illegible] المتحيرين يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون
المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة
المضطرين ١٥ ابجهة ايمن بودن از هول منكر و نكير يا ذا الجود والاحسان يا ذا الفضل و
الامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان يا ذا
الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرأفة و
المستعان يا ذا العفو والغفران ١٦ ابجهة كناه كاره و نجاة يافتن يا من هو رب كل شيء يا
من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء يا من هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء
يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم بكل شيء يا من هو قادر على
كل شيء يا من هو يبقى ويفنى كل شيء [illegible] اللهم اني اسالك باسمك
يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن
[illegible] يا مقسم يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا
من هو في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو
بمن عصاه حليم يا من هو لمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو في
حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم [illegible] يا من لا يرجى الا فضله
يا من لا يسئل الا عفوه يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم
الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت كل شيء رحمته غضبه يا من
احاط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله [illegible] يا فارج الهم
يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق الوعد يا موفي

العهد

يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق الانام ٢١ اللهم انى اسئلك
باسمك يا على يا وفى يا غنى يا ملى يا حفى يا رضى يا زكى يا بدى يا قوى يا
ولى ٢٢ يا من اظهر الجميل يا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ
بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى
٢٣ يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة
السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة يا
ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة
٢٤ يا بديع السموات والارض يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات
يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيى الاموات يا منزل الايات يا مضعف
الحسنات يا ماحى السيئات يا شديد النقمات ٢٥ اللهم انى
اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا
منذر يا مقدم يا مؤخر يا رب البيت الحرام يا رب الشهر
الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد
الحرام يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب
القدرة فى الانام يا احكم الحاكمين
يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين يا احسن
الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين
يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين يا
عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من
لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له

يا معين

١٤٩

يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له
اللهم انى اسئلك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم
يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط يا ناعم يا عاصم
يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره
يا ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد
من استرشده يا صريخ من استصرخه يا حافظ من استحفظه معين من استعانه
يا مغيث من استغاثه يا عزيزا لا يضام يا قيوما لا
ينام يا لطيفا لا يرام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا
لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف
اللهم انى اسئلك باسمك يا احد يا واحد يا شاهد
يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع
يا اعظم من كل عظيم يا اكرم من كل كريم يا ارحم
من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم
يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل جليل — يا اعز من كل عزيز
يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم الفضل
يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب يا كاشف الضر يا مالك الملك
يا قاضى الحق يا من هو فى عهده وفى يا من هو فى وفائه قوى
يا من هو فى قوته على يا من هو فى علوه قريب يا من هو فى قربه لطيف يا من
هو فى لطفه شريف يا من هو فى شرفه عزيز يا من هو فى عزه عظيم يا من هو
فى عظمته مجيد يا من هو فى مجده حميد اللهم انى
اسئلك باسمك يا كافى يا شافى يا وافى يا معافى يا هادى يا داعى يا قاضى يا راضى
يا عالى يا باقى يا من كل شىء خاضع له يا من كل شىء خاشع له يا من

كل شيء كائن له يا من كل شيء موجود به يا من كل شيء منيب اليه يا من كل
شيء خائف منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء صائر اليه يا من كل شيء
يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا وجهه ٤٣ بجهت امان یافتن از آفات يا من لا
مفزع الا اليه يا من لا مفر الا اليه يا من لا يستعان الا به يا من لا مقصد
الا اليه يا من لا منجى منه الا اليه يا من لا يرغب الا اليه يا من لا حول و لا
قوة الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى الا هو يا من لا يعبد الا اياه
٤٤ بجهت یافتن از بلیات يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين
يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين يا خير المشكورين يا خير
المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستأنسين ٤٥ بجهت ایمن بودن از بلاها و ترس
اللهم اني اسئلك باسمك يا غافر يا ساتر يا قاهر يا قادر يا فاطر يا كاسر
يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر ٤٦ بجهت دفع باد و سموم يا من خلق فسوى يا من قدر
فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي
الهلكى يا من يشفي المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات واحيا يا من خلق
الزوجين الذكر والانثى ٤٧ بجهت دفع ترسیدن در روز از آفات يا من في البر و
البحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الممات
قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيمة ملكه يا من في الحساب
هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه
٤٨ بجهت ترسیدن در شب يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع
المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من
اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون
يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه
يتوكل المتوكلون ٤٩ بجهت دفع درد لب اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا

طبيب

١٥٠

يا مهيب

طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا منيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير
٥٠ بجهت دفع ترسیدن در خواب و لرزیدن يا اقرب من كل قريب يا احب من كل
حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف يا
ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل
جواد يا ارأف من كل رؤف ٥١ بجهت دفع ام الصبيان يا غالبا غير مغلوب يا صانعا
غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا
رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير
غائب يا قريبا غير بعيد ٥٢ بجهت دفع صرع وغيره يا نور النور يا منور النور
يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا قبل كل نور
يا نورا بعد كل نور يا نورا ليس كمثله نور ٥٣ بجهت ترد در كار [illegible] يا من
عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم
يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل
يا من ذكره حلو يا من فضله عميم ٥٤ بجهت دفع قولنج اللهم اني اسئلك باسمك
يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا
ممهل يا مجمل ٥٥ بجهت دفع خفقان يا من يرى ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا ٥٠
من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسأل ولا يسأل يا من يطعم ولا يطعم
يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ٥٦ بجهت دفع درد [illegible] يا نعم الحسيب ٥١
يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا — يا نعم الكفيل صح
نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم النصير ٥٧ بجهت دفع دندان درد يا سرور العارفين ٥٢
يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء

المذنبین یا قرة عین العابدین یا منفس عن المکروبین یا مفرج عن المغمومین
۵۳ یا اله الاولین والآخرین نج بجهة جمع حلق و ابرو و دفع سلاح دشمن و دفع عقرب اللهم
انی اسألك باسمك یا ربنا یا الهنا یا سیدنا یا مولانا یا ناصرنا یا حافظنا یا دلیلنا
۵۴ یا معیننا یا حبیبنا یا طبیبنا ند بجهة دفع شب کوری یا رب النبیین والابرار یا رب (margin: یا معینا)
الصدیقین والاخیار یا رب الجنة والنار یا رب الصغار والکبار یا رب الحبوب
والثمار یا رب الانهار والاشجار یا رب الصحاری والقفار یا رب البراری و
۵۵ البحار یا رب اللیل والنهار یا رب الاعلان والاسرار نه بجهة دفع درد پهلو و درد سینه
یا من نفذ فی کل شیء امره یا من لحق بکل شیء علمه یا من بلغت الی کل شیء قدرته
یا من لا تحصی العباد نعمه یا من لا تبلغ الخلائق شکره یا من لا تدرك الافهام جلاله
یا من لا تنال الاوهام کنهه یا من العظمة والکبریاء رداؤه یا من لا یرد العباد
۵۶ قضاءه یا من لا ملك الا ملکه یا من لا عطاء الا عطاؤه نو بجهة دفع باد و درد شکم
یا من له المثل الاعلی یا من له الصفات العلیا یا من له الآخرة والاولی یا من له
الجنة المأوی یا من له الآیات الکبری یا من له الاسماء الحسنی یا من له الحکم
والقضاء یا من له الهواء والفضاء یا من له العرش والثری یا من له السموات
۵۷ العلی نز بجهة دفع درد ابرو و درد رو و دفع رعاف اللهم انی اسألك باسمك یا عفو
یا غفور یا شکور یا صبور یا رؤف یا عطوف یا مسئول یا ودود یا سبوح یا
۵۸ قدوس نح بجهة دفع باد یا من فی السماء عظمته یا من فی الارض آیاته یا من فی
کل شیء دلائله یا من فی البحار عجائبه یا من فی الجبال خزائنه یا من یبدء الخلق
ثم یعیده یا من الیه یرجع الامر کله یا من اظهر فی کل شیء لطفه یا من احسن کل
۵۹ شیء خلقه یا من تصرف فی الخلائق قدرته نط بجهة دفع درد شکم یا حبیب من
لا حبیب له یا طبیب من لا طبیب له یا مجیب من لا مجیب له یا شفیق من لا شفیق له

یا رفیق

یا رفیق من لا رفیق له یا مغیث من لا مغیث له یا دلیل من لا دلیل له یا انیس
من لا انیس له یا راحم من لا راحم له یا صاحب من لا صاحب له س بجهة
۶۰ دوستی کردن یا کافی من استکفاه یا هادی من استهداه یا کالی من استکلاه
یا راعی من استرعاه یا شافی من استشفاه یا قاضی من استقضاه یا مغنی من
۶۱ استغناه یا موفی من استوفاه یا مقوی من استقواه یا ولی من استولاه سا
بجهة دفع درد دست اللهم انی اسألك باسمك یا خالق یا رازق یا ناطق یا صادق بلغ
یا فالق یا فارق یا فاتق یا راتق یا سابق یا سامق سبحانك یا لا اله الا انت الغوث
۶۲ الغوث خلصنا من النار یا رب سب بجهة دفع درد کمر یا من یقلب اللیل والنهار
یا من جعل الظلمات والانوار یا من خلق الظل والحرور یا من سخر الشمس و
القمر یا من قدر الخیر والشر یا من خلق الموت والحیوة یا من له الخلق و
الامر یا من لم یتخذ ولدا یا من لیس له شریك فی الملك یا من لم یکن له ولی
۶۳ من الذل سج بجهة تجارت کردن یا من یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر الصامتین
یا من یسمع انین الواهنین یا من یری بکاء الخائفین یا من یملك حوائج السائلین
یا من یقبل عذر التائبین یا من لا یصلح اعمال المفسدین یا من لا یضیع اجر
۶۴ المحسنین یا من لا یبعد عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین سد بجهة دفع درد
شقیقه یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع
السماء یا حسن البلاء یا جمیل الثناء یا قدیم السناء یا کثیر الوفاء یا شریف
۶۵ الجزاء سه بجهة دفع درد چشم اللهم انی اسألك باسمك یا ستار یا غفار یا قهار
یا جبار یا صبار یا بار یا مختار یا فتاح یا نفاح یا مرتاح سبحانك یا لا اله الا انت
۶۶ الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب سو بجهة طلب فرزند یا من خلقنی وسوانی
یا من رزقنی وربانی یا من اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی یا من عصمنی

وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من أعزني وأغناني يا من وفقني وهداني يا من
آنسني وآواني يا من أماتني وأحياني سز بجهة روشنائى چشم يا من يحق الحق ٤٧
بكلماته يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من
لا تنفع الشفاعة إلا بإذنه يا من هو أعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا معقب
لحكمه يا من لا راد لقضائه يا من انقاد كل شيء لأمره يا من السموات مطويات
بيمينه يا من يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته سح بجهة دفع شبكورى يا من جعل ٨٧ يا من جعل الارض مهادا
الجبال أوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل
لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء
يا من جعل الأشياء أزواجا يا من جعل النار مرصادا سط بجهة روشنائى چشم ٩٧
اللهم إني أسألك باسمك يا سميع يا شفيع يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا
كبير يا قدير يا خبير يا مجير سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا
من النار يا رب ع بجهة دفع قولنج يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي ن
ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا يحتاج إلى حي يا حي الذي
يميت كل حي يا حي الذي يرزق كل حي يا حيا لم يرث الحياة من حي يا حي
الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تأخذه سنة ولا نوم عا بجهة دفع درد ست ١٧
يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له نعم لا تعد يا من له
ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيف يا من له كمال
لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له نعوت ٢ ن
لا تغير عب بجهة دفع درد حلق يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية
الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا
من يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو

أعلم

١٥٢

يا مس

اعلم بالمهتدين عج اللهم إني أسألك باسمك يا شفيق يا ٣٧
رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد
سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب عد بجهة دفع درد ٤٧
كوش يا من هو أحد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا
من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من
هو عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو ٥٧
موصوف بلا شبيه عه بجهة دفع درد گردن يا من ذكره شرف للذاكرين يا
من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة
للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان
برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين ٦٧
والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين عو بجهة دفع درد شانه و دوش
يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا إله غيره يا من جل ثناؤه يا
من تقدست أسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء ٧٧
رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه عز بجهة دفع درد شقيقه
اللهم إني أسألك باسمك يا معين يا أمين يا مبين يا متين يا مكين يا
رشيد يا حميد يا مجيد سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا شديد يا شهيد
يا رب عح بجهة دفع درد دندان يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا ٨٧
الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي
الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على
كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد عط بجهة دفع درد دل يا من ٩٧
لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير